تفسیر قرآن مهر

نگارش: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

ویژه جوانان

جلد ۲۱

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یک

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور : تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی‌اصفهانی ، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر : قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳- مشخصات ظاهری : ج. شابک : (ج.۱۲) ؛ ۵۳۰۰۰ ریال یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد هجدهم۱۳۸۸. یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : The mehr commentary on the holy Quran. یادداشت : ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴ ،۱۷ ،۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت : عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت : کتابنامه. مندرجات : ج.۲۱. سوره‌های جمعه منافقون، تغابن، طلاق... انسان و مرسلات. عنوان روی جلد : تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره : BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ی رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری‌ها

یادآوری‌ها: تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیهٔ‌اللَّه معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق‌کنندگان وحامیان: حججاسلام قمی، دکترکلانتری، دکترعلی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های تربیتی آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل‌بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن- روائی- عقلی- اجتهادی- علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیهٔ اللَّه معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹ بسم اللَّه الرحمن الرحیم وصلی اللَّه علی محمد و آله الطاهرین «۱» وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲» ؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکّر کنند.

درآمد

درآمد: قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰ قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۱» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۲» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۳» نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱ این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجهٔ ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن‌پژوه و مفسر سترگ حضرت آیهٔ اللَّه محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظرعلمی این اثر بودند و مرحوم استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلای محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی، نصرت اللَّه نیکزاد و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲ قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن‌پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصراللَّه سلیمانی، نعمت اللَّه صباغی، جواد و اکبر رحمتی، محمد رضایی، اکبر جعفری و یداللَّه رضانژاد سپاس گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد للَّه‌رب العالمین قم- ۲۵/ ۱۲/ ۱۳۸۷ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳

بخش اول: سوره‌ی جمعه

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «جُمُعه» در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۱ آیه، ۱۸۰ کلمه و ۷۲۰ حرف است.

سوره‌ی جُمُعُه صـد و هشـتمین سوره در ترتیب نزول (بعـد از سوره‌ی «تحریم» و قبل از سوره‌ی «تغابن») و شـست و دومین سوره در چینش کنونی قرآن کریم است. تنها نام این سوره «جُمُعه» است که از آیه‌ی نهم این سوره گرفته شده و اهمیت و عظمت نماز جمعه را بیان می کند.

فضیلت

فضـیلت: از امـام صادق علیه السـلام حکایت شـده که: «بر شـیعیان لازم است که در شب جمعه، سوره‌ی «جمعه» و «اعلی» و در نماز ظهر (جمعه)، سوره‌ی «جمعه» و «منافقین» را قرائت کننـد و این عمل پیامبر صـلی الله علیه و آله بود و ثواب و پاداش آن بر خداسـت که بهشت عنایت کنـد.» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در آن تدبّر و تفکر کنند و به محتوای آن عمـل نماینـد. ویژگی: در این سوره فرمـان نماز جمعه برای مسـلمانان صادر شـده است. تفسـیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۲۶ اهـداف: هـدف‌های اساسـی این سوره عبارت‌اند از: ۱. بیـان اهـداف بعثت پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله؛ ۲. بیان دستور نماز جمعه و ایجاد سازمان سیاسی، اجتماعی، عبادی و آگاهی‌بخشی برای مسلمانان.

ویژگی

ویژگی: در این سوره فرمان نماز جمعه برای مسلمانان صادر شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶

اهداف

اهداف: محوری‌ترین هدف این سوره تبیین مسئله‌ی معاد است.

مطالب

مطـالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌انـد از: الف) عقایـد: ۱. تسبیـح عمومی موجودات و توصـیف خدا (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. بیان هدف بعثت پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله از نظر تعلیم و تربیت (در آیه‌ی ۲). ب) اخلاق: ۱. طرح بحث تزکیه‌ی نفس به عنوان هـدف پیـامبر اسـلام صـلی الله علیـه و آله (در آیه‌ی ۲)؛ ۲. سـرزنش کسـانی که کتاب‌های آسـمانی را می‌خواننـد ولی بـدان عمل نمی‌کنند (در آیه‌ی ۵). ج) احکام: دسـتور مهم نماز جمعه و تعطیل کار و کسب برای شـرکت در نماز جمعه (در آیات ۹– ۱۱). د) داستان: اشاره‌ای به قوم یهود که به تورات عمل نمی‌کنند (در آیات ۵ و ۶). ه) مطالب فرعی: ۱. هشدار در مورد مثال بد کسانی که به کتاب‌های آسمانی عمل نمی‌کنند (در آیه‌ی ۵)؛ ۲. بیان قانون عمومی مرگ که دریچه‌ای به عالم بقاست (در آیه‌ی ۸)؛ ۳. اشاره به امّی و بی سواد بودن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷

دوم

دوم: محتـوای سـوره‌ی جمعه قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی جمعه بـا اشـاره به چهـار نـام و صـفت نیکوی الهی، به تسبیـح گویی موجودات برای او اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱. یُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِی السَّماوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ الْعَزِیزِ الْحَکِیم» آنچه در آسـمان‌ها و آنچه در زمین است تسبیـح می گوینـد برای خـدا که فرمان‌روا، کاملًا پاک (از هر عیب و نقص و) شـکست‌ناپذیرِ فرزانه است. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. مقصـود از تسبیـح همه‌ی موجـودات، آسـمان‌ها و زمین چیست؟ در این مـورد ذیـل آیه‌ی اول سـوره‌ی حدید توضیح دادیم. ۲. واژه‌ی «ملک» شامل قدرت و سـرپرستی، یعنی حکومت و مالکیت می شود «۱» و مقصود از مالکیت خدا و

حکومت او بر جهان، مالکیت و حکومت اعتباری و قراردادی نیست بلکه مالکیت و حکومت او حقیقی و تکوینی است؛ یعنی خدا بر همه چیز احاطه دارد و همه چیز را خلق کرده است، پس حقیقتاً مالک و حاکم بر همه چیز است و همه تحت فرمان او هستند. ۳. «حکیم» در اصل به معنای منع چیزی برای اصلاح آن، و حکمت به معنای رسیدن به حق با علم و عقل است و مقصود از حکیم بودن خدا آن است که موجودات را می‌شناسد و آنها را استوار می‌آفریند. ۴. واژه‌های «عزیز» و «قدیر» هر دو به معنای قدرت‌اند، اما «عزّت» بیش‌تر به شکست‌ناپذیری و در هم شکستن مخالفان، و «قدیر» به ایجاد اسباب و وسایل اعمال قدرت نظر دارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی موجودات جهان تسبیح حق را زمزمه می‌کنند (شما نیز تسبیح او بگویید). ۲. مالکیت خدا همراه پاکی و قدرتش همراه حکمت است (شما نیز این‌گونه باشید). *** قرآن کریم در آیات دوم تا چهارم سوره‌ی جمعه به اهداف انگیزش پیامبر اسلام و رسالت او برای آیندگان و بخشش الهی در این مورد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲- ۴. هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَبَ وَالْحِکْمَهَ وَإِن کَانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُبِینٍ* وَآخَرِینَ مِنْهُمْ لَمَّا یَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ* ذلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَن یَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ او کسی است که در میان درس‌ناخواندگان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت؛ که آیاتش را بر آنان می‌خواند [و پیروی می‌کند] و رشدشان می‌دهد [و پاکشان می‌گرداند] و کتاب [خدا] و فرزانگی به آنان می‌آموزد؛ درحالی که قطعاً، از پیش در گمراهی آشکاری بودند.* و (نیز پیامبر را برانگیخت برگروهی) دیگر از آنان که هنوز به آنان نپیوسته‌اند؛ و او شکست‌ناپذیرِ فرزانه است.* این بخشش خداست؛ آن را به هرکه بخواهد (و شایسته بداند)، می‌دهد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «امیین» جمع «امّی»، به معنای کسی است که در دامان مادرش رشد یافته و درس ناخوانده است؛ «۱» یعنی پیامبر اسلام از میان مردمانی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹ درس ناخوانده بود و این، عظمت او و اعجاز قرآن را نشان می‌دهد؛ فردی درس ناخوانده نمی‌تواند کتابی پرمحتوا با قوانین عالی همچون قرآن بیاورد. ۲. این آیه به اهداف انگیزش پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) تلاوت آیات الهی، یعنی خواندن و پیروی کردن از آیات الهی (یعنی الگودادن به جامعه)؛ «۱» ب) تزکیه، یعنی پاک کردن و رشد دادن افراد جامعه؛ پاک کردن افراد از آلودگی‌های اخلاقی و روحی که زمینه‌ساز رشد گل وجود آنان است؛ ج) آموزش کتاب قرآن که دستورات اساسی دین در آن است؛ د) آموزش حکمت، یعنی آشناکردن مردم با سنّت یا دلایل عقلی. ۳. واژه‌ی «حکمت» در اصل به معنای منع کردن به قصد اصلاح است؛ بنابراین حکمت اشاره به اسرار و فلسفه‌ی احکام کلی اسلام یا دلایل عقلی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در سنت خود ما را با آنها آشنا می‌سازد. ۴. در این آیات دو صفت برای مردم پیش از اسلام بیان شده است: الف) صفت ناخواندگی که در میان عرب‌های قبل از اسلام تعداد اندکی (حدود ۱۷ نفر) با سواد بودند. ب) گمراهی آشکار؛ در آن عصر بت هایی را به دست خود می‌ساختند و می‌پرستیدند یا دختران را زنده به گور می‌کردند و به دنبال خرافات وموهومات بودند؛ از این‌رو گمراهی آنان بر هر کسی آشکار بود، ولی اسلام آنان را از گمراهی نجات داد و نور علم و تمدن را برای آنان به ارمغان آورد. ۵. در این آیات به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم زمان خود و آیندگان اشاره شده است؛ آیندگانی از عرب و عجم که از تعالیم اسلام سیراب می‌شوند. در حدیثی آمده است که پس از تلاوت آیه‌ی فوق، از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: این‌ها چه کسانی‌اند؟ حضرت دست بر شانه‌ی سلمان گذاشتند و فرمودند: اگر ایمان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰ در (ستاره) ثریا، باشد مردانی از این گروه (ایرانیان) به آن دست می‌یابند. «۱» ۶. نبوّت فضیلت و نعمتی است که خدا بر هر کس که شایسته ببیند و صلاح بداند می‌دهد و نبوّت و تعالیم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بخشش الهی به مردم مسلمان است و فضیلتی برای آنان به شمار می‌آید. «۲» ۷. این که می‌فرماید «خدا به هرکس می‌خواهد مقام نبوّت را می‌دهد»، بدان معنا نیست که اراده‌ی خدا بدون دلیل است، بلکه اراده‌ی او تابع حکمت و مصلحت‌سنجی اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر خدا بخواهد، (با تعلیمات خاص) از فردی درس‌ناخوانده، رهبری شایسته می‌سازد.

۲. رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله محدود به مردم عصر خویش نبود بلکه برای آیندگان نیز هست. ۳. آموزش و پرورش از اهداف نبوّت است. ۴. تدریس از تهذیب جدا نیست. ۵. کتاب را با حکمت به دیگران بیاموزید و وحی را با خردورزی همراه کنید. ۶. رهبران الهی آیات خدا را بر مردم بخوانند و پیروی کنند (تا الگوی عملی آنان شوند). ۷. تعلیم و تزکیه انسان را از گمراهی آشکار نجات می‌دهد. ۸. نبوت بخششی الهی است که (براساس حکمت) به هرکس بخواهد می‌دهد (نه به دلخواه مردم). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱ قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی جمعه با مثالی سرزنش‌آمیز سرنوشت عالمان یهود و دانشمندان بدون عمل را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۵. مَثَلُ الَّذِینَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ یَحْمِلُوهَا کَمَثَلِ الْحِمَارِ یَحْمِلُ أَسْفَاراً بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ مثال کسانی که تورات برآنان نهاده شده (و به آن مکلّف شده‌اند)، سپس آن را حمل نکرده‌اند (و به کار نبسته‌اند)، همانند مثال الاغی است که کتاب‌هایی حمل می‌کند. بد است مثال گروهی که آیات خدا را دروغ انگاشتند؛ و خدا گروه ستمکاران را راه‌نمایی نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در برخی روایات آمده است که یهود می‌گفتند: اگر محمد به رسالت برانگیخته شده است، رسالتش شامل حال ما نمی‌شود؛ این آیه به آنها گوش‌زد کرد که اگر کتاب آسمانی تورات را می‌خواندید و بدان عمل می‌کردید، این سخن را نمی‌گفتید؛ چون در تورات بشارت ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است، «۱» ولی شما آن آیات را تکذیب کردید. ۲. در این آیه مثالی سرزنش آمیز در مورد یهودیان بیان شده است. آنان با آن که تورات را در اختیار داشتند به نام آن قناعت کردند و از محتوا و برنامه‌های تورات بهره‌مند نشدند؛ از این رو به الاغی تشبیه شدند که کتاب هایی بردوش می‌کشد اما از محتوای آنها استفاده نمی‌کند. علم، چون بر دل زند یاری شود علم، چون بر تن زند، باری شود (مولوی) ۳. این آیه هشداری است به همه‌ی دانشمندان بدون عمل که مواظب باشند همانند قوم یهود نشوند؛ یعنی حال که از نعمت پیامبر اسلام و قرآن و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲ علوم مختلف بهره‌مند شده‌اند و مسئولیت علم را به دوش دارند از برکات قرآن و علوم خود بهره گیرند و بدانها عمل کنند تا سعادتمند شوند ولی اگر تنها قرآن را در خانه نگه‌داری کنند و از محتوای آن در زندگی فردی و اجتماعی بهره نبرند و یا به علوم خود عمل نکنند، همانند الاغی هستند که کتابی چند بردوش دارند. ۴. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس علمش افزون شود ولی هدایتش افزون نگردد، این علم جز دوری از خدا، برای او حاصلی ندارد. «۱» و در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام روایت شده که انسان عالِم نمی‌شود تا این که به علم خود عمل کند. «۲» سعدی خوش سخن می‌گوید: دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند، یکی آن که اندوخت و نخورد و دیگر آن که آموخت و نکرد. علم چندان که بیش‌تر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی نه محقق بود نه دانشمند چارپایانی بَرو کتابی چند ۶. آیا مثال زدن عالم بدون عمل و انسان‌ها به الاغ نوعی توهین به این حیوان نیست، آیا صحیح است که الاغ را به خاطر نداشتن چیزی که خدا به او نداده است (یعنی فهم و درک) سرزنش کنیم؟ هر موجودی در سلسله‌ی موجودات جهان مقام و مرتبه‌ای دارد که در جایگاه خود نیکوست. انسان در مرتبه‌ی انسانیت و الاغ در مرتبه‌ی خود دارای استعدادها و تکالیف خاص خود هستند که تکالیف بیش‌تر از آنها خواسته نمی‌شود و اگر به وظایف خود عمل کنند و از استعدادهای خود به طور شایسته بهره ببرند سرزنش نمی‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳ ولی اگر موجودی مثلِ انسان از استعدادهای خود استفاده‌ی شایسته نکند یا به تکالیف خود عمل نکند و به مرتبه‌ی پایین‌تر وجودی مثل مرتبه‌ی حیوانات نزول کند، سرزنش می‌شود. پس سرزنش در مثال الاغ برای انسان است که از مرتبه‌ی خود تنزل کرده است و سرزنشی متوجه الاغ نخواهد بود و توهینی به او نیست. به عبارت دیگر الاغ بودن امری ذاتی برای اوست که برای الاغ بد نیست اما اگر انسانی الاغ شود مستحق سرزنش است. ۷. یهودیان، پیامبران و آیات الهی را که با هوای نفس آنان سازگار نبود تکذیب می‌کردند. «۱» همان طور که پیامبر اسلام و آیاتی از تورات را که مژده‌ی آمدن او را می‌داد تکذیب کردند؛ آنان با عمل نکردن به دانش خود و تورات و تکذیب آیات الهی ستمکار شدند. آنان هم به خود ستم کردند و مانع سعادت خویش شدند و هم به مردم

ستم کردند و راه حق را مشتبه کردند و برخی افراد را به دنبال خود به گمراهی کشیدند. ۸. این یک قانون کلی است که کسانی که به خود و دیگران ستم کننـد و زمینه‌های هـدایت را از بین ببرنـد، نمی‌تواننـد از نور هـدایت الهی اسـتفاده کنند و سـعادتمند شوند. آموزه‌هـا و پیامها: ۱. عالمـان بـدون عمـل هم‌چون الاغ بارکشِ کتاب هسـتند. ۲. هرکس از نـور وحی بهره‌منـد نشـود، به مرحله‌ی حیوانی سقوط می‌کند. ۳. عدم توجه به محتوای کتاب آسـمانی و تکذیب آیات آن ستم به خود و دیگران است. ۴. ستمکاری مانع هدایت انسان است. ۵. نسبت به وحی عمل‌گرا باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴ قرآن کریم درآیات ششم تا هشـتم سـوره‌ی جمعه به رابطه‌ی محبت خـدا و اعمـال انسـان بـا مرگ‌خواهی و برخورد یهودیـان بـا مرگ و حتمی بودن آن اشـاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۶- ۸. قُل يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ* وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَداً بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ* قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِى تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ بگو: «ای کسانی که به (آیین) یهود گرویدید! اگر می‌پندارید که شـما دوسـتان خدایید نه سایر مردم، پس اگر راست می‌گویید، آرزوی مرگ کنید.»* و [لی آنان به سبب دستاورد پیشینشان، هرگز آن [مرگ را آرزو نخواهند کرد؛ و خدا به [حـال سـتمگران داناست.* بگو: «در واقع، مرگی که از آن فرار می‌کنیـد، پس آن حتماً شـما را ملاقات می‌کنـد؛ سپس به سوی دانای نهان و آشـکار باز گردانده می‌شوید؛ و شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر می‌سازد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یهودیان خود را دوستان خدا می‌دانستند. «۱» قرآن به خاطر این بلند پروازی بدون دلیل آنان را می‌آزماید و به آنها می‌گوید: اگر راست می‌گویید و خـدا را دوست داریـد تمنّای مرگ کنیـد. اما آنان در خواست مرگ نمی‌کننـد و روشن می‌شود که ادعای آنان در مورد دوستی با خدا دروغ است. ۲. مرگ دروازه‌ای برای عبور به رسـتاخیز است که روز ملاقات خداست و اگر کسـی خدا را دوست داشـته باشد، مشـتاق ملاقات خـداست و از مرگ نمی‌هراسـد بلکه آن را در آغوش می‌فشارد. ۳. در این آیـات به عوامـل ترس یهودیان از مرگ اشاره شده است که عبارت‌اند از: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵ الف) آنان به خاطر اعمال ستمکارانه‌ی خود از مرگ می‌هراسـند چرا که می‌داننـد با مرگ عذاب آنها آغاز می‌شود. ب) آنان دوسـتان واقعی خدا نیستند و از این رو اشتیاقی به مرگ و ملاقات با خدا ندارند. ۴. ترس از مرگ عوامل دیگری نیزدارد که عبارت‌انـد از: الف) ترس از نابودی و فنا که به خاطر عـدم ایمان به آخرت پدید می‌آید؛ ب) دل‌بسـتگی به دنیا که مرگ موجب جدایی آن از انسان می‌شود؛ ج) کمی اعمال نیک در نامه‌ی اعمال انسـان. معادباوران که دل به دنیـا نبسـته‌اند و سراسـر زنـدگی و اعمالشان نیکی است، با مرگ مأنوس می‌شونـد و هنگام مرگ، هم چون علی علیه السـلام می‌گویند: به خدای کعبه رسـتگار شدم. ۵. در حـدیثی آمده است که شخصـی خدمت پیامبر صـلی الله علیه و آله عرض کرد: چرا من از مرگ می‌ترسم؟ حضرت فرمود: «آیا ثروتی داری؟» گفت: آری. حضرت فرمود: «چیزی از آن را پیش از خود (برای آخرت) فرسـتاده‌ای؟» گفت: نه. فرمود: «به همین دلیل مرگ را دوست نـداری.» «۱» و شخصـی همین پرسش را از ابوذر پرسـید و او گفت: به خاطر آن که شـما دنیایتان را آباد و آخرتتان را ویران کرده‌ایـد، دوست ندارید از نقطه‌ی آباد به نقطه‌ی ویران بروید. «۲» ۶. محجوبـان از مرگ متنفرنـد، و گرنـه فطرت عـاشق جهـان ابـدی است: امـام خمینی رحمه الله در مـورد ترس از مرگ می‌نویسـند: عمده‌ی تنفّر از موت از باب این است که در قلب محجوبین، ایمان به عوالم بعد الموت و حیات و بقای ابدی وارد نشده و مـوت را فنـا گمـان می‌کننـد و چون فطرت از فنـا منزجر و متنفّر است و تفسـیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۳۶ به بقا عاشق است، تنفّر از موت در محجوبان پیـدا شـده با آن که فطرت اصـلیه که عاشق بقای ابـدی است، همین عشق پیوسـتگی به معاد و عالم بعـد الموت است؛ زیرا که حیات دنیاوی ممکن نیست ابـدی باشـد و چون زایل است فطرت از آن متنفر است و نشـئه‌ی ثانیه‌ی غیبیه [حالت دوم که پنهان است: آخرت که نشئه‌ی باقیه است، معشوق فطرت است. «۱» ۷. مقصود از ستمکاری یهود، تمام اعمال ناروای آنها در طول تاریخ، هم‌چون کشـتن پیامبران الهی، نسبت‌های ناروا به آنان وغصب حقوق و آزار مردم است که برخی از این اعمال در عصـر کنونی هم ادامه دارد و مـا نمونه‌های آن را در فلسـطین می‌بینیم. ۸. در این آیـات بیان شـده که قانونِ مرگ حتمی است و

یهودیان که از مرگ می‌گریزنـد، روزی با آن ملاقات می‌کننـد و به سوی خدا می‌روند خدایی که از همه‌ی اعمال و ستم‌های آنان آگـاه است و در رسـتاخیز همه را افشـا و به حسـاب آنهـا رسیدگی می‌کنـد و کیفر آنان را می‌دهـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یهودیان مرگ‌گریزند. ۲. یهودیان دوست خدا نیستند بلکه ستمکارند. ۳. ادعـای دوستی با خـدا را با مرگ‌دوستی بیازماییـد. ۴. کردار بد انسان عامل مرگ‌گریزی است. ۵. مرگ حتمی است (پس مراقب باشـید و آماده شوید). ۶. خدای آگاه در رسـتاخیز از اعمال شما خبر می‌دهد (و بدانها رسیدگی می‌کند). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷ قرآن کریم درآیات نهم و دهم سوره‌ی جمعه فرمان نماز جمعه و لوازم و اهمیت آن را بیان می‌کنـد و می‌فرماید: ۹ و ۱۰. یَاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا نُودِیَ لِلصَّلَاةِ مِن یَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَی ذِکْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَیْعَ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ إِن کُنتُمْ تَعْلَمُونَ* فَإِذَا قُضِیَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِی الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْکُرُوا اللَّهَ کَثِیراً لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ ای کسـانی که ایمـان آورده‌ایـد! هنگامی که برای نماز در روز جمعه نـدا داده شود، پس به سوی یاد خـدا بکوشـید و معامله را رها کنید، که این برای شما بهتر است، اگر بدانید!* و هنگامی که نماز پایان یافت، پس در زمین پراکنده شوید و از بخشـش خدا بجویید و خدا را فراوان یاد کنید، باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در اسلام به سه نوع اجتمـاع اهمیت داده می‌شود: الف) اجتمـاع روزانه برای نمـاز جمـاعت؛ ب) اجتمـاع هفتگی برای نماز جمعه؛ ج) اجتماع سالیانه در مراسم حـج؛ در این آیـات به اجتمـاع شـکوهمند و مهم نمـاز جمعه اشـاره شـده است. ۲. نخسـتین اجتمـاع مسـلمانان در روز جمعه هنگـامی بود که مسـلمانان قبـل از ورود پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله به مـدینه احساس کردنـد که نیاز به اجتماع ودعا در روز خاصـی دارند، همان طور که یهودیان در روز شـنبه و مسـیحیان در روز یکشـنبه جمع می‌شوند. مسلمانان نیز روز قبل از آن به سراغ «اسـعد بن زراره» رفتنـد و بـا او نماز جماعت خواندنـد و وی مردم را انـدرز داد و آنان که حـدود چهل نفر بودنـد، با هم‌دیگر غـذا خوردنـد و این روز را روز جمعه نامیدنـد؛ چون روز اجتماع مسـلمانان بود. وقتی پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله به مـدینه آمدند، روز جمعه‌ای، در مسیر خود از «قُبا» به مدینه به‌محله‌ی «بنی سالم» رسیدند و در آن جا اولین مراسم نماز تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکـم، ص: ۳۸ جمعه‌ی رسـمی اسـلام برگزار شـد و پیـامبر صـلی الله علیه و آله در این روز اولین خطبه و سـخنرانی خـود را بیـان کردند. «۱» ۳. «نُودی» از نداء به معنای بانگ زدن و در این جا مقصود اذان گفتن برای نماز جمعه است؛ یعنی هنگامی که اذان نماز جمعه گفته می‌شود، مردم موظف‌انـد که کار و کسب خود را رها کنند و به سوی نماز جمعه بشـتابند. ۴. نماز جمعه دو رکعت مثل نمـاز صـبح است امـا دو قنـوت دارد: در رکعت اول، قبـل از رکـوع و در رکعت دوم، بعـد از رکوع، و نیز دو خطبه دارد که قبـل از نمازخوانـده می‌شود و به جای دو رکعت اولِ نماز به شـمار می‌آید؛ چون نماز جمعه جای گزین نماز ظهر جمعه است. بنابراین ذکر خـدا که در آیه آمـده است، شامل نماز جمعه وخطبه‌های قبل از آن می‌شود و حضور برای هردوقسـمت لازم است، چون در هر دو قسمت ذکر خدا می‌شود. ۵. نماز جمعه با حـداقل پنج مرد تشـکیل می‌شود و برزنان، مسافران و پیرمردان واجب نیست، ولی حضور آنها در نماز جمعه مانعی نـدارد و خطیب نماز جمعه شایسـته است بر شمشـیر یا کمان یا عصا تکیه دهـد و با صـدای بلند و ایسـتاده خطبه‌ها را بخوانـد. در خطبه‌ی اول حمـد خـدا می‌گوید و درود بر پیامبر صـلی الله علیه و آله می‌فرسـتد و سـفارش به تقوا می‌کند و یک سوره‌ی کوچک قرآن را می‌خواند و در خطبه‌ی دوم بعد از درود به پیامبر صـلی الله علیه و آله برای ائمه‌ی مسلمین دعا و برای مؤمنان اسـتغفار می‌کند و شایسـته است در خطبه‌ها مسائل مهم سیاسـی و اجتماعیِ مسـلمانان بیان شود و مردم را از توطئه‌ی دشمنان آگاه سازند. «۲» ۶. در احادیث، در مورد نمازهای روزانه سـفارش شده که با آرامش حرکت کنید، «۳» اما برای نماز جمعه در آیه سفارش شده «۴» که با تلاش و شـتابان تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹ بروید، تا به خطبه‌ها و نماز برسـید و این اهمیت نماز جمعه را نشان می‌دهد. ۷. در این آیات بیان شـده که اگر مردم آگاه باشـند، متوجه می‌شوند که نماز جمعه از داد و سـتد برای آنان بهتر است؛ نماز جمعه فوایـد معنوی، اخلاقی، سیاسـی و اجتماعی زیادی دارد که با سود معاملات شخصـی قابل مقایسه نیست. نماز جمعه موجب هم‌بستگی مسـلمانان می‌شود، به طوری که دشمنان را به وحشت می‌افکند؛ موجب نشاط معنوی و تجدید حیات

معنوی مردم می‌شود؛ آگاهی بخش است و مردم را از معارف اسلامی و وقایع سیاسی و اجتماعی آگاه می‌سازد و نیز در نماز جمعه مشکلات جامعه مطرح می‌شود و همکاری مردم برای حلّ آنها جلب می‌شود. با خدا کن تجارت ای خواجه که کسی را خدا زیان نکند ۸. در این آیات بیان شده که پس از نماز جمعه به دنبال فضل الهی بروید، که شامل مصادیق مختلف هم‌چون کسب و کار، تحصیل علم، عیادت بیماران و زیارت مؤمنان می‌شود. و در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نماز جمعه سری به بازار می‌زدند. «۱» البته این کار بعد از نماز جمعه جایز است و واجب نیست. «۲» ۹. یکی از آداب پس از نماز جمعه یاد خدا و ذکر زیاد است که از مصادیق آن توجه به خدا در هنگام معاملات و عدم انحراف از حق و عدالت و تفکر است؛ چراکه ذکر بدون فکر لقلقه‌ی زبان است. ۱۰. تکرار ذکر و یاد خدا باعث رسوخ آن در جان انسان می‌شود و غلفت از میان می‌رود وانسان در مسیر ترک گناه و رستگاری قرار تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰ می گیرد؛ از این روست که در پایان آیه یادآور شد که این ذکر و یاد خدا زمینه‌ساز رستگاری شماست. قرآن کریم برآن است که نمازگزاران جمعه را با یاد خدا تربیت کند، به طوری که شرکت کنندگان در نماز جمعه، با ویژگی به یاد خدا بودن و به دنبال فضل او رفتن شناخته شوند. ۱۱. ذکر خدا، فتح باب ملکوت: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: ای عزیز! قلب را به آداب عبودیت مأنوس کن و به ذائقه‌ی روح، حلاوت ذکر خدا را بچشان و این لطیفه‌ی الهیه در ابتدای امر به شدت تذکر و انس به ذکر حق حاصل شود، ولی در ذکر، قلب مرده نباشد و غفلت بر آن مستولی نشود و چون با تذکر، قلب را مأنوس نمودی، کم کم عنایات ازلیّه شامل حالت گردد و فتح ابواب ملکوت بر قلبت گردد. «۱» ۱۲. انتشار مردم در زمین پس از نماز جمعه، موجب می‌شود که اخبار سیاسی و اجتماعی و نشاط معنوی و روحیه‌ی تقوا که از طریق خطبه‌ها به نمازگزاران منتقل شده بود در مناطق دیگر گسترش یابد و مردمی که موفق به نماز جمعه نشدند ازاین مطالب آگاه شوند وسود ببرند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به نماز جمعه اهمیت بدهید. ۲. مراسم عبادی- سیاسی جمعه، از دادوستد برای شما سود بیش‌تری دارد. ۳. هرگاه اذان نماز جمعه گفته شد کارهایتان را تعطیل کنید و به سوی مصلّی بشتابید. ۴. آداب پس از نماز جمعه را فراموش نکنید، تا رستگار شوید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۱ ۵. پیام‌های نماز جمعه را به نقاط مختلف ببرید. ۶. بعد از نماز جمعه، هنگام فضل و بخشش و برکت الهی است، پس به جست‌وجوی آن برآیید. ۷. پس از نماز جمعه بیش‌تر به یاد خدا باشید. ۸. بعد از نماز جمعه حالات شما تفاوت پیدا می کند (و نمازگزار جمعه رنگ الهی می‌پذیرد). *** قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی جمعه به مقایسه‌ی ثواب الهی با سود تجارت و سرگرمی می‌پردازد و با اشاره به تنها گذاشتن پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام نماز جمعه می‌فرماید: ۱۱. وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْواً انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِماً قُلْ مَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ و هنگامی که داد و ستد یا سرگرمی‌ای را می‌بینند، به سوی آن پراکنده می‌شوند، درحالی که تو را ایستاده وامی‌گذارند؛ بگو: «آنچه نزد خداست از سرگرمی و از داد وستد بهتر است؛ و خدا بهترین روزی‌دهندگان است.» شأن نزول: حکایت شده که در روز جمعه‌ای وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول خطبه‌ی نماز بود، کاروانی از شام وارد مدینه شد و برای اعلام ورود آن طبل و آلات موسیقی نواختند و عدّه‌ای از مسلمانان نمازگزار خطبه‌های پیامبر را رها کردند و به سوی بازار شتافتند و دوازده مرد و یک زن در مسجد باقی ماندند. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و آن افراد را سرزنش کرد، و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر این گروه اندک هم می‌رفتند از آسمان بر آنان سنگ می‌بارید. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه مردم را سرزنش می کند که چرا به خاطر تجارت و سرگرمی، نماز جمعه و پیامبر صلی الله علیه و آله را رها کردید و به طرف بازار رفتید. هر چند این آیه در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و نمازگزاران جمعه‌ی ایشان نازل شده است، اما مفهوم آیه شامل همه‌ی موارد مشابه می‌شود. ۲. مقصود از تجارت، همان کاروانی است که از شام به مدینه آمده بود و منظور از سَهْو، صدای طبل و آلات موسیقی است که برای اعلام ورود کاروان می‌نواختند و وسیله‌ای برای سرگرمی مردم و تبلیغ کالا نیز به شمار می‌آمد، همان گونه که در تبلیغات تجاری عصر ما از موسیقی استفاده می‌شود. البته مانعی ندارد که

سهو و سرگرمی شامل موارد و مصادیق دیگر سرگرمی بشود که همزمان با نماز جمعه برگزار و مانع حضور مسلمانان در نماز می‌شود. ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خطبه‌های نماز جمعه را به صورت ایستاده می‌خواند؛ خطیبان نماز جمعه در عصر ما نیز این سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله را ادامه می‌دهند. ۴. آیات قبل و سرزنش ترک کنندگان نماز جمعه نشان دهنده‌ی اهمیت نماز جمعه است. در احادیث از امام باقر علیه السلام روایت شده که هرکس سه هفته بدون دلیل نماز جمعه را ترک کند، منافق است. «۱» و نیز حکایت شده که شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد من بارها آماده‌ی سفر حج شده‌ام ولی توفیق نصیب من نشده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۳ حضرت فرمود: برتو باد به نماز جمعه که حجّ مستمندان است. «۱» ۵. وجوب نماز جمعه تا محدوده‌ی یک فرسخ (حدود پنج و نیم کیلومتر) را شامل می‌شود و در آن محدوده نمی‌توان بیش از یک نماز جمعه به پاکرد و بقیه‌ی افراد باید در همان یک نماز جمعه شرکت کنند تا اجتماع عظیمی به پا شود. البته نماز جمعه در زمان حضور معصوم علیه السلام واجب عینی است اما در زمان غیبت (طبق فتوای بسیاری از فقها) واجب تخییری است؛ یعنی می‌توان نماز جمعه یا ظهر را به جا آورد. «۲» برخی مراجع احتیاط می‌کنند که در زمان تشکیل حکومت اسلامی از طرف نایب عام امام عصر علیه السلام، نصب امام جمعه از طرف او باشد و مسلمانان در نماز جمعه شرکت کنند. «۳» ۶. مقصود از چیزهایی که نزدخداست و از سود تجارت بهتر است، همان ثواب و پاداش الهی و برکات حضور در نماز جمعه و شنیدن اندرزها و تربیت معنوی و اجتماعی انسان است. که سود همه‌ی این‌ها نزد خداست که به نمازگزاران پاداش داده می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نماز جمعه را فدای تجارت و سرگرمی نکنید. ۲. رهبر و امامت جمع را به بهانه‌های سودجویانه تنها نگذارید. ۳. سود الهی نماز جمعه از سود تجارت شما بیش‌تر است (پس نماز را رها نکنید). ۴. رزق خود را در ترک واجبات نجویید که خدای فرمان دهنده‌ی این واجبات بهترین روزی دهنده است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۵

بخش دوم: سوره‌ی منافقون

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «منافقون» در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۱ آیه، ۱۸۰ کلمه و ۷۷۶ حرف است. این سوره، صد و چهارمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «حج» و قبل از سوره‌ی «مجادله») و شصت و سومین سوره در چینش کنونی قرآن کریم است. تنها نام این سوره «منافقون» است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام حکایت شده که بر شیعیان لازم است که در شب جمعه، سوره‌ی «جمعه» و «اعلی» و در نماز ظهر (جمعه)، سوره‌ی «جمعه» و «منافقون» را قرائت کنند، این عملی است که پیامبر صلی الله علیه و آله انجام می‌داده‌اند و ثواب و پاداش آن بر خداست که بهشت عنایت کند. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در آن تدبّر و تفکر کنند و به محتوای آن عمل نمایند.

ویژگی

ویژگی: این سوره بیش‌ترین تأکید را بر خطر منافقان دارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۸

اهداف

اهداف: هدف‌های مهم سوره‌ی منافقون عبارت‌اند از: ۱. مرزبندی بین مؤمنان و منافقان؛ ۲. هشدار در مورد غفلت از خدا.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌انـد از: الف) اخلاق: ۱. تـذکر در مورد یاد خدا و غافل نشدن از او (در آیه‌ی ۹)؛ ۲. بیان اخلاـق ناپسـند منافقـان در دروغ‌پردازی و توطئه‌گری (در آیه‌ی ۱)؛ ۳. تشویـق به انفـاق در راه خـدا و بهره‌گیری از امـوال پیش از رسیدن مرگ و حسرت (در آیه‌ی ۱۰). ب) مطالب دیگر: ۱. بر حذر داشـتن مؤمنان از توطئه‌های منافقان (در آیات ۷ و ۸)؛ ۲. بیان صفات منافقان (در آیات ۱– ۸)؛ ۳. بیان حتمی بودن مرگ و عـدم تأخیر آن (در آیه‌ی ۱۱)؛ ۴. بیان این که عزّت تنها از آن خدا و رسول صلی الله علیه و آله است (در آیه‌ی ۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۹

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی منـافقون قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی منـافقون به دروغ‌گویی منافقـان اشـاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱. إِذَا جَاءَکَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ یَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ یَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِینَ لَکَاذِبُونَ هنگامی که منافقان نزد تو می‌آینـد گوینـد: «گواهی می‌دهیم که قطعاً، تو فرسـتاده‌ی خدایی». و خدا می‌داند که مسـلماً، تو فرسـتاده‌ی او هستی و خدا گواهی می‌دهـد که حتمـاً، منافقـان دروغ‌گوینـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قبـل از فتـح مکـه مسـلمانان در این شـهر ضـعیف بودنـد و از این رو مخالفان اسـلام هرچه می‌خواسـتند علیه اسـلام می‌گفتند و انجام می‌دادند، ولی در محیط مدینه که اسـلام قوّت گرفته بود، مخالفان درونی نمی‌توانسـتند آشـکارا تـوطئه و مخـالفت کننـد، از این رو برای ادامه‌ی برنامه‌هـای تخریـبی خود، تغییر چهره دادنـد و ظـاهراً مسـلمان شدند، ولی در باطن کافر بودند. «۱» این افراد در طول تاریخ بیش‌ترین ضـربه‌ها را به اسلام و مسلمانان وارد کردند. «۲» ۲. منافقان در مقایسه با دشـمنان آشـکار از چنـد جهت خطرناک‌ترند: تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۰ الف) در تـار و پود جامعه نفوذ می‌کنند و جدا سازی آنان مشـکل است؛ ب) عقاید خود را مخفی می‌سازند و شـناخت آنان آسان نیست؛ ج) با اعضای جـامعه روابـط نزدیک دارنـد و مبارزه با آنان مشـکل است. ۳. خطر نفـاق برای هر انقلاـب، مکتب و جـامعه‌ی نوبنیـادی، یک خطر اساسـی اسـت. خطر در هر زمـانی جـامعه‌ی مسـلمانان را تهدیـد می‌کنـد و منافقـان مسـلمان‌نما همـواره در بیـن مسـلمانان به تـوطئه مشغول‌اند، از این رو لازم است آیات قرآن را در این مورد تحلیل کنیم و نشانه‌های آنان را بشناسیم و راه مقابله با آنها را پیدا کنیم. ۴. دروغ‌گویی دو گونه است: الف) دروغ خـبری؛ یعنی فردی چیزی بگویـد که مطـابق واقع نباشـد. ب) دروغ مُخـبری؛ یعنی کسـی عقیـده‌ای را به خـود نسـبت دهـد، ولی در حقیقت اعتقـادی به آن نداشـته باشـد، هر چنـد آن اعتقـاد در واقـع حق و صـحیح باشـد؛ دروغ‌گویی منافقان از نوع دوم بود؛ یعنی آنان گواهی به رسالت پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله می‌دادند، ولی عقیده‌ای به رسالت ایشان نداشـتند هر چند رسالت او در واقع صحیح بود و خدا هم رسالت او را گواهی می‌داد. «۱» ۵. «نِفاق» در اصل به معنای نفوذ و پیش‌روی است و به کانال‌هـای زیرزمینی «نَفَق» می‌گوینـد. مـوش صـحرایی سـوراخی آشـکار و سـوراخی پنهـان برای لاـنه‌ی خود می‌سـازد که در هنگـام خطر از سوراخ پنهان فرار کنـد؛ به این سوراخ پنهان «نافقاء» گوینـد. یعنی منافق کسـی است که راهی مخفی برای خود برگزیـده که بـا پنهان‌کـاری در جـامعه نفوذ کنـد و به هنگام خطر از راه دیگر بگریزد. ۶. نفـاق یک نوع بیماری روحی، اخلاقی و روانی است. انسان سالم یک شخصیت و یک چهره دارد، ولی انسان منافق که ناسالم است، دو چهره و دو شخصیت دارد و به نوعی گرفتار تکثّر و دوپاره شدن شخصیت شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان

را از دروغ‌گویی آنان بشناسید. ۲. منافقان در ابراز عقیده‌ی خود دروغ‌گویی می‌کنند ولی سخن خود را محکم می‌گویند. ۳. منافقان از مقدّسات دینی سوء استفاده می‌کنند. ۴. منافقان حتی به رهبر اسلام دروغ می‌گویند. ۵. خدا در مورد منافقان افشاگری می‌کند. *** قرآن کریم در آیات دوم و سوم سوره‌ی منافقون به نشانه‌های منافقان و کفر درونی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲ و ۳. اتَّخَذُوا أَیْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِیلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا یَعْمَلُونَ* ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوْا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا یَفْقَهُونَ سوگندهایشان را سپری قرار دادند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، براستی چه بد است، آنچه را آنان همواره انجام می‌دادند!* این به خاطر آن است که آنان ایمان آوردند سپس کفر ورزیدند؛ از این رو بر دل‌هایشان مهر نهاده شده؛ پس آنان فهم عمیق نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی دوم می‌فرماید از نشانه‌های منافقان این است که سوگندهای خود را سپری برای خود قرار می‌دهند این تعبیر نشان می‌دهد که: الف) منافقان با مؤمنان سرجنگ دارند از این رو در فکر وسایل دفاعی جنگی هم‌چون سپر هستند. ب) یکی از ابزارهای کار منافقان سوگند است؛ و آنان زیاد سوگند یاد می‌کنند. ج) منافقان از مقدسات دینی (هم‌چون نام خدا) سوء استفاده می‌کنند تا مردم را بفریبند و از راه خدا باز دارند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۲ ۲. هدف منافقان بازداشتن مردم از راه خداست؛ منافقان که نمی‌توانند کفر باطنی خود را اظهار کنند، در ظاهر ابراز ایمان می‌کنند و پنهانی به اسلام و مسلمانان ضربه می‌زنند و مردم را از راه خدا بازمی‌دارند. «۱» ۳. منافقان گاهی با انکار سخنان کفرآمیز خود، سوگند یاد می‌کنند که ما نگفتیم.» و گاهی برای عدم شرکت در جهاد با دشمن سوگند یاد می‌کنند که مشکل دارند و حتی در روز رستاخیز در محضر خدا نیز سوگند دروغ یاد می‌کنند؛ «۳» چرا که این رفتار ناپسند عادت آنها شده است. ۴. منافقان دو دسته‌اند: الف) گروهی که از اول کافرند و ایمانشان ظاهری است. ب) گروهی که در آغاز واقعاً ایمان می‌آورند و سپس راه کفر باطنی و نفاق را در پیش می‌گیرند. آیه‌ی فوق ممکن است به هر دو گروه اشاره داشته باشد هر چند ظاهر آیه با گروه دوم سازگارتر است. ۵. منافقان در آغاز حقایق دین را درک می‌کنند و دلایل و نشانه‌های معجزه‌آمیز اسلام را می‌بینند ولی باز هم به خاطر تعصب‌ها غرض‌ورزی و مقام پرستی و مانند آن راه کفر و نفاق را در پیش می‌گیرند، از این رو خدا بر دل و ذهن آنان مهر می‌زند و توفیق تشخیص حق وباطل و درک حقایق را از آنان می‌گیرد. البته این به معنای جبر نیست، چون مقدمات این محرومیت را خودشان فراهم می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فریب سوگندهای منافقان را نخورید که این‌ها پوشش کارهای آنهاست. ۲. منافقان را از سوگندهای دروغشان بشناسید. ۳. هدف منافقان جلوگیری از راه خداست. ۴. منافقان بدکردارند. ۵. منافقان در باطن کافرند. ۶. نفاق مانع فهم عمیق حقایق می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی منافقون به ظاهرِ آراسته‌ی منافقان و ترسو بودن و دشمنی آنان با اسلام اشاره می‌کند و با نفرین به آنان می‌فرماید: ۴. وَإِذَا رَأَیْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِن یَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ یَحْسَبُونَ كُلَّ صَیْحَةٍ عَلَیْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى یُؤْفَكُون و هنگامی که آنان را می‌بینی، بدن‌هایشان تو را به شگفت می‌آورد؛ و اگر [سخن بگویند سخنشان را می‌شنوی، چنان‌که گویی‌آنان چوب‌هایی (به دیوار) تکیه داده شده‌اند! می‌پندارند هر بانگی بر ضد آنان است؛ آنان دشمن‌اند؛ پس، از آنان بیمناک باش! خدا آنان را بکشد؛ چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به چند نشانه‌ی منافقان اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) ظاهری آراسته و جالب دارند؛ ب) شیرین‌سخن و چرب زبان‌اند و دیگران را جذب سخنان خود می‌کنند؛ ج) هم‌چون هیکل‌های توخالی، بی روح و بی نور و بی‌صفا هستند؛ د) افرادی بدبین و ترسو هستند که از هر صدایی هراس دارند و هر حرکتی را علیه خود می‌پندارند. ه) دشمن مسلمانان و رهبر اسلام هستند و برای اسلام خطرناک‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۴ ۲. حکایت شده «عبداللّه بن ابی» که سرکرده‌ی منافقان مدینه بود، فردی درشت اندام، خوش قیافه و چرب‌زبان بود و هنگامی که با یارانش وارد مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شد اصحاب از ظاهر آنان تعجب می‌کردند و به سخنانشان گوش می‌دادند، ولی آنان (به خاطر کبر و غروری که داشتند) کنار دیوار می‌رفتند و به آن تکیه می‌زدند. «۱» آیه‌ی فوق ناظر به حال آنان است. ۳.

چوب‌های خشکیده‌ی کنار دیوار چند ویژگی دارند که در منافقان نیز وجود دارد: الف) چوب‌های خشکیده هیکل‌های بی روح و بی نور و بی‌صفا هستند؛ ب) اراده‌ای از خود ندارند و بر دیگری تکیه می‌کنند؛ ج) ظاهری آراسته دارند ولی توخالی و مرده‌ای بی‌جان هستند. منافقان نیز افرادی بی نور و بی‌صفا هستند که بر کافران و دشمنان اسلام تکیه کرده، با آنان در ارتباطاند و ظاهری آراسته ولی باطنی ضعیف دارند و در حقیقت روح ایمان در آنان مرده است. ۴. منافقان افرادی ترسو هستند که هر ندایی را علیه خود می‌پندارند؛ یعنی نسبت به هر چیز و هر کس سوء ظن دارند و این روح بدبینی بر وجود آنان سایه افکنده و آسایش را از آنان سلب کرده است؛ همیشه افراد خائن خائف هستند. ۵. در این آیه اعلام شده که منافقان دشمنان رهبر اسلام و مسلمانان هستند و باید خطر آنان را جدّی گرفت و از آنان بر حذر بود، وگرنه ضربه‌ی اساسی به اسلام و مسلمانان وارد می‌کنند. ۶. در این آیه خدای متعال، منافقان را نفرین می‌کند و برای سرزنش و تحقیر آنان، مرگ بر منافقان می‌گوید. این مطلب آموزه‌ای برای مسلمانان است که شعار مرگ بر منافقان را فراموش نکنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خطر منافقان را جدّی بگیرید، آنان دشمنان شما هستند. ۲. فریب ظاهر آراسته و چرب‌زبانی منافقان را نخورید. ۳. منافقان هم‌چون چوب، بی‌روح و بی اراده‌اند. ۴. منافقان از هر ندایی می‌هراسند و آن را علیه خود می‌پندارند. ۵. مرگ بر منافقان بگویید. *** قرآن کریم در آیات پنجم و ششم سوره‌ی منافقون به تکبر و نافرمانی منافقان و عدم آمرزش آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵ و ۶. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُؤُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُسْتَكْبِرُونَ* سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرِ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ و هنگامی که به آنان گفته شود: «بیایید تا فرستاده‌ی خدا برای شما طلب آمرزش کند.»، سرهایشان را می‌پیچانند؛ و آنان را می‌بینی که روی برمی‌گردانند، در حالی که آنان مستکبرند.* برای آنان یکسان است که برایشان طلب آمرزش کنی یا برای آنان طلب آمرزش نکنی؛ خدا آنان را نمی‌آمرزد؛ [چرا] که خدا گروه نافرمان را راه‌نمایی نمی‌کند. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که بعد از جنگ «بنی المُصطلق» در سال ششم هجری، هنگامی که مسلمانان در حال بازگشت به مدینه بودند یکی از مهاجران با یک نفر از انصار بر سر گرفتن آب از چاه اختلاف پیدا کردند و برخی از مهاجران از مرد مهاجر و برخی از انصار از مرد انصاری حمایت کردند و مشاجره شدید شد. در این میان عبداللّه بن ابیّ که از سرکرده‌های منافقان بود فرصت را غنیمت شمرد و گفت: ما این مهاجران را پناه و غذا دادیم، ولی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۶ حالا ـ بلای جان ما شده‌اند و به خدا سوگند یاد کرد که اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان، ذلیلان را از شهر مدینه اخراج می‌کنند. «زید بن ارقم» جریان را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش داد، ولی عبداللّه بن ابیّ سخنان خود را منکر شد و زید را دروغ‌گو جلوه داد. سپس سپاهیان اسلام به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به سرعت به طرف مدینه رفتند، ولی پسر عبداللّه که فردی مؤمن بود از ورود پدرش به شهر جلوگیری کرد تا این که پیامبر صلی الله علیه و آله پیام داد که به او اجازه بده وارد شهر شود. عبداللّه با ذلّت وارد مدینه شد. آن گاه آیات سوره‌ی منافقون بدین مناسبت فرود آمد و گزارش زید بن ارقم را تأیید و منافقان را به شدّت سرزنش کرد. در این هنگام برخی افراد به عبداللّه بن ابی مراجعه کردند و گفتند: آیات شدیدی علیه تو نازل شده است، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برو تا برای تو استغفار کند. ولی عبداللّه با تکبّر سرتکان داد و روی برتافت و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نرفت و پس از چند روز از دنیا رفت. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه اشاره به ماجرای عبداللّه بن ابیّ منافق است که پیشنهاد اطرافیانش را نپذیرفت و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نرفت تا برای او استغفار کند و سری تکان داد و روی برگرداند. البته معنای آیه به شأن نزول آن منحصر نمی‌شود. این یکی از نشانه‌های منافقان در طول تاریخ است که به خاطر کبر و غرور حاضر نمی‌شوند در برابر حق تسلیم شوند و خود را از آتش دوزخ نجات دهند. ۲. منافقان نزد خدا قابل بخشش نیستند و اگر بر فرض پیامبر صلی الله علیه و آله هم برای آنان طلب آمرزش کند، سودی ندارد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۷ البته روشن است که این حکم در مورد منافقان لجوج، متکبّر و توطئه‌گر است. ۳. ریشه‌ی بدبختی منافقان در فسق، گناهکاری و نافرمانی آنان است که زمینه و توفیق هدایت را از

آنان سلب کرده است. ۴. از این آیات و شأن نزول آنها استفاده می‌شود که مراجعه به پیامبر صلی الله علیه و آله برای طلب آمرزش از خدا و استغفار برای گناهکاران یک روش رایج در بین مسلمانان صدر اسلام بود؛ یعنی هنگامی که لغزش بزرگی از مسلمانی سر می‌زد و راه چاره‌ای نداشت به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفت تا برای او طلب آمرزش کند و مسلمانان دیگر نیز او را بدین کار تشویق می‌کردند و استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مؤثر واقع می‌شد، ولی با توجه به آیه‌ی فوق، این مطلب در مورد منافقان تخصیص خورد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان را از استغفارگریزی، رهبرگریزی و تکبر بشناسید. ۲. سرچشمه‌ی بدبختی منافقان، فسق و نافرمانی آنان است. ۳. منافقان لجوج و متکبّر قابل بخشش نیستند. *** قرآن کریم در آیات هفتم و هشتم سوره‌ی منافقون به سخنان توطئه‌آمیز و متکبرانه‌ی منافقان در مورد محاصره‌ی اقتصادی و تبعید مؤمنان مهاجر پاسخ می‌دهد و با اشاره به توانگری و عزّت خدا و مؤمنان می‌فرماید: ۷ و ۸. هُمُ الَّذِینَ یَقُولُونَ لَا تُنفِقُوا عَلَی مَنْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّی یَنفَضُّوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلکِنَّ الْمُنَافِقِینَ لَا یَفْقَهُونَ* یَقُولُونَ لَئِن رَجَعْنَا إِلَی الْمَدِینَةِ لَیُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِینَ وَلکِنَّ الْمُنَافِقِینَ لَا یَعْلَمُونَ آنان کسانی هستند که می‌گویند: «برای کسانی که نزد فرستاده‌ی خدا هستند (اموالتان را) هزینه نکنید تا این‌که پراکنده شوند.» در حالی که منابع آسمان‌ها و زمین، فقط از آنِ خداست، و لیکن منافقان فهم عمیق نمی‌کنند.* می‌گویند: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۸ «اگر به مدینه بازگردیم، قطعاً، عزیزترین (افراد)، ذلیل‌ترین (افراد) را از آن (شهر) بیرون می‌رانند!» در حالی که عزّت فقط برای خدا و برای فرستاده‌اش و برای مؤمنان است، و لیکن منافقان نمی‌دانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منافقان بر ثروت و امکانات خود تکیه می‌کردند و قصد محاصره‌ی اقتصادی مسلمانان را داشتند و به دوستان خود سفارش می‌کردند که امکانات در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله نگذارند تا نتواند مخارج جنگ‌ها و یاران خود را بپردازد و مؤمنان از اطراف او پراکنده شوند. البته روشن است که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله با محاصره‌ی اقتصادی از او جدا نمی‌شدند، همان طور که در مکه در شعب ابو طالب مدت‌ها مقاومت کردند. ۲. این آیات به منافقان پاسخ می‌دهد که منابع اصلی آسمان و زمین مخصوص خداست و خدا هرگونه مصلحت بداند آن منابع را بین مردم تقسیم می‌کند و اگر به برخی افراد کم یا زیاد می‌دهد برای آزمایش آنهاست و اگر کسی به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان کمک مالی کرد، توفیق الهی نصیب او شده است؛ چون آن اموال از آن خداست که در اختیار او قرار داده، پس باید سپاس‌گزار خدا باشد، نه این که منّت بگذارد. ۳. در شأن نزول آیه‌ی پنجم و ششم همین سوره بیان شد که عبداللّٰه بن ابیّ سرکرده‌ی منافقان گفت: اگر به مدینه آییم، افراد با عزّت، افراد ذلیل (مهاجران) را اخراج می‌کنند. این آیه به سخنان او اشاره کرده و به آنها پاسخ داده است. ولی از آن جا که سخن عبداللّٰه سخن همه‌ی منافقان بود، آن را به همه‌ی منافقان نسبت داد. ۴. عزّت مخصوص خدا، پیامبر و مؤمنان است و منافقان به غلط می‌پندارند که عزیز هستند. وقتی عبداللّٰه بن ابی خواست داخل مدینه شود پسر مؤمن او مانع ورودش شد و گفت: تا وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه ندهد نمی‌توانی داخل شهر شوی. و پیامبر صلی الله علیه و آله پیام فرستاد که به او اجازه‌ی ورود بده. برخی از مفسران حکایت کرده‌اند که عبداللّٰه بن ابی چند روز بعد مرد، و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۵۹ شاید در اثر این ذلت دق کرده باشد. «۱» و این نمونه‌ای از ذلت منافقین است. ۵. روش منافقان متکبر مدینه جدید نبود؛ قبل از آنان مشرکان نیز فکر می‌کردند با محاصره‌ی اقتصادی و تبعید پیامبر صلی الله علیه و آله کار اسلام تمام می‌شود و هنوز هم مستکبران واستعمارگران جهان می‌پندارند که با محاصره‌ی اقتصادی مسلمانان انقلابی می‌توانند اسلام و ایمان را مهار و مسلمانان را ذلیل کنند، در حالی که در نهایت مسلمانان با عزّت پیروز می‌شوند و کفر و شرک و نفاق با ذلّت شکست می‌خورد. ۶. از آن جا که درک مالکیت خدا بر منابع جهان دقیق و پیچیده است، در مورد آن تعبیرِ «منافقان درک عمیق ندارند» را آورد، ولی از آن جا که عزّت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان آشکار بود و تفکر زیادی نمی‌خواست در مورد آن جمله‌ی «منافقان نمی‌دانند» را آورد. «۲» ۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده که خدا همه‌ی امور مؤمنان را به خودشان واگذار کرده ولی به آنان اجازه نداده است که خوشان را ذلیل کنند. «۳» و

در حدیث دیگری می‌خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چگونه مؤمن خودش را ذلیل می‌کند؟ حضرت پاسخ داد که «به سراغ کاری می‌رود که از تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۰ او ساخته نیست». «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان برای محاصره‌ی اقتصادی رهبر اسلام تلاش می‌کنند. ۲. هدف منافقان پراکنده کردن مردم از اطراف رهبر اسلام است. ۳. منابع جهان به دست خداست (و به هر کس هر چقدر مصلحت بداند می‌دهد). ۴. منافقان قادر به درک مطالب عمیق نیستند. ۵. منافقان انحصار طلب‌اند و شهر را فقط برای خود می‌خواهند. ۶. منافقان اگر بتوانند حقّ شهروندی را هم از شما سلب می‌کنند. ۷. منافقان خود را با عزّت می‌پندارند (در حالی که ذلیل هستند). ۸. عزّت مخصوص خدا و دین‌باوران است. ۹. اگر عزّت واقعی می‌خواهید، مؤمن باشید. ۱۰. منافقان را از انحصارطلبی و ضدیت با اجتماع مسلمانان و رهبری بشناسید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۱ نفاق، پیامدها و راهکارها در قرآن و حدیث الف) ویژگی‌های منافقان: ۱. به دروغ ادعای ایمان می‌کنند (بقره، ۸ و منافقون، ۱ و ۲)؛ ۲. خودفریبی می‌کنند (بقره، ۹)؛ ۳. بیمار دل‌اند (بقره، ۱۰)؛ ۴. فسادگرانی هستند که ادعای اصلاح‌طلبی دارند (بقره، ۱۱)؛ ۵. در برخوردهای اجتماعی دوچهره هستند (بقره، ۱۴)؛ ۶. قیافه‌های شگفت‌آور و جذاب دارند (منافقون، ۴)؛ ۷. با دلهره و وحشت زندگی می‌کنند (منافقون، ۴)؛ ۸. متکبر و فاسق هستند (منافقون، ۵ و ۶ و توبه، ۶۷)؛ ۹. از کمک اقتصادی به مؤمنان جلوگیری می‌کنند (منافقون، ۷)؛ ۱۰. اگر بتوانند مؤمنان را از شهر بیرون می‌کنند (منافقون، ۸)؛ ۱۱. با کسالت نماز می‌خوانند و کم‌تر ذکر خدا می‌گویند (نساء، ۱۴۲)؛ ۱۲. ریاکارند (نساء، ۱۴۲)؛ ۱۳. در تردید و دودلی هستند (نساء، ۱۴۳)؛ ۱۴. امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند (توبه، ۶۷)؛ ۱۵. خدا را فراموش کرده‌اند، پس خدا نیز آنان را به فراموشی سپرده است (توبه، ۶۷)؛ ۱۶. سوگند دروغ یاد می‌کنند (توبه، ۷۴)؛ ۱۷. در حقیقت کافرند (توبه، ۷۴)؛ ۱۸. خود را به فتنه انداخته‌اند و آرزوها فریبشان داده است (حدید، ۱۴)؛ ۱۹. فرصت‌طلبانی زیانکارند (حج، ۱۱). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۲ ب) کیفر نفاق: ۱. خدا آنان را نمی‌آمرزد (منافقون، ۶)؛ ۲. در قیامت نور ندارند (حدید، ۱۳)؛ ۳. گرفتار عذاب دردناکی می‌شوند (بقره، ۱۰ و توبه، ۶۸)؛ ۴. خدا لعنتشان می‌کند (توبه، ۶۸)؛ ۵. «منافقان در قیامت دو چهره‌ی آتشبار و دو زبان آتشین دارند» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» ج) راهکارهای نجات از نفاق: ۱. «صلوات بر من و اهل‌بیت علیهم السلام نفاق را از بین می‌برد» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله)؛ «۲» ۲. «صدایتان را به صلوات بلند کنید که نفاق را از بین می‌برد» (پیامبراکرم صلی الله علیه و آله)؛ «۳» تذکر ۱: صلوات، اعلام توحید، نبوت و امامت، و نوعی اظهار ایمان کامل است. تذکر ۲: نفاق گاهی عقیدتی است که همزاد کفر است، ولی گاهی اخلاقی است که همان دو چهرگی است و نشانه‌ی آن در احادیث دروغ‌گویی، خلف وعده و خیانت و ... شمرده شده است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۳ قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی منافقون در مورد غفلت‌زایی اموال و فرزندان و فراموشی یاد خدا هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَمَن يَفْعَلْ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال شما و فرزندانتان شما را از یاد خدا (غافل و) سرگرم نکند! و کسانی که چنین کنند، پس تنها آنان زیانکارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان می‌تواند با اموال و فرزندان، بلکه همه‌ی امور دنیوی، دو گونه برخورد کند: الف) از آنها به عنوان نعمت‌های الهی، در راه سعادت دنیا و آخرت خود بهره ببرد و با سپاس گزاری و کمک به دیگران و انجام کارهای نیک، دنیا را نردبان تکامل معنوی خویش قرار دهد؛ یعنی اجازه ندهد که دنیا او را از یاد خدا و انجام وظایف دینی و انسانی بازدارد. ب) شیفته‌ی اموال و فرزندان خود شود و چنان گرفتار غفلت گردد که از یاد خدا، آخرت و امور معنوی بازماند، که در این صورت دنیا نه تنها عامل سعادت کامل انسان نمی‌شود بلکه عامل سقوط و انحراف انسان می‌گردد. و این دنیا رأس همه‌ی لغزش‌هاست و آیه‌ی فوق سرگرم شدن به چنین دنیایی را سرزنش می‌کند. ۲. خطر دل‌بستگی شدید به دنیا و مظاهر آن: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرمایند: اگر انسان علایقش شدید باشد به دنیا و علایقش شدید باشد به زن و فرزند و مال و حیثیت و ریاست و امثال ذلک، از مصیبت‌هایی که هست در این که احتمالش هم انسان را ناراحت می‌کند و کمر

انسان را می‌شکند، این است که در آن نزدیکی که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۴ می‌خواهند او را منتقلش کنند به یک عالم دیگری، برایش کشف می‌شود که این به دست خدای تبارک و تعالی است و این آدم برای این که خدا او را از این چیزها که حبّ به او دارد، جدا می‌کند، دشمن خدا می‌شود. «۱» ۳. مفسران قرآن فرموده‌اند که مقصود از «ذکر خدا» در این آیه، نماز، شکر نعمت، صبر بر بلا، حج، زکات، تلاوت قرآن یا همه‌ی واجبات است. البته مانعی ندارد که این‌ها مصداق‌های ذکر باشند و آیه شامل همه‌ی موارد شود. آری؛ غفلت و سرگرمی به دنیا مانع توجه به همه یا برخی از این امور می‌شود. ۴. کسی که فقط سرگرم امور مادی و از یاد خدا و معنویات غافل شد، زیان کرده است؛ چرا که سرمایه‌های وجود و عمر خویش را داده و لذت ناپایدار مادی را به دست آورده و سعادت پایدار را از دست داده و برای سرای دیگر کاری نکرده است. ۵. کسی که به یاد خدا باشد، با عمل به دستورات قرآن و واجبات دینی، زندگی خویش را در برابر آلودگی‌ها و انحرافات بیمه می‌کند و به سوی کمال گام برمی‌دارد و اصولاً توجه به خدا موجب رشد معنوی و نزدیکی انسان به خدا می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دنیا شما را سرگرم و غافل نسازد (تا از اهداف عالی باز مانید). ۲. استفاده‌ی معقول از دنیا مانعی ندارد، اما شیفته‌ی دنیا شدن و غفلت‌زدگی موجب زیانکاری است. ۳. دوری از یاد (قرآن و نماز و واجبات) الهی به سعادت و کمال انسان ضرر می‌زند. ۴. اگر به دنبال سود و سعادت دنیا و آخرت خویش هستید، به یاد خدا باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۵ قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی منافقون با یادآوری مرگ حتمی و پشیمانی در آن هنگام، مردم را به بخشش به دیگران تشویق می‌کند و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. وَأَنفِقُوا مِن مَا رَزَقْنَاكُم مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِنَ الصَّالِحِينَ* وَلَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْساً إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ از آنچه به شما روزی داده‌ایم (در راه خدا) هزینه کنید، پیش از آن‌که مرگ به سراغ یکی از شما آید و بگوید: «پروردگارا! چرا (مرگ) مرا تا سرآمد نزدیکی تأخیر نینداختی تا بخشش صادقانه کنم و از شایستگان باشم؟!»* و خدا «مرگ» کسی را هنگامی که سرآمد (عمر) او فرا رسد، به تأخیر نمی‌اندازد؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به افرادی اشاره شده که از فرصت‌های زودگذر دنیا برای انجام کارهای نیک و بخشش اموال خود استفاده نکردند، تا این که به آستانه‌ی مرگ حتمی رسیده، پشیمان و حسرت‌زده شدند و آرزو و تقاضای بازگشت دارند ولی جواب منفی می‌شنوند. بیان سرگذشت این افراد آموزه‌ای برای ماست که از فرصت‌های زودگذر دنیا برای انجام کارهای نیک استفاده کنیم. جوانمرد و خوشخوی و بخشنده باش چو حق با تو باشد تو با خلق باش هر آن که نماند از پسش یادگار درخت وجودش نیاورد بار (سعدی) ۲. مقصود از «انفاق» هزینه کردن اموال در راه خداست که شامل امور مستحب و واجب (مثل زکات) می‌شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۶ ۳. تعبیر «آنچه خدا روزی شما کرده است»، به دو نکته اشاره دارد: الف) آنچه شما به دیگران می‌بخشید از آن خداست، پس در بخشش اموال خدا به بندگان خدا بخیل نباشید؛ چون شما مأمور و واسطه هستید نه مالک حقیقی. ب) بخشش‌های انسان شامل هرگونه روزی انسان، اعم از اموال و غیر اموال هم‌چون علم و قدرت و مقام می‌شود. «۱» ۴. یکی از قوانین و سنن الهی ثابت بودن مرگ حتمی و عدم امکان بازگشت به دنیاست؛ اگر مرگ قطعی و حتمی و نهایی انسان فرارسیده باشد، ساعتی جلو و عقب نمی‌شود و تأخیربردار نیست. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از فرصت‌های زودگذر دنیا برای بخشش به مردم و اصلاح خود استفاده کنید. ۲. از نعمت‌های خدا به بندگان او بدهید (و بخل نورزید). ۳. پشیمانی و حسرت‌زدگی هنگام مرگ سودی ندارد. ۴. مرگ حتمی شما قابل تغییر نیست. ۵. تقاضای تأخیر مرگ شما پذیرفته نمی‌شود و فرصت دوباره برای انجام کارهای نیک به شما نمی‌دهند (پس فرصت کنونی را غنیمت بشمرید). ۶. خدا کارهای شما را تحت نظر دارد (پس مراقب اعمال خود باشید). «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۶۷

بخش سوم: سوره‌ی تغابن

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی تغابن در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۸ آیه، ۲۴۱ کلمه و ۱۰۷۰ حرف است. سوره‌ی تغابن، صد و نهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «جُمعه» و قبل از سوره‌ی «صف») و شصت و چهارمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «تغابن» به معنای «احساس ضرر و حسرت و افسوس» است که یکی از نام‌های قیامت نیز هست. این نام از آیه‌ی نهم این سوره گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هر کس سوره‌ی «تغابن» را در نماز واجب قرائت کند، (این سوره) شفیع و گواه عدل وی در رستاخیز خواهد بود و از او جدا نمی‌شود تا داخل بهشت گردد. «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها برای کسانی است که سوره‌ی تغابن را بخوانند و در آن تدبّر و تفکر کنند و در راستای آن عمل نمایند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۰

ویژگی

ویژگی: با این که گفته شده این سوره مدنی است، مطالب آن شباهت زیادی به سوره‌های مکی دارد. اهداف: اساسی‌ترین هدف‌های این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید؛ ۲. یادآوری معاد؛ ۳. هشدار و بیدار باش به انسان‌ها که از فرصت‌ها استفاده کنند و در دنیا اعمال نیک انجام دهند.

اهداف

اهداف: اهداف اصلی این سوره، یادآوری توحید و معاد و اهداف فرعی آن، نشان دادن اهمیت قرآن کریم و ارزش‌های اخلاقی است.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. اشاره‌ای به توحید و افعال خدا و تسبیح همه‌ی موجودات برای او (در آیات ۱ و ۲)؛ ۲. اشاره‌ای به علم بی‌کران الهی (در آیات ۴ و ۱۸)؛ ۳. اشاره‌ای به معاد و این که گروهی در رستاخیز احساس ضرر خواهند کرد (در آیات ۹ و ۱۰)؛ ۴. تحکیم پایه‌های نبوت با دستور به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۱۲). ب) اخلاق: ۱. تشویق به انفاق در راه خدا (در آیات ۱۶ و ۱۷)؛ ۲. هشدار به انسان که فریفته‌ی اموال و فرزند و همسر نشود (در آیات ۱۴ و ۱۵)؛ ۳. دعوت به توکّل بر خدا (در آیه‌ی ۱۳)؛ ۴. تشویق به بخشش (در آیه‌ی ۱۴)؛ ۵. دعوت به تقوا به اندازه‌ی توانایی (در آیه‌ی ۱۵). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۱ ج) داستان: اشاره‌ای به سرنوشت کافران اقوام پیشین و بهانه‌جویی‌های آنان (در آیات ۵ و ۶). د) مطالب فرعی: ۱. هشدار به انسان که مراقب اعمال خویش باشد (در آیه‌ی ۵)؛ ۲. دعوت به ایمان به خدا و رسول صلی الله علیه و آله و نوری که با او نازل شده است (در آیه‌ی ۸)؛ ۳. تذکر این نکته که همه‌ی کارها به دست خداست (در آیه‌ی ۱۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی تغابن قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی تغابن به تسبیح گویی موجودات برای خدا و برخی صفات او اشاره می کند و می‌فرماید: ۱. یُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِی السَّماوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است برای خدا تسبیح می گوید؛ فرمان‌روایی فقط از آن اوست و ستایش تنها برای اوست؛ و او بر هر چیز تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعدد قرآن هم‌چون آیه‌ی اول سوره‌های حدید، صف و جمعه گفته شده که همه‌ی موجودات با زبان حال یا زبان قال به تسبیح گویی حق مشغول‌اند و او را از هرگونه عیب و نقص منزّه می‌دارند. «۱» ۲. تکرار و تأکید بر تسبیح گویی موجودات، اهمیت این مطلب را می‌رساند و نشان می‌دهد که خدا می‌خواهد توجه ما را به این مطلب مهم معطوف دارد تا انسان از زمزمه‌ی تسبیح کاروان هستی غافل نشود و از آنان عقب نماند. ۳. مالکیت و حاکمیت خدا حقیقی و وجودی است یعنی او علت و ایجاد کننده‌ی همه چیز است پس مالک آنهاست و مالکیت او هم‌چون مالکیت انسان‌ها اعتباری و قراردادی نیست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۴ ۴. قدرت خدا نامحدود است و او می‌تواند هر کار ممکنی را انجام دهد، البته اراده و قدرت خدا تابع حکمت و علم اوست و او طبق مصلحت عمل می کند. ۵. ستایش و حمد اختصاص به خدا دارد؛ چراکه همه‌ی زیبایی‌ها و نیکی‌ها و خوبی‌ها از خداست، پس هر چه را ستایش کنیم در حقیقت پدید آورنده‌ی آن، یعنی خدا را ستایش کرده‌ایم. ۶. تسبیح و ستایش خدا لازمه‌ی قدرت مطلق و مالکیت او بر همه چیز است؛ یعنی به خاطر این دو صفت است که خدا شایسته‌ی ستایش و تسبیح است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. موجودات جهان زمزمه‌ی تسبیح سرداده‌اند (شما هم با آنها همراهی کنید). ۲. قدرت و مالکیت حقیقی خدا را بشناسید و او را تسبیح گویید و ستایش کنید. ۳. همه‌ی ستایش‌ها به خدا بازمی‌گردد و فقط او شایسته‌ی ستایش است. *** قرآن کریم در آیات دوم تا چهارم سوره‌ی تغابن به آفرینشگری و صورتگری و علم بی‌کران خدا اشاره می کند و می‌فرماید: ۲-۴. هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ فَمِنکُمْ کَافِرٌ وَمِنکُم مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ* خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَکُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَکُمْ وَإِلَیْهِ الْمَصِیرُ* یَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَیَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ او کسی است که شما را آفرید؛ پس برخی از شما کافرید و برخی از شما مؤمنید؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست.* آسمان‌ها و زمین را به حقّ آفرید و شما را صورتگری کرد و صورت‌های شما را نیکو گردانید؛ و فرجام (همه‌ی شما) فقط به سوی اوست.* آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌سازید می‌داند؛ و خدا به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو فعل اساسی خدا اشاره شده است: آفرینشگری، و صورتگری. خدا جهان و انسان را آفرید و زیباترین چهره‌پردازی را در مورد انسان به کار بست و چنان نقاشی بر پهنه‌ی هستی کشید که همه‌ی نقاشان جهان را به حیرت واداشت. ۲. آفرینش جهان به حق است، این مطلب اشاره‌ای به نظام دقیق و آفرینش هدفمند جهان است؛ یعنی آفرینش جهان بیهوده، بی‌هدف و باطل نبوده است؛ بلکه همه‌ی جهان از خدا شروع شده و به سوی خدا می‌رود و فرجام همگان و هدف نهایی خداست. ۳. علم خدا بی‌کران است و در سه مرحله تبلور می‌یابد: الف) علم به تمام جهان؛ ب) علم به اعمال پنهان و آشکار انسان؛ ج) علم به باطن و عقاید درونی انسان‌ها. ۴. آگاهی از صفات و افعال خدا، هم‌چون آگاهی از آفرینش هدفمند جهان و علم خدا به درون و برون انسان، اثر تربیتی بر افراد دارد؛ زیرا زندگی انسان معنادار و هدفمند می‌شود و او همیشه خود را تحت نظر خدا می‌بیند و در مورد عقاید، نیت‌ها و کارهای خویش دقت می کند تا در محضر خدا خطایی از او سرنزند. ۵. تقسیم انسان‌ها به مؤمن و کافر، نشان دهنده‌ی آزادی و اختیار انسان در تصمیم‌گیری و انتخاب عقیده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا شما را آفرید و در انتخاب راه آزاد گذاشت، اما شما را تحت نظر دارد. ۲. آفرینش جهان هدفمند است و فرجام همه به سوی خداست. ۳. به چهره‌های زیبای خودتان بنگرید و خداشناس شوید. ۴. قلمرو علم خدا درون و برون را در بر می‌گیرد (پس مراقب اعمال خودتان باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۶ قرآن کریم در آیات پنجم و

ششم سوره‌ی تغابن به سرنوشت عبرت‌آموز کافران پیشین و عوامل عذاب آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵ و ۶. أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ* ذلِكَ بِأَنَّهُ كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حمِيدٌ آیا به شما نرسیده است خبر بزرگ کسانی که پیش از [این کفر ورزیدند و سنگینی (کیفر) کارشان را چشیدند و برایشان عذاب دردناکی است؟!* آن به خاطر این است که فرستادگانشان با دلیل‌های روشن (معجزه‌آسا) به سراغشان می‌آمدند، و (کافران) می‌گفتند: «آیا بشرهایی ما را راه‌نمایی می‌کنند؟!» پس کفر ورزیدند و روی برتافتند و خدا توانگری نمود؛ و خدا توانگری ستوده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سرنوشت عبرت‌آموز کافران پیشین، هم‌چون فرعونیان، قوم نوح، عاد و ثمود اشاره شده که در برابر خدا و پیامبران او سرکشی و لجاجت کردند و کفر ورزیدند و در نهایت به هلاکت رسیدند. اخبار این اقوام در قرآن و کتاب‌های دیگر و از طریق حکایات به مردم رسیده است، بلکه ویرانه‌های شهرهای آن اقوام در مسیر کاروانیان موجود است و هر بیننده‌ای را به عبرت‌آموزی فرا می‌خواند. ۲. عوامل عذاب این کافران عبارت‌اند از: الف) اعمال بد خودشان؛ ب) بهانه‌جویی تکبرآمیز و روی‌گردانی از پیامبرانشان. ۳. بهانه‌ی کافران پیشین این بود که می‌گفتند: چرا پیامبری از جنس بشر به سراغ ما آمده است و چرا فرشته‌ای برای ما نازل نمی‌شود؟! در حالی که رهبر و هدایتگر انسان‌ها باید از جنس خودشان باشد تا دردها و نیازهای آنان را درک کند و بتواند الگوی عملی برای مردم باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۷ ۴. در این آیه بیان شده که خدا از ایمان و اطاعت مردم بی‌نیاز است. گر جمله‌ی کائنات کافر گردند بر دامن کبریا ننشیند گرد پس این همه اصرار و فرستادن پیامبران و دلایل و راه‌نمایی به سوی ایمان برای نجات مردم است و سود آن به خود انسان‌ها می‌رسد و آنها سعادتمند و بهشتی می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در اخبار تاریخی دقت کنید و از سرنوشت عذاب‌آلود کافران پیشین عبرت بیاموزید. ۲. عذاب کافران نتیجه‌ی کردار خود آنهاست. ۳. بهانه‌جویی متکبرانه در برابر رهبران الهی از عوامل عذاب است. ۴. انسان بودن رهبران الهی را بهانه نکنید، بلکه به دلایل روشن (و معجزات) آنان توجه کنید. ۵. خدا از ایمان و اطاعت شما بی‌نیاز است (پس کفر شما به زیان خودتان است). *** قرآن کریم در آیات هفتم و هشتم سوره‌ی تغابن به شبهه‌ی کافران در مورد معاد پاسخ داده، آنان را به ایمان فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۷ و ۸. زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن لَن يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ* فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ کسانی که کفر ورزیدند، پنداشتند که برانگیخته نخواهند شد؛ بگو: «آری؛ به پروردگارم سوگند که قطعاً، برانگیخته خواهید شد! سپس حتماً، از آنچه انجام دادید خبر داده می‌شوید؛ و آن (کارها) بر خدا آسان است».* پس، به خدا و فرستاده‌اش و نوری که فرو فرستادیم ایمان بیاورید؛ و خدا از آنچه می‌کنید آگاه است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شبهه‌ی اصلی کافران در مورد معاد آن بود که چگونه استخوان‌های پوسیده و خاک شده که متفرق گردیده‌اند دو باره جمع و زنده می‌شوند. آنان این مطلب را بعید می‌شمردند. ولی این آیه به کافران پاسخ می‌دهد که با توجه به علم بی‌کران و قدرت بی‌انتهای خدا این جمع‌آوری و رستاخیز برای او آسان است. «۱» ۲. در این آیه پیامبر صلی الله علیه و آله به «پروردگار» سوگند یاد می‌کند که حتماً مردم در رستاخیز برانگیخته می‌شوند. این سوگند هم برای تأکید و بیان قاطع مطلب است و هم عقیده‌ی راسخ گوینده را نشان می‌دهد و از طرف دیگر، تعبیر «پروردگار» اشاره‌ی لطیفی به دلیل معاد است که ربوبیت خدا ایجاب می‌کند که حرکت تکاملی انسان در محدوده‌ی زندگی دنیا رها نشود و تا رسیدن به هدف نهایی و معاد ادامه یابد. ۳. در این آیات به ایمان به خدا اکتفا نشده بلکه به سه شعبه‌ی ایمان، یعنی: ایمان به توحید، نبوت و قرآن (یا امامت) دعوت شده است و این نشان می‌دهد که ایمان به این‌ها از هم‌دیگر جدا نیست. ۴. مقصود از نوری که خدا نازل کرده است و ایمان به آن لازم است چیست؟ مفسران قرآن این نور را به قرآن تفسیر کرده‌اند؛ زیرا در آیات متعددی، از قرآن با عنوان نور یاد شده است. «۲» ولی در روایات اهل بیت علیهم السلام نور به وجود امام علیه السلام تفسیر شده است. «۳» البته مانعی ندارد که این‌گونه تفسیرها و روایات مصداق‌های نور را بیان کنند؛ چون هم قرآن با

هدایت‌گری خویش جهان را نورانی می‌کند و هم ائمه علیهم السلام تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۷۹ دل‌های مردم را با سخنان خود نورانی می‌کنند؛ علاوه بر آن که امامان علیهم السلام تجسّم عملی کتاب خدا و قرآن ناطق هستند، پس هر دو نور هستند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شبهه‌های کافران در مورد رستاخیز، پنداری بیش نیست. ۲. رستاخیز و خبردادن از اعمال در آن روز برای خدایی با علم و قدرت بی‌کران آسان است. ۳. ایمان به خدا را با ایمان به پیامبر و نور (قرآن و امامت) همراه سازید. ۴. خدا اعمال شما را تحت نظر دارد. *** قرآن کریم در آیات نهم و دهم سوره‌ی تغابن به صفات روز رستاخیز و سرنوشت مؤمنان نیکوکار و کافران بدکار در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹ و ۱۰. یَوْمَ یَجْمَعُکُمْ لِیَوْمِ الْجَمْعِ ذلِکَ یَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَن یُؤْمِن بِاللَّهِ وَیَعْمَلْ صَالِحاً یُکَفِّرْ عَنْهُ سَیِّئَاتِهِ وَیُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَداً ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ* وَالَّذِینَ کَفروا وَکَذَّبُوا بِآیَاتِنَا أُولئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِینَ فِیهَا وَبِئْسَ الْمَصِیرُ روزی که شما را برای روز جمع‌آوری (مردم در قیامت) گردآوری می‌کند، آن روز زیانکاری است؛ و هر کس به خدا ایمان آورد و [کار] شایسته انجام دهد، بدی‌هایش را از او می‌زداید و او را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که از زیر (درختان) ش نهرها روان است، در حالی که جاودانه در آن ماندگارند؛ این کام‌یابی بزرگی است.* و کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، آنان اهل آتش‌اند، در حالی که در آن‌جا ماندگارند؛ و (این) بد فرجامی است! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. روز رستاخیز نام‌های زیادی دارد؛ از جمله «یوم الجمع»، یعنی روزی که تمام مردم از اول تا آخر عمر دنیا در یک مکان جمع می‌شوند «۱» و نیز رستاخیز «یوم التغابُن» است، یعنی روزی که زیان‌ها و فریب‌خوردگی‌های افراد آشکار می‌شود و برندگان بهشتی وبازندگان دوزخی شناخته می‌شوند و روشن می‌شود که در تجارت دنیا چه کسانی زیان کرده و فریب خورده‌اند. «۲» ۲. ایمان و عمل شایسته شرایط و مقدماتِ سعادت اخروی‌اند است که چند پاداش به دنبال دارند: الف) بخشش گناهان، به طوری که خدا گناهان این افراد را از دیگران می‌پوشاند، تا آبروی آنان در صحنه‌ی رستاخیز نرود. ب) ورود به بهشت با نعمت‌های دل‌نواز و بوستان‌های زیبا؛ ج) جاودانه بودن نعمت‌های بهشتی برای مؤمنان شایسته‌کردار. ۳. در این آیات به دو عامل عذاب دوزخیان اشاره شده است: الف) کفر؛ ب) تکذیب‌گری و دروغ انگاشتن نشانه‌ها و آیات الهی. ۴. تعبیر «ابداً» در مورد بهشتیان به معنای ماندگاری جاویدان آنان در بهشت است اما در مورد دوزخیان از این تعبیر استفاده نشده است؛ زیرا ممکن است برخی دوزخیان مؤمنان گناهکارباشند که برای همیشه در آتش نمی‌مانند، بلکه رحمت الهی شامل حالشان می‌شود و روزی از عذاب رهایی می‌یابند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز جمع‌آوری همه‌ی مردم و آشکار شدن زیان‌ها و فریب‌خوردگی‌هاست. ۲. هر کس آمرزش و بهشت می‌خواهد، به ایمان و عمل شایسته روی آورد. ۳. کام‌یابی بزرگ و جاودانی در انتظار مؤمنان شایسته کردار است. ۴. کفر و تکذیب آیات الهی زمینه‌ساز آتش دوزخ است. ۵. فرجام بدی در انتظار کافران و منکران نشانه‌های خداست. *** قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی تغابن به توحید افعالی و هدایت درونی مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱. مَا أَصَابَ مِن مُصِیبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَن یُؤْمِن بِاللَّهِ یَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِکُلِّ شَیءٍ عَلِیمٌ هیچ مصیبتی، جز به رخصت خدا، (به کسی) نمی‌رسد؛ و هر کس به خدا ایمان آورد، دلش را راه‌نمایی می‌کند؛ و خدا به هر چیزی داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به توحید افعالی اشاره شده است؛ یعنی همه‌ی امور و حوادث این جهان با خواست خداست و بدون رخصت او برگی از درخت نمی‌افتد و اراده‌ی تکوینی او بر همه‌ی ذرات جهان حاکم است. البته این توحید با اختیار و آزادی انسان منافاتی ندارد؛ زیرا خدا اراده کرده است که انسان آزاد و مختار باشد و کارها را از طریق اسباب و علل و عوامل انجام دهد، هر چند وجود و قدرت همه‌ی این‌ها از خداست. ۲. مصیبت‌ها و حوادث چند گونه است: الف) حوادث طبیعی، مثل زلزله و آتش‌فشان که بدون دخالت اراده‌ی انسان به وجود می‌آید که مایه‌ی آزمایش و رشد انسان است. انسان می‌تواند تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۲ با تلاش علمی و عملی با این حوادث مقابله کند و رشد یابد و با کمک به هم نوعان خود و صبر از این آزمایش سربلند بیرون آید. ب) حوادثی که در اثر کردار انسان‌ها به

وجود می‌آید، همچون ستمکاری افراد به همدیگر یا گناهان دیگر که عواقب و مشکلاتی را برای انسان پدید می‌آورد. البته انسان بایـد با ستم مقابله کنـد و در برابر گناهان از خواب غفلت بیـدار شود و با استغفار و تغییر روش و دست برداشـتن از گناهان جلوی مشکلات ناشی از آن را بگیرد. «۱» ۳. این یک سنت و قانون الهی است که هرکس ایمان آورد خـدا دل او را هدایت می‌کند و از درون او را راهنمایی می‌کنـد. ۴. مقصود از این هـدایت قلبی چیست؟ مفسـران قرآن هـدایت قلبی را الهـام صبر و شـکر و رضایت و تسلیم در برابر خـدا و گفتـن «انّـا للّه‌وانّـا الیهِ راجِعُـون» در هنگـام مصـیبت‌ها دانسـته‌اند. البته روشن است که این مـوارد می‌توانـد از مصادیق راهنمایی قلبی باشد، اما معنای هدایت قلبی وسیع است و شامل هرگونه راهنمایی خدا می‌شود که از طریق الهام یا راهنمایی فکر بشـر و یـا و وحی توسـط فرشـتگان تحقق می‌یابـد. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. همه‌ی امـور را از خـدا بدانیـد. ۲. وجود مصـیبت‌ها از خداست (پس گره‌گشایی را از او بخواهید). ۳. یکی از نتایج ایمان راهنمایی درونی انسان است. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۳ قرآن کریم در آیات دوازدهم و سیزدهم سوره‌ی تغابن به لزوم توکّل بر خدا و فرمانبرداری از او و رهبر اسلام اشاره می‌کند و با هشدار به نافرمانان می‌فرماید: ۱۲ و ۱۳. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ* اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ و خـدا را اطاعت کنیـد و فرسـتاده [ی خـدا] را اطاعت کنیـد؛ و اگر روی برتابید، پس بر عهده‌ی فرسـتاده‌ی ما فقط رسانـدن [پیام روشـنگر و] آشـکار است.* خـداست که هیچ معبودی جز او نیست و مؤمنان، پس باید تنها بر خدا توکّل کننـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اطاعت از خـدا و پیامبر و توکّل بر خـدا از وظایف مؤمنان و از لوازم ایمان به خـداست؛ زیرا خدا یکی است، پس باید از او اطاعت کنیم و خدا منبع هرگونه قدرت است، پس باید فقط بر او توکّل و تکیه کنیم. ۲. اطاعت از خدا و پیـامبر از هم جـدا و در عرض هم‌دیگر نیسـتند، بلکه در طول همانـد یعنی اطـاعت از خـدا اصـل است و اطاعت از پیامبر شـعبه‌ای از اطاعت از خداست. «۱» اطاعت از خدا مربوط به اصول قوانین الهی و اطاعت از پیامبر در مورد تفسـیر آنها و مسائل اجرایی است. ۳. در این آیه اشـاره شـده که وظیفه‌ی پیـامبر فقـط رسانـدن پیـام است؛ البته این حصـر اضافی و نسبی است، یعنی پیامبر در مورد وحی الهی وظیفه‌ی ارشـاد و پیـام رسـانی دارد و وظیفه‌ی اجبار آنها را نـدارد اما در موارد دیگر وظایف دیگری همچون امر به معروف یا جهـاد وماننـد آنها را دارد. ۴. مقصود از توکّـل بر خـدا چیست؟ مؤمنـان فقط بر قـدرت نامحـدود او تکیه می‌کننـد و همه‌ی افراد و نیروها تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۴ را اسباب الهی می‌بینند که قدرت بالذات ندارند، ولی خدا آنها را فراهم کرده تا از آنهـا اسـتفاده شود. پس مقصود از توکّـل آن نیست که کـار را به خـدا واگـذار کنیم و به دنبـال اسـتفاده از اسـباب مـادی نرویم. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. فرمانبرداری از دسـتورات خدا و رهبر اسـلام وظیفه‌ی شـماست. ۲. وظیفه‌ی رهبران الهی پیام‌رسـانی است (نه اجبار مردم). ۳. هر کس از وظایف دینی روی برتابـد به خود زیان می‌رسانـد. ۴. خدا را به توحید بشناسـید و بر او تکیه کنید. ۵. بر غیر خدا تکیه نکنید (چون غیر او معبودی نیست). *** قرآن کریم در آیات چهاردهم و پانزدهم سوره‌ی تغابن به آزمایش انسان‌ها به وسیله‌ی اموال و فرزنـدان اشاره می‌کنـد و با هشدار در مورد دشـمنی برخی آنها می‌فرماید: ۱۴ و ۱۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوّاً لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ* إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حقیقت، بعضـی از همسـران شما و فرزندانتان دشمن شما هستند، پس، از آنان بیمناک باشید؛ و اگر ببخشید و درگذریـد و بیامرزیـد، پس به راستی خدا بسـیار آمرزنده [و] مهرورز است.* اموال شـما و فرزندانتان فقط [وسیله‌ی آزمایش‌انـد؛ و خدا نزدش پاداش بزرگی است. شأن نزول: حکایت شده که وقتی برخی از مردان مسلمان می‌خواسـتند از مکه به سوی تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۸۵ مـدینه هجرت کنند، فرزندان و همسـرانشان مانع آنها می‌شدند و آنان را سوگند می‌دادند که هجرت نکنند و برخی از مردان در مکه می‌ماندند. آیه‌ی فوق بدین مناسـبت فرود آمد و در مورد خطر فرزند و همسـر هشدار داد. برخی دیگر هجرت می‌کردند و حتی خانواده‌ی خود را تهدید می‌کردند که اگر با ما به مدینه نیایید، بعداً به شما اعتنا نمی‌کنیم. در آیه‌ی فوق به این افراد هم تذکر داده شد که نسبت به خانواده‌ی خویش عفو و گذشت داشته باشند. «۱» نکته‌ها و

اشاره‌ها: ۱. هرچنـد این آیه شأن نزول خاصـی دارد، مفهومش گسترده است و به دشـمنی برخی فرزنـدان و همسـران انسان‌ها اشاره می کنـد. این دشـمنی جلوه‌های مختلفی دارد، گاهی آنان مانع انجام کارهای مثبت هم‌چون هجرت، جهاد و انفاق می‌شوند و گاهی انتظار مرگ انسان را می کشند تا از ارث او بهره‌مند شوند. ۲. همه‌ی فرزندان و همسران دشمن انسان نیستند؛ برخی از آنان خواسته یا ناخواسته چنین هستند؛ «۲» برخی دیگر از فرزنـدان و همسـران، یاوران راه خـدا و امدادگر پدر خانواده در راه انجام وظایف الهی هستند که البته حساب این افراد از دیگران جداست. ۳. در این آیات به آزمایش انسان به وسیله‌ی اموال و فرزندان اشاره شده است. آری انسان‌هـا همواره در حـال آزمـایش هسـتند تا رشـد و کمال یابنـد و یکی از مهم‌ترین وسایل آزمایش انسان ثروت و خانواده‌ی اوست که گاهی انسان را به انحراف و گناه می کشد. انسان وقتی بر سـر دوراهی قرار گرفت که یک طرف آن دسـتور خدا و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۶ طرف دیگر خواسـته‌ی گناه‌آلود خانواده و اموال حرام است، باید فرمان خدا را ترجیح دهد تا از این آزمـایش الهی سـربلند بیرون آیـد. «۱» ۴. از امـام علی علیه السـلام روایت شـده که هیـچ کس از شـما نگویـد: خـدایا من از آزمـایش به تو پنـاه می‌برم، زیرا همه مشـمول قـانون آزمایش می‌شونـد، بلکه کسـی که می‌خواهـد به خـدا پناه ببرد از آزمایش‌های گمراه کننـده پنـاه ببرد.» ۵. این آیـات از طرفی در مـورد خطر خـانواده هشـدار می‌دهـد ولی از طرف دیگر به پـدر خـانواده دسـتور گـذشت و بخشـش می‌دهـد و جلوی افراط و خشونت را می گیرد، تا مبادا لغزش فرزنـد یا همسـر موجب شود که پـدر بر خانواده‌ی خود سخت‌گیری کند. ۶. در این آیات سه تعبیر در مورد رفتار با خانواده به کار رفته است: الف) آنان را عفو کنیـد، یعنی از لغزش آنان صـرف نظر کنید و آنان را ببخشـید؛ ب) «صَفح» کنید، یعنی آنان را سـرزنش نکنید؛ ج) با غفران با خانواده‌ی خویش برخورد کنید، یعنی گناه آنان را بپوشانید و بیامرزید و به فراموشـی بسـپارید. چون زبردستیت بخشـید آسـمان زیردسـتان را همیشه نیک دار (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی از نزدیکان انسان وسیله‌ی گمراهی او می‌شوند (پس مراقب باشید). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۷ ۲. مراقب خطر فرزند و همسر خود باشید (تا شما را از راه خدا بازندارند). ۳. نسبت به لغزش‌های خانواده‌ی خویش سخت‌گیری نکنیـد و باگـذشت و عفو رفتار کنید. ۴. اگر آمرزش و لطف الهی را می‌خواهیـد، بـا خـانواده‌ی خود همـان‌گونه رفتار کنید. ۵. ثروت و خانواده وسـیله‌ی آزمایش شـمایند، آنها را هـدف نپنداریـد. ۶. به اموال و فرزنـدان خود جهت خـدایی بدهیـد، تا پـاداش بزرگی دریـافت داریـد. *** قرآن کریم در آیـات شـانزدهم تـا هجـدهم سوره‌ی تغابن با فراخوان به تقوا و فرمان‌برداری و بخل‌ستیزی، به پاداش‌ها و صـفات نیکوی الهی اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱۶– ۱۸. فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنفِقُوا خَيراً لِأَنفُسِكُمْ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ* إِن تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ* عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ پس هرچه در توان داریـد خودتان را از [عـذاب خـدا حفظ کنید و بشـنوید و اطاعت کنید و (در راه خـدا) هزینه کنیـد که برای خودتـان بهتر است؛ و هر کس از (بی گـذشتی و) آزمنـدی خودش نگـاه داشته شود، پس تنها آنان رسـتگارند.* اگر به خـدا «قرض الحسـنه‌ای» وام دهید، آن را برای شـما می‌افزاید و شـما را می‌آمرزد؛ و خدا بسـیار سپاس‌گزار [و] بردبـار است.* (او) دانـای نهـان و آشـکار [و] شـکست‌ناپذیر فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیـات برای تربیت مؤمنـان و پیروزی آنان در آزمایش ثروت و فرزنـد چهار دسـتور می‌دهـد: الف) هر چه می‌توانیـد پارسا و باتقوا باشـید و خودتان را از عـذاب الهی حفظ کنید؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۸ ب) سخنان خدا را بشنوید و خود را در معرض آیات الهی قرار دهید؛ ج) از دسـتورات الهی اطاعت کنید؛ د) در راه خدا انفاق و بخشش کنید و از بخل و آز دوری کنید. این دستورهای چهارگانه انسان را در سر دوراهی تعارض محبت فرزند و ثروت با دستورات الهی راهنمایی می‌کند و او را نجات می‌دهد؛ از این رو برای انسان بهتر و نیکوتر است، چون سود آنهـا به خود انسان بازمی‌گردد. «۱» ۲. بخشـش و انفاق در راه خدا چند فایده‌ی مهم دارد: الف) بخشش برای خـود انسـان بهـتر است؛ چون ذخیره‌ی آخرت و مـایه‌ی نجـات و ثواب الهی است؛ ب) مـانع رشـد صـفت بُخـل وآز در انسـان می‌شود؛ ج) موجب رسـتگاری و پیروزی انسان می‌گردد؛ د) نوعی وام دادن به خـداست که خدا آن را چند برابر می‌کند و به انسان

بازمی‌گرداند؛ ه) موجب پوشاندن و آمرزش گناهان می‌شود. ۳. چرا در این آیه به مؤمنان دستور می‌دهد که هر چه می‌توانید تقوا و پارسایی کنید، ولی در آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی آل عمران دستور می‌دهد، «آن‌چنان که حق تقواست، تقوا پیشه کنید»؟ این دو آیه مکمل یک‌دیگرند؛ چون اداکردن حقّ تقوا به توانایی انسان بستگی دارد و انسان به کاری که توانایی ندارد تکلیف نمی‌شود. «۲» ۴. «شُحّ» به معنای بُخل همراه با حرص و آز است. این دو صفت از بزرگ‌ترین موانع رستگاری انسان‌اند؛ چون مانع انجام واجبات؛ هم‌چون ادای تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۸۹ زکات و خمس و مانع کارهای خیر و بخشش در راه خدا می‌شوند از این رو در این آیه اشاره شده که هر کس به لطف الهی از بُخل و آز نجات یابد رستگار می‌شود. ۵. حکایت شده که امام صادق علیه السلام شبی طواف خانه‌ی خدا می‌کرد و مرتب می‌فرمود: «خدایا، مرا از حرص و بخل خودم نگاه دار». یکی از یارانش پرسید: فدایت شوم، امشب نشنیدم که غیر از این دعا، دعای دیگری کنی. حضرت فرمود: چه چیز از بُخل و حرص نفس مهم‌تر است؟ و این قسمت آیه‌ی فوق را تلاوت فرمود. «۱» ۶. یکی از الطاف الهی آن است که همه‌ی نعمت‌ها و اموال را به ما داده است سپس از ما می‌خواهد که آنها را به او وام دهیم و به دیگران ببخشیم و در عوض خدا چندین برابر به ما باز می‌گرداند و ما را می‌بخشاید!! آری؛ لطف و محبت از این بالاتر تصور نمی‌شود. ۷. «قرض» در اصل به معنای قطع کردن است و منظور از قرض نیکو همان جدا کردن اموال خویش و بخشش آنها در راه خداست، نه وام دادن اصطلاحی؛ البته وام و قرض الحسنه‌ی اصطلاحی نیز ثواب زیادی دارد، اما مقصود آیه در این جا انفاق و بخشش در راه خداست. ۸. در این آیات به چند صفت الهی اشاره شده است که با مسأله‌ی بخشش و انفاق در ارتباط است: الف) خدا بسیار سپاس‌گزار است و اگر کسی در راه او چیزی بخشید به او چند برابر پاداش می‌دهد. ب) خدا بردبار است و اگر انفاق کنندگان لغزش و گناه داشتند در برابر آن صبر می‌کند و در کیفر دادن عجله نمی‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۰ ج) خدا دانای آشکار و نهان است و از اعمال و بخشش‌های انسان‌ها با خبر است. د) خدا عزیز، یعنی قدرتمند شکست‌ناپذیر است و اگر از مردم وام می‌طلبد، به خاطر نیاز نیست بلکه می‌خواهد به آنان لطف کند. ه) خدا حکیم و فرزانه است و کارهایش بر اساس حکمت و پاداش‌های زیاد او هم بر اساس مصلحت و حکمت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر به دنبال نیکی هستید، تقوا، شنیدن آیات الهی، اطاعت و بخشش را سرلوحه‌ی زندگی خویش قرار دهید. ۲. اگر به دنبال رستگاری هستید، با بُخل و آز خویشتن مبارزه کنید. ۳. تا جایی که می‌توانید تقوا پیشه‌سازید. ۴. بخشش در راه خدا موجب افزایش اموال و پاداش شماست. ۵. اگر به دنبال آمرزش الهی هستید از اموال خود به مردم ببخشید. ۶. خدا را به دانایی و توانایی و فرزانگی و بردباری و سپاس‌گزاری بشناسید (و در راه چنین خدایی بخشش نمایید). «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۱

بخش چهارم: سوره‌ی طلاق

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی طلاق در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده و دارای ۱۲ آیه، ۲۴۸ کلمه و ۱۰۶۰ حرف است. این سوره نود و هشتمین سوره‌ی قرآن در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «انسان» و قبل از سوره‌ی «بیّنه») و شصت و پنجمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «طلاق» به معنای «رها ساختن و جدایی از همسر» است. این نام‌گذاری به سبب آیات اول تا هفتم سوره‌ی طلاق است که قسمتی از احکام طلاق و زنان جدا شده درآنها مطرح شده است. نام دیگر این سوره «نساء قُصری یعنی سوره‌ی کوچک زنان است در برابر سوره‌ی مشهور «نساء» که «نساء کبری یعنی سوره‌ی بزرگ زنان است. «۱»

فضیلت

فضیلت: در مورد فضیلت تلاوت این سوره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هرکس این سوره را بخواند بر سنت رسول اللَّه صلی الله علیه و آله مرده است. «۲» البته روشن است که مقصود این‌گونه احادیث خواندن و عمل کردن به محتوای این سوره است که انسان را بر مدار روش پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۴

اهداف

اهداف: اساسی‌ترین هدف این سوره بیان قوانین طلاق و دفاع از حقوق زنان است.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. بیان عظمت خدا و قدرت و علم او (در آیه‌ی ۱۲)؛ ۲. بیان عظمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیات ۱۰ و ۱۱)؛ ۳. اشاره‌ای به پاداش صالحان (در آیه‌ی ۱۱). ب) اخلاق: ۱. پند و اندرزها (در آیه‌ی ۲)؛ ۲. بیان آثار تقوا که سبب نجات و رسیدن روزی انسان از راه غیر متعارف است (در آیات ۲- ۴)؛ ۳. تشویق به توکّل (در آیه‌ی ۳). ج) احکام: ۱. قوانین مربوط به جدا شدن از همسر یا طلاق و دفاع از حقوق زنان (در آیات ۱- ۷). د) داستان: گزارشی از سرنوشت اقوام پیشین به خاطر سرپیچی از فرمان خدا (در آیات ۸- ۱۰). ه) مطالب فرعی: ۱. اشاره‌ای به هدف پیامبر و قرآن (در آیه‌ی ۱۱)؛ ۲. اشاره‌ای به هفت آسمان و زمین (در آیه‌ی ۱۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۵

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی طلاق قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی طلاق به قوانین و شرایط قبل و بعد از جدایی زن و شوهر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِن بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذلِكَ أَمْراً ای پیامبر! هنگامی که زنان را طلاق می‌دهید، پس آنان را در (زمان) عِدّه‌شان طلاق دهید، و عدّه را شمارش کنید؛ و خودتان را از [عذاب خدایی حفظ کنید که پروردگار شماست. آن (زن) ها را از خانه‌هایشان بیرون نرانید و (آنان نیز در زمان عدّه) بیرون نروند، مگر آن‌که [کار] زشت آشکاری (به بار) آورند؛ و این‌ها مرزهای خداست و هرکس از مرزهای خدا تعدّی کند، پس یقیناً، به خودش ستم کرده است؛ نمی‌دانی، شاید خدا بعد از این، کاری پدید آورد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ازدواج زن و مرد برای زندگی مشترک است ولی گاهی شرایطی سخت پیش می‌آید که زن ومرد مجبور می‌شوند از هم‌دیگر جدا شوند. در برخی از ادیان تحریف شده، مثل مسیحیت، طلاق ممنوع است و همین مطلب مشکلات جدّی برای مردم فراهم می‌سازد و آنها را به طرف کارهای خلاف می‌کشاند. ولی در اسلام طلاق به عنوان راه حلّ آخر پذیرفته شده است. البته در تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۶ احادیث اسلامی آمده است که منفورترین حلال نزد خداست و بر اثر طلاق عرش الهی به لرزه در می‌آید «۱» و در آیات و روایات شرایط سختی برای طلاق قرار داده شده تا آمار طلاق کاهش یابد. ۲. طلاق باید در زمان عدّه باشد؛ یعنی در زمان عادت ماهیانه‌ی زنان، همسرانشان نمی‌توانند آنها را طلاق دهند، بلکه طلاق در زمان پاکی زن است، البته به شرط آن که در آن پاکی آمیزش جنسی صورت نگرفته باشد. در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله «۲» و اهل بیت علیهم السلام نیز به این مطلب اشاره شده است. «۳» شاید فلسفه‌ی این حکم آن باشد که در زمان عادت ماهیانه معمولاً زنان خوش‌اخلاق نیستند و رابطه‌ی جنسی برقرار نیست

زمینه‌ی دعوا و جدایی بیش‌تر فراهم است؛ از این رو طلاق در آن زمان ممنوع است. ۳. این آیه شمارش عدّه‌ی زنان را وظیفه‌ی مردان شمرده است؛ یعنی مرد مراقب باشد که پس از وقوع طلاق هرگاه سه پاکی زن تمام شد و وارد عادت ماهیانه‌ی سوم شد، ایام عدّه‌ی طلاق او به سر آمده و زن و شوهر کاملًا از یک‌دیگر جدا شده‌اند و زن می‌تواند ازدواج مجدد کند. البته خود زنان نیز به طور طبیعی مراقب شماره‌ی عدّه‌ی خود هستند و نیازی به تأکید در مورد آنان نیست، ولی از آن جا که در این مدت حق رجوع دارند و هزینه‌ی زندگی و مسکن زن به عهده‌ی مردان است، آنان باید دقت بیش‌تری بکنند، که حقوق زنان را پایمال نکنند و رعایت تقوا را در این مورد بنمایند. ۴. در مدتی که زنان در عدّه‌ی طلاق هستند (که مدت آن سه پاکی، یعنی حدود سه ماه است)، مردان حق ندارند همسر طلاق داده‌ی خود را از خانه بیرون کنند و باید هزینه‌ی زندگی و مسکن او را تأمین کنند و زنان نیز تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۷ حق ندارند از خانه‌ی شوهر بیرون بروند؛ یعنی باید صبر کنند تا عده‌ی طلاق تمام شود، سپس کاملًا از هم جدا شوند. فلسفه‌ی این قانون مترقّی اسلام آن است که از طرفی در این مدت احترام و حقوق و هزینه‌ی زندگی زن تأمین باشد و احیاناً آواره نشود و از طرف دیگر، در این مدت عصبانیتِ زن و مرد فروکش کند و در مورد زندگی خود و آینده‌ی فرزندانشان اندیشه و تأمل نمایند و زمینه‌ی بازگشت آنان به زندگی مشترک فراهم شود. اگر این قانون اسلام رعایت شود، آمار طلاق بسیار کم‌تر می‌شود، به ویژه آن که در احادیث اسلامی آمده است که زنان در این مدت در خانه‌ی شوهر آرایش کنند تا زمینه‌ی رجوع مرد بیش‌تر شود. «۱» و حتی در طلاق رجعی «۲» شرایط بازگشت را بسیار آسان قرار داده‌اند، به طوری که هرکار یا سخن مرد یا دست زدن به بدن همسر رجوع به شمار می‌آید و نیاز به عقد مجدد نیست. ۵. هرگاه زنی در مدت عدّه عمل زشت آشکاری انجام دهد، مرد حق دارد که در مدت عدّه او را در خانه‌ی خود نگاه ندارد، البته برخی مفسران عمل زشت آشکار را به معنای عمل (زنای) منافی عفت، و برخی نیز ناسازگاری طاقت‌فرسا همراه با بدخلقی و بدزبانی زن دانسته‌اند. البته هر دو تفسیر در احادیث اهل بیت علیهم السلام روایت شده است؛ «۳» بنابراین، می‌توانیم بین آن دو تفسیر جمع کنیم و هردو را مصداق عمل زشت بدانیم. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۸ ۶. قوانین طلاق زنان مربوط به فرهنگ عرب یا زمان خاصی نیست، بلکه قوانین الهی است که باید در همه‌ی زمان‌ها اجرا شود و هرکس این قوانین را رعایت نکند، به خودش ستم کرده، چون سعادت و آرامش خود را از بین برده است. ۷. از آن جا که طلاق مشکلاتی عاطفی و اجتماعی برای همسران و تأثیراتی منفی برآینده‌ی فرزندانشان دارد و نوعی شکست در زندگی به شمار می‌آید، اسلام در مورد طلاق سخت‌گیری کرده است که نمونه هایی از این سخت‌گیری در آیه‌ی بعد می‌آید و نمونه‌ای از آن، در مورد نگه‌داری زن در مدت عدّه در خانه است. همه‌ی این‌ها برای آن است که شاید پس از مدتی هیجان زن و شوهر تمام شود و پیوند زندگی مشترک ادامه یابد یا تجدید شود. ۸. طلاق عوامل گوناگونی هم‌چون توقعات بی‌جای زن و شوهر از هم دیگر، یا دخالت‌های بی‌جای اقوام و بستگان و بی‌اعتنایی زن و شوهر به خواسته‌های هم‌دیگر و عدم تناسب فرهنگ دو خانواده دارد؛ از این رو بهتراست این عوامل شناخته و برطرف شوند تا زندگی شیرین مشترک ادامه یابد. ۹. در این آیه خطاب اولیه به پیامبر صلی الله علیه و آله است اما ضمیرهای بعدی جمع آمده‌اند؛ یعنی در حقیقت مخاطب آیه همه‌ی مردم هستند و این قوانین برای همه‌ی آنهاست اما به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در طلاق و جدایی تابع قوانین الهی باشید. ۲. در احکام و شرایط طلاق حسابگر و دقیق باشید و تقوا را رعایت کنید. ۳. حقوق زنان طلاق داده شده رعایت شود و تا زمانی که عدّه‌ی آنها به سرنیامده در حمایت مالی شوهر باشند. ۴. زنان طلاق داده شده در مدت عدّه از خانه‌ی شوهر خارج نشوند تا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۹۹ شاید زمینه‌ی پیوند مجدد فراهم شود. ۵. اگر می‌خواهید به خودتان زیان نرسانید، قوانین الهی طلاق را رعایت کنید. *** قرآن کریم درآیات دوم و سوم سوره‌ی طلاق برخی دیگر از قوانین طلاق زنان را بیان می‌کند و با اشاره به رابطه‌ی مثبت تقوا با نجات از مشکلات و روزی‌های غیر منتظره می‌فرماید: ۲ و ۳. فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَیْ عَدْلٍ مِنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَهُ مَخْرَجاً* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيءٍ قَدْراً و هنگامی که سرآمد (عدّه‌ی) آنان (به روزهای پایانی) رسید، پس آنان را به طور پسندیده نگاه دارید یا به طور پسندیده از آنان جدا شوید؛ و از شما (: مسلمانان) دو مرد عادل را گواه بگیرید و گواهی را برای خدا برپا دارید؛ این (چیزی) است که کسی که به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آورد، بدان پند داده می‌شود؛ و هرکس خودش را از [عذاب خدا حفظ کند، برایش محل خارج شدن (از مشکلات) قرار می‌دهد؛* و او را از جایی که نمی‌پندارد، روزی می‌دهد؛ و هرکس بر خدا توکّل کند، پس او برایش کافی است؛ در حقیقت، خدا کارش را (به انجام) می‌رساند؛ که به یقین، خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه بیان شده که وقتی زنی را طلاق دادید و سه پاکی عدّه نگاه داشت، یا او را به طور شایسته نگاه دارید، یا از او کاملًا جدا شوید. از این تعبیرات استفاده می‌شود که مقصود از پایان زمان عدّه، اواخر آن است؛ چرا که پس از پایان زمان عدّه شوهر نمی‌تواند به زن رجوع کند و او را نگاه دارد مگر آن که عقد جدید کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۰ ۲. در این آیه بر ادامه‌ی زندگی به طور شایسته یا جدایی به طور شایسته تأکید شده است؛ یعنی زن و شوهر با خوبی و به طور صحیح و انسانی و با رعایت شرایط واجب و مستحب و آداب و اخلاق اسلامی از هم جدا شوند و کار را به دعوا و بدگویی نرسانند؛ زیرا از طرفی ممکن است روزی بخواهند دو باره با یک‌دیگر زندگی کنند که در آن صورت بد رفتاری‌های هنگام جدایی زمینه‌های عاطفی و فکری را از بین می‌برد و مانع پیوند مجدد می‌شود. و از طرف دیگر، برخوردهای ناشایست موجب سوء سابقه‌ی افراد در ذهن مردم و خویشاوندان می‌شود و تأثیر نامطلوبی در آینده‌ی آنان می‌گذارد. ۳. جالب آن است که خدا در این آیه احکام طلاق را می‌گوید، اما وقتی عدّه تمام می‌شود، اول رجوع و پیوند مجدد را مطرح می‌کند، سپس جدایی را؛ یعنی راه حل اول طلاق نیست. ۴. در این آیه به لزوم شاهد گرفتن برای مراسم طلاق اشاره شده است. «۱» دو نفر شاهد عادل مرد از مسلمانان در هنگام طلاق حضور داشته باشند تا مانع اختلافات بعدی شوند و هیچ یک از طرفین نتوانند واقعیت‌ها را انکار کنند. ۵. در این جا گواهی شاهدان را از چند طریق بیمه کرده است: الف) این گواهان از میان مسلمانان باشند تا دروغ نگویند؛ ب) عادل باشند که مرتکب گناه کبیره و کار خلاف مروّت نشوند؛ ج) انگیزه‌ی الهی داشته باشند، تا تمایل به یک طرف مانع ادای شهادت آنان نشود. ۶. لازمه‌ی ایمان به خدا و روز رستاخیز آن است که انسان از این اندرزها و مطالب و قوانین مربوط به طلاق پند بگیرد و باتقوا شود و هر کس پند نگیرد گویی ایمان ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۱ ۷. پیامدهای مثبت تقوا عبارت‌اند از: الف) تقوا راه‌گشای انسان است و مشکلات زندگی را برطرف می‌کند. بسیاری از مشکلات افراد به خاطر گناهان و قانون‌شکنی هاست و با رعایت پارسایی و خود نگه‌داری از مخالفت دستورات الهی، این امور حل می‌شود؛ افزون برآن که تقوا موجب نزدیکی به خدا می‌شود و خدا دوستان خود را در مشکلات تنها نمی‌گذارد و به آنان امدادهای غیبی می‌رساند. ب) تقوا موجب گشایش رزق می‌شود و به انسان از جایی که نمی‌پندارد، روزی مادی و معنوی می‌رسد. آری؛ بین تقوا و راه‌گشایی و رزق‌گشایی رابطه‌ای مثبت برقرار است. ۷. حکایت شده که فرزند عوف بن مالک در جنگی اسیر شد. او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله از این مطلب و فقر شکوه کرد. حضرت به او فرمود: تقوا پیشه کن و صبرنما و ذکر «لا حول ولا قوه الّا باللّه» را زیاد بگو. او این کارها را کرد و پس از مدتی فرزندش از دست دشمن فرارکرد و همراه خود شتری نیز آورد ومشکلات آنها حل شد. «۱» ۸. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که در تفسیر این آیه فرمودند: تقوا موجب نجات انسان از شبهات دنیا و حالات سخت مرگ و شداید رستاخیز می‌شود. «۲» ۹. توکّل و تکیه بر خدا برای افراد کافی است؛ یعنی هرکس برای انجام امور خود تلاش کند و کار خود را به خدا واگذارد خدا کارهایش را سامان می‌دهد و راه نجاتی از مشکلات فراهم می‌سازد. این نویدی برای همه‌ی انسان‌هاست. هین! توکل کن، مَلرزان پا و دست رزق تو بر تو ز تو عاشق‌تر است (مولوی) البته روشن است که معنای توکّل بر خدا آن نیست که انسان دست از کار و کوشش بردارد و کار را به خدا واگذارد. ۱۰. حکایت شده که وقتی این آیه فرود آمد، گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله

به عبادت روی آوردند و گفتند: خدا رزق ما را عهده‌دار شده است. این خبر به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و حضرت فرمود: هر کس چنین کند دعایش مستجاب نمی‌شود. بر شما باد که تلاش و طلب کنید. «۱» ۱۱. در این آیه بیان شده که هرچیزی در نظام هستی اندازه و حسابی دارد و خدا اندازه‌ی کارها را طبق مصلحت مشخص ساخته است و به انتها می‌رساند؛ بنابراین در موقع بروز حوادث نباید عجله کرد و زبان به شکوه گشود و یا بی‌تقوایی پیشه ساخت، بلکه باید با استفاده از نیروی تقوا و توکّل مقاومت و صبر کرد تا با یاری خدا مشکلات حلّ شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیوند و جدایی شما به طور شایسته باشد. ۲. در پایان عدّه، راه حلّ اول طلاق نیست، اگر می‌توانید باز هم به زندگی مشترک بازگردید. ۳. گواهانی مسلمان، عادل و خدا خواه برای طلاق حاضر کنید (تا از اختلاف بعدی جلوگیری شود). ۴. لازمه‌ی ایمان به خدا و رستاخیز، پندگرفتن از آیات الهی است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۳ ۵. تقوا و پارسایی موجب راه‌گشایی در مشکلات می‌شود. ۶. هر کس خودنگه‌دار و پارسا باشد، خدا زندگی او را به صورت غیر منتظره تأمین می‌سازد. ۷. با تکیه بر خدا کارها سامان می‌گیرد. ۸. خدا کارهای جهان را با حساب خاصی به مقصد می‌رساند. *** قرآن کریم در آیات چهارم و پنجم سوره‌ی طلاق برخی از قوانین طلاق را بیان کرده، با اشاره به پیامدهای مثبت تقوا می‌فرماید: ۴ و ۵. وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِن نِسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْراً* ذٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْراً و از زنان شما کسانی که از عادت ماهانه ناامیدند، اگر (در مورد بارداری آنان) شک کنید، پس عدّه‌ی آنان سه ماه است و (نیز) زنانی که عادت ماهانه نشده‌اند؛ و زنان باردار، سرآمد (عدّه‌ی) آنان این است که بارشان را بگذارند؛ و هرکس خود را از [عذاب خدا حفظ کند، برای او کارش را آسان قرار می‌دهد.* این فرمان خداست که آن را به سوی شما فروفرستاده است؛ و هرکس خود را از [عذاب خدا حفظ کند، بدی‌های (گناهان) او را از وی می‌زداید و پاداش را برای او بزرگ می‌سازد. شأن نزول: حکایت شده که «ابیّ بن کعب» که از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بود عرض کرد: عدّه‌ی برخی زنان در قرآن نیامده است؛ از جمله: زنان صغیره و زنان کبیره (یائسه) و زنان باردار. آیه‌ی فوق فرود آمد و احکام این زنان را بیان کرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل و این آیه حکم عدّه‌ی طلاق چهار گروه از زنان بیان شد: الف) زنان یائسه «۱» که عادت ماهیانه نمی‌بینند، که عدّه‌ی طلاق آنها سه ماه است. ب) زنانی که اصلًا عادت ماهیانه نمی‌بینند، که عدّه‌ی طلاق آنها نیز سه ماه است. البته این دو مورد در صورتی است که در معرض بارداری باشند و از این نظر مشکوک باشند. ج) زنان باردار، که عدّه‌ی آنان تا هنگامی است که وضع حمل کنند. د) زنان عادی که هیچ کدام از شرایط فوق را ندارند، که سه پاکی عدّه نگاه می‌دارند. ۲. مقصود از شک در مورد زنان یائسه، یا آن است که پس از سنّ یائسگی ممکن است اتفاقاً باردار شوند و یا منظور زنانی است که به درستی نمی‌دانیم به سن یائسگی رسیده‌اند یا نه و یا مقصود شک در حکم الهی آنان است، البته ظاهر آیه با احتمال اول سازگارتر است. ۳. مقصود از زنانی که عادت ماهیانه ندارند، یا دختران نابالغ است و یا زنانی که بعد از بلوغ هم عادت ماهیانه ندارند. «۲» ۴. در این آیات به سه پیامد مهم تقوا اشاره شده است: الف) تقوا موجب آسان شدن کارها برای انسان می‌شود؛ ب) موجب زدودن بدی‌ها و گناهان می‌شود؛ ج) موجب افزایش پاداش انسان می‌شود. ۵. هر چند آثاری که در این آیات و آیات پیشین برای تقوا بیان شد به نوعی به مسئله‌ی طلاق و رعایت احکام و قوانین آن مربوط می‌شود، یعنی می‌خواهد مردان و زنان را با یاد پارسایی، تقوا و آثار مثبت تشویق کند که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۵ دست از لجاجت و آزار همسر خود بردارند و به زندگی مشترک بازگردند یا حد اقل در این مورد قوانین را رعایت کنند و در مورد شمارش عدّه و مانند آن دروغ نگویند، اما این آیات آثار و پیامدهای تقوا را به طور مطلق بیان می‌کند که شامل موارد دیگر نیز می‌شود. ۶. مقصود از «سَیِئات» گناهان است که شامل گناهان کوچک و بزرگ می‌شود، ولی در این جا به گناه از جهت بد بودن اشاره شده است که تقوا این سوء سابقه را می‌زداید و چهره‌ی روشنی از انسان ارائه می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. احکام عدّه‌ی طلاق زنان بی عادت

ماهیانه باردار و یائسه را بشناسید و حقوق و مقررات آنها را رعایت کنید. ۲. تقوا موجب آسان شدن کارهاست. ۳. تقوا موجب زدودن گناهان و افزایش پاداش انسان می‌شود. ۴. قوانین طلاق الهی است (پس آنها را رعایت کنید). ۵. اگر طالب آسان شدن کارها، آمرزش گناهان و افزایش پاداش هستید، پارسایی و خودنگه‌داری پیشه سازید. *** قرآن کریم در آیات ششم و هفتم سوره‌ی طلاق به حقوق زنان و کودکان پس از طلاق اشاره می‌کند و با دفاع از آنها می‌فرماید: ۶ و ۷. أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِن وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِن كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَى لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْراً تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۶ آن (زن) ها را هرجا که سکونت دارید [و] در توان شماست، سکونت دهید و به آنان زیان نرسانید تا بر آنان تنگ گیرید؛ واگر (آنان) باردار باشند، پس برای آنان هزینه کنید تا این‌که آنان بارشان را بگذارند؛ واگر برای (کودک) شما شیر می‌دهند، پس پاداش آنان را به ایشان بدهید و (در مورد کودک) بین خودتان به طور پسندیده مشورت کنید؛ و اگر هر دو به سختی افتادید (و به توافق نرسیدید)، پس به زودی (زن) دیگری به او شیر خواهد داد. صاحب (امکانات) وسیع باید از (امکانات) وسیعش هزینه کند؛ و هرکس روزی‌اش بر او تنگ شده، پس باید از آنچه خدا به او داده هزینه کند. خدا هیچ کس را، جز به آنچه به او داده، تکلیف نمی‌کند؛ خدا به زودی بعد از دشواری آسانی قرار خواهد داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در این آیات به بهترین وجه از حقوق زنان وکودکان حمایت کرده است؛ یعنی با این که قرآن قانون اساسی اسلام است، اما از آن جا که برای جزئیات حقوق زنان و کودکان اهمیت قائل است آنها را در این کتاب آسمانی بیان کرده است، تا مبادا در جریان طلاق حقوق زنان و کودکان پایمال شود. ۲. در این آیات چند تکلیف برای مردانی که همسرانشان را طلاق می‌دهند تعیین شده است: الف) آنان باید در مدت عدّه‌ی طلاق به اندازه‌ی توانایی خود مسکن مناسب، آن هم در همان خانه‌ی محل سکونت خویش، برای آن زن فراهم سازند «۱» البته علاوه بر مسکن، در این مدت هزینه‌های دیگر زن نیز به عهده‌ی مرد است. ب) مرد حق ندارد بر زن سخت‌گیری کند تا خانه‌اش را ترک کند. ج) اگر زن باردار است، مرد باید تا هنگام وضع حمل هزینه‌های او را بپردازد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۷ د) بعد از تولد کودک، اگر زن به او شیر داد، مرد باید طبق عرف، به آن زن مزد مناسب بدهد. ه) مرد موظف است با آن زن در مورد آینده‌ی کودک مشورت کند و تصمیم شایسته بگیرند. «۱» و) اگر لازم شد، باید مرد زنی را برای کودک استخدام کند تا او را شیر دهد. ز) مرد موظف است هرچه امکانات و ثروتش زیادتر است هزینه‌ی بیش‌تری برای آن زن و کودک خود بنماید. ۳. مجموعه دستوراتی که در این دو آیه داده شده دو خط اساسی را دنبال می‌کند: الف) ارتباط زن و شوهر در مدت عدّه ادامه یابد، یعنی زن در خانه‌ی شوهر می‌ماند و با او مشورت می‌شود و کودک را شیر می‌دهد و .... ب) هزینه‌های معمولی زندگی و نیز هزینه‌ی شیردادن کودک بر مرد تحمیل می‌شود، بدون آن که لازم باشد زن در امورخانه کاری انجام دهد و همین موجب می‌شود که مرد قدر زن خویش و خدمات مجانی قبلی او را بداند. مجموع این دستورات زمینه‌ساز رجوع مجدد و ادامه‌ی زندگی مشترک می‌شود. ۴. در این آیات برحقوق کودک تأکید ویژه‌ای شده است؛ از جمله: الف) قبل از تولد باید هزینه‌ی او و مادرش پرداخت شود، تا سالم به دنیا آید؛ ب) پس از تولد، مادر باید او را شیر دهد و اگر مشکلی پیش آمد، زن دیگری استخدام شود تا شیرش دهد و کودک قربانی طلاق و درگیری پدر و مادر نشود. ج) با مشورت در مورد سرنوشت و آینده‌ی کودک تصمیم شایسته‌ای گرفته شود و از تصمیمات شخصی و لجاجت‌آمیز پرهیز گردد. ۵. طبق این آیات، مرد موظف است به اندازه‌ی توانایی و امکانات خود هزینه‌ی زن را در ایام عدّه و نیز در هنگام شیردادن به کودک تأمین کنند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۸ ۶. این آیه به افراد فقیر نوید داده است که خدا به زودی گشایش و راحتی برای شما قرار می‌دهد. این پیام برای مسلمانان فقیر مدینه که تحت فشار بودند بسیار امید بخش بود هر چند این پیام برای همه‌ی مسلمانان در طول تاریخ است. ۷. خدا به اندازه‌ای که به کسی می‌دهد از او تکلیف

می‌خواهد؛ یعنی تکلیف به چیزی نمی‌کند که مقدور شخص نیست و طاقت آن را ندارد. طبق احادیث، این مطلب شامل اعلام هم می‌شود؛ یعنی خدا به اندازه‌ای که به افراد اعلام شده است از آنان تکلیف می‌خواهد و اگر کسی از حکمی آگاهی نداشت، در برابر آن مسئولیتی ندارد، که از این موضوع با عنوان «اصل برائت» یاد می‌شود. البته مانعی ندارد که بگوییم: مقصود ازعدم اعلام همان جهلی است که سرچشمه‌ی ناتوانی می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام طلاق مراقب باشید که حقوق زنان و کودکان پای‌مال نشود. ۲. پس از طلاق زندگی زنان را تأمین کنید و سخت‌گیری نکنید. ۳. به زنان باردار توجه ویژه کنید که در هنگام طلاق زیان نبینند. ۴. زنان بچه‌دار، پس از طلاق، هنوز شریک زندگی کودک شما هستند. ۵. تکلیف به غیر مقدور صحیح نیست. ۶. هر کس به اندازه‌ی توانش باید زندگی همسر سابق خود را در مدت عدّه تأمین کند. ۷. بینوایان مشکل‌دار ناامید نباشند که پایان شب سیه سفید است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۰۹ قرآن کریم در آیات هشتم تا دهم سوره‌ی طلاق به فرجام عذاب‌آلود و عبرت‌آموز اقوام نافرمان پیشین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸- ۱۰. وَكَأَيِّن مِن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَاباً شَدِيداً وَعَذَّبْنَاهَا عَذَاباً نُكْراً* فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْراً* أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَاباً شَدِيداً فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُوْلِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْراً چه بسیار از [مردم آبادی که از فرمان پروردگارش و فرستادگانش سرپیچی کردند و با حسابی شدید آن [ان را مورد محاسبه قرار دادیم و با عذابی ناپسند آن [ان را عذاب کردیم!* و سنگینی (کیفر) کارشان را چشیدند و فرجام کارشان زیانکاری بود.* خدا عذابی شدید برای آنان (: اهل آبادی‌ها) آماده ساخته است؛ پس، ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید، خودتان را از [عذاب خدا حفظ کنید. به یقین، خدا یادآورنده (: قرآن) را به سوی شما فرستاده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سرنوشت اقوامی هم‌چون عاد و ثمود و فرعونیان اشاره شده که از دستورات الهی سرپیچی کردند و گرفتار عذاب شدید و بی‌سابقه یا کم‌نظیری شدند «۱» و سرنوشت آنان عبرت‌آموز آیندگان شد. اکنون این آیات به مسلمانان نیز هشدار می‌دهد که اگر از قوانین و دستورات الهی سرپیچی کنند مشابه همان سرنوشت دردناک در انتظار آنهاست. ۲. مقصود از «حساب شدید» همان حساب دقیق همراه با سخت‌گیری و بدون بخشش است که البته حساب خدا عادلانه است، ولی ما نیازمند فضل و بخشش الهی هستیم. ۳. در این آیه به دو عامل عذاب اقوام پیشین اشاره شده است: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۰ الف) آنان از دستورات الهی سرپیچی کردند؛ ب) نتیجه‌ی کارهای گناه‌آلود خود را چشیدند. در هر صورت این اقوام زیان‌کردند چراکه سرمایه‌ی عمر و استعدادهای خود را از کف دادند و چیزی به دست نیاوردند، بلکه سرانجام گرفتار عذاب شدند. ۴. در این آیه مخاطبان را با دو صفت «صاحب خردان» و «مؤمنان» خطاب می‌کند و به تقوا فرا می‌خواند. این تعبیرات اشاره به آن دارد که ایمان و خرد انسان را راهنمایی می‌کند و به عبرت‌آموزی فرا می‌خواند تا راه اقوام سرکش پیشین را نرود و خود را گرفتار عذاب دنیا و آخرت نسازد. ۵. انسان علاوه برخرد و ایمان درونی، از راه‌نمای بیرونی، هم‌چون قرآن و پیامبر نیز بهره‌مند می‌شود تا وجدان و فطرتش بیدار شود و به کژراهه نرود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نافرمانی در برابر خدا و رهبران الهی از عوامل سختی حساب و عذاب است. ۲. نافرمانان زیانکارند و نتیجه‌ی عذاب‌آلود کارشان را خواهند دهید. ۳. عذاب دنیا و آخرت در انتظار مخالفان دستورات الهی است. ۴. مؤمنان خردورز باید با تقوا و خودنگه‌دار باشند. ۵. خرد و ایمان انسان زمینه‌ساز پارسایی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی طلاق به هدف رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و فرجام نیکوی مؤمنان شایسته‌کردار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱. رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحاً يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقاً تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۱ فرستاده‌ای (به سوی شما فرستاد) که آیات خدا را، در حالی که روشنگر است، بر شما می‌خواند [و پیروی می‌کند] تا کسانی را که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد و هرکس به خدا ایمان می‌آورد و [کار] شایسته انجام می‌دهد، او را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که از زیر [درختان]- ش نهرها روان است، در حالی که جاودانه

در آن ماندگارند؛ [و] به یقین، خدا برای او (رزق و) روزی را نیکو ساخته است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل سخن از نزول «ذکر» بود ودر این آیه سخن از «رسول» است. مفسران قرآن در مورد مقصود این دو واژه در این آیات چند احتمال داده‌اند که مناسب‌ترین آنها این است که بگوییم: مقصود از «ذکر» قرآن است، همان طور که در برخی آیات دیگر قرآن اشاره شده است «۱» و منظور از «رسول» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که به سوی مردم فرستاده شده است. «۲» ۲. در این آیه به هدف رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است: او آمده تا مردم را از تاریکی‌های جهل و شرك و کفر وفساد و گناه به سوی نور ایمان و توحید و علم رهنمون شود. ۳. این آیه «ظلمات» را جمع و «نور» را مفرد آورده است؛ زیرا عوامل و سرچشمه‌های تاریکی متعدد است، هم‌چون شرك، جهل و گناه که عامل پراکندگی نیز می‌شود. اما سرچشمه‌ی نور فقط خداست و عامل وحدت‌آفرین است. ۴. در این آیه دو واژه‌ی «یُؤمِن» و «یَعمل» مضارع است و دلالت بر استمرار دارد؛ یعنی کسانی وارد بهشت می‌شوند که ایمان و کارهای تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۲ شایسته‌ی آنان مستمر باشد نه مقطعی. ۵. «یتلو» در اصل به معنای خواندن و پیروی کردن است؛ یعنی وظیفه‌ی پیامبران و مبلغان دینی و رهبران الهی آن است که هم آیات را برای مردم بخوانند و هم خود از آن پیروی کنند تا الگوی عملی جامعه شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف رهبران الهی نورانی کردن شماست. ۲. رهبران الهی نه تنها آیات الهی را برای مردم می‌خوانند، بلکه خود اهل پیروی از آنها (والگو) هستند. ۳. آیات روشنگر الهی را بر مردم بخوانید تا نورانی شوند. ۴. افراد خداباور و شایسته‌کردار از آیات الهی بهره‌مند می‌شوند و نورانی می‌گردند. ۵. فرجام مؤمنان شایسته‌کردار بهشتی است. ۶. رزق نیکویی در انتظار مؤمنان شایسته‌کردار است. *** قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی طلاق به هدف علمی آفرینش جهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲. اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ یَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَیْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِکُلِّ شَیءٍ عِلْمَاً خدا کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین (نیز) همانند آنها را. فرمان (او) در میان آنها فرود می‌آید، تا این‌که بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست و این‌که به یقین، علم خدا به هر چیزی احاطه دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعددی سخن از آسمان‌های هفت گانه شده است. «۱» در این مورد توجه به چند نکته لازم است: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۳ الف) آسمان گاهی به معنای جهت بالا و گاهی به معنای جوّ اطراف زمین یا فضا و محل ستارگان و سیارات و نیز به معنای آسمان معنوی، یعنی مقام قرب الهی به کار می‌رود. ب) مقصود از «هفت» ممکن است عدد واقعی باشد؛ یعنی همه‌ی کهکشان‌ها و ستارگان و سیاراتی که ما می‌بینیم، آسمان اول باشد و شش آسمان دیگر در ورای آنها وجود داشته باشد؛ و یا منظور از هفت عدد کثرت باشد، یعنی می‌خواهد بفرماید: تعداد زیادی آسمان و ستاره و سیاره وجود دارد. ج) این احتمال نیز جود دارد که آفرینش هفت آسمان و زمین، کنایه از آفرینش کل جهان باشد. بنابراین، به طور قاطع نمی‌توان گفت که مقصود از هفت آسمان، هفت عدد فضای نیلگون اطراف ماست. بلکه ممکن است هفت طبقه جوّ زمین یا هفت مرحله و مقام آسمان معنوی (یا تعداد زیادی از آنها) مقصود باشد. البته ظاهر آیه با احتمال اول سازگارتر است و از نظر علمی نیز نفی نشده است. «۱» ۲. در مورد زمین تنها آیه‌ای که از آن هفت زمین را برداشت کرده‌اند، همین آیه است، ولی در این جا نیز توجه به چند نکته لازم است: الف) مقصود از «مثل» در آیه چیست؟ آیا همانندی زمین با آسمان در تعداد آنها (یعنی عدد هفت) است، یا همانندی در جنس و ماده‌ی آفرینش مورد نظر است. ب) آیا عدد هفت درمورد زمین نیز عدد واقعی است یا عدد تکثیر و اشاره به تعداد زیاد کره‌های مسکونی است. «۲» ج) اگر مقصود «هفت زمین» باشد، آیا منظور هفت کره‌ی مانند زمین تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۴ است که در فضا شناورند و شرایط حیات را دارند یا این که منظور هفت طبقه‌ی مختلف کره‌ی زمین است و یا مناطق هفت گانه‌ی زمین (هم‌چون دو منطقه‌ی منجمد و دو منطقه‌ی معتدل و منطقه‌ی استوایی) است. بنابراین، به طور قاطع نمی‌توان گفت که مقصود آیه هفت زمین مشابه زمین ماست، بلکه ممکن است تعداد زیادی زمین یا طبقات و مناطق آن منظور باشد، یا اصلًا مشابهت زمین با آسمان در نوع آفرینش و جنس آن باشد. «۱» ۳. مقصود از امر خدا که بین آسمان‌ها و زمین

فرود می‌آید، همان فرمان تکوینی خدا در مورد تدبیر جهان است که پیوسته با دستورات و قوانین خود مجموعه‌ی هستی را در مسیر منظمی رهنمون می‌شود و اگر لحظه‌ای این تدبیر برداشته شود، نظام‌هستی در هم می‌ریزد. «۲» ۴. در این آیه به هدف علمی آفرینش جهان اشاره شده است؛ یعنی خدا جهان را آفرید تا ما آگاه شویم و به صفت علم و قدرت او پی ببریم و در پرتو این صفات الهی تربیت شویم. ۵. اگر انسان به نظام عالم و نظم حاکم بر آنها بنگرد، پی به قدرت و علم آفریدگار می‌برد، و متوجه می‌شود که خدا از تمام اسرار وجود و جهان آگاه و بر هر کاری توانابوده که چنین نظام با عظمت و دقیقی را به وجود آورده است. ۶. در برخی آیات قرآن هدف آفرینش، عبادت «۳» و در برخی دیگر آزمایش، «۴» رحمت «۵» و علم «۶» معرفی شده است. البته روشن است که برخی از این اهداف مقدمه‌ی برخی دیگرند؛ یعنی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۵ علم مقدمه‌ی معرفت و عبادت است که موجب نزول رحمت می‌شود و همگی مقدمه‌ی کمال انسان و نزدیکی و ملاقات او با خداست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف آفرینش جهان علم و آگاهی ماست. ۲. هدف از آفرینش جهان شناخت صفات خداست. ۳. از جهان‌شناسی به خداشناسی برسید. ۴. در مورد تعداد آسمان‌ها مطالعه کنید تا به علم و قدرت خدا پی‌ببرید. ۵. آفرینش زمین همانند آفرینش آسمان‌هاست و همگی تحت تدبیر و فرمان او هستند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۱۷

بخش پنجم: سوره‌ی تحریم

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی تحریم در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و دارای ۱۲ آیه، ۲۴۶ کلمه و ۱۱۶۰ حرف است. سوره‌ی تحریم صد و هفتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «حجرات») و شصت و ششمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های سوره عبارت‌اند از: «تحریم»، «یا ایّها النبی»، «مُتحرِّم» و «لِمَ تُحرِّم». سبب نام‌گذاری این سوره به این اسامی، آیه‌ی اول آن است که خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «چرا چیزی را که خدا بر تو حلال ساخته حرام می‌کنی؟» و همه‌ی نام‌های آن از تعبیرات همین آیه گرفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۱

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام روایت شده که: «هر کس سوره‌ی «طلاق» و «تحریم» را در نماز واجب قرائت کند، خدا او را از ترس و اندوه رستاخیز پناه می‌دهد، و با تلاوت و محافظت بر آنها، وی را از آتش دوزخ محفوظ می‌دارد و داخل بهشت می‌سازد، چرا که این دو سوره برای پیامبر صلی الله علیه و آله است». «۱» البته روشن است که این ثواب‌ها و آثار برای کسانی که این دو سوره را بخوانند و در مورد آنها تفکر و تدبّر کنند و به محتوای آنها عمل نمایند؛ همان طور که با تعبیر «تلاوت و محافظت» به این مطلب اشاره شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۰

اهداف

اهداف: هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. آموزش مسلمانان در مورد تربیت خانواده؛ ۲. الگودهی به زنان مسلمان.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: یادآوری معاد و عذاب دوزخ (در آیه‌ی ۷). ب) اخلاق: ۱. سفارش به مؤمنان در مورد تعلیم و تربیت خانواده (در آیه‌ی ۶)؛ ۲. سفارش به مؤمنان در مورد توبه‌ی نصوح از گناهان (در آیه‌ی ۷). ج) احکام: ۱. فرمان جهاد با کافران به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۹)؛ ۲. بیان راه گشودن قسم‌ها (در آیه‌ی ۲). د) داستان‌ها: ۱. اشاره‌ای به داستان زن نوح و خیانت او به نوح پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۲. اشاره‌ای به داستان زن لوط و خیانت او به لوط پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۳. اشاره‌ای به داستان زن فرعون و ایمان استوار او به موسی علیه السلام (در آیه‌ی ۱۱)؛ ۴. اشاره‌ای به داستان مریم و عفت و پاک‌دامنی او (در آیه‌ی ۱۲). ه) مطالب فرعی: ۱. سرزنش برخی زنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به خاطر افشای اسرار (در آیات ۳- ۵)؛ ۲. بیان الگوی هایی از زنان شایسته و ناشایست در طول تاریخ (در آیات ۱۰- ۱۲). ***

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی تحریم قرآن کریم در آیات اول و دوم سوره‌ی تحریم به رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با همسرانش و سوگند ایشان بر ترک برخی امور حلال و راه نقض آن اشاره می کند و می‌فرماید: ۱ و ۲. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ* قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده (بر خود) ممنوع می کنی، در حالی که خشنودی همسرانت را می‌طلبی؟! و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.* به یقین، خدا گشودن سوگندهایتان را برای شما معیّن ساخته است؛ و خدا سرپرست شماست و او دانا [و] فرزانه است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله گاهی نزد یکی از همسرانش به نام زینب می‌رفت و از عسلی که تهیه کرده بود می‌خورد. این خبر به گوش عایشه رسید و او با یکی دیگر از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به نام حفصه قرار گذاشتند که به پیامبر صلی الله علیه و آله بگویند تو مغافیر (: شیره گیاه بد بو) خورده‌ای و حضرت از این سخن ناراحت شد، چون اصرار داشت که بوی بدی از بدن و لباس و دهان او شنیده نشود و از این‌رو سوگند یاد کرد که دیگر از عسل ننوشد (چراکه ممکن بود زنبور آن عسل بر گیاه بدبویی نشسته باشد)، اما پیامبر صلی الله علیه و آله به حفصه سفارش کرد که این مطلب را به کسی نگوید اما حفصه آن سرّ را افشا کرد و معلوم شد اصل قضیه توطئه بوده است؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله سخت ناراحت تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۲ شد «۱» و طبق برخی روایت‌ها تا یک ماه از همسران خود کناره‌گیری کرد «۲» و حتی شایعه‌ی طلاق آنان منتشر شد. «۳» آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد و روابط داخلی خانه‌ی رهبر اسلام صلی الله علیه و آله را تنظیم کرد، به طوری که دیگر این کارها درون خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق نیفتد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رهبران جامعه معمولًا درخانه‌های خود با مشکل روبه‌رو می‌شوند و گاهی فرزندان یا همسران آنها از موقعیت اجتماعی رهبران سوء استفاده می کنند و دست به توطئه علیه آنان می‌زنند؛ البته این مسائل شخصی رهبران جامعه، بازتاب بیرونی خواهد داشت و به رفتار شخصی تلقی نمی‌شود و حتی گاهی مخالفان از آنها در تبلیغات خود سوء استفاده می کنند. از آن جا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یک رهبر جهانی بود، توطئه در خانه‌ی او خطرناک بود؛ از این‌رو خدای متعال با کوچک‌ترین شکل توطئه به شدّت برخورد می کند تا ریشه‌ی این گونه کارها را در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بخشکاند. ۲. از این آیات استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله برخی چیزهای حلال (مانند عسل) را برخود ممنوع کرده و برای این کار سوگند یاد کرده بود. البته این ممنوعیت تحریم شرعی نبود و قسم خوردن برای ترک امور مباح، گناه به شمار نمی‌آید. ۳. لحن آیات فوق سرزنش نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، بلکه نوعی دل سوزی برای آن حضرت است؛ مانند هنگامی که کسی زیاد کار می کند و به او تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۳ می گوییم: چرا این‌قدر خودت را به زحمت می‌اندازی و بهره‌ای نمی گیری؟ ۴. در این آیات راهِ گشودن سوگند در

موارد جایز بیان شده است؛ «۱» یعنی اگر شخصی بر ترک کار بدی سوگند یاد کند، حرام است که سوگند خود را بشکند، ولی اگر برای ترک کار خوبی سوگند یاد کند شکستن آن با کفّاره جایز است؛ یعنی به ده بینوا غذا یا لباس بدهد و یا یک برده آزاد کند. «۲» ۵. از احادیث استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نزول این آیه و راهنمایی خدا، برده‌ای را آزاد کرد «۳» و یا به ده فقیر غذا داد، آنچه را که بر خود ممنوع کرده بود حلال و جایز کرد. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خود را به خاطر خشنودی همسر به سختی نیندازید. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همسردوست بوده است. ۳. حلال خدا را برخود حرام نکنید. ۴. همان طور که عمل به سوگند واجب است، گاهی شکستن آن نیز (با شرایطی خاص) جایز است. ۵. خدا براساس علم و حکمت شما را سرپرستی می‌کند و قوانین راه‌گشا برایتان قرار می‌دهد. ۶. زندگی خصوصی رهبران الهی تحت نظر خداست، (پس مراقب رفتار درون خانه‌ی خود و بازتاب بیرونی آن باشند). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۴ قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی تحریم به افشای اسرار خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله توسط برخی همسرانش و برخورد بزرگوارانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳. وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثاً فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنبَأَكَ هـذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ و (یاد کن) هنگامی را که پیامبر با برخی از همسرانش سخنی پنهانی گفت، و [لی وقتی که (همسرش) آن را خبر [چینی کرد و خدا آن را بر آن (پیامبر) آشکار ساخت، (پیامبر) برخی از آن را (به همسرش) شناساند و از برخی [دیگر] روی گرداند؛ و وقتی که او (: همسرش) را بدان خبر داد، (همسرش) گفت: «چه کسی این را به تو خبر داد؟!» (پیامبر) گفت: « (خدای) دانا [و] آگاه به من خبر داد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در شأن نزول آیات قبل بیان کردیم که پیامبر صلی الله علیه و آله نزد همسرخویش حفصه سوگند یاد کرد که دیگر از عسل خانه‌ی زینب نخورد، ولی به حفصه سفارش کرد که این سرّ را فاش نکند (چون که ممکن بود به گوش زینب برسد و ناراحت شود یا مردم گمان کنند که عسل خوردن خوب نیست و از پیامبر پیروی کنند.) ولی حفصه این راز را افشا و برای عایشه بازگو کرد و خدا از طریق وحی خبر این افشاگری را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانید. ۲. رازی که پیامبر نزد حفصه گذاشت دو بخش داشت: بخشی مربوط به خوردن عسل نزد زینب و بخش دوم سوگند در مورد ممنوعیت خوردن عسل بود. وقتی خدا این افشاگری حفصه را به پیامبر صلی الله علیه و آله خبرداد، پیامبر بخشی از اخبار سرّی را به حفصه یادآور شد، ولی برای آن که زیاد شرمنده نشود، با بزرگواری، بخش دیگر خبر را بیان نکرد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۵ ۳. از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: افراد کریم و بزرگوار هرگز در مقام احقاق حق خویش تا آخرین مرحله پیش نمی‌روند، سپس به آیه‌ی فوق استشهاد کردند. «۱» ۴. برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله رازدار نبودند ولی رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با آنان بزرگوارانه بود. این رفتارها دو آموزه برای مسلمانان دارد: الف) زنان مسلمان باید نسبت به شوهرانشان رازدار باشند و همچون برخی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله افشاگری نکنند. ب) مردان مسلمان باید همچون پیامبر صلی الله علیه و آله با لغزش‌های خانواده‌ی خویش با گذشت و بزرگواری برخورد کنند. ۶. در منابع حدیثی اهل سنت در احادیث متعددی از ابن عباس و عمر حکایت شده که مقصود از این زنان که در این آیه و آیات بعد از آنان یاد شده، حفصه دختر عمر و عایشه دختر ابوبکر بودند. «۲» ۷. از امام علی علیه السلام روایت شده که تمام خیر دنیا و آخرت در دو چیز نهفته است: رازداری و دوستی با نیکان، و تمام شرّ دنیا در دو چیز است: افشای اسرار و دوستی با اشرار. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همسران مسلمانان اسرار شوهر خود را فاش نکنند. ۲. برخی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله رازدار نبودند. ۳. خدا از رهبران الهی، حتی درون خانه‌ی آنان حمایت می‌کند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۶ قرآن کریم در آیات چهارم و پنجم سوره‌ی تحریم با هشدار به دو همسر پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را به توبه فرا می‌خواند و با بیان ویژگی‌های همسر خوب می‌فرماید: ۴ و ۵. إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِن تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذلِكَ ظَهِيرٌ* عَسَى رَبُّهُ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبْدِلَهُ أَزْوَاجاً خَيْراً مِنكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ

سَائِحاتٍ ثَیِّبَاتٍ وَأَبْکَاراً اگر شما دو (همسر پیامبر) به سوی خدا بازگردید، پس (به سود شماست؛ چرا که) به یقین، دل‌های شما (به کژی) گراییده است؛ و اگر بر ضد او یک‌دیگر را کمک کنید، پس (زیانی به او نمی‌رسانید؛ چرا) که خدا فقط یاور اوست؛ و بعد از آن، جبرئیل و شایسته‌ی مؤمنان و فرشتگان، پشتیبان (او) هستند.* امید است که اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش همسرانی بهتر از شما برای او جای‌گزین کند، (زنانی) مسلمان، مؤمن، فرمان‌بردار [فروتن ، توبه‌کار، پرستشگر، روزه‌دار، بیوه و دوشیزه. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند یکی از همسران پیامبر، یعنی حفصه اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله را فاش کرد، اما در این آیه هر دو، یعنی حفصه و عایشه را منحرف معرفی می‌کند «۱» که لازم است توبه کنند؛ چرا که آنان با هم‌دیگر علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و زینب، همسر دیگر او توطئه کردند. ۲. در کتاب صحیح بخاری که معتبرترین کتاب حدیثی اهل سنت است، روایات متعددی حکایت شده که عایشه بیان می‌کند که او با حفصه علیه تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۷ پیامبر صلی الله علیه و آله و زینب نقشه کشیدند و از ابن عباس حکایت شده که «چند سال بود می‌خواستم از عمر بپرسم که مقصود از این دو زن که علیه پیامبر صلی الله علیه و آله دست به دست هم دادند و در سوره‌ی تحریم از آنان یاد شده، کیست، ولی هیبت عمر مانع پرسش می‌شد، تا این که در سفر حج در مکان خلوتی از او پرسیدم و او گفت: منظور حفصه و عایشه است. «۱» ۳. از این آیه و احادیث استفاده می‌شود که توطئه‌ی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و افشای اسرار درون خانه‌ی او، موجب ناراحتی آن حضرت شد، به طوری که مدتی از همسرانش کناره گرفت و در «مَشرَبه‌ی امّ ابراهیم» (که محلی در نزدیکی مدینه است) منزل گزید و حتی توهّم شد که او زنانش را طلاق داده است. «۲» ولی خدا پیامبرش را دل‌داری داد و از او حمایت و اعلام کرد که جبرئیل و فرشتگان و مؤمنان شایسته نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله حمایت می‌کنند و حتی همسران پیامبر را تهدید می‌کند که اگر لازم شد، پیامبر آنان را طلاق می‌دهد و خدا زنان بهتری نصیب او می‌کند. ۴. در این جا پرسشی مطرح می‌شود که مقصود از «مؤمن شایسته» که در آیه از او یاد شده است کیست؟ در احادیث متعددی از شیعه و اهل سنت آمده است که مقصود امام علی علیه السلام است و پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: این مؤمن شایسته است. «۳» البته مانعی ندارد که مقصود آیه جنس مؤمنان شایسته باشد که در آن صورت امام علی علیه السلام مصداق کامل آیه است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۸ ۵. در این آیات شش ویژگی برای همسر خوب بیان شده که عبارت‌اند از: الف) مسلمان بودن همسر که همان اسلام ظاهری است؛ ب) با ایمان بودن همسر، یعنی اسلام باطنی که اعتقاد بدان در قلب انسان جای‌گزین شده باشد؛ ج) فروتنی، تواضع و مطیع شوهر بودن؛ د) توبه‌کاری آنان؛ یعنی همسر خوب بر لغزش‌های خود اصرار نمی‌ورزد و عذرخواهی و توبه می‌کند؛ ه) اهل عبادت بودن؛ و) فرمان‌برداری از خدا و روزه داری؛ البته روزه‌ای که به معنای نگه‌داری اعضای بدن از گناه است و موجب سیر انسان به سوی کمال و خدا می‌شود. «۱» ۶. در این آیات جبریل را جدای از فرشتگان، به عنوان حامی پیامبر صلی الله علیه و آله برشمرد، با این که جبرئیل نیز از فرشتگان است. این مطلب می‌تواند به خاطر اهمیت جبرئیل و نقش او در وحی و ارتباط با پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر لغزشی از شما سرزد توبه کنید. ۲. علیه رهبر الهی توطئه نکنید که خدا، فرشتگان و مؤمنان شایسته از او دفاع می‌کنند. ۳. اگر با افشای اسرار و توطئه موجب آزار شوهرتان شدید، شوهر می‌تواند شما را طلاق دهد. ۴. همسرانی مسلمان، مؤمن، فروتن، توبه‌کار، عبادتگر و مطیع (خدا) انتخاب کنید. ۵. دوشیزه بودن یا نبودن همسر مهم نیست، بلکه بعد عقیده و کردار نیکوی او مهم است. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۲۹ قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی تحریم با هشدار در مورد آتش جهنّم، مؤمنان را به حفظ خود و خانواده فرا می‌خواند و با بیان فرمان‌پذیری فرشتگان می‌فرماید: ۶. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَکُمْ وَأَهْلِیکُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَیْهَا مَلَائِکَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا یَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَیَفْعَلُونَ مَا یُؤْمَرُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانواده‌هایتان را از آتشی حفظ کنید که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست؛ (آتشی) که فرشتگانی خشن [و] سخت‌گیر بر آن [گماشته شده اند، که خدا را در آنچه فرمانشان می‌دهد نافرمانی نمی‌کنند و آنچه را مأمور

شده‌اند انجام می‌دهند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه سفارش شده که مؤمنان خودشان را از آتش حفظ کنند؛ یعنی با ترک گناهان و انجام دستورهای الهی زمینه‌های ورود به دوزخ را از بین ببرند. ۲. مقصود از نگه‌داری خانواده‌ی خویش از آتش آن است که انسان با برنامه‌ریزی صحیح به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر آنان بپردازد و محیط خانه را سالم و پاك و معنوی گرداند؛ البته این وظیفه در عصر کنونی که آلودگی و تهاجم فرهنگی از هر سو جوامع اسلامی را تهدید می‌کند سنگین‌تر است. ۳. تعبیر به «نگه‌داری» نشان می‌دهد که اگر خانواده را به حال خود رها کنید، خواه نا خواه به سوی دوزخ سقوط می‌کنند؛ بنابراین حق زن و فرزند تنها در تأمین غذا و مسکن خلاصه نمی‌شود، بلکه تغذیه‌ی معنوی و علمی آنان نیز وظیفه‌ی پدر خانواده است؛ البته این مطلب با توجه به پیش‌رفت وسایل تبلیغی و هزینه بر بودن آنها روشن‌تر می‌شود. ۴. حکایت شده که از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد این آیه و چگونگی حفظ خانواده پرسیدند و حضرت فرمود: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۰ آنان را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنی، اگر از تو پذیرفتند آنها را از آتش دوزخ حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرفتند وظیفه‌ی خود را انجام داده‌ای. «۱» و از امام علی علیه السلام روایت شده که (مقصود آیه آن است که) به خود و خانواده‌تان نیکی بیاموزید و آنان را ادب کنید. «۲» و در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: همان طور که مرد نگهبان خانواده‌ی خویش و در برابر آنها مسئول است، زن نیز نگهبان خانواده‌ی شوهر و فرزندان و مسئول آنهاست. «۳» ۵. در این جا بیان شده که هیزم و آتش‌گیره‌ی دوزخ از جنس انسان‌ها و سنگ‌هاست؛ یعنی آتش دوزخ از درون خود دوزخیان زبانه می‌کشد. همان طور که از سنگ‌های بت‌ها و سنگ‌های گوگردی بلکه از درون هر اتم نیروی آتشین آزاد می‌شود و دوزخیان را می‌سوزاند. ۶. در این آیه به چند ویژگی مأموران دوزخ اشاره شده است: الف) آنان خشن و سخت‌گیرند؛ البته این روحیه‌ی آنان متناسب با کار آنهاست؛ چون دوزخ محل خشم و قهر الهی، و لازمه‌ی آن سخت‌گیری است. ب) فرشتگان مأمور دوزخ نافرمانی نمی‌کنند، بلکه هرچه به آنان دستور داده شد اجرا می‌کنند؛ یعنی اطاعت تکوینی دارند و طوری ساخته شده‌اند که با میل، دستورهای الهی را انجام می‌دهند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۱ ۷. در این آیه از طرفی به مؤمنان سفارش می‌کند که خانواده‌ی خویش را از آتش حفظ کنید از طرف دیگر هشدار می‌دهد که آتش‌گیره‌ی دوزخ مردم هستند؛ جمع این دو مطلب اشاره به آن دارد که برخی مردم نه تنها خود دوزخی هستند، بلکه با اعمال گناه‌آلود و ایجاد فساد و انحراف به زندگی دیگران نیز آتش می‌زنند. پس مراقب خود و خانواده‌ی خویش باشید که به آتش دیگران نسوزید. مَثَل جالب این افراد در زمان ما فسادگران و توزیع کنندگان مواد مخدّر هستند که خود و جامعه را به آتش می‌کشند و هرکس باید مواظب خانواده‌ی خود باشد که به این آتش نسوزند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان مسئول حفظ خود و خانواده‌ی خویش‌اند. ۲. مسیر زندگی شما به طرف دوزخ نباشد. ۳. آتش‌گیره‌ی آتش دوزخ، خودِ مردم هستند (پس مراقب باشید به آتش مردم نسوزید). ۴. فرشتگان دوزخ مأمورانی سخت‌گیرند (پس قبل از آن که به چنگ آنان گرفتار شوید چاره بیندیشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی تحریم با اشاره به تجسّم اعمال به کافران هشدار می‌دهد که عذر خواهی آنان در رستاخیز پذیرفته نمی‌شود و می‌فرماید: ۷. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ کَفَرُوا لَاتَعْتَذِرُوا الْیَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ ای کسانی که کفر ورزیده‌اید! امروز (: در رستاخیز) عذرخواهی نکنید، که فقط به آنچه انجام می‌دادید مجازات خواهید شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عذرخواهی در رستاخیز فایده‌ای ندارد؛ زیرا عذرخواهی نوعی توبه است و توبه تنها در این جهان امکان‌پذیر است و در رستاخیز جای حساب تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۲ است، نه عمل و توبه. ۲. عذاب تجسم می‌یابد و کافران نتیجه‌ی اعمال مستمر آنهاست و گناهان و ستم‌های افراد در رستاخیز به صورت عذاب تجسم می‌یابد و ظاهر می‌شود و کافران را به کام خود می‌گیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تا رستاخیز نرسیده عذرخواهی و توبه کنید که آن روز دیر است. ۲ عذاب آخرت، نتیجه و تجسّم اعمال خود شماست. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی تحریم مؤمنان را به توبه‌ی نیکوی خالص و استوار فرامی‌خواند و با بیان نتایج درخشان آن، و با اشاره به حالات مؤمنان در رستاخیز می‌فرماید: ۸. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسَی

رَبُّکُمْ أَن یُکَفِّرَ عَنکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ وَیُدْخِلَکُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ یَوْمَ لَا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ یَسْعَی بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَبِأَیْمَانِهِمْ یَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍقَدِیرٌ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با توبه‌ای نیک (و خالصانه واستوار) به سوی خدا بازگردید؛ امید است که پروردگار شما بدی‌هایتان را از شما بزداید و شما را در بوستان‌های (بهشتی) وارد کند که از زیر [درختان] ش نهرها روان است، در روزی که خدا پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند رسوا نمی‌کند؛ درحالی که نورشان پیش رویشان و در سمت راستشان شتابان می‌رود، می‌گویند: « [ای پروردگار ما! نور ما را برای ما تمام کن و ما را بیامرز! [چرا] که تو بر هر چیزی توانا هستی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «توبه» به معنای پشیمانی از گناه و بازگشت به سوی خداست؛ یعنی شخص به طور کامل از کرده‌ی خود پشیمان شود و تصمیم بگیرد که در تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۳ آینده به سوی آن گناه باز نگردد. نشانه‌ی این توبه گفتن استغفار و طلب آمرزش است، بنابراین ارکان توبه پنج چیز است: پشیمانی، ترک گناه، تصمیم بر ترک آن در آینده، استغفار و جبران گذشته. ۲. «نَصُوح» به معنای خیرخواهی خالصانه و گاهی به معنای محکم کاری است؛ زیرا خیرخواهی واقعی باید همراه با محکم‌کاری باشد. بنابراین توبه‌ی نصوح آن است که خالص و محکم باشد و ارکان پنج گانه‌ی توبه در آن رعایت شود، یعنی توبه‌ای کامل باشد. ۳. حکایت شده که معاذ بن جَبَل از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی توبه‌ی نصوح پرسید و حضرت فرمود: (توبه نصوح) آن است که شخص توبه‌کننده به سوی گناه بازنگردد، همان طورکه شیر به پستان بازنمی‌گردد. «۱» توبه‌ی نصوح آن است که انقلابی در انسان ایجاد کند که راه بازگشت به گذشته را ببندد. ۴. توبه یکی از درهای رحمتی است که خدا به روی بندگان خود گشوده است تا به سوی او بازگردند و ناامید نشوند. بیا که دوش به مستی، سروش عالَم غیب نوید داد که عام است فیض رحمت او (حافظ) از امام باقر علیه السلام روایت شده که خدا نسبت به توبه‌ی بنده‌اش بیش‌تر شاد می‌شود از کسی که در شب تاریکی مرکب و توشه‌ی خود را گم کرده و آن را می‌یابد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۴ و در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است: کسی که از گناهی توبه کند، هم‌چون کسی است که اصلًا گناه نکرده است، ولی کسی که به گناه خود ادامه می‌دهد و «استغفر اللَّه» می‌گوید، همانند کسی است که ریشخند می‌کند. «۱» ۵. توبه‌ی نصوح پنج نتیجه و فایده دارد: الف) آمرزش گناهان وپوشیده شدن بدی‌های انسان. ب) ورود به بهشت پرنعمت. ج) رسوا نشدن در روزی که پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق و اعمال مردم آشکار می‌شود و گناهکاران رسوا می‌شوند. در آن روز پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان آبرومند می‌مانند. د) در رستاخیز نور ایمان و عمل شایسته‌ی مؤمنان توبه‌کار، همراه آنان است و مسیر آنان را به سوی بهشت روشن می‌کند. ه) توجه مؤمنان توبه‌کار به خدا بیش‌تر می‌شود و روبه درگاه الهی می‌آورند و از او تقاضای آمرزش و تکمیل نور خود را می‌کنند. ۶. مقصود از نوری که در رستاخیز از جلو و سمت راست مؤمنان در حرکت است، چیست؟ این همان نور ایمان و اعمال شایسته‌ی مؤمنان است که در رستاخیز آنان را به سوی بهشت راه‌نمایی می‌کند، همان طور که مؤمنان در دنیا در پر تو نور ایمان و کارهای نیک در راه راست گام برمی‌داشتند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خالصانه به سوی خدا بازگردید و ترک گناه کنید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۵ ۲. هرکس آمرزش و بهشت می‌خواهد، توبه‌ای خالص و استوارکند. ۳. اگر خواری رستاخیز را نمی‌خواهید، ایمان بیاورید (و توبه‌ی نصوح کنید). ۴. ایمان و توبه در رستاخیز به انسان نور می‌دهد. ۵. از خدا آمرزش و نور کامل بخواهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی تحریم دستور سخت‌گیری را در مورد کافران و منافقان می‌دهد و می‌فرماید: ۹. یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَالْمُنَافِقِینَ وَاغْلُظْ عَلَیْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر؛ و مقصدشان جهنم است و بد فرجامی است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشابه این آیه آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی توبه است و تکرار آن در این جا شاید به خاطر آن است که پس از ماجرای افشای اسرارِ همسران پیامبر، بهانه به دست منافقان داخلی و مخالفان خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله افتاد تابه شایعات در این زمینه دامن بزنند، ولی آیه‌ی فوق به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور سخت‌گیری برآنان را داد تا از توطئه و تبلیغات آنان

جلوگیری شود. ۲. مقصود از جهاد با کافران، مبارزه‌ی همه‌جانبه و به ویژه جنگ مسلحانه با آنان است و مقصود از جهاد با منافقان مبارزاتی هم‌چون مذمّت، توبیخ، تهدید و افشاگری است؛ زیرا منافقان در ظاهر مسلمان‌اند و از این رو اسلام اجازه نمی‌دهد که با آنان مبارزه‌ی مسلحانه شود و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز هیچ گاه با منافقان جنگ مسلحانه نکرد. البته اگر روزی منافقان کفر خود را آشکار، و در برابر مسلمانان صف‌آرایی کنند، کافر حربی به شمارمی آیند و نبرد با آنان مجاز است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام کفر و نفاق، عذاب‌آلود است. ۲. با دشمنان داخلی و خارجی اسلام مبارزه و سخت‌گیری نمایید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی تحریم همسر خیانتکار نوح و لوط را الگوی کافران معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۱۰. ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِینَ کَفَرُوا امْرَأَةَ نُوحٍ وَامْرَأَةَ لُوطٍ کَانَتَا تَحْتَ عَبْدَیْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَیْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ یُغْنِیَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَیْئاً وَقِیلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِینَ خدا برای کسانی که کفر ورزیدند مثلی زده است: زن نوح و زن لوط، که تحت (سرپرستی) دو بنده‌ی شایسته از بندگان ما بودند، و [لی به آن دو خیانت کردند و آن دو (پیامبر) هیچ چیزی را از (عذاب) خدا از آن دو (زن) دفع نکردند؛ و به آن دو گفته شد: «همراه وارد شوندگان (در دوزخ) وارد آتش شوید!». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران نام همسر لوط را «والعه» و نام همسر نوح را «والهه» نوشته‌اند «۱». آنان همسر دو پیامبر الهی بودند که کفر ورزیدند و به صف مخالفان پیوستند و حتی اسرار داخل منزل شوهر خود را به مخالفان می‌دادند و سرانجام، هنگامی که عذاب الهی بر قوم لوط و نوح فرود آمد مؤمنان نجات یافتند ولی این دو زن گرفتار عذاب الهی شدند. ۲. مقصود از خیانت همسر لوط و نوح، انحراف از جاده‌ی عفت نبود؛ زیرا طبق احادیث، هیچ همسر پیامبری آلوده به عمل منافی عفت نشده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۷ پس منظور از خیانت همان افشای اسرار و همکاری با مخالفان پیامبر بوده است. ۳. در این آیه از لوط و نوحِ پیامبر به عنوان «عبد صالح» یعنی بنده‌ی شایسته‌ی خدا یاد شده است؛ یعنی حتی افتخار پیامبران الهی آن است که بنده‌ی صالح خدا هستند. ۴. در این آیه همسر لوط و نوح را مثال و الگو برای همه‌ی مردان و زنان کافر شمرده است؛ یعنی هر کس راه خیانت به پیامبر الهی را در پیش بگیرد، چه زن باشد و چه مرد، در نهایت گرفتار عذاب الهی می‌شود. ۵. این آیه هشداری است به همسران پیامبر و همه‌ی وابستگان رهبران الهی و مردان خدا که بدانند اگر خیانت کردند خویشاوندی با افراد شایسته، آنان را از عذاب الهی نجات نمی‌دهد، بلکه هر کس راه نجات و سعادت را می‌طلبد، باید به دنبال ایمان و عمل شایسته باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افراد خیانتکارِ عذاب شده، الگوی کافران هستند. ۲. نزدیکان مردان خدا و رهبران الهی قدر خود را بدانند و خیانت نکنند که گرفتار عذاب می‌شوند. ۳. خویشاوندی با مردان الهی مانع عذاب نمی‌شود. ۴. خیانت به بندگان صالح خدا زمینه‌ساز عذاب الهی برای انسان است. *** قرآن کریم در آیات یازدهم و دوازدهم سوره‌ی تحریم همسر فرعون و مریم را الگوی مؤمنان معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۱۱ و ۱۲. وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِینَ آمَنُوا امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَکَ بَیْتاً فِی الْجَنَّةِ وَنَجِّنِی مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ* وَمَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِیهِ مِن رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِکَلِمَاتِ رَبِّهَا وَکُتُبِهِ وَکَانَتْ مِنَ الْقَانِتِینَ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۸ و خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند مَثَلی زده است: زن فرعون، هنگامی که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خود در بهشت بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات بخش و مرا از گروه ستمکاران نجات ده!»* و (نیز) مریم، دختر عمران، که دامان (عفت) خود را حفظ کرد و از روح خویش در او دمیدیم و کلمات پروردگار خویش و کتاب‌هایش را تأیید کرد و از فرمانبرداران [فروتن بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد همسر فرعون نوشته‌اند که نام او «آسیه» بود و هنگامی که معجزات موسی علیه السلام را در برابر ساحران دید، ایمان آورد، ولی ایمانش را پنهان می‌کرد تا کم کم فرعون متوجه شد و به او اصرار کرد که دست از آیین موسی بردارد، ولی آسیه تسلیم نشد و سرانجام فرعون دستور داد که دست‌ها و پاهایش را با میخ بسته و سنگی بر سینه‌اش بیفکنند و در آفتاب سوزان رهایش کنند. او در آخرین لحظات زندگی، با خدا مناجات کرد، که آیه‌ی فوق مناجات و دعاهایش را بازگو کرده است. ۲. آسیه در مناجات خود چند چیز از خدا خواست: الف) خدا خانه‌ای در بهشت برای او

فراهم سازد؛ ب) این خانه در جوار قرب الهی باشد، یعنی بهشتی را می‌خواهد که نزد خدا باشد؛ ج) خدا او را از فرعون و کردار شرک‌آلودش نجات دهد؛ د) خدا او را از دست قوم ستمکار رهایی بخشد. ۳. آسیه که در کاخ فرعون زندگی می‌کرد و تحت سرپرستی مردی کفرپیشه و مستکبر بود تحت تأثیر شرایط محیط قرار نگرفت و ملکه‌ی مصر بودن را رها کرد و با استواری در راه ایمان گام نهاد و با سخنان خود و تقاضای بهشت، کاخ فرعون را تحقیر کرد و از ستمکاری آنان بیزاری جست و در این راه شربت شهادت نوشید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۳۹ ۴. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که برترین زنان اهل بهشت چهار نفرند: خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه. «۱» ۵. همسر فرعون با آن که یک زن بود، قرآن او را الگوی همه‌ی مردان و زنان مؤمن معرفی می‌کند. آری؛ در فرهنگ اسلامی یک زن می‌تواند به مقامی برسد که الگوی همه‌ی زنان و مردان با ایمان جهان شود. ۶. الگو بودن همسر فرعون از جهات مختلف است؛ از جمله این که تحت تأثیر شرایط محیط کاخ فرعون قرار نگرفت و در برابر ستم و طاغوت مقاومت کرد و نیز در این که رو به سوی خدا آورد و آخرت‌طلب شد. ۷. قرآن کریم در موارد متعددی با اشاره به زندگی مریم علیها السلام، او را زنی پاک‌دامن و تهمت‌های یهود و دیگران را نسبت به او مردود اعلام کرده است، تا آن جا که در قرآن سوره‌ای به نام مریم وجود دارد و در این آیه او را الگوی زنان و مردان با ایمان معرفی می‌کند. ۸. خدا از روحی با عظمت در وجود مریم علیها السلام دمید و او صاحب فرزندی به نام عیسی شد. این مطلب در سوره‌های مریم و آل عمران توضیح داده شده است. «۲» البته اضافه‌ی روح به خدا از باب تشریف و برای بیان عظمت آن است، وگرنه خدا روح و جسم ندارد. ۹. مفسران برآن‌اند که شاید مقصود از کتاب‌های خدا، همان کتاب‌های پیامبران الهی هم‌چون تورات است و منظور از کلمات خدا، وحی‌هایی است که به پیامبران رسیده، اما به صورت کتاب در نیامده است و مریم علیها السلام همه‌ی آنها را تصدیق و تأیید می‌کرد. «۳» ۱۰. الگو بودن مریم، در بُعد پاکی، عبادت و اطاعت از خدا، تأیید کتاب‌های آسمانی و سخنان الهی است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی زنان آن‌قدر کمال می‌یابند که می‌توانند الگوی همه‌ی مردان و زنان مؤمن باشند. ۲. آسیه و مریم را الگوی زندگی خود قرار دهید. ۳. هم‌چون آسیه، مؤمن، ستم‌ستیز و آخرت‌طلب باشید. ۴. هم‌چون همسر فرعون باشید و تحت تأثیر محیط قرار نگیرید، بلکه به سوی خدا روی کنید (و مشکلات آن را تحمّل کنید). ۵. هم‌چون آسیه از طاغوت و ستم بیزاری بجویید. ۶. هم‌چون مریم پاک‌دامن زندگی کنید، تا مورد لطف الهی قرار گیرید. ۷. هم‌چون مریم مطیع خدا و مؤید کلمات و کتاب‌های او باشید. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۱ بخش ششم: سوره‌ی مُلک یادآوری مبدأ و معاد امتحان، هدف آفرینش زندگی و مرگ مباحث کیهان‌شناسی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۳

بخش ششم: سوره‌ی ملک

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی مُلک در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۳۰ آیه، ۳۳۰ کلمه و ۱۳۰۰ حرف است. مُلک هفتاد و ششمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «طور» و قبل از سوره‌ی «حاقّه») و شصت و هفتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «مُلک»، «تبارک»، «مانِعَهْ»، «مُنجیه» و «واقیه». «مُلک» به معنای «فرمان‌روایی» است و سبب این نام‌گذاری، آیه‌ی اول این سوره است که در آن سخن از فرمان‌روایی خدا به میان آمده است.

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی «ملک» را در نماز واجب (عشاء) قبل از خواب بخواند، همواره در امان الهی است تا صبح شود و در رستاخیز نیز در امان الهی است تا داخل بهشت شود. «۱» البته این گونه آثار سوره مشروط به شرایطی، از جمله عمل به محتوای آن و حرکت جامعه در راستای آموزه‌های آن است.

اهداف

اهـداف: اساسی‌ترین هدف‌های این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری مبدأ هستی؛ ۲. یادآوری معاد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۴

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌انـد از: الف) عقاید: ۱. توجه به نشانه‌های خـدا و فرمان‌روایی و صـفات او (در آیات ۱۳، ۱۴، ۲۳ و ۲۴)؛ ۲. تـذکر عذاب دوزخ (در آیات ۶- ۷). ب) مطالب دیگر: ۱. تذکری درباره‌ی هفت آسـمان (در آیه‌ی ۳)؛ ۲. بیان این که شـنیدن (سخن پیامبران) و تفکر سبب نجات از آتش می‌شود (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۳. توجه دادن به نظام شـگفت‌انگیز آفرینش، مثل خلقت آسمان‌ها و ستارگان، زمین و نعمت‌های آن و ابزار شناخت (در آیات ۳- ۵)؛ ۴. بیان گفت‌وگوی مأموران عذاب با دوزخیان (در آیات ۶- ۱۰)؛ ۵. تهدید کافران و ستمگران با عذاب‌های دنیوی و اخروی (در آیات ۱۶- ۲۱)؛ ۶. بیان هدف آفرینش زندگی و مرگ که همان امتحان انسان‌ها در دنیاست (در آیه‌ی ۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۵

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی مُلک قرآن کریم در آیات اول و دوم سوره‌ی مُلك با اشاره به صفات خدا، هدف آفرینش را امتحان انسان‌ها برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۱ و ۲. تَبَارَكَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ* الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیَاةَ لِیَبْلُوَكُمْ أَیُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِیزُ الْغَفُور خجسته (و پایـدار) است آن (خـدایی) که فرمـان‌روایی فقط به دست اوست و او بر هر چیزی توانـاست.* (همان) کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارتر است؛ و او شکست‌ناپذیر (و) بسیار آمرزنده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «تبارك» از مـاده‌ی برکت و در اصل بـه معنـای سینه‌ی شتر است، سپس بـه هر نعمت پایـدار و زوال‌ناپذیری، بـا برکت گفته می‌شود و از آن رو که مـالکیت و حـاکمیت و قـدرت خـدا بر همه چیز گسترده است، او موجودی زوال‌ناپذیر، خجسته و مبارك است. ۲. آفرینش حیات و زنـدگی روشن است، امـا آفرینش مرگ به چه معنـاست؟ اگر «مرگ» به معنای فنا و نابودی باشد، امری عدمی می‌شود و آفرینش آن بی‌معناست، ولی حقیقت مرگ، انتقال از یك جهان به جهان دیگر است، پس امری وجودی است که آفریده می‌شود. ۳. اگر خـدا از انسان و همه‌ی حالات و آینـده‌ی او اطلاع دارد، پس چرا وی را می‌آزمایـد؟ منظور از آزمـایش انسـان، همـان پرورش وی در میـدان عمـل و پاك و تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۱۴۶ خالص شدن و رشد و تکامل او به سوی خدا و نیز نوعی اتمام حجت بر کافران و مخالفان راه خداست؛ یعنی آزمایش، تحقق عملی علم خداست، وگرنه او از آینده و سرنوشت انسان با خبر است. ۴. در این آیات مرگ را قبل از زندگی عینی آورده است، در حالی که مرگ در پایان زنـدگی آفریده می‌شود. این نکته شاید به خاطر یادآوری اهمیت و تأثیر مرگ در عمل نیکوست؛ البته مقصود از مرگ و حیات در این جا کل آفرینش انسان است. ۵. این آیات اشاره دارنـد که هـدف آفرینش زنـدگی و مرگ انسان، آزمایش اوست و در برخی دیگر از آیـات، هـدف آفرینش، عبادت، «۱» معرفت، «۲» و رحمت «۳» و ملاقات خدا معرفی شده است. روشن است که برخی از این اهـداف مقدماتی و برخی نهایی‌اند؛ یعنی هدف نهایی، تکامل انسان و قرب و ملاقات خداست که در این راه

معرفت مقدمه‌ی عبادت، آزمایش مقدمه‌ی نزول رحمت، و همگی زمینه‌ساز تکامل و سیر انسان به سوی خداست. «۴» خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد (حافظ) ۶. هدف آزمایش انسان کیفیت و نیکویی عمل اوست، نه کمیت و کثرت اعمال؛ یعنی یک عمل خالص، مفید و نیکو بهتر است از اعمال زیاد بدون کیفیت. البته این به معنای نفی کمیت اعمال نیست؛ زیرا در شرایط مساوی که همه‌ی اعمال نیکو است زیاد بودن اعمال نیز یکی از ارزش‌هاست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۷ ۷. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: (مقصود آن است که کدام‌یک) از شما عقل کامل‌تر و خداترسی و آگاهی بیش‌تری از دستورات الهی دارد، هر چند اعمال مستحب او کم‌تر باشد. «۱» و از امام صادق علیه السلام روایت شده که منظور آن نیست که کدام‌یک بیش‌تر عمل می‌کنید و لیکن مقصود آن است که کدام‌یک صحیح‌تر عمل می‌کنید؛ و عمل صحیح آن است که همراه با خداترسی و نیت پاک باشد. سپس حضرت فرمودند: نگه‌داریِ عمل از آلودگی، سخت‌تر است از خود عمل؛ و عمل خالص صالح آن است که نخواهی غیر از خدا کسی تو را به خاطر آن بستاید. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خجستگی و زوال ناپذیری خدا را از فرمان‌روایی، قدرت بی‌نهایت و آفرینشگری او بشناسید. ۲. هدف آفرینش شما آزمایش کیفیتِ اعمال شماست. ۳. کسی در آزمایش الهی موفق‌تر است که عملش نیکوتر باشد. ۴. معیار موفقیت شما کیفیت اعمال شماست، نه کمیت آنها. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۸ قرآن کریم در آیات سوم تا پنجم سوره‌ی مُلک به آفرینش دقیق و طبقه‌بندی شده‌ی آسمان‌ها و زیبایی آسمان دنیا و رانده شدن شیطان‌صفتان از آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳-۵. الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماوَاتٍ طِبَاقاً مَا تَرَی فِی خَلْقِ الرَّحْمنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَی مِن فُطُورٍ* ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ کَرَّتَیْنِ یَنقَلِبْ إِلَیْکَ الْبَصَرُ خَاسِئاً وَهُوَ حَسِیرٌ* وَلَقَدْ زَیَّنَّا السَّماءَ الدُّنْیا بِمَصَابِیحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُوماً لِلشَّیَاطِینِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِیرِ (همان) کسی که هفت آسمان را طبقه‌بندی شده آفرید؛ هیچ تفاوتی (تناقض گونه) در آفرینش (خدای) گسترده‌مهر نمی‌بینی؛ پس دیده را برگردان؛ آیا هیچ شکافی می‌بینی؟!* سپس دوباره دیده را برگردان، تا دیده، خسته (و خوار) به سوی تو بازگردد، در حالی که آن وامانده است.* و به یقین، آسمان دنیا را با چراغ‌ها (: شهاب سنگ‌ها) یی آراستیم و آنها را سنگ‌هایی برای (راندن) شیطان‌ها قرار دادیم؛ و برای آنان عذاب شعله‌ی فروزان فراهم ساختیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به هفت طبقه‌ی آسمان اشاره شده است، که نظامی دقیق و همگون دارند و هیچ تضاد و نقصی در آنها نیست. ممکن است مقصود از این هفت آسمان منظومه‌ها و کهکشان‌های بزرگ باشد؛ بنابراین همه‌ی آنچه در شب می‌بینیم، آسمان اول به شمار می‌آید، یا مقصود طبقات متراکم جوّ زمین و یا آسمان‌های معنویت مورد نظر است «۱» که همگی نشانه‌ای از عظمت آفرینش خدایند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۴۹ به جان ببین که هر چه می‌بینی ز توحید کسی که محو شد از چشم جان دید یقین می‌دان که چشم جان چنان است که در هر ذره‌ای هفت آسمان است (عطار) ۲. این آیات مخالفان را به چالش با نشانه‌های خدا دعوت می‌کند و آنها را به تماشای آسمان‌ها و زیبایی‌ها و نظم دقیق آن فرا می‌خواند؛ آسمانی پر از ستارگان و سیارات قانونمند و همگون که هر کدام در مدار خود شناورند و اگر کوچک‌ترین بی‌نظمی و عیب و نقص و خللی در مسیر آنان بود جهان در هم فرو می‌ریخت. یک نظر قانع مشو زین سقف نور بارها بنگر ببین هل من فطور «۱» ۳. هر چه انسان به آسمان‌ها بنگرد و دقیق شود، «۲» نه تنها کم‌ترین خلل، ناهمگونی و عیبی در آنها نمی‌یابد «۳» بلکه چشمان او ناکام، خسته و ناتوان می‌گردد. «۴» آری؛ هرچه انسان به جهان بنگرد، نظم آن را بهتر می‌شناسد و نشانه‌های خدا و عظمت آفرینش او را بیش‌تر درک می‌کند؛ این آیات اشاره‌ی روشنی به برهان نظم دارد که یکی از راه‌های شناخت خداست. به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست (سعدی) تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۰ ۴. در این آیه از آسمان نزدیک دنیا و چراغ‌های آن و تیرها (شهاب سنگ‌ها) یی که به سوی شیطان‌ها پرتاب می‌شود «۱» سخن گفته شده است. مشابه این مطالب در آیات ۱۶- ۱۸ سوره‌ی حجر و ۶- ۱۰ سوره‌ی صافات آمده است و ذیل آن آیات توضیح دادیم که مفسران در مورد این تعبیرات قرآن چند تفسیر ارائه کرده‌اند. ۵. «شیطان» در اصل به معنای هر

موجود شرور، وسوسه‌گر و متمرد است و گاهی به ابلیس گفته می‌شود؛ یعنی موجود خبیثی که باعث انحراف حضرت آدم علیه السلام شد. و در این جا ممکن است شامل ابلیس و هر موجود شرور دیگر شود. ۶. مفسران قرآن در مورد این آیات چند تفسیر ارائه کرده‌اند: «۲» الف) برخی مفسران همان معنای ظاهری آیه را پذیرفته‌اند، که مقصود همین آسمان حسّی و همین شهاب‌سنگ‌های آسمانی است که در شب می‌بینیم و شیطان‌ها همان موجودات خبیثی هستند که می‌خواهند به آسمان‌ها بروند و از اخبار ماورای زمین مطلع شوند و برای دوستان زمینی خود جاسوسی کنند، اما شهاب‌سنگ‌ها هم‌چون تیری به سوی آنها پرتاب می‌شوند و آنها را از رسیدن به هدف بازمی‌دارند. ولی برخی از مفسران این دیدگاه را رد می‌کنند؛ زیرا بر اساس نظریات فلکی قدیم است «۳» و این در حالی است که انسان از جوّ زمین عبور کرده و به کره‌ی ماه نیز رفته است و شهاب، مخصوص جوّ زمین است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۱ ب) برخی مفسران این تعبیرات را کنایه و تشبیه و مثالی برای روشن شدن حقایق غیر حسّی دانسته‌اند. و مقصود از آسمان جایگاه فرشتگان و عالم ملکوت و ماورای طبیعت است که شیطان‌ها می‌خواهند به آن نزدیک شوند و از اسرار خلقت و حوادث آینده اطلاع یابند، ولی با انوار ملکوتی رانده می‌شوند. «۱» ج) برخی مفسران تعبیرات فوق را کنایه از انسان‌هایی دانسته‌اند که در زندگی مادی زمینی زندانی شده‌اند و چشم خود را به جهان برتر نمی‌اندازند و به آوای آن گوش فرا نمی‌دهند و شهاب‌های خودخواهی و شهوت و طمع و جنگ‌های خانمان‌سوز آنها را از درک معانی والا محروم می‌سازد. «۲» تا نباشی آشنا زین پرده رمزی نشنوی گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش (حافظ) د) برخی مفسران برآن‌اند که مقصود از آسمان در این جا، محدوده‌ی حق، ایمان و معنویت است که همواره شیطان‌ها و وسوسه‌گران می‌خواهند در آن راه یابند و از طریق وسوسه به دل‌های مؤمنان راستین و حامیان حق نفوذ کنند، اما ستارگان آسمان حقیقت، یعنی رهبران الهی (پیامبران، امامان و دانشمندان متعهد) با امواج نیرومند علم و تقوا و قلم و زبان، بر آنان هجوم می‌برند و آنها را از نزدیک شدن به آسمان معنویت بازمی‌دارند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۲ البته ممکن است آیه دارای بطن و معانی مختلفی باشد و برخی به صورت کنایه و مثال باشند؛ پس مانعی ندارد که مقصود آیه چند تفسیرِ اخیر باشد هر چند تفسیر دوم و چهارم مناسب‌تر به نظر می‌رسد. ۷. از برخی احادیث استفاده می‌شود که ممنوع شدن شیاطین از صعود به آسمان‌ها و رانده شدن آنها به وسیله‌ی شهاب‌ها، از هنگام تولد عیسی علیه السلام آغاز شده بود و در هنگام تولد پیامبر صلی الله علیه و آله کاملًا ممنوع شد. «۱» از این‌گونه احادیث استفاده می‌شود که رابطه‌ای بین تولد مسیح علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با طرد شیاطین از آسمان وجود دارد؛ یعنی پس از ظهور دین مسیح و اسلام و جهان‌گیر شدن آنها، بسیاری از توطئه‌های شیطانی خنثی شد و بساط بت‌پرستی و پیروی از شیطان در بسیاری از نقاط جهان برچیده شد و بشریت گام‌های بلندی به طرف معنویت و حقیقت برداشت. ۸. در قرآن کریم گاهی با عنوان «بُروج» و گاهی با عنوان «نجوم» و «کواکب» از ستارگان یاد شده است. «۲» ستاره گاهی در مفهوم مادی و حسّی به کار می‌رود که منظور همین ستارگان آسمان‌اند که در شب می‌بینیم و وسیله‌ی راه‌یابی کشتی‌ها و مسافران بیابان هستند و گاهی مفهوم معنوی دارد که اشاره به رهبران الهی و دانشمندان است که نقش ستارگان را در جوامع بشری ایفا می‌کنند و مردم را در تاریکی‌های جهل و خرافات با نور خویش هدایت می‌کنند و راه سعادت را به آنان نشان می‌دهند. در احادیث متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده که فرمودند: آل محمد همان ستارگان هستند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آسمان زیبا را خدا آفرید مکرر به آن بنگرید (و آفریننده‌ی آن را بهتر بشناسید). ۲. به آسمان‌های طبقه‌بندی شده و نظم خلل‌ناپذیر آن توجه کنید تا خداشناس شوید. ۳. هر چه تلاش کنید نمی‌توانید به آفرینش منظم الهی عیب و خللی وارد سازید. ۴. در زیبایی ستارگان و سیارات آسمان دنیا بنگرید و آفرینشگری خدا را ببینید. ۵. شیطان‌صفتان را به حریم زیبای الهی راهی نیست. ۶. شیطان‌ها و شیطان‌صفتان در انتظار عذاب فروزان باشند. ۷. با جاسوسان و خبرگیران بیگانه برخورد کنید. ۸. اولیای الهی و دانشمندان هم‌چون ستارگان هدایت، پاس‌داران حریم آسمان معنویت باشند و شیطان‌صفتان

وسوسه گر را بـا شـهاب (علم و تقوا) برانند. *** قرآن کریم در آیـات شـشم تـا نهم سوره‌ی مُلک به فرجام عـذاب‌آلود کافران و گفتمـان آنان با مأموران دوزخ اشاره می کنـد و می‌فرمایـد: ۶- ۹. وَلِلَّذِیـنَ کَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ عَـذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ* إِذَا أُلْقُوا فِیهَا سَمِعُوا لَهَا شَـهِیقاً وَهِیَ تَفُورُ* تَکَادُ تَمَیَّزُ مِنَ الْغَیْظِ کُلَّمَا أُلْقِیَ فِیهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ یَأْتِکُمْ نَـذِیرٌ* قَالُوا بَلَی قَدْ جَاءَنَا نَذِیرٌ فَکَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَیءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِی ضَلَالٍ کَبِیرٍ و فقط برای کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدنـد، عذاب جهنّم است و بد فرجامی است!* هنگامی که در آن (دوزخ) افکنده می‌شوند، در حالی که آن فوران می کند، ناله‌ای از آن می‌شنوند!* نزدیک است (دوزخ) از شدّت خشم (از هم) جدا شود؛ هرگاه گروهی در آن افکنده می‌شوند، نگهبانان آن (دوزخ) از آنان می‌پرسـند: «آیا هیچ هشـدارگری (از پیامبران) به سراغ شـما نیامـد؟!»* می گوینـد: «آری، به یقین، هشـدارگری به سـراغ ما آمد و (لی ما او را) تکذیب کردیم و گفتیم: «خـدا هیـچ چیزی را فرو نفرسـتاده است، شـما جز در گمراهی بزرگی نیستید.» تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۵۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دوزخیـان با خواری به سوی جهنّم افکنـده می‌شونـد؛ یعنی محترمانه با آنان برخورد نمی‌شود. ۲. در این آیات به صدای ناله‌ی زشت، طولانی و وحشتناک دوزخ و «۱» جوشیدن مواد مذاب جهنّم و خشم شدید و فوران آن اشاره شده است؛ هم‌چون ظرفی می‌جوشد و نزدیک است متلاشی شود. به تصویر کشیدن صحنه‌های وحشتناک دوزخ برای آن است که مردم عبرت بیاموزند و به طرف کارهایی که آنان را دوزخی می کند نروند. ۳. فرشتگان مأمور دوزخ از کافران می‌پرسند: مگر شما پیامبر هشدارگر نداشتید که به چنین سرنوشتی دچار شدید؟! این پرسش می‌تواند نوعی تعجب از وضعیت این افراد یا نوعی سرزنش آنان باشد، که چرا با وجود پیامبران الهی راه حق را نپیمودید و به گمراهی و دوزخ روی آوردید؟! ۴. کافران در پاسخ به مأموران دوزخ به نوعی اعتراف می کنند که آری پیامبران الهی آمدند ولی ما به پیام نجات‌بخش آنان گوش فرا ندادیم و با آنان مخالفت و وحی و تعـالیم آنـان را تکـذیب کردیم و حتی آنان را گمراه خوانـدیم. هر کس از رهبران الهی روی برتابـد و با آنان مخالفت کنـد، به راه دوزخ گام نهاده است. ۵. یکی از روش‌های مبارزه‌ی مخالفان کفرپیشه با رهبران الهی آن است که به آنان تهمت گمراهی می‌زنند و می کوشند با تبلیغات منفی آنان را از میدان به در کنند و مردم را بفریبند. در جهان امروز نیز می‌بینیم که آمریکا برخی کشورها را محور شـرارت می‌خوانـد و می‌خواهـد با تبلیغات منفی آنها را متهم سازد و جهانیان را بفریبـد. تفسـیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۱۵۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام کفر، عذاب‌آلود است. ۲. عذاب کافران در دوزخ، شـنیدنی، دیدنی (و چشیدنی) است. ۳. در رسـتاخیز بین کـافران و مأموران، گفتمان صورت می گیرد. ۴. هر ملتی که رهبر هشـدارگر داشـته باشـد، فرجامش به دوزخ نخواهد بود. ۵. بـا رهبران الهی هشـدارگر مخالفت نکنیـد، که فرجام این کار دوزخ است. ۶. مخالفـان کفرپیشه، علیه رهبران الهی تبلیغات منفی می کننـد و حتی آنـان را گمراه می‌خواننـد (شـما این گونه باشـید). *** قرآن کریم در آیـات دهم و یازدهم سوره‌ی مُلک به اعترافات دوزخیـان و عوامـل عـذاب آنان و نقش خردورزی در نجات از آتش اشاره می کنـد و می‌فرمایـد: ۱۰ و ۱۱. وَقَالُوا لَوْ کُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا کُنَّا فِی أَصْحَابِ السَّعِیرِ* فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقاً لِأَصْحَابِ السَّعِیرِ و می گوینـد: «اگر (بر فرض، ما) گوش شـنوا داشتیم، یـا خردورزی می کردیم، در میـان اهـل شـعله‌ی فروزان (آتش) نبودیم.* و به پیامـدهای (گناهـان) شان اعتراف می کننـد، و (رحمت خدا) دور باد از اهل شـعله‌ی فروزان (آتش)! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از عوامل عذاب کافران و علت اصلی بدبختی آنها این است که آنان نه اهل خردورزی‌اند که خود حقایق را درک کنند و نه اهل گوش دادن به سخنان پیامبران و پیروی از آنها؛ یعنی گوش و عقل دارنـد ولی اسـتفاده نمی کننـد و از این رو وجود پیامبران و وحی سودی به حالشان نـدارد و از همین اعتراف دوزخیان می‌توان به عامـل نجات و سـعادت انسان نیز دست یافت. یعنی خردورزی انسان را به سوی شـناخت نشانه‌های خـدا و درک حقیقت وحی و نبوّت سوق می‌دهـد، در نتیجه راه سـعادت را به روی او می گشاید. خرد ره‌نمای و خرد دل‌گشای خرد دست گیرد به هر دو سرای (فردوسی) و اگر انسانی اهل خردورزی نباشد می‌تواند با تعبّد و اعتماد به وحی الهی و شنیدن سخنان رهبران الهی و پیروی از آنـان به راه سـعادت و نجـات ره‌نمون شود. سـعی نـابرده در این راه به جایی نرسـی مزد اگر می‌طلبی طاعت اسـتاد ببر (حافظ) ۲. از

ديدگاه قرآن، عقل و خردورزی ارزش فوق العاده‌ای دارد و عامل نجات از عذاب است. در احاديث اسلامی نيز بر اين مطلب تأکيد فراوان شده است و دانشوران و نويسندگان اسلامی نيز به اين حقيقت توجه داده‌اند، به طوری که اولين باب از کتاب معروف شيعه، يعنی کافی، در باره‌ی عقل و جهل است. ای برادر تو همه انديشه‌ای مابقی خود استخوان و ريشه‌ای ۳. روايت شده که گروهی در حضور پيامبر صلی الله عليه و آله فرد مسلمانی را ستايش کردند؛ حضرت فرمود: «عقل او چگونه است؟» عرض کردند: ای رسول خدا! ما از تلاش او در عبادت و کارهای خير می‌گوييم و شما از عقلش سوال می‌کنيد؟ حضرت فرمود: «مصيبتی که از ناحيه‌ی حماقت احمق حاصل می‌شود، بدتر از گناهکاری گناهکاران است. (خدا) در فردای (رستاخيز) مقام بندگان را فقط به مقدار خرد آنان بالا- می‌برد و به اندازه‌ی عقلشان به قرب پروردگارشان نايل می‌شوند». «۱» و از امام صادق عليه السلام روايت شده که فرمودند: کسی که عاقل باشد، دين دارد و کسی که دين داشته باشد، داخل بهشت می‌شود (بنابر اين، بهشت جای خردمندان است). «۲» تفسير قرآن مهر جلد بيست و يکم، ص: ۱۵۷ ۴. پيروی از چراغ خرد، در عرض پيروی از چراغ وحی و نبوّت است؛ اين دو چراغ تکميل‌کننده‌ی يک‌ديگرند و در صورت استفاده از هر دو انسان سعادتمند می‌شود. اگر کسی از چراغ عقل استفاده کند، به راه خدا و دين ره‌نمون می‌شود و سعادتمند می‌گردد، همان طور که اگر کسی مستقيماً از دستورات وحی الهی استفاده کند (که آن هم نوعی کار خردمندانه است) به سعادت می‌رسد. ولی معنای آيه آن نيست که عقل بدون وحی برای انسان کافی است. «۱» ۵. در اين آيات پس از اعتراف کافران دوزخی به گناهان خويش هم‌چون تکذيب پيامبران و تهمت‌زدن به آنان و استفاده نکردن از عقل و گوش خود و پيامد عذاب‌آلود آنها خدای متعال نفرينشان می‌کند که از رحمت او دور گردند. نفرين خدا هم‌چون نفرين انسان فقط دعا عليه کسی نيست، بلکه همراه با تحقق خارجی است، پس واقعاً کافران از رحمت دور می‌شوند. «۲» آموزه‌ها و پيام‌ها: ۱. اگر می‌خواهيد از آتش نجات يابيد، از عقل يا نقل (پيامبران) پيروی کنيد، که اين دو مؤيد يک‌ديگرند و شما را سعادتمند می‌کنند. ۲. يا گوش شنوا نسبت به وحی داشته باشيد، يا اهل فکر و درک حقايق باشيد، تا سعادتمند شويد. ۳. ترک خردورزی و تعبّد از عوامل انحراف و عذاب است. ۴. رستاخيز روز اعتراف به گناهان و پيامدهای عذاب‌آلود آن است. ۵. کافران گناهکار مستحق نفرين خدا و دوری از رحمت او هستند. ۶. پيامد تکذيب پيامبران و تهمت زدن به آنان و ترک عقل و تعبّد، عذاب است. تفسير قرآن مهر جلد بيست و يکم، ص: ۱۵۸ ۷. ترک خردورزی و تعبّد، انسان را از رحمت خدا دور و مستحق نفرين و عذاب خدا می‌سازد. *** قرآن کريم در آيات دوازدهم تا چهاردهم سوره‌ی مُلک با بيان علم بی‌کران الهی به پاداش بزرگِ خدا ترسی پنهانی اشاره می‌کند و می‌فرمايد: ۱۲- ۱۴. إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُم مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ* وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ* أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ در حقيقت، کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌هراسند، برای آنان آمرزش و پاداش بزرگی است.* و سخنتان را پنهان کنيد يا آن را آشکار سازيد، (برای او يکسان است)؛ که او به (اسرار) درون سينه‌ها داناست.* آيا کسی که (موجودات را) آفريد نمی‌داند؟! در حالی که او لطيف [و] آگاه است. شأن نزول: برخی مفسران حکايت کرده‌اند که گروهی از کافران يا منافقان پشت‌سر پيامبر صلی الله عليه و آله سخنان ناروا می‌گفتند؛ و پيک وحی اين خبر را به پيامبر صلی الله عليه و آله رساند و برخی از آنان به هم‌ديگر گفتند: سخنان خود را پنهانی بگوييد تا خدای محمد نشنود. آيه‌ی سيزدهم بدين مناسبت فرود آمد و بيان کرد که هر طور بگوييد، خدا از آنها آگاه است. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «غيب» يعنی چيزی که از حسّ ما پوشيده است و در اين جا اشاره به معرفت خدای پنهان و معاد ناديده و يا مکان خلوت است. ۲. مقصود از هراس در نهان چيست؟ مفسران در اين مورد چند رأی ارائه کرده‌اند: الف) مؤمنان در مورد گناهان پنهانی از خدا می‌هراسند؛ يعنی در مکان خلوت نيز از کسی که غير از خدا آنان را نمی‌بينند، از مخالفت خدا می‌ترسند. تفسير قرآن مهر جلد بيست و يکم، ص: ۱۵۹ ب) آيه به خلوص نيّت و دوری از رياکاری در انجام دستورات الهی اشاره دارد؛ يعنی در نهان خويش از خدا می‌هراسند و اعمالشان را با اخلاص انجام می‌دهند. البته مانعی ندارد که آيه اشاره به هر دو معنا داشته باشد. «۱» ۳. در اين

آیات آمرزش و پاداش بزرگ مؤمنان خدا ترس به صورت نکره آمده است که به عظمت، اهمیت و ناشناخته بودن آن برای دیگران اشاره دارد. «۲» ۴. مقصود از «درون سینه‌ها» همان اسرار درون ذهن و دل انسان است؛ یعنی خدا همان طور که از گفتار آشکار و پنهان شما آگاه است، از نیّت‌های شما هم آگاه است؛ چرا که همه‌ی جهان محضر خداست و او در همه جا حضور دارد و همه چیز معلول اوست و معلول در نزد علت همیشه حاضر است؛ پس او علم حضوری به همه چیز دارد و پنهان و آشکار شما برای او یکسان است. هواخواهِ توام جانا و می‌دانم که می‌دانی که هم نادیده می‌بینی و هم ننوشته می‌خوانی (حافظ) ۵. کسی که دل و وجود شما و جهان اطراف شما را آفریده است، از اسرار درون و برون شما نیز اطلاع دارد؛ چرا که او هر لحظه شما را می‌آفریند و وجود شما همواره معلول و وابسته و تحت اراده‌ی اوست. ۶. «لطیف» در اصل از ماده‌ی «لُطف» به معنای هر موضوع دقیقِ ظریف و هر گونه حرکت سریع و جسم لطیف است. و لطیف بودن خدا به معنای عالم بودن او نسبت به اسرار دقیق و ظریف آفرینش یا به معنای آفرینش اجسام لطیف و ذره‌بینی و یا به معنای آن است که خدا در همه چیز نفوذ دارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۰ البته مانعی ندارد که واژه‌ی لطیف به همه‌ی این مبانی اشاره داشته باشد، که همگی تأکیدی بر عمق آگاهی خدا و علم او به اسرار جهان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر آمرزش و پاداش بزرگ الهی را می‌طلبید، در نهان از (مخالفت) خدا بهراسید. ۲. آشکار و نهان در برابر علم خدا تفاوتی ندارد (پس مراقب رفتار خود باشید). ۳. خدا از عمق وجود شما و نیت‌های شما آگاه است (پس مراقب اعمال ظاهر و نیت‌های باطنی خود باشید). ۴. آفرینش هستی ملازم با آگاهی از اسرار آن است. ۵. صفات خدا را بهتر بشناسید تا به آگاهی او و از امور دقیق و لطیف پی ببرید. *** قرآن کریم در آیات پانزدهم تا هجدهم سوره‌ی مُلک با بیان نشانه‌ی خدا در آرامش زمین، به تکذیب گران آیات الهی هشدارهای مکرر می‌دهد و می‌فرماید: ۱۵– ۱۸. هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِی مَنَاکِبِها وَکُلُوا مِن رِزْقِهِ وَإِلَیْهِ النُّشُورُ* ءَأَمِنتُم مَن فِی السَّماءِ أَنْ یَخْسِفَ بِکُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِیَ تَمُورُ* أَمْ أَمِنتُم مَن فِی السَّماءِ أَن یُرْسِلَ عَلَیْکُمْ حَاصِباً فَسَتَعْلَمُونَ کَیْفَ نَذِیرِ* وَلَقَدْ کَذَّبَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ فَکَیْفَ کَانَ نَکِیرِ او کسی است که زمین را برای شما رام قرارداد، پس در اطراف آن راه بروید و از روزی‌اش بخورید؛ و زنده کردن (مردگان) فقط به سوی اوست.* آیا از (عذاب) کسی که در آسمان است در امانید که شما را در زمین فرو برد و ناگهان آن (زمین) بلرزد؟!* یا از (عذاب) کسی که در آسمان است در امانید که طوفان شن را بر شما بفرستد؟! پس به زودی خواهید دانست که هشدار [من چگونه است!* و به یقین، کسانی که پیش از آنان بودند (آیات الهی را) دروغ انگاشتند؛ پس (ببین مجازات) انکار [من چگونه بود! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نعمت‌ها و نشانه‌های خدا آن است که زمین را با وجود حرکت‌های متنوع، آرام قرار داد؛ یعنی زمین با این که حرکت وضعی و انتقالی و حرکت‌های متعدد دیگر دارد، همچون حیوانی رام حرکت می‌کند «۱» به طوری که موجودات روی زمین حرکت‌های آن را احساس نمی‌کنند، و حتی تا قرن‌ها کسی باور نمی‌کرد که زمین در حال حرکت است تا این که با دلایل متعدد این مطلب اثبات شد. جمال خویشتن را جلوه دادند به یک جلوه دو عالم رام کردند (فخرالدین عراقی) ۲. این آیه انسان‌ها را دعوت می‌کند که در زمین گام نهند واز روزی‌های آن بخورند، این مطلب اشاره به آن است که باید تلاش و حرکت کنید تا روزی به دست آورید، و گرنه کسی با تنبلی و سکون به جایی نمی‌رسد. بی‌رنج، زین پیاله کس می نمی‌خورد بی‌دود، زین تنور به کس نان نمی‌دهند (پروین اعتصامی) ۳. مبدأ و آغاز حرکت انسان از خدا، و بستر حرکت او زمین و تلاش در آن، و نهایت و فرجام حرکت انسان به سوی خداست؛ یعنی انسان نباید فراموش کند که مسافری است که بین مبدأ و معاد جهان قرار دارد و نباید زمین و مادیات را محل نهایی و هدف خود بپندارد، بلکه او یک مقصد دارد که همان رستاخیز و رفتن به سوی خداست. ۴. یکی از روش‌های تربیتی قرآن استفاده از تشویق و هشدار در کنار هم‌دیگر است؛ گاهی انسان را به نعمت‌های الهی و معرفت نشانه‌های او فرا می‌خواند و گاهی در مورد خشم خدا و بلاهای آسمانی هشدار می‌دهد، تا انسان در حالت تعادل روحی قرار گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۲ ۵. در این آیات به کافران تکذیب‌گر آیات الهی هشدار داده شده که

ممکن است کسانی که در آسمان هستند، بلاهایی هم‌چون زمین لرزه‌های شدید ایجاد کنند، به طوری که زمین دهان باز کند و شهرها و روستاهای شما را در کام خود فرو برد و از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر ببرد «۱» و یا این که شن بادهای سنگین و کشنده ایجاد کند که شما را در کام مرگ فرو برد. البته تهدید به این زمین لرزها و شن‌بادهای مرگ آفرین برای کسانی که در کمربند زمین لرزه‌ها و در بیابان‌های توفان‌زا قرار دارند بهتر قابلِ درک است. ۶. واژه‌ی آسمان به معنای جهت بالا و جوّ زمین، مکان ستارگان و آسمان معنویت (یعنی مراتب بالای وجود) می‌آید؛ در این جا نمی‌تواند به معنای جوّ زمین یا محل ستارگان باشد، چون خدا جسم نیست که در مکان آسمان باشد. پس مقصود از کسانی که در آسمان‌ها هستند، یا فرشتگان و مأموران الهی‌اند و یا ذات پاک خداست که در آسمان معنوی، یعنی در مقام بالاتر وجودی قرار دارد و جهان را تدبیر می‌کند. ۷. در این آیات به سرنوشت عذاب‌آلود اقوام گذشته، هم‌چون قوم عاد و ثمود اشاره شده است که برخی با زلزله‌های ویرانگر و برخی با صاعقه‌ها و تند بادها مجازات، و عبرتی برای آیندگان شدند. هان ای دل عبرت بین از دیده عبر هان ایوان مداین را آیینه‌ی عبرت دان (خاقانی) این وقایع نشان می‌دهد که خدا می‌تواند با اشاره‌ای به حرکت باد یا زمین، کافران را به کام مرگ فرو ببرد، پس سرکشی و کفر و شرک را تا کجا ادامه می‌دهند. ای جسم سیاه مومیایی کو آن همه عجب و خود نمایی (پروین اعتصامی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آرامش زمین دقت کنید و خداشناس شوید. ۲. با تلاش از مواهب الهی زمین استفاده کنید (و به یاد خدا و معاد باشید). ۳. مبدأ و مسیر و مقصد خود را بشناسید. ۴. در مسیر الهی قرار گیرید که فرجام شما فقط به سوی خداست. ۵. خود را از عذاب آسمانی محفوظ و ایمن ندانید. ۶. اگر خدا بخواهد، همین آرامش زمین به لرزه و شن باد تبدیل می‌شود و شما را نابود می‌کند. ۷. با مطالعه در مورد سرنوشت عذاب‌آلود اقوام سرکش تاریخ، عبرت بیاموزید. *** قرآن کریم در آیات نوزدهم تا بیست و یکم سوره‌ی ملک با اشاره به نشانه‌ی خدا در پرواز پرندگان، به ناتوانی غیر خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹– ۲۱. أَوَ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيءٍ بَصِيرٌ* أَمَّنْ هذَا الَّذِي هُوَ جُندٌ لَكُمْ يَنصُرُكُم مِن دُونِ الرَّحْمنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ* أَمَّنْ هـذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَل لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ و آیا نظر نکرده‌اند به پرندگانی که بر فرازشان هستند در حالی که بال گشوده‌اند و می‌بندند؟! که جز (خدای) گسترده‌مهر آنها را نگاه نمی‌دارد، (چرا) که او به هر چیزی بیناست.* بلکه آیا این چه کسی است که او لشکری برای شماست که، غیر از (خدای) گسترده‌مهر، شما را یاری می‌کند؟! کافران جز در فریب (خوردگی) نیستند.* بلکه آیا این چه کسی است که اگر (خدا) روزی‌اش را نگاه دارد، به شما روزی می‌دهد؟! بلکه (کافران)، در [حال سرکشی و نفرت، لجاجت کردند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نشانه‌های قدرت و تدبیر الهی در پرواز پرندگان دیده می‌شود؛ پرندگانی که بر خلاف نیروی جاذبه از زمین برمی‌خیزند و بر فراز آسمان ساعت‌ها حرکت می‌کنند؛ گاهی بال می‌گسترانند و گاهی بال‌های خود را جمع می‌کنند و بدون این که هیچ مشکلی داشته باشند تا صدها کیلو متر پرواز می‌کنند، در حالی است که کسی به آنها پرواز کردن را آموزش نداده است. این پروازهای شگفت‌انگیز نشانه‌ای از قدرت و تدبیر الهی در آفرینش آنها و قوانین حاکم بر طبیعت است. خدا آنها را این‌گونه آفریده است و بر فراز هوا نگاه می‌دارد. ۲. پرندگان در پرواز چند گونه‌اند: برخی بیش‌تر اوقات بال می‌گسترانند و برخی هنگامی که سرعت گرفتند بال خود را می‌بندند و شیرجه می‌روند و برخی هم بال می‌زنند و هم بال می‌گسترانند. تعبیرات آیه‌ی فوق ممکن است به هر دسته از این پرندگان و یا اشاره به حالات مختلف یک پرنده اشاره داشته باشد. ۳. از معبودان، بت‌ها و دوستان و وسایل کافران، «۱» در برابر قدرت خدا کاری ساخته نیست. همه‌ی موجودات، وجود و نیروی خود را از خدا می‌گیرند؛ پس اگر خدا نیروی آنان را سلب کند، دیگر کاری از آنها ساخته نیست و بر فرض که بتوانند کاری انجام دهند، قدرت آنها در برابر قدرت بی‌نهایت خدا بسیار ناچیز است. ما به دریا حکم توفان می‌دهیم ما به سیل و موج فرمان می‌دهیم ناخدایان را کیاست اندکی است ناخدای کشتیِ امکان یکی است (پروین اعتصامی) ۴. روزیِ همه در دست خداست و اگر او غذا در اختیار انسان نگذارد و گیاهان زمین رویش نکند یا خشک‌سالی و

آفات نباتی آنها را نابود سازد یا روزی‌های معنوی قطع شود، هیچ کس نمی‌تواند به یاری انسان بشتابد، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۵ چون همه هر چه دارند از خدا دارند و اگر خدا مانع امدادرسانی و غذارسانی آنان شود نمی‌توانند کاری کنند. ذات نایافته از هستی‌بخش کی تواند که شود هستی‌بخش (جامی) ۵. برخی از عوامل انحراف کافران که مانع درک حقایق و موجب گمراهی آنها شده است، عبارت‌اند از: الف) غرور و غفلت کافران؛ ب) سرکشی و طغیان کافران؛ ج) حق گریزی؛ د) لجاجت بر این صفات زشت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در پرواز پرندگان خداشناس شوید. ۲. پرواز پرندگان جلوه‌ای از رحمت و بینش خداست. ۳. غیر از خدای رحمان امدادرسانی ندارید (پس به دنبال غیر خدا نباشید). ۴. روزی شما در اختیار خداست (پس به سوی او توجه کنید). ۵. همه‌ی موجودات غیر از خدا در برابر او ناتوان هستند. ۶. غرور، سرکشی، حق‌گریزی و لجاجت از عوامل انحراف (و مانع درک حقایق) اند. *** قرآن کریم در آیات بیست و دوم تا بیست و چهارم سوره‌ی ملک، با مقایسه‌ی گمراهان و راست قامتانِ هدایت یافته، به نشانه‌های خدا و عوامل هدایت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲- ۲۴. أَفَمَن يَمْشِي مُكِبّاً عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّن يَمْشِي سَوِيّاً عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ* قُلْ هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ* قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۶ و آیا کسی که افتاده بر صورتش راه می‌رود ره‌یافته‌تر است، یا کسی که درست (قامت)، بر راه راست راه می‌رود؟!* بگو: «او کسی است که شما را پدیدآورد و برای شما شنوائی و دیدگان و دل‌ها (ی سوزان) قرار داد؛ چه اندک سپاس گزاری می‌کنید!»* بگو: «او کسی است که شما را در زمین آفرید؛ و فقط به سوی او گردآوری می‌شوید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از روش‌های تربیتی قرآن، استفاده از مثال‌های جالب و نیز روش مقایسه است که در این آیه از هر دو روش استفاده شده است، تا وضعیت گمراهان و هدایت یافتگان را در برابر هم به تصویر بکشد و مردم بهتر بتوانند راه خود را انتخاب کنند. ۲. گمراهان همانند کسانی هستند که در جاده به رو افتاده‌اند و در همان حال سینه‌خیز حرکت می‌کنند؛ «۱» روشن است که چنین افرادی نه راه را درست می‌بینند، نه از موانع راه باخبرند و نه قادر به کنترل خود هستند؛ آنان پس از مدتی راه را گم می‌کنند و یا درمانده می‌شوند. اما هدایت یافتگان هم چون انسان‌های راست قامتی هستند که در جاده‌ای مستقیم و هموار در حرکت‌اند و به خوبی راه و موانع آن را می‌بینند و به سوی هدف پیش می‌روند. آری؛ وضعیت مؤمنان و کافران در دنیا و آخرت این‌گونه است و آثار این دو نوع راه رفتن نیز روشن است؛ کافرانی که بر اثر هوا پرستی به زمین چسبیده‌اند و هدف و موانع راه را نمی‌بینند با مؤمنانی که در پرتو نور ایمان مسیر خود را می‌بینند و به سوی هدف الهی در حرکت‌اند مساوی نیستند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۶۷ راست کن اجزات را از راستان سرمکش ای راست رو زآن آستان هر که با ناراستان هم‌سنگ شد در کمین افتاد و عقلش دنگ شد «۱» ۳. در این آیات به دو نشانه‌ی خدا اشاره شده است: الف) او انسان را پدید آورد و چشم و گوش و دل به او عطا کرد. ب) او انسان‌ها را خلق کرد و در زمین منتشر ساخت و مقصد و بازگشت آنها را به سوی خود قرار داد. یعنی تفکر و توجه به آفرینش انسان و اعضای او و هدف و مقصد حرکتش، انسان را با خدا آشناتر می‌کند و قدرت و علم او را به انسان نشان می‌دهد. اوست کو آن کس که کرد ایجادتان داد گوش و چشم و دل زامدادتان تا شماها بشنوید و بنگرید بر حقایق بر دقایق پی برید ۴. در این آیات به پنج ویژگی اساسی حرکت تکاملی انسان اشاره شده است: الف) مبدأ پیدایش انسان و آغاز حرکت او، که خداست. ب) وسایل و ابزار هدایت، که چشم و گوش و دل است. ج) مقصد و هدف نهایی انسان، که به سوی خدا رفتن است. د) شیوه‌ی رفتن، که به صورت ایستاده و یا به رو افتاده است. ه) مسیر انسان، که یا راه مستقیم است و به سوی سعادت و خدا می‌رود و یا راه غیر مستقیم که به سوی گمراهی می‌رود. ۵. در این آیات بیان شده که مردم مدت کمی در برابر نعمت‌های الهی سپاس‌گزاری می‌کنند و یا این که مردم در برابر نعمت آفرینش کم‌تر تشکر می‌کنند، در حالی که خدا به وسیله‌ی آفرینشِ چشم و گوش و دل، این همه علوم تجربی، عقلی، نقلی و شهودی را در اختیار بشر قرار داده است که مستلزم سپاس بسیار است. شکر نعمت لیک گویید اندکی از هزاران یا یکی یا بر یکی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص:

۱۶۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ارزش گمراهان، با راست قامتان جاده‌ی توحیـد یکسان نیست. ۲. سرو قامت و راست رو باشید (تا حقایق را ببینیـد و هدایت شوید و به هدف برسیـد). ۳. با مطالعه در آفرینش خود و چشم و گوش و دلتان، خـدا شـناس شویـد. ۴. در برابر نعمت‌های هدایتگر الهی بسیار سپاس گزار باشید. ۵. با مطالعه در مبـدأ آفرینش و مقصد نهایی انسان، خدا شـناس شوید. ۶. حرکت تکـاملی انسـان از اویی و به سوی اویی است. *** قرآن کریم در آیات بیست و پنجم تا بیست و هفتم سوره‌ی مُلک به بهانه‌تراشـی کافران در مورد معاد پاسخ می‌دهد و آگاهی از ساعت رستاخیز را مخصوص خدا اعلام می‌کند و می‌فرماید: ۲۵- ۲۷. وَيَقُولُونَ مَتَى هـذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ* قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنـدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ* فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوْا وَقِيلَ هـذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ تَدَّعُونَ و (کـافران) می گوینـد: «اگر راست گوییـد، ایـن وعـده (ی قیـامت) چـه وقت است؟!»* بگـو: «علم (آن) تنهـا نزد خـداست؛ و من فقط هشدارگری روشـنگرم.»* و هنگامی که آن (وعده الهی) را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کفر ورزیدند نـاراحت شود، و (به آنان) گفته شود: «این چیزی است که آن را فرا می‌خوانیـد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وعده‌ای که به کافران داده شده بود و در مورد آن بهانه‌تراشـی می کردند، همان وعده‌ی رسـتاخیز و عذاب‌های آن روز و یا وعده‌ی عذاب‌های دنیوی هم‌چون صـاعقه و زلزله‌هـای عظیم بود. البته مـانعی نـدارد که مقصود آیه هر دو معنـا باشـد، امـا معنـای اول منـاسب‌تر و بـا آیات قبل و بعد سازگارتر است. تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۱۶۹ ۲. در آیات متعـدد قرآن اشاره شده «۱» که علم به ساعت رسـتاخیز مخصوص خـداست و هیـچ کس غیر از او از آن آگاه نیست، البته مخفی بودن تاریخ وقوع رسـتاخیز، فوایـد تربیتی دارد. اگر زمان وقوع رسـتاخیز روشن می‌شـد بسیار دور است، عده‌ی زیادی از مردم غافل می‌شدند و اگر فاصلـه کم بود، حالتی شبیه اضـطرار پیدا می‌شـد و هـدف‌های تربیتی ناکام می‌مانـد. ۳. در این آیـات و آیـات دیگر قرآن اشـاره شـده «۲» که کـافران پیوسـته تقاضای وقوع رستاخیز و عذاب الهی را می کردند و در این مورد شـتاب می‌ورزیدند و گاهی ریشـخند می کردند، ولی هنگامی که رسـتاخیز واقع می‌شود چهره‌هـای کافران زشت می گردد و آثار غم و ترس در آنها ظاهر می‌شود، چون فرجام خوشـی در انتظار آنان نیست. ۴. در برخی احـادیث شیعه و اهـل سـنت روایت شـده: هنگـامی که کـافران مقامـات امام علی علیه السـلام را نزد خـدا مشاهـده می کننـد، صورت‌های آنان (از شدت خشم) سیاه می‌شود. «۳» البته این احادیث به نوعی، آیه را بر برجسـته‌ترین مصداقش تطبیق کرده است و گرنه معنـای آیه منحصـر در این معنا نیست. ۵. این آیه وظیفه‌ی پیامبر صـلی الله علیه و آله را فقط هشـدارگری و روشـنگری معرفی می کنـد، بـا ایـن که می‌دانیم پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و رهـبران و مبلغـان دینی وظـایف و مسـئولیت‌های اجتمـاعی و دینی دیگری نیز داشـته‌اند؛ بنابر این روشن می‌شود که حصر آیه اضافی و نسبی است، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به کافران در آن شـرایط همین دو وظیفه را داشـته نه وظیفه‌ی اعلام زمان رسـتاخیز یا اجبار کافران بر ایمان. تفسـیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۱۷۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران نسبت به معاد بهانه تراشی می کنند و تاریخ وقوع آن را می‌خواهند. ۲. علم به تاریخ رستاخیز در اختیار غیر خدا نیست. ۳. وظیفه‌ی رهبران و مبلغان دینی هشدارگری و روشـنگری‌است. ۴. فرجامی عذاب‌آلود در انتظار کافران است. ۵. رسـتاخیز خواهد آمد و کافران سیاه روی خواهند شد. *** قرآن کریم در آیات بیست و هشـتم تا سی‌ام سوره‌ی مُلک به بی‌پناهی، گمراهی و ناتوانی کافران، و عـدم تأثیر فوت پیامبر در سـرنوشت آنان اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۲۸- ۳۰. قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَمَن مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ* قُلْ هُوَ الرَّحْمنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ* قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْراً فَمَن يَأْتِيكُم بِمَاءٍ مَعِينٍ بگو: «آیـا به نظر شـما، اگر خـدا من و کسـانی را که با من هسـتند هلاک کنـد، یا بر ما رحم کند، پس چه کسـی کافران را از عذاب دردناک پناه می‌دهد؟!»* بگو: «او (خدای) گسترده‌مهر است، به او ایمان آوردیم و فقط بر او توکّل کردیم؛ پس به زودی خواهید شـناخت کسـی را که او در گمراهی آشـکار است.»* بگو: «آیا به نظر شـما، اگر آب (سرزمین) شما [در زمین فرو رود، پس چه کسی آب روانی برای شما می‌آورد؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در برخی روایات تاریخی آمـده است که کافران مکه به پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و مسـلمانان نفرین می‌کردنـد و تقاضای مرگ او را

داشـتند، چون می‌پنداشـتند که اگر آن حضـرت از دنیا برود بساط اسـلام بر چیده می‌شود. اما آیه‌ی فوق به این‌گونه پندارها قاطعانه پاسـخ داد که مرگ و زندگی تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۱ پیامبر صـلی الله علیه و آله در فرجام عذاب‌آلود کافران تاثیری نخواهد داشت «۱» و سرانجام اسلام بر همه‌ی جهان پیروز خواهد شد. آری: «گر بمیرد مصطفی هرگز نمیرد نام حق». ۲. تنها پناهگاه جهانیان خـداست که باید به او ایمان آوریم و بر او تکیه و توکّل نماییم؛ او رحمان است و رحمتش بر تمام موجودات سایه افکنـده و همه از فیض وجود و نعمت‌هایش اسـتفاده می‌کننـد. ۳. این آیـات از طرفی نوعی دلـداری به پیامبر صـلی الله علیه و آله و مسلمانان است که بدانند در مبارزه‌ی حق و باطل تنها نیستند و خدا با آنهاست و در نهایت پیروز می‌شوند و از طرف دیگر هشداری به کافران است که منتظر مرگ پیامبر یا مسلمانان نباشند؛ چون این مطلب تأثیری در فرجام عذاب‌آلود آنان ندارد. ۴. کافران افرادی ناتوان‌اند که اگر اراده‌ی خدا مانع آب‌رسانی به آنها شود، حتی نمی‌توانند آب آشامیدنی خود را تأمین سازند؛ آنان گمراه هستند و عـذاب دردناکی در انتظار آنهاست. ۵. پوسـته‌ی زمین دارای دو قشـر نفوذپذیر و نفوذناپذیر است که آب‌های سـطحی و باران‌ها از قشـر نفوذپـذیر عبور می‌کنـد و در سـفره‌های آب زیر زمینی می‌مانـد سـپس انسان‌هـا بـا حفر چاه آنها را اسـتخراج می‌کننـد و مورد اسـتفاده قرار می‌دهنـد. امـا اگر اراده‌ی الهی چنین نبـود و قشـر نفوذ ناپـذیری در زمین به وجود نمی‌آمـد، همه‌ی آبهـا به عمق زمین می‌رفت و هیـچ آبی در سـطح زمین جاری نمی‌شد و حیات انسان و موجودات زنده به خطر می‌افتاد. آری؛ دست‌رسـی به آب یکی از نعمت‌هـای الهی و از مظاهر رحمت اوست. ۶. از امام باقر علیه السـلام روایت شـده که مقصود از آیه (آیه‌ی آخر سوره‌ی ملک)، امام عصر (عج) است که می‌گوید: اگر آن امام از شما پنهان شود، نمی‌دانید کجاست. پس تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۲ چه کسـی برای شـما امامی می‌فرستد که اخبار جهان و حلال و حرام الهی را برای شما بیان کند، ولی به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نیامده است و سرانجام خواهد آمد. «۱» البته در برخی دیگر از احادیث نیز آب جاری در آیه به معنای علم امام علیه السلام تأویل شـده است. البته این‌گونه احادیث تأویل و باطن آیه را بیان می‌کننـد؛ یعنی معنای آب را به مادی و معنوی گسترش می‌دهد و اشاره می‌کند که همان طور که آب مادی مایه‌ی حیات موجودات است آب معنوی نیز مایه‌ی حیات علمی و معنوی انسان‌هاست. از این رو وجود امـام و علم او آب معنوی بشـر است. البته بیـان تأویـل و بـاطن آیه در روایـات به معنـای نفی معنای ظاهری آیه نیست. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسـلام منتظر مرگ رهبر اسـلام نباشـند که در سـرنوشت عـذاب‌آلود آنان تأثیری نـدارد. ۲. ایمان به خـدای رحمان و تکیه بر او انسان را از گمراهی آشـکار نجات می‌دهد. ۳. گذر زمان حقایق را روشن و گمراهی کافران را آشـکار می‌سازد. ۴. انسـان در برابر خـدا ناتوان است به طوری که اگر اراده‌ی خـدا نباشـد، او حتی نمی‌توانـد آب آشامیـدنی خود را تأمین کند. ۵. کافران افرادی گمراه و در برابر خدا ناتوان و بی‌پناه هسـتند. «۲» تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۳ بخش هفتم: سوره‌ی قلم دفاع از قرآن و پیامبر صـلی الله علیه و آله صـفات و اخلاق پیامبر صـلی الله علیه و آله و دشمنان او یاداشت قلم و نوشتار تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۵

بخش هفتم: سوره‌ی قلم

اول

کلیات

کلیـات: سوره‌ی «قلم» در مکه بر پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله نازل شـد و دارای ۵۲ آیه، ۳۰۰ کلمه و ۱۲۵۶ حرف است. این سوره دومین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «علق» و قبل از سوره‌ی «مُزّمل») و شصت و هشتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌هـای این سـوره عبارت‌انـد از: «قلم» و «ن والقلم». این نام‌هـا از آیه‌ی اول این سـوره گرفته شده‌انـد و «ن» از حروف مقطعه

است و خدا در این آیه به قلم سوگند یاد کرده است.

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی «قلم» را در نماز واجب یا مستحبی بخواند ... خدا او را بعد از مرگ از فشار قبر نجات می‌دهد. «۱» البته این گونه آثار سوره، مشروط به شرایطی، از جمله عمل به محتوای آن است.

ویژگی

ویژگی: آیه‌ی معروف «وان یَکاد» در این سوره واقع شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۶

اهداف

اهداف: اساسی‌ترین هدف این سوره عبارت است از: دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن و هشدار به مشرکان.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: یادآوری رستاخیز و عذاب کافران و نعمت‌های بهشت (در آیات ۳۳ و ۳۴). ب) اخلاق: ۱. بیان صفات و اخلاق برجسته‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۳)؛ ۲. بیان صفات و اخلاق زشت دشمنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیات ۸– ۱۴)؛ ۳. دستور صبر و استقامت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۴۸). ج) داستان‌ها: داستان باغ‌دارانی که میوه‌های خود را بامدادان مخفیانه چیدند تا به بینوایان ندهند و دچار عذاب شدند (در آیات ۱۷– ۳۲). د) مطالب فرعی: ۱. بزرگ‌داشتِ قلم با سوگند به آن (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. تهدید مشرکان (در آیات ۳۳، ۴۴ و ۴۵)؛ ۳. بیان قانون مهلت دادن و استدراج کافران (در آیات ۴۴ و ۴۵)؛ ۴. دفاع از قرآن کریم و پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیات ۲– ۱۵). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی قلم قرآن کریم در آیات اول تا هفتم سوره‌ی قلم به عظمت قلم و نوشتار و اخلاق برجسته‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و با هشدار به مخالفان او می‌فرماید: ۱– ۷. ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ* مَا أَنتَ بِنِعْمَةِ رَبِّکَ بِمَجْنُونٍ* وَإِنَّ لَکَ لَأَجْراً غَيْرَ مَمْنُونٍ* وَإِنَّکَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ* فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ* بِأَيِّکُمُ الْمَفْتُونُ* إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ نون. سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند!* که تو نسبت به نعمت پروردگارت دیوانه نیستی،* و قطعاً، برای تو پاداشی بی‌پایان است؛* و مسلماً تو بر شیوه‌ی (اخلاقی) بزرگوارانه‌ای هستی؛* پس به زودی می‌بینی و می‌بینند،* که کدام یک از شما (دیوانه‌ی) فریب خورده‌اید!* به راستی که پروردگارت، خود، به کسی که از راهش گمراه گشته داناتر است؛ و (همچنین) او به (حال) ره‌یافتگان داناتر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی قلم تنها سوره‌ای است که با حرف مقطعه‌ی «ن» شروع شده است. ما در اول سوره‌های بقره، آل عمران و بسیاری از سوره‌های دیگر قرآن یادآور شدیم که حروف مقطعه‌ی اول سوره‌های قرآن اسراری بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و یا اشاره به نام‌های خدا هستند؛ (مثلًا «ن» را اشاره به «رحمان» دانسته‌اند) و یا اشاره به آن که قرآن از همین حروف الفبای معمولی ساخته شده است، ولی کسی نمی‌تواند همانند آن را بیاورد و همین دلیل اعجاز آن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۸ برخی از مفسران نیز فرموده‌اند که «نون» به معنای دوات می‌آید که بی‌مناسبت با قلم و

نوشته‌هایش نیست. «۱» ۲. در این آیات به قلم و نوشته‌هایش سوگند یاد شده است «۲» که نشان دهنده‌ی اهمیت قلم و نوشته نزد خدای متعال و نیز نوعی جلب توجه انسان به نقش قلم و کتاب در سرنوشت بشریت است. قلمزن نکودار و شمشیرزن نه مطرب که مردی نیاید زرَن (سعدی) و قلم و نوشتار در این آیه شامل همه‌ی قلم‌ها و نوشته‌های الهی و بشری می‌شوند. ۳. قلم و نوشتار و کتاب و پیدایش خط، دوران تاریخ انسان را شکل داد و فصل جدیدی در زندگی انسان گشود و موجب پیدایش تمدّن‌ها و پیشرفت علوم و بیداری فکر انسان و مایه‌ی هدایت و آگاهی بشر شد. ۴. در برخی احادیث شیعه و اهل سنت روایت شده که «اولین چیزی که خدا آفرید، قلم بود». «۳» هرچند این حدیث اشاره به قلم تقدیر است، اما اهمیت نقش قلم را نشان می‌دهد. ۵. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خود چیزی نمی‌نوشت تا مبادا شبهه‌ای در مورد اعجاز قرآن پیش آید و در محیط جزیرهٔ العرب زندگی می‌کرد که تعداد افراد با سواد آن به بیست نفر نمی‌رسید، اما قرآنی را برای بشریت به ارمغان آورد که با واژه‌ی «بخوان» شروع شد «۴» و به قلم و نوشتار سوگند یاد می‌کرد و از این رو مبدأ پیدایش تمدنی عظیم در جهان شد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۷۹ ۶. در احادیث متعددی از پیشوایان اسلام روایت شده که به یاران خود تأکید می‌کردند به حافظه بسنده نکنند و احادیث و علوم را بنویسند و برای آیندگان به یادگار بگذارند. «۱» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که سه صدا حجاب‌ها را پاره می‌کند و به پیشگاه الهی منتهی می‌شود: صدای گردش قلم‌های دانشمندان، صدای گام‌های مجاهدان و صدای چرخ ریسندگی زنان پاک‌دامن. «۲» در این حدیث پرمعنا بر سه عنصر محوری قلم، جهاد و اقتصاد تأکید شده ولی نقش علم و قلم قبل از همه بیان شده است. ۷. مخالفان اسلام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تهمت جنون می‌زدند، در حالی که خدا به آن حضرت نعمت‌های فراوان، همچون عقل، درایت، امانت، راستی، علم، نبوت، عصمت و اخلاق برجسته عطا کرده بود. آنان این حقایق را نمی‌دیدند، از این رو به آنها هشدار می‌دهد که به زودی خواهید دید که چه کسی فتنه زده و جن زده و دیوانه است. آری؛ آیندگان تعالیم عالی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و عقاید خرافی و شرک‌آلود مشرکان را خواهند دید و داوری خواهند کرد که عاقل و دیوانه‌ی واقعی کیست. پیدا شود که مرد کدام است و زن کدام در تنگنای حلقه‌ی مردان به روز جنگ (سعدی) ۸. در برخی احادیث آمده است هنگامی که قریش دیدند پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را بر دیگران مقدم شمرد، به سرزنش علی علیه السلام پرداختند و گفتند: محمد فتنه‌زده و دیوانه‌ی او شده است، از این رو آیات فوق فرود آمد و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۰ تهمت جنون را از پیامبر صلی الله علیه و آله دفع کرد. «۱» البته روشن است که شأن نزول آیه موجب انحصار معنا در یک مورد نمی‌شود، بلکه مشرکان بارها تهمت جنون به پیامبر صلی الله علیه و آله زدند و قرآن به همه‌ی آنها پاسخ داد. ۹. واژه‌ی «خُلق» از ماده‌ی «خلقت» و به معنای صفاتی است که از انسان جدا نمی‌شود و همچون آفرینش انسان در درون او آفریده شده است. اگر انسان با برخی حالات و صفات همراه شود و تمرین کند، کم کم در جانش جای می‌گیرد و خُلق او می‌شود و روح و باطن او را شکل می‌دهد. ۱۰. در این آیات به اخلاق برجسته‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است؛ اخلاقی که برخی آن را معجزه‌ی اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله نامیده‌اند؛ اخلاقی که در برخوردهای فردی و اجتماعی پیامبر صلی الله علیه و آله ظاهر می‌شد؛ همچون عفو عمومی مکیان پس از فتح مکه و بعد از آن همه آزار نسبت به آن حضرت و مسلمانان. ۱۱. از امام علی علیه السلام روایت شده که ویژگی‌های اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود: همیشه خوش‌رو و ملایم بود، هرگز خشن، سنگ‌دل، پرخاشگر، بدزبان، عیب جو و مدیحه‌گر نبود؛ هیچ کس از او مأیوس نمی‌شد و هر کس به در خانه‌اش می‌آمد مأیوس باز نمی‌گشت؛ سه چیز را از خود رها کرده بود: مجادله در سخن، پرگویی و دخالت در کاری که به او مربوط نبود، و سه چیز را در مورد مردم رها کرده بود: کسی را سرزنش نمی‌کرد، از لغزش‌ها و عیوب پنهانی مردم جست‌وجو نمی‌کرد ... هرگاه فرد ناآشنا و ناآگاه با او تندی می‌کرد و درخواستی می‌نمود تحمل می‌کرد و ... و هرگز سخن کسی را قطع نمی‌کرد تا سخنش پایان گیرد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۱ ۱۲. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که من برای تکمیل کردن فضایل و کرامت‌های اخلاق

برانگیخته شده‌ام. «۱» نیز از آن حضـرت روایت شـده است که هیچ چیز در میزان عمل سـنگین‌تر از حُسن خُلق نیست. «۲» و این که محبوب‌ترین شـما نزد خدا کسی است که اخلاقش از همه بهتر است، کسانی که فروتن هستند و با دیگران انس می‌گیرند و دیگران نیز با آنان انس می‌گیرنـد. من ندیـدم در جهانِ جست‌وجو هیچ اهلیّت به از خُلق نکو (مولوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن با حروف الفبای معمولی ساخته شـده (اگر می‌توانیـد مانند آن را بیاورید). ۲. قلم و نوشـتار اهمیت فراوانی دارد (به نقش آن توجه کنیـد). ۳. رهبر اسـلام در معرض تهمت مخالفان است (از او دفاع کنید). ۴. خدا از رهبر اسـلام دفاع می‌کند و به او پاداش می‌دهد. ۵. حقایق به زودی روشن می‌شود و مخالفان اسـلام نیز آن را می‌بینند (و نمی‌توانند انکارش کنند). ۶. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اخلاق برجسـته‌ای دارد (پس اخلاق او را بیاموزیـد و تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۱۸۲ سـرمشق خود قرار دهیـد). *** قرآن کریم در آیات هشـتم تا شانزدهم سوره‌ی قلم با اشاره به صـفات زشت مخالفان اسـلام و تکذیب‌گری و تهمت آنان نسبت به قرآن، به پیامبر صـلی الله علیه و آله در مورد تسامـح در برابر آنان هشـدار می‌دهـد و می‌فرماید: ۸– ۱۶. فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ* وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ* وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ* هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ* مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ* عُتُلٍّ بَعْدَ ذلِكَ زَنِيمٍ* أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ* إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ* سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ پس، از تکـذیب کنندگان اطاعت مکن.* (آنان) سستی کردن تو را و سستی کردن خود را آرزو می‌کنند.* و اطاعت مکن از هر بسـیار سوگند یادکننده‌ی خوارشده،* بسیار عیب‌جویی که به سخن‌چینی فراوان گـام برمی‌دارد،* بسـیار بازدارنـده از نیکی، تجـاوزگر گنه‌پیشه،* پرخورِ سـخت‌دل، که بعـد از این (همه) بی‌تبـار است.* (این‌ها) به خاطر آن است) که دارای ثروت و پسران است!* هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، می‌گوید: « (این‌ها) افسانه‌های پیشینیان است.»* به زودی بر بینی او داغ می‌نهیم! شأن نزول: حکایت کرده‌انـد که گروهی از رؤسای مشـرکان مکه، پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله را به پیروی از آیین نیاکان و شرک دعوت کردند و ولید بن مغیره اموال عظیمی به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد کرد و سوگند یاد کرد که اگر از آیین خود دست بردارد آن اموال را به او خواهد داد، ولی آیات فوق فرود آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله را از پیروی آنـان منع کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات چند ویژگی منفی برای مخالفان اسـلام بیان شده است: الف) تکذیب‌گر (قرآن و نبوت) هسـتند؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۳ ب) خواسـتار تساهل و تسامح رهبر اسلام هستند؛ ج) بسـیار سوگند یاد می‌کنند؛ د) افرادی پست هسـتند؛ ه) عیب‌جو هستند (و به جای آن که اشکالات خود را ببینند، اشکالات مردم را می‌بینند)؛ و) سـخن‌چین هسـتند (و در جامعه تفرقه‌افکنی می‌کنند)؛ ز) نه تنها اهل کار نیک نیسـتند، بلکه در بسـیاری از موارد از کارهـای نیـک جلـوگیری می‌کننـد؛ ح) تجاوزگرنـد و به حقـوق دیگران تعرض می‌کننـد؛ ط) گناهکارنـد؛ ی) پرخور و کینه‌توز و خشـن هسـتند؛ ک) بـدنام و بی‌اصـل و نسب‌انـد؛ ل) آنـان دارای ثروت و پسـران متعـدد هسـتند (از ایـن رو گرفتـار غفلـت و غرور شده‌انـد)؛ م) در برابر قرآن موضع‌گیری می‌کنند و آیات آن را افسانه می‌خوانند. ۲. مخالفان خواستار نرمش، تسامح و تساهل پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله بودند بدین معنا که ایشان از بخشی از دستورات دین اسلام صرف نظر کنند تا آنها نیز نرمش نشان دهند «۱» ولی قرآن کریم این نقشه و توطئه‌ی مخالفـان را افشـا کرد و به پیـامبر صـلی الله علیه و آله در مورد آن هشـدار داد که تسامـح و تساهل نکند. آری؛ مردان حق همیشه بر اصول ثابت خویش ایسـتاده‌اند و حاضر نمی‌شوند بر سر اصول و عقیده‌ی خود معامله کنند. ۳. هر چنـد پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله هیـچ‌گاه از مشـرکان پیروی نمی‌کرد ولی این آیات خطاب به ایشان آمـده تا خط سـیر اسـلام و رهبر آن را برای دیگران روشـن، و طمع‌ورزان را ناامیـد سازد. تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۱۸۴ ۴. سوگند خوردنِ بسـیار از صفات مخالفان اسلام است؛ البته راست‌گویان نیازی به سوگند ندارند معمولًا افرادی که بسیار سوگند یاد می‌کنند دروغ‌گو هستند. ۵. پرخوری و کینه‌توزی و خشونت از صـفات زشت مخالفان اسـلام است؛ افرادی که فاقد اصالت هستند و اصل و نسب مشخصـی ندارنـد. این‌گـونه افراد همه چیز را به سـوی خـود می‌کشـند و از هیـچ کـاری ابـا ندارنـد؛ چون شخصـیت و آبروی اجتماعی ندارند که برای آن بترسـند. ۶. ثروت و فرزند بسـیار، موجب غفلت و غرور افراد و سـر چشـمه‌ی بسـیاری از صفات زشت

می‌گردد که در مورد مخالفان اسلام بیان شد. «۱» ۷. مخالفان نسبت به قرآن واکنش منفی و تهمت‌آمیز دارند؛ آنان قرآن را افسانه‌های پیشینیان معرفی می‌کنند، در حالی که برخی حقایق عالی قرآن در هیچ کتابی پیش از آن نیامده است و قرآن برخی خرافات و افسانه‌های پیشینیان را نیز ردّ و شکل صحیح آن را بیان می‌کند. علاوه بر آن، این تهمت مخالفان قرآن نوعی مغالطه است؛ زیرا تمام آنچه پیشینیان حکایت کرده‌اند منفی نیست؛ برخی حقایق وحیانی در دوره‌های مختلف تاریخ بشر نازل و حکایت شده است. ۸. مخالفان اسلام به عذاب خوار کننده و رسواگر دچار می‌شوند. قرآن کریم در مورد آنان تعبیری سرزنش‌آمیز به کار برده است و آنان را به فیلی تشبیه کرده که دارای خرطوم است و بر بینی‌اش داغ ننگ نهاده شده است. آری؛ کسانی که این صفات زشت را دارند از حوزه‌ی انسانیت خارج شده و همچون حیوانی پست هستند و باید داغ عذاب را بچشند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۵ ۹. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که شریرترین افراد کسی است که بسیار سخن‌چینی می‌کند و در میان دوستان تفرقه می‌افکند و به دنبال عیوب افراد پاک و بی‌گناه است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از مخالفان دین پیروی نکنید. ۲. در برابر مخالفان در مورد دین، تسامح و تساهل نکنید. ۳. سوگند فراوان، پستی، سخن چینی، عیب‌جویی، منع از کارهای نیک، تجاوزگری، گناهکاری، شکم‌بارگی و اصالت نداشتن، از صفات مخالفان اسلام است (پس شما از این امور بپرهیزید). ۴. گاهی کثرت مال و پسران سرچشمه‌ی (غفلت و غرور و) صفات ناپسند می‌شود. ۵. مخالفان دین، در برابر قرآن موضع‌گیری منفی دارند. ۶. عذابی خوارکننده در انتظار مخالفان اسلام است. *** قرآن کریم در آیات هفدهم تا بیست و پنجم سوره‌ی قلم به ماجرای عبرت‌آموز ثروتمندان صاحب باغ و تأثیر بخل‌ورزی آنان در نابودی باغ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷- ۲۵. إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ* وَلَا يَسْتَثْنُونَ* فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ* فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ* فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ* أَنِ اغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَارِمِينَ* فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ* أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ* وَغَدَوْا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۶ در حقیقت، ما آن (تکذیب‌گر) ان را آزمودیم، همان‌گونه که باغ‌داران را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند یاد کردند که آن (میوه‌های باغ) صبحگاهان حتماً بچینند.* و استثنا نکنند؛* و (عذاب) چرخنده‌ای از جانب پروردگارت بر گردِ آن (باغ) چرخید، در حالی که آنان خوابیده بودند.* و همچون درختان قطع شده (و خاکستر شده) گردید.* و صبحگاهان یکدیگر را ندا دادند،* که اگر میوه‌چین هستید، به سوی کشتزارتان بامدادان بیرون روید.* و با شتاب رفتند، در حالی که آنان آهسته به یکدیگر می‌گفتند:* «که امروز، هیچ بینوایی در آن (باغ) بر شما هرگز وارد نشود.»* و بامدادان بیرون رفتند، در حالی که بر منع (بینوایان مصمّم و) توانا بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سرنوشت ثروتمندان مغروری اشاره شده که صاحب باغی سرسبز و پرمیوه در یمن یا جای دیگر بودند. «۱» مفسران حکایت کرده‌اند که این باغ در اختیار پیرمرد مؤمنی بود که هر سال به اندازه‌ی نیاز از آن برداشت می‌کرد و مابقی را به نیازمندان می‌داد و از این رو هر سال بینوایان آن منطقه منتظر روز میوه‌چینی بودند، اما بعد از مرگ او فرزندانش تصمیم گرفتند که فقرا را محروم سازند و تمام محصول باغ را مخفیانه بچینند «۲» و حتی بر این کار سوگند یاد کردند. ولی شب هنگام که آنان در خواب بودند عذاب الهی فرود آمد و محصولات باغ را نابود کرد و صبح که آن پسران به باغ درآمدند متوجه آثار و فرجام بخل‌ورزی خود شدند و این جریان عبرتی برای همه‌ی ثروتمندان بخیل شد. بلاگردان جان و تن دعای مستمندان است که بیند خیر از آن خرمن که ننگ از خوشه‌چین دارد (حافظ) تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۷ ۲. صاحبان باغ «ان شاء اللّه» نگفتند و یا چیزی از محصولات باغ را برای بینوایان استثنا نکردند و بخل ورزیدند و همین امر موجب نابودی محصولات باغ شد؛ یعنی به یاد خدا نبودن و بُخل‌ورزی یکی از عوامل نابودی ثروت افراد است. «۱» ۳. صاحبان باغ آهسته با یکدیگر سخن می‌گفتند و صبح زود از خانه خارج شدند و مخفیانه به باغ رفتند تا میوه‌ها را بچینند. همه‌ی این‌ها نشانه‌ی بخل ورزی آنان بود؛ چون می‌خواستند فقیران از این کار با خبر نشوند و حتی به همدیگر گفتند: امروز هیچ فقیری را به باغ راه ندهید. ۴. از این آیات روشن می‌شود که مصیبت و عذابی چرخان به گرد باغ

چرخید «۲» و آن را همچون درختان بدون میوه به خاکستر تبدیل کرد و روز سبز باغ به شب تیره‌ای تبدیل شد. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ثروتمندان به وسیله‌ی فقرا آزمایش می‌شوند. ۲. باغ‌داران (و ثروتمندان) بخل‌ورزی نکنند که گرفتار عذاب خواهند شد. ۳. مقداری از اموال خود را برای نیازمندان جدا کنید. ۴. بخل‌ورزی یکی از عوامل نابودی ثروت‌هاست. ۵. برای محرومیت فقیران نقشه نکشید (که خدا نقشه و ثروت شما را نابود می‌سازد). ۶. از آزمایش و سرنوشت باغ‌داران فوق عبرت بیاموزید که شما هم در معرض آزمایش هستید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۸ قرآن کریم در آیات بیست و ششم تا سی و سوم سوره‌ی قلم به عذاب عبرت‌آموز صاحبان باغ و پشیمانی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶- ۳۳. فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ* بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ* قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ* قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ* فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ* قَالُوا يَاوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ* عَسَى رَبُّنَا أَن يُبْدِلَنَا خَيْراً مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ* كَذلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ و هنگامی که آن (باغ) را دیدند، گفتند: «قطعاً ما گم گشته‌ایم!* بلکه ما محروم شده‌ایم!»* میانه‌روترین آنان گفت: «آیا به شما نگفته بودم که چرا تسبیح نمی‌گویید؟!»* گفتند: «منزّه است پروردگار ما؛ در واقع ما ستمکار بودیم!»* و برخی از آنان به برخی [دیگر] روکرده، در حالی که یکدیگر را سرزنش می‌کردند؛* گفتند: «ای وای بر ما که ما طغیانگر بودیم!* امید است که پروردگارمان بهتر از آن برای ما جای‌گزین کند؛ [چرا] که ما فقط به سوی پروردگارمان مشتاقیم».* عذاب (دنیا) این‌گونه است، و حتماً عذاب آخرت بزرگ‌تر است، اگر (بر فرض) می‌دانستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین بیان شد که ثروتمندان صاحب باغ تصمیم گرفتند که صبح زود و مخفیانه به طرف باغ بروند و میوه‌های آن را بچینند تا بینوایان از این مطلب آگاه نشوند و چیزی به آنان ندهند، اما شب‌هنگام عذابی نازل شد و باغ آنان را نابود کرد. و در این آیات اشاره شده که صبح‌هنگام، زمانی که آنان به باغ خود رسیدند، ناگهان با صحنه‌ای عجیب روبه‌رو شدند به طوری که ابتدا فکر کردند این باغ سوخته‌ی بدون میوه باغ آنان نیست و راه را گم کرده و اشتباه آمده‌اند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۸۹ ولی با کمی دقت متوجه شدند که همان باغ آنهاست که نابود شده و خدا آنان را از محصولات آن محروم کرده است؛ از این رو به سرزنش یکدیگر پرداختند و پشیمان شدند. ۲. صاحبان باغ محروم شدند؛ هم از برکات مادی و میوه‌های باغ و هم از انفاق و بخشش به بینوایان و ثواب الهی. آری؛ کسانی که می‌خواستند بینوایان را محروم کنند، خودشان محروم شدند. ۳. از این آیات استفاده می‌شود که در میان صاحبان ثروتمند باغ، فردی میان‌سال یا میان‌رو بود که از نظر عقل و دانش در حد اعتدال بود. «۱» او برادران را از بُخل‌ورزی منع، و به تسبیح و شکر و انفاق سفارش می‌کرد و هنگامی که وضعیت بلا-زده‌ی باغ را دید، زبانش باز شد و گفت آیا من به شما نگفته بودم (و این وضعیت اسفبار را پیش بینی نکرده بودم). ۴. مقصود از سفارش به تسبیح خدا در این جا آن است که چرا به یاد خدا نیستید و با انفاق، شکر نعمت‌های او را به جا نمی‌آورید. آری؛ ریشه‌ی اعمال نیک در معرفت خداست که یکی از موارد آن شناخت خدا به پاکی و تنزیه او از نقایص است. ۵. از این آیات استفاده می‌شود که صاحبان باغ پس از آن که متوجه اشتباه خود شدند چند کار کردند: الف) خودشان را سرزنش کردند که چرا فقیران را محروم ساختند. ب) به گناه خود اعتراف کردند و خود را سرکش و ستمکار خواندند. ز غیر ننالم که همچو حباب همیشه خانه خراب هوای خویشتنم ج) به سوی خدا بازگشتند و حلّ مشکل خویش را از او خواستند. د) امید خود را به خدا از دست ندادند و حتی امیدوار بودند که خدا باغی بهتر در اختیار آنان بگذارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۰ ۶. «طغیان» مرحله‌ای بالاتر از ظلم است؛ چون ستمکار ممکن است اصل قانون را بپذیرد، ولی بر اثر خواهش‌های نفسانی ستم کند؛ اما طغیانگر کسی است که زیربار قانون نمی‌رود و آن را به رسمیت نمی‌شناسد. البته ممکن است در این جا ظلم اشاره به ستم به خویشتن، و طغیان اشاره به ستم به دیگران باشد. ۷. افراد بخیل دو عذاب دارند: یکی عذاب دنیا که همان نابودی ثروت آنهاست و دوم عذاب آخرت که بزرگ‌تر است و برای آنان آماده شده است، ولی آنان از این حقایق آگاهی کافی ندارند. «۱» ۸. این آیات به عنوان یک سرگذشت تاریخی بیان شده است، اما در پایان آیه اشاره شده که این جریان یک سنت و قانون

اجتماعی الهی است که در مورد افراد مشابه نیز جریان می‌یابد؛ «۲» یعنی هرگاه ثروتمندان بُخل پیشه سازند و انحصارطلبی کنند، زمینه‌ی نابودی خود را فراهم می‌کنند و آه محرومان هم‌چون صاعقه‌ی سوزانی، ثروت آنان را نابود می‌کند. آری؛ این ماجرا هشداری برای مستکبران ثروتمند و انحصارطلب و استثمارگر جهان امروز است، همان طور که هشداری برای مشرکان ثروتمند مکه بود. هان ای نهاده تیر جفا در کمانِ حکم اندیشه کن زناوک دل‌دوز در کمین گر تیر تو ز جوشن فولاد بگذرد پیکان آه بگذرد از کوهِ آهنین (سعدی) ۹. بین گناه و قطع رزق انسان رابطه‌ای وجود دارد؛ از این رو از امام باقر علیه السلام روایت شده که انسان گناهی می‌کند و روزی‌اش قطع می‌شود (سپس حضرت آیات فوق را تلاوت کردند). «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۱ آری؛ ممنوع کردن بخشش به فقرا و محروم ساختن آنان موجب زیان رساندن به آنها می‌شود و از این رو گناهی نابخشودنی است که موجب نزول بلاـ و قطع روزی خود انسان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس بینوایان را محروم سازد، خودش (از ثروت) محروم می‌شود. ۲. به یاد خدا باشید و در راه او انفاق کنید تا گرفتار عذاب نشوید. ۳. به سخنان افراد معتدل خوب گوش فرا دهید تا محروم و بلازده نشوید. ۴. انحصارطلبی و محروم کردن بینوایان از ثروت، ستمکاری و سرکشی است. ۵. انحصارطلبان ثروت، مستحقّ سرزنش‌اند. ۶. پس از گناهکاری به سوی خدا بازگردید و به او امیدوار باشید. ۷. اگر چیزی را خدا از شما گرفت توبه کنید و امیدوار باشید که بهتر از آن را خدا به شما بدهد. ۸. انحصارطلبان بخل‌ورز در دنیا و آخرت عذاب می‌شوند. ۹. بخل‌ورزی و انحصارطلبی گناهی است که موجب قطع روزی می‌شود. *** قرآن کریم در آیات سی و چهارم تا چهل و یکم سوره‌ی قلم با بیان فرجام نیکوی مسلمانان پارسا به عدم تساوی آنان با خلافکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴- ۴۱. إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ* أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ* مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ* أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ* إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ* أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ* سَلْهُمْ أَيُّهُم بِذلِكَ زَعِيمٌ* أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِن كَانُوا صَادِقِينَ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۲ در حقیقت، فقط برای خودنگه‌داران، نزد پروردگارشان بوستان‌های پرنعمت (بهشت) است.* و آیا مسلمانان را هم‌چون خلافکاران قرار می‌دهیم؟!* شما را چه شده؟! چگونه داوری می‌کنید؟!* بلکه آیا برای شما کتابی است که از آن درس می‌خوانید،* که در آن (کتاب) است که آنچه را شما برمی‌گزینید برای شماست؟!* یا برای شما بر ما سوگندها (و پیمان‌ها) ی رسایی تا روز رستاخیز است که آنچه را داوری می‌کنید برای شماست؟!* از آنان بپرس که کدامشان بر این (سوگند و پیمان) ضامن هستند؟!* یا برای آنان شریکان (معبود گونه) است؟! پس اگر راست‌گویند باید شریکانشان را بیاورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه و مقابله است؛ یعنی سرنوشت دو گروه نیکوکار و بدکار را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا مردم بهتر بتوانند راه خود را انتخاب کنند. آیات قبل سرنوشت عذاب‌آلود ثروتمندان بخیل و خلافکار را به تصویر کشیدند و این آیات به سرنوشت نیکوی مسلمانان پارسا اشاره می‌کنند. ۲. برخی از مشرکان ثروتمند می‌پنداشتند و ادعا می‌کردند که همان طور که وضع زندگی ما در دنیا عالی است، در قیامت نیز عالی خواهد بود. این آیات آنان را به بازپرسی و محاکمه کشیده، مورد سرزنش قرار می‌دهد که چگونه چنین داوری می‌کنید و سرنوشت خلافکاران را با مسلمانان پارسا و نیکوکار یکسان می‌انگارید. ۳. در این آیات چند راه برای اثبات تساوی سرنوشت مسلمانان با خلافکاران پیشنهاد و ردّ گردیده است: الف) دلیل عقلی: هیچ انسانی بر اساس عقل و عدل داوری نمی‌کند که سرنوشت این دو گروه مساوی باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۳ ب) دلیل نقلی: وحی و کتب آسمانی نیز سرنوشت این دو گروه را یکسان نمی‌دانند. ج) از راه عهد و پیمان: مخالفان اسلام با خدا میثاق بسته باشند که طبق داوری آنان سرنوشت خلافکاران و مسلمانان را یکسان قرار دهد، که البته چنین پیمانی وجود ندارد و کسی آن را تضمین نمی‌کند. د) از راه حمایت و گواهی معبودان و شریکان خدا: که آنان این داوری مخالفان اسلام را حمایت کنند و بر تساوی خلافکاران و مسلمانان گواهی دهند، که البته چنین شریکانی وجود ندارند و معبودان آنها خیالی هستند. در آیات ۴۶ و ۴۷ همین سوره دو راه دیگر هم پیشنهاد و بررسی می‌شود.

آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام نیکویی در انتظار پارسایان است. ۲. پارسایان در بهشت نزدیک پروردگار جای دارند. ۳. سرنوشت و فرجام مسلمانان با خلافکاران یکسان نیست. ۴. مخالفان اسلام ادعای بدون دلیل می‌کنند. ۵. داوری باید بر اساس دلیل عقلی عادلانه یا دلیل نقلی یا پیمان الهی باشد. ۶. ادعای وجود معبودان و شریکان برای خدا، دروغ است. *** قرآن کریم در آیات چهل و دوم تا چهل و پنجم سوره‌ی قلم با یادآوری درماندگی خلافکاران در رستاخیز به آنان در مورد قانون استدراج و مهلت دادن خدا، هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۲- ۴۵. يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ* خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ* فَذَرْنِي وَمَن يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُم مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ* وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۴ روزی که (لباس) از ساق (پا) ها برطرف شود (و کار مشکل گردد) و به سجده فراخوانده می‌شوند، و [لی نمی‌توانند (سجده کنند).* در حالی که دیدگانشان (از ترس) فروتن گشته (و) خواری آنان را فرا می‌گیرد؛ و به یقین، به سوی سجده فراخوانده می‌شدند در حالی که آنان سالم بودند.* پس من و کسی را که این سخن (: قرآن) را تکذیب می‌کند، رهاکن! به زودی از جایی که نمی‌دانند، به تدریج، گرفتارشان خواهیم کرد؛* و به آنان مهلت می‌دهم؛ [چرا] که نقشه‌ی من استوار است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ساق» به معنای قسمت پایین پای انسان است. در میان عرب‌ها معمول است که وقتی می‌خواهند کار مشکلی انجام دهند دامن به کمر می‌زنند و ساق پاها را برهنه می‌کنند و «برهنه شدن ساق‌ها» کنایه از شدّت هراس و وخامت اوضاع در رستاخیز است. برخی مفسران نیز برآنانـد که «ساق» به معنای اصل و اساس چیزی است (مثل ساقه‌ی درخت)؛ از این رو این تعبیر اشاره به آن است که در رستاخیز اصل هر چیزی آشکار می‌شود. «۱» ۲. خلافکاران در دنیا به سجده و عبادت پروردگار فراخوانده می‌شدند اما با این که بدنی سالم داشتند، در برابر حق سجده نمی‌کردند. همین روحیه‌ی استکباری آنان در آخرت تجسّم می‌یابد، به طوری که توان سجده کردن نخواهند داشت. ۳. در برخی احادیث آمده است که در قیامت حجاب از نور الهی برداشته می‌شود و مؤمنان به خاطر عظمت آن به سجده می‌افتند، ولی پشت منافقان خشک می‌شود و قدرت سجده ندارند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۵ ۴. این آیات از طرفی به مخالفان قرآن هشدار می‌دهند که کارشان با خداست و از طرف دیگر به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهند که کاری به کار مخالفان نداشته باشد و آنها را به خدا واگذار کند، تا کیفر آنها را بدهد. این نوعی قوّت قلب دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان در برابر توطئه‌های دشمنان است. ۵. در این آیات از قانون «استدراج و املاء» سخن گفته شده است؛ یعنی خدا برخی از گناهکاران را به حال خود وا می‌گذارد تا به سرکشی و تجاوز ادامه دهند و حتی به آنها نعمت می‌بخشد تا بیش‌تر در غرور و غفلت فرو روند و گناهان بیش‌تری بکنند و مستحق عذاب شدیدتری گردند. ۶. انسان‌های گناهکار سه حالت دارند: الف) برخی از آنان متوجه گناه خود می‌شوند و توبه می‌کنند. ب) برخی با تازیانه‌ی بلاهای الهی بیدار می‌شوند. ج) برخی گناهکاران لجوج که شایستگی این امور را ندارند، به حال خود رها می‌شوند و به جای بلا به آنان نعمت داده می‌شود و این همان قانون استدراج و املاء است. آری؛ خدا نخست با رحمت خویش با گناهکاران برخورد می‌کند و باب توبه را باز می‌گذارد اما اگر آنان لجاجت کردند مقدمات عذاب شدیدتر آنان را آماده می‌سازد. ۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده که هرگاه بنده‌ای گناه کند دوباره به او نعمت داده می‌شود و او استغفار را رها می‌کند (و غافل می‌گردد). این همان استدراج است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۶ ۸. در حدیث دیگری آمده است که یکی از یاران امام صادق علیه السلام عرض کرد: من از خدا مالی خواستم و او روزی‌ام کرد، فرزندی خواستم و او به من بخشید، خانه‌ای طلب کردم و او به من مرحمت کرد، من از این می‌ترسم که نکند این استدراج باشد. امام علیه السلام فرمود: «اگر این‌ها همراه با حمد و شکر الهی باشد استدراج نیست». «۱» ۹. از تعبیرات این آیات استفاده می‌شود که خدا در مجازات خلافکاران و مخالفان قرآن عجله نمی‌کند بلکه به آنان مهلت می‌دهد و درجه به درجه و گام به گام آنها را به سوی عذاب پیش می‌برد؛ زیرا کسی عجله می‌کند که می‌ترسد فرصت از دست برود یا مجرم فرار کند ولی این‌ها برای خدا مفهومی ندارد و این قانون استدراج

هشداری برای همه‌ی گناهکاران است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روز رستاخیز روز برهنگی، درماندگی، خواری و مشکلات برای خلافکاران است. ۲. اگر می‌خواهید در رستاخیز توان پرستش خدا را داشته باشید در دنیا اهل پرستش باشید. ۳. خدا شخصاً با مخالفان قرآن برخورد می‌کند. ۴. از قانون «استدراج و امهال» غافل نباشید، که خدا خلافکاران را مهلت می‌دهد و گام به گام به سوی عذاب شدیدتر می‌کشد. ۵. از مهلت‌یافتن برای گناه شاد نباشید؛ چون ممکن است نقشه‌ای برای عذاب بیش‌تر شما باشد. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۷ قرآن کریم در آیات چهل و ششم و چهل و هفتم سوره‌ی قلم به پاداش نخواستن پیامبران اشاره می‌کند و با بازپرسی از خلافکاران می‌فرماید: ۴۶ و ۴۷. أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْراً فَهُم مِن مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ* أَمْ عِندَهُمُ الْغَیْبُ فَهُمْ یَکْتُبُونَ یا از آنان پاداشی می‌طلبی، پس آنان از زیان (آن) گرانبارند؟!* یا (اسرار) نهان فقط نزد آنان است، پس آنان (از آن‌جا) می‌نویسند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قرآن بارها تأکید شده که پیامبران الهی از مردم پاداشی برای رسالت خود نمی‌خواهند «۱» تا بهانه‌ای به دست مخالفان نیفتد و از شنیدن آیات الهی سرباز زنند. «۲» دست‌مزدی می نخواهیم از کسی دست‌مزد ما رسد از حق بسی ۲. در این آیات اشاره شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از خلافکاران غرامت و پاداش سنگینی «۳» نخواسته است که در برابر آن امتیازی بگیرند و خود را مساوی مسلمانان پارسا بدانند. ۳. یکی دیگر از راه‌هایی که ممکن است خلافکاران بخواهند از آن راه تساوی خود با مسلمانان پارسا را اثبات کنند آن است که بگویند ما از اسرار غیب آگاه شدیم و مثلًا از طریق کاهنان و غیر آن متوجه شدیم که سرنوشت آنان با مسلمانان مساوی است، ولی چنین ادعایی بعید است و دلیلی بر آن نیست؛ از این رو قرآن به صورت استفهام انکاری آن را مطرح کرده است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبران از خلافکاران غرامتی دریافت نکرده‌اند تا به آنان امتیازی بدهند. ۲. خلافکاران با عالم غیب ارتباط ندارند (و ادعاهای بدون دلیل می‌کنند). ۳. رهبران و مبلغان دینی از مردم دست‌مزد طلب نکنند. *** قرآن کریم در آیات چهل و هشتم تا پنجاهم سوره‌ی قلم با اشاره به سرنوشت یونس علیه السلام، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به صبر و استقامت سفارش می‌کند و می‌فرماید: ۴۸- ۵۰. فَاصْبِرْ لِحُکْمِ رَبِّکَ وَلَا تَکُن کَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَی وَهُوَ مَکْظُومٌ* لَوْلَا أَن تَدَارَکَهُ نِعْمَةٌ مِن رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُوم* فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِینَ پس برای (ابلاغ) حکم پروردگارت شکیبا باش، و مانند همراه ماهی (: یونس) نباش، هنگامی که ندا در داد، در حالی که او مورد خشم قرار گرفته بود.* اگر نعمتی از پروردگارش او را درنیافته بود، حتماً به کرانه‌ی خشکی افکنده می‌شد، در حالی که او نکوهیده بود.* و [لی پروردگارش او را برگزید و وی را از شایستگان قرار داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات از طرفی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را دل‌داری می‌دهند و او را به شکیبایی فرامی‌خوانند و از طرف دیگر با یادآوری سرنوشت یونس علیه السلام به ایشان هشدار می‌دهند که مبادا عجله کرده، مردم را نفرین نماید، که در آن صورت به سرنوشت یونس گرفتار می‌شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۱۹۹ ۲. مقصود از «حکم پروردگار» که باید پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آن صبر و استقامت کند چیست؟ مفسران قرآن برآن‌اند که منظور دستور به شکیبایی یا فرمان نهایی خدا درباره‌ی پیروزی مسلمانان یا ابلاغ احکام الهی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باید در این راه شکیبا باشد و عجله نکند و از دست مخالفان خسته نگردد و آنان را رها یا نفرین نکند. «۱» البته مانعی ندارد که همه‌ی این امور مقصود باشد؛ چون رهبران الهی باید در تمام این موارد شکیبا باشند. ۳. یونس فرزند «مَتی یکی از پیامبران الهی بود که بعد از موسی و هارون علیهما السلام در حدود ۸۲۵ سال قبل از میلاد مسیح پا به عرصه‌ی وجود گذاشت و در سرزمین نینوا در عراق به هدایت مردم پرداخت. هم اکنون نزدیک کوفه قبری است که به نام یونس مشهور است. ماجرای این پیامبر الهی در سوره‌های متعدد قرآن، از جمله «یونس»، «انبیاء»، «قلم» و «صافات» آمده است. «۲» ۴. یونس پیامبر مردم را به سوی توحید فرا خواند ولی قوم او لجاجت کردند و پس از چهل سال تبلیغ دو نفر به او ایمان آوردند؛ از این رو یونس مردم را نفرین کرد و از شهر بیرون رفت و سوار کشتی شد و طی ماجرایی در شکم ماهی گرفتار شد و پس از مناجات با خدا و تسبیح و اعتراف، به طور اعجازآمیزی نجات یافت و در صحرای

خشکی افکنده شد. «۳» ۵. مقصود از نـدای غمناک یونس علیه السـلام همان ندای نفرین او و یا ندای یونس علیه السـلام در شـکم ماهی است که در برخی آیات بـدان اشاره شده است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۰ ۶. در قرآن آمده است که وقتی یونس علیه السـلام از شـکم ماهی به صـحرای خشک افکنـده شد، گیاه کدو بر او روییـد «۱» و در این آیه اشاره شـده که اگر نعمت الهی (توفیق توبه) نبود یونس در همان صـحرا رها می‌شـد و نجات نمی‌یافت. ۷. چرا در برخی آیات قرآن یونس علیه السـلام مسـتحق سرزنش معرفی شده «۲» اما این آیات او را در خورسـرزنش نمی‌داننـد؟ یونس علیه السـلام، قبل از توبه، به خاطر ترک قوم خویش مستحق سرزنش بود اما پس از توبه، دیگر سزاوار سرزنش نبود. ۸. یونس پس از توبه به لطف الهی بار دیگر برگزیده شد و در زمره‌ی شایسـتگان درگـاه الهی قرار گرفت و به سـراغ قـومش آمـد و مردم به او ایمـان آوردنـد و مـدتی طولاـنی در میـان آنـان زندگی کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی باید در برابر دستورات الهی صبور باشند. ۲. رهبر نباید عجله کند و زود مردم را رها یـا نفرین نمایـد و گرنه هم‌چون یونس گرفتـار می‌شود. ۳. تـوبه مـوجب نزول لطف و نعمت الهی می‌شود و انسـان را از هلاـکت و سرزنش نجات می‌دهد. ۴. اگر نعمت و لطف الهی شامـل حـال انسان شود، شایسـته و برگزیـده می‌شود. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و یکم و پنجاه و دوم سوره‌ی قلم به موضع‌گیری منفی کافران در برابر پیامبر صـلی الله علیه و آله اشاره می‌کنـد و در پاسـخ به آنان می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۱ ۵۱ و ۵۲. وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ* وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ و مسلماً، نزدیک بود کسانی که کفر ورزیدنـد هنگامی که آگاه کننـده (: قرآن) را شنیدنـد با دیدگانشان تو را بلغزانند و می‌گویند: «قطعاً، او دیوانه است.»* در حالی که آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان نیست. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. مفسـران قرآن در مـورد آیـات فـوق چنـد تفسـیر ارائه کرده‌انـد: الف) تعـبیر کنـایی است و مقصود نگاه‌هـای خشم‌آلود کافران نسبت به پیامبر صـلی الله علیه و آله است که گویی می‌خواهند با نگاه خویش پیامبر را بخورند یا بکشـند. «۱» ب) مقصود چشم زدن است؛ یعنی دشـمنان وقتی آیـات قرآن را می‌شـنوند ناراحت می‌شونـد و می‌خواهنـد با نگاه خویش تو را به زمین افکنند و هلاک سازند. ج) مقصود تعجب کافران و مجذوب شدن آنان به آیات قرآن است، به طوری که نزدیک است تو را چشـم بزننـد. البته در تفسـیر سوم تضاد گفتار دشـمنان اسـلام ظاهر می‌شود که از طرفی پیامبر صـلی الله علیه و آله را دیوانه می‌خوانند و از طرف دیگر مجذوب سخنان او می‌شوند. «۲» ۲. در این آیات با تعبیر لطیفی به تهمت جنون نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داده شـده است؛ قرآن کتابی است که معارف عالی آن مایه‌ی تـذکّر و بیـداری بشـریت است و مطالب فطری و حقایق تاریخی را به یـاد آنان می‌آورد؛ پس ممکن نیست که شخصـی دیوانه آن را پدیـد آورده باشـد. ۳. برخی معتقدنـد که در چشم بعضـی مردم اثر مخصوصـی است که ممکن است بـا نگاه کردن با تعجب به چیزی یا کسـی آن را از بین ببرنـد و یا به آن زیان برساننـد و آن را در اصـطلاح چشـم زخم می‌نامنـد. تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۲۰۲ چشـم زخـم از نظر عقلی و علمی محـال نیسـت، زیرا نیروهـای مرموز مخرّب هم‌چون نیروی مغناطیس و اشـعه‌ی لیزر در طبیعت وجود دارد و چشم زخم هم می‌توانـد یکی از آنها باشـد که هنوز کاملًا ماهیت آن روشن نشـده است. هر چند اثبات چشم زخم به وسیله‌ی آیه‌ی فوق مشـکل است، اما در احادیث اسـلامی اجمالًا به آن اشاره شده است. «۱» در نهج البلاغه آمده است که چشم زخم حق است و دعا و توسل برای دفع آن نیز حق است. «۲» البته تـذکر این نکته لاـزم است که پـذیرش چشم زخم به معنـای قبول اعمـال خرافی برخی مردم در این مورد نیست، همان طور که نمی‌توان کسـی را در این مورد متّهم به بدچشـمی کرد. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. کـافران از فعالیت خادمان قرآن به خشم می‌آینـد. ۲. کافران در برابر قرآن و رهبر اسـلام موضع می‌گیرند و به آنها تهمت می‌زنند ولی خدا دفاع می‌کند. ۳. رهبران الهی آماده باشند که آنان و قرآن مورد حمله و تهمت قرار می‌گیرید ولی خدا (و مسـلمانان از آنان) دفاع می‌کنند. ۴. هر گاه دشمنان در برابر نفوذ قرآن قرار می‌گیرند (و نمی‌توانند کاری بکنند) به رهبران اسلام حمله می‌کنند ولی شما (خط را گم نکنید و) از قرآن دفاع کنید. ۵. قرآن مایه‌ی تذکّر و بیداری و یادمان جهانیان است (پس آورنده‌ی آن دیوانه نیست). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۳

بخش هشتم: سوره‌ی حاقه

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «حاقّه» در مکه نازل شده و دارای ۵۲ آیه، ۲۵۶ کلمه و ۱۰۸۴ حرف است. این سوره هفتاد و هفتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «مُلک» و قبل از سوره‌ی «معارج») و شصت و نهمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «حاقّه» (یکی از نام‌های قیامت) است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است. «الحاقّه» از ریشه‌ی حق و بیانگر حقّانیّت وقوع قیامت است.

فضیلت

فضیلت: از امام صادق علیه السلام حکایت شده که سوره‌ی حاقه را زیاد بخوانید، چون قرائت آن در نمازهای واجب و مستحب نشانه‌ی ایمان به خدا و پیامبرش است. «۱» البته این گونه آثار مشروط به شرایطی است، از جمله اینکه علاوه بر تلاوت این سوره به محتوای آن ایمان داشته و عمل نماید.

اهداف

اهداف: مهم‌ترین هدف این سوره یادآوری رستاخیز و تأکید بر وقوع آن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۶

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. مطالبی درباره‌ی قیامت و خصوصیات آن (در آیات ۱- ۳ و ۱۵)؛ ۲. ذکر سه نام قیامت یعنی «حاقّه»، «قارعه» و «واقعه» (در آیات ۱- ۳)؛ ۳. مطالبی درباره‌ی نفخ صور در آستانه‌ی قیامت (در آیات ۱۳- ۱۵)؛ ۴. بیان حالات اصحاب شمال و اصحاب یمین در قیامت (در آیات ۱۹- ۳۷)؛ ۵. مطالبی درباره‌ی وحی و نبوت و این که پیامبر نمی‌تواند از پیش خود چیزی بگوید (در آیات ۳۸- ۴۸)؛ ۶. اشاره‌ای به حقانیّت و عظمت قرآن (در آیات ۳۸- ۴۸). ب) داستان‌ها: ۱. اشاره‌ای به سرگذشت قوم عاد (در آیات ۴ و ۵)؛ ۲. اشاره‌ای به سرگذشت قوم ثمود (در آیات ۶- ۸)؛ ۳. اشاره‌ای به سرگذشت قوم فرعون (در آیه‌ی ۹)؛ ۴. اشاره‌ای به سرگذشت شهرهای زیر وروشده‌ی قوم لوط (مؤتَکِفَه) (در آیات ۹ و ۱۰). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی حاقه قرآن کریم در آیات اول تا هشتم سوره‌ی حاقه با اشاره به سرکشی قوم عاد و ثمود به عذاب عبرت‌آموز آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۸. الْحَاقَّةُ* مَا الْحَاقَّةُ* وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ* كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ* فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ* وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ* سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُوماً فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ* فَهَلْ تَرَى لَهُم مِن بَاقِيَةٍ تحقق یابنده.* تحقق یابنده چیست؟* و چه چیز تو را آگاه کرد که تحقق یابنده چیست؟* (قوم) ثمود و عاد (عذاب) کوبنده را دروغ انگاشتند.* و اما (قوم) ثمود پس به وسیله‌ی (عذاب) طغیانگر هلاک شدند.* و اما (قوم) عاد

پس با تندباد سرد سرکش هلاک شدند؛* که آن (باد) را هفت شب و هشت روز بنیان‌کن بر آنان مسلّط کرد؛ و آن قوم را در آن (مدت) بر زمین افتاده می‌بینی، چنان‌که گویی آنان تنه‌های درختان خرمای فرو ریخته‌اند!* و آیا از آنان هیچ بازمانده‌ای می‌بینی؟ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حاقّه» به معنای تحقق یابنده است که بسیاری از مفسران قرآن آن را به روز رستاخیز تفسیر کرده‌اند، اما برخی دیگر آن را به عذاب‌های دنیوی تفسیر کرده‌اند که با عذاب‌های قوم عاد و ثمود و فرعونیان که در ادامه‌ی آیات آمده است تناسب دارد. البته مانعی ندارد که آیه به هر دو معنا اشاره داشته باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۸ ۲. در این آیات واژه‌ی «حاقّه» سه بار با بیان‌های مختلف آمده است که نشان دهنده‌ی عظمت روز قیامت و تأکید بر آن است. همان طور که در تعبیرات روزمره می‌گوییم: فلانی انسان است؛ چه انسانی! تو نمی‌دانی چه انسانی است! آری؛ درک عظمت عذاب الهی یا روز رستاخیز برای ما مشکل است و از این رو با تعبیرات مُجمل بر عظمت آن تأکید می‌شود. ۳. در قرآن کریم بارها از قوم ثمود و سرنوشت عذاب‌آلود و عبرت‌آموز آنان یاد شده است. «۱» قوم ثمود، در منطقه‌ای کوهستانی میان حجاز و شام زندگی می‌کردند و حضرت صالح علیه السلام به سوی آنان آمد ولی ایمان نیاوردند و لجاجت کردند و حتی خواستار نزول عذاب الهی شدند. آنان سرانجام به وسیله‌ی صاعقه‌ای پرصدا و ویرانگر و سرکش همگی هلاک شدند. «۲» ۴. در قرآن کریم بارها از قوم عاد و عذاب عبرت‌آموز آنان یاد شده است. «۳» قوم عاد در سرزمین احقاف در جنوب شبه جزیره‌ی عربستان زندگی می‌کردند و افراد قوی و نیرومندی بودند و سرزمین آبادی داشتند و حضرت هود علیه السلام برای هدایت آنان رفت ولی سرکشی و لجاجت کردند و گرفتار عذاب دردناکی شدند. ۵. عذاب قوم عاد، بادی مسموم و پر صدا و سرد و سرکش بود «۴» که هفت شب و هشت روز پی‌درپی بر آنان وزید «۵» و هلاکشان کرد، به طوری که جسم‌های بی‌جان آنان هم‌چون تنه‌ی پوسیده‌ی درختان خرما بر زمین افتاد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۰۹ تشبیه قوم عاد به درختان پوسیده‌ی خرما، اشاره به بلندقدی آنان، ریشه کن شدن و هلاکتشان و نیز توخالی بودن آنها در برابر عذاب الهی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. درک حقیقت تحقق یابنده‌ی عذاب الهی یا روز رستاخیز برای شما مشکل است. ۲. فرجام تکذیب‌گری آیات الهی، عذاب‌آلود است. ۳. از فرجام عذاب‌آلود قوم ثمود درس عبرت بگیرید. ۴. از عذاب دردناک قوم عاد درس عبرت بگیرید. ۵. اگر خدا بخواهد سرکشی اقوام را با سرکشی عوامل طبیعی پاسخ می‌دهد. ۶. سرنوشت سرکشان تاریخ به بادی وابسته است. ۷. به نابودی اقوام سرکش و برجا نماندن آثار آنان بنگرید و درس عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیات نهم تا دوازدهم سوره‌ی حاقّه به فرجام عذاب‌آلود پندآموز فرعون، قوم لوط و نوح اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹- ۱۲. وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَن قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ* فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَّابِيَةً* إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ* لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و شهرهای زیرورو شده (: قوم لوط) خطاکارانه آمدند،* و فرستاده‌ی پروردگارشان را نافرمانی کردند و (خدا) با گرفتاری فزاینده‌ای آنان را گرفتار ساخت.* در حقیقت، ما هنگامی که آب طغیان کرد، شما را در (کشتیِ) روان سوار کردیم،* تا آن را برای شما یادآورنده قرار دهیم و گوش‌های فراگیرنده آن را فراگیرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از کسانی که پیش از فرعون بودند، اقوامی هم‌چون قوم شعیب تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۰ و نمرودیان سرکش بودند که به عذاب عبرت‌آموز الهی گرفتار شدند. ۲. «مُؤتَفِکات» به معنای زیرو روشدن است که در این جا اشاره به شهرهای قوم لوط است که با زلزله‌ی شدیدی ویران شدند و سپس بارانی از سنگ بر آنان بارید. «۱» ۳. فرعونیان و قوم نوح که در برابر پیامبران الهی ایستادند و با آنان مخالفت کردند، گرفتار عذابی فزاینده و سرکش شدند؛ یعنی آب که مایه‌ی حیات انسان است در برابر آنان طغیان کرد و فرعون و یارانش گرفتار امواج نیل «۲» و قوم نوح نیز گرفتار سیلاب شدند. «۳» آری؛ عذاب و کیفر خلافکاران با گناه آنان متناسب است؛ یعنی کسانی که سرکشی کردند با سرکشی طبیعت مجازات شدند. ۴. در این آیات بیان شده که «شما را از سیلاب نجات دادیم و بر کشتیِ روان سوار کردیم.»، در حالی که انسان‌های امروزی در آن عصر نبودند تا سوار کشتی شوند؟ مقصود سوار شدن نیاکان انسان‌ها در کشتی نوح «۴» و یا

ذرات وجود انسان‌های فعلی در صُلب پـدران است که همراه آنان سوار کشتی شدنـد، که اگر آنان نجات نیافته بودنـد ما نیز وجود نداشتیم. ۵. هدف از مجازات اقوام سرکش پیشین، انتقام‌جویی نبود، بلکه هدف پندآموزی و عبرت‌گیری و تربیت انسان‌های بعدی در مسیر کمال بود؛ یعنی آیندگان این سرنوشت‌های عذاب‌آلود را بشنوند و حفظ کنند و چراغ راه خود قرار دهند تا این گناهان و سرکشی‌ها بار دیگر تکرار نشود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۱ ۶. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که من از خدا خواستم که گوش علی را از گوش‌های فراگیرنده قرار دهد. «۱» و از امام علی علیه السلام روایت شده که من هیچ چیزی را از پیـامبر صـلی الله علیـه و آلـه نشـنیدم که آن را فرامـوش کنم بلکه همیشه آن را به خـاطر داشـتم. «۲» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. به فرجام عذاب‌آلود اقوام پیشـین توجه کنیـد و گوش شـنوا داشـته باشید و عبرت بگیرید. ۲. خطاکـاری و نافرمـانی در برابر پیامبران از عوامل عذاب است. ۳. طغیانگران گرفتار طبیعت سرکش می‌شونـد و به مجازات می‌رسـند. *** قرآن کریم در آیات سـیزدهم تا هفـدهم سوره‌ی حاقّه به حوادث آستانه‌ی رستاخیز و نقش فرشتگان در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳- ۱۷. فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ* وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً* فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ* وَانشَقَّتِ السَّماءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ* وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۲ و هنگامی که دمی یگانه در شـیپور (حوادث آسـتانه‌ی رسـتاخیز) دمیده شود،* و زمین و کوه‌ها (از جای) برداشـته شوند و با یک (ضربه‌ی) خردکننده خُرد (و هموار) شوند!* و در آن روز حـادثه (ی رسـتاخیز) واقع شود،* و آسـمان شـکافته شود، پس آن (آسـمان) در آن روز سـست باشـد؛* و فرشـتگان در اطراف آن (آسـمان) هسـتند؛ و در آن روز تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی) پروردگارت را هشت (نفر) بر فرازشان حمل می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «دمیـدن در شـیپور» همان فرمان خدا در مورد مرگ همگانی موجودات یا برپایی رسـتاخیز است که هم‌چون شـیپور آماده باش لشکر است که یک بار در آن دمیده می‌شود. «۱» ۲. در قرآن کریم از دو نَفخ صور یا دو بار دمیدن در شیپور یـاد شـده است، که با دمیـدن اول همه‌ی موجودات می‌میرنـد و حوادث آسـتانه‌ی رسـتاخیز به وجود می‌آیـد و با دمیـدن دوم همه‌ی مردگان زنده می‌شوند و روز رسـتاخیز شـروع می‌شود. خاص و عامه از سلیمان تا به مور زنده گشته چون جهان از نفخ صور (مولوی) در آیات فوق به هر دو مرحله اشاره شده است، ولی ظاهراً مقصود از دمیدن در شـیپور، همان نفخ صور اول است که آغاز حوادث آستانه‌ی رستاخیز است. ۳. در آسـتانه‌ی رستاخیز کوه‌ها و زمین در هم کوبیده و خرد و هموار «۲» و کرات آسمانی شکافته و متلاشـی می‌شوند و بر ویرانه‌های جهان کنونی جهانی نو برپا می‌شود و رسـتاخیز موجودات شـروع می‌گردد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۳ ۴. «عرش» به معنای تخت مادی نیست؛ چون خدا جسم نیست تا مکان بخواهد و تخت داشته باشد؛ پس این تعبیر کنایه از مرکز زمام‌داری و تدبیر هستی است، یعنی در رستاخیز تدبیر جهان، به فرمان خدا، به وسیله‌ی هشت نفر یا هشت گروه از فرشـتگان یا انسان‌ها انجام می‌گیرد. «۱» ۵. در برخی احـادیث آمـده است که حاملاـن عرش الهی، چهار نفر از اولین (یعنی نوح، ابراهیم، موسـی و عیسـی علیهم السـلام) و چهار نفر از آخرین (یعنی محمد صـلی الله علیه و آله، علی، حسن و حسین علیهم السلام) هستند «۲» و معنـای حامل عرش بودن، حامل علم بودن است. «۳» و از امام صادق علیه السـلام روایت شده که مقصود از عرش، علم است و حاملان آن هشت نفرند که چهار نفر از ما و چهار نفر از کسانی هسـتند که خدا خواسته است. «۴» و از امام علی علیه السلام روایت شـده که حاملان عرش الهی دانشـمندان هسـتند که خدا علمش را به آنان آموزش داده است. «۵» و از امام رضا علیه السـلام روایت شده که عرش خدا اسم علم و قدرت است. «۶» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۴ از این احادیث استفاده می‌شود که عرش بـا علم و قـدرت الهی ارتبـاط دارد و حاملاـن عرش، همـان حاملاـن علم الهی هسـتند که در صـدر آنهـا پیامبران و اولیای الهی‌اند، هر چند ممکن است گروهی از فرشـتگان نیز در این کار شـرکت داشته باشند. ۶. مقصود از این که حاملاـن عرش الهی بر فراز آنان (فرشتگان یا انسان‌ها) هستند این است «۱» که این حاملان عرش از نظر مقام از آنان برترنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز با اعلامی یک‌باره و با حوادث کوبنـده‌ای شـروع می‌شود (برای آن روز آماده شوید). ۲. وضع زمین و آسمان در آستانه‌ی رستاخیز

در هم ریخته می‌شود (و جهانی نو برپا می‌شود). ۳. مرکز تدبیر هستی در رستاخیز به هشت (نفر یا گروه از فرشتگان و انسان‌های والاتر) واگذار (و تقسیم کار) می‌شود. *** قرآن کریم در آیات هجدهم تا بیست و چهارم سوره‌ی حاقّه به کشف اسرار انسان‌ها در رستاخیز و فرجام نیکو و بهشتی افراد راست‌گرا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸- ۲۴. يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنكُمْ خَافِيَةٌ* فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَؤُا كِتَابِيَهْ* إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهْ* فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ* فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ* قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ* كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئاً بِمَا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۵ أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ در آن روز (شما به طوری) عرضه می‌شوید که هیچ پنهانی از شما پوشیده نمی‌ماند.* وامّا کسی که نامه (ی عمل) او به دست راستش داده شود، پس می گوید: « (بیایید) نامه‌ی (عمل) مرا بگیرید، بخوانید!* در حقیقت، من می‌دانستم که من حساب (اعمال) خود را ملاقات می کنم.»* پس او در زندگی رضایت‌بخش است،* در بهشتی عالی،* که چیدن (میوه‌های) آن نزدیک است.* (به آنان گفته می‌شود:) بخورید و بیاشامید؛ گوارا! به خاطر آنچه در روزگاران گذشته از پیش فرستادید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از عرضه شدن انسان‌ها بر خدا در رستاخیز، یا آن است که انسان‌ها در آن روز در محضر خدا هستند و این مطلب کاملًا آشکار می‌شود و حتی تمام اسرار و نیت‌ها و صفات آنها به ظهور و شهود می‌رسد و یا آن که خدا بر همه‌ی انسان‌ها احاطه‌ی علمی دارد. البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. می نماند هیچ مخفی بر خدا اندر آن روز از اسرار شما ۲. «اصحاب یَمین» کسانی هستند که نامه‌ی اعمالشان به دست راست‌شان داده می‌شود که به معنای سعادتمندی و کردار نیک آنهاست. آنان وقتی به نامه‌ی اعمالشان می‌نگرند و نعمت‌های الهی و لطف او را می‌بینند بسیار خوشحال می‌شوند و حتی دیگران را دعوت می کنند که نامه‌ی اعمال آنان و لطف الهی را بر آنان ببینند و مشاهده کنند که خدا چگونه بدی‌ها و گناهانشان را بخشیده یا تبدیل به نیکی کرده است. ۳. یکی از عوامل توفیق اصحاب دست راست آن است که آنان به معاد و حساب رستاخیز یقین داشتند، «۱» و همین عامل، روحِ تقوا و تعهد و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۶ مسئولیت پذیری را در آنان تقویت کرده و موجب تربیت و نجات آنان شد. ۴. در این آیات، بهشت عالی و زندگی رضایت‌بخش اصحاب دست راست توضیح داده شده است. آنان آن‌قدر در آن جا راحت‌اند که حتی زحمت چیدن میوه ندارند و بلکه میوه‌های آن بوستان در دسترس و نزدیک‌اند و آنها را دعوت به نوشیدن و غذا خوردن می کنند و به آنان «گوارا باد» می گویند. ۵. نعمت‌های بهشتی در عوض اعمال گذشته‌ی اصحاب دست راست به آنان داده می‌شود و این مسئله به آنان اعلام می‌شود تا احساس سرافرازی کنند و منّتی بر آنان نباشد. ۶. در برخی احادیث آمده است که مقصود از اصحاب دست راست، علی علیه السلام و شیعیان او هستند. البته این گونه احادیث مصداق کامل و روشن آیه رابیان می کنند و معنای آیه رامحدود نمی کنند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز آشکار شدن اسرار است (پس مراقب کردار خود باشید). ۲. یقین به معاد، زمینه‌ساز سعادت اخروی است. ۳. بهشت را به بها می‌دهند (نه به بهانه). ۴. زندگی رضایت‌بخشی در بهشت عالی در انتظار راست‌گریان است (پس تلاش کنید از این گروه باشید). ۵. اگر بهشت عالی می‌خواهید، تلاش کنید از افراد راست باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۷ قرآن کریم در آیات بیست و پنجم تا سی و هفتم سوره‌ی حاقّه به فرجام عذاب‌آلود بدکاران دست چپ و حالات آنان در رستاخیز و عوامل عذاب آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۵- ۳۷. وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ* وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ* يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ* مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِيَهْ* هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ* خُذُوهُ فَغُلُّوهُ* ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ* ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فَاسْلُكُوهُ* إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ* وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ* فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ* وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ* لَايَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ و امّا کسی که نامه‌ی (اعمال) او به دست چپش داده می‌شود، پس می گوید: «ای کاش نامه‌ی (عمل) من به من داده نمی‌شد!* و نمی‌دانستم که حساب من چیست!* ای کاش آن (حالت) به پایان می‌رسید!* ثروتم (عذابی را) از من دفع نکرد!* تسلّط من از (دست) من رفت!»* (ندا آید:) او را بگیرید و ببندیدش؛* سپس او را در دوزخ وارد کنید (و بسوزانید!)؛* سپس او را در زنجیری که طولش هفتاد ذرع (: سی و پنج متر) است (دربند نمایید) و او را وارد (آتش) کنید؛* (چرا)

که او هرگز به خدای بزرگ ایمان نمی‌آورد،* و (مردم را) به غذا دادن بینوایان تشویق نمی‌کرد.* پس امروز در این‌جا برای او هیچ (دوست) گرم نزدیکی نیست؛* و هیچ غذایی غیر از «زردابه» نیست؛* که آن را جز خطاکاران نمی‌خورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه و مقابله است؛ یعنی سرنوشت نیکوکاران و بدکاران را در برابرهم به تصویر می‌کشد تا مردم بتوانند با بصیرت و بهتر راه خود را انتخاب کنند. در آیات پیشین فرجام تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۱۸ نیک نیکوکاران دست راست به تصویر کشیده شد و اینک در این آیات فرجام عذاب‌آلود بدکاران دست چپ گوش‌زد می‌شود. ۲. در رستاخیز که نامه‌ی اعمال بدکاران را به دست چپ آنان می‌دهند، همه‌ی کارهای بد آنان و کیفر آنها آشکار می‌گردد، و آنان فریاد و ناله سرمی‌دهند و آرزو می‌کنند که ای کاش این نامه‌ی عمل را هرگز ندیده و از حساب کار خود آگاه نمی‌شدند؛ زیرا آگاهی از اعمال بد و انتظار برای عذاب خود نوعی مجازات روانی برای آنان است. آنان آرزو می‌کنند که ای کاش هرچه زودتر این وضع اسفبار پایان پذیرد و مرگ ادامه یابد و ای کاش در رستاخیز دو باره زنده نمی‌شدند یا این که مرگ دیگری برایشان فرا می‌رسید. «۱» نامه‌ای آید به دست بنده‌ای سرسیه از جرم و فسق آکنده‌ای «۲» ۳. در رستاخیز ثروت افراد و قدرت و مقام آنان سودی ندارد و چیزی از عذاب را از آنان دفع نمی‌کند و بدکاران در آن روز دلیل و برهانی ندارند که برای توجیه کارها و تسلّط علمی آنها به کار آید و مایه‌ی نجات‌شان شود. «۳» پس امروز بر حال من وای باد که سودی نبخشید مال زیاد (مجد) ۴. در این آیات به انواع عذاب‌های بدکاران دست چپ اشاره شده است: الف) نامه‌ی اعمالشان به دست چپ‌شان داده می‌شود که این مطلب کنایه از فرجام عذاب‌آلود و نشانه‌ی کارهای بد آنان است و موجب عذاب روحی و روانی آنان نیز می‌شود. آن‌چنان نامه پلید و پر وَبال در یمین ناید درآید در شمال (مولوی) ب) با غُل و زنجیر بسته می‌شوند. ج) ذلیلانه به طرف آتش کشیده می‌شوند. د) غذای نامطبوعی به آنان می‌دهند که از چرک و خون «۱» دوزخیان است. ه) در رستاخیز تنها هستند و دوست صمیمی ندارند و اموال و مقامشان برای آنان سودی ندارد. ۵. مقصود از زنجیری که هفتاد ذراع «۲» است، چیست؟ ممکن است منظور همان عدد هفتاد باشد؛ یعنی هر گروه از دوزخیان را با زنجیری سی و پنج متری به هم‌دیگر می‌بندند و می‌کشند. و یا منظور از هفتاد، کثرت باشد؛ یعنی دوزخیان را با زنجیرهای طولانی به هم‌دیگر می‌بندند. در هر صورت این تعبیرات شبحی از عذاب‌های رستاخیز را برای ما ترسیم می‌کند، ولی حقیقت و جزئیات عذاب‌های اخروی از ما پنهان است. آری؛ کسانی که در دنیا گرفتار بندهای گناه و نفاق بودند در رستاخیز گرفتار زنجیرهای طولانی می‌شوند. ۶. در این آیات به دو عامل عذاب بدکاران دست چپ اشاره شده است: الف) آنان به خدای بزرگ ایمان نداشتند و دعوت پیامبران و دلایل مختلف آنان را نپذیرفتند و پیوند خود را با خالق قطع کردند. ب) آنان مردم را برای کمک غذایی به بینوایان تشویق نمی‌کردند؛ یعنی پیوند خود را با خلق قطع کرده بودند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۰ ۷. در این آیات ترک تشویق به غذارسانی به بینوایان را از عوامل عذاب شمرده است که می‌توانیم چند نکته‌ی جالب را از آن استفاده کنیم: الف) تشویق به غذارسانی برای همه‌ی بینوایان، اعم از آن که مسلمان باشند یا نباشند، وظیفه‌ی همگانی انسانی و الهی است. ب) غذا دادن هر فرد به بینوایان کافی نیست بلکه باید یک اقدام اجتماعی صورت گیرد و با تشکیل انجمن‌های خیریه و تبلیغات سازنده دیگران را نیز به این کار تشویق کرد. ج) ممکن است کسی توانایی کمک مالی به بینوایان را نداشته باشد، اما هر کسی می‌تواند در تشویق دیگران مؤثر باشد. د) انسان نه تنها باید خود به مستمندان کمک کند و بُخل نورزد بلکه باید با بُخل‌ورزی دیگران نیز مبارزه کند. ۸. در حکایتی لطیف آورده‌اند که فرزانه‌ای به همسر خود گفت غذای بیش‌تری طبخ کند تا به بینوایان بدهند. پس گفت: نصف زنجیر را با ایمان و نصف دیگر را با غذا دادن از تن خود بیرون می‌کنیم. «۱» ۹. غذای بد دوزخ مخصوص «خاطِئُون» است. آنان کسانی هستند که عمداً به سراغ خطاکاری می‌روند و با آگاهی راه شرک و کفر و بُخل و سرکشی را می‌پیمایند. «۲» آری؛ کسانی که در دنیا از غذارسانی به بینوایان سر باز می‌زنند و در این مورد تبلیغات نمی‌کنند در رستاخیز باید غذاهای نامطبوع بخورند. ۱۰. روزی یکی از یاران امام علی علیه السلام به نام «صعصهٔ بن

صُوحان» آیه‌ی فوق را خدمت ایشان می‌خواند، ولی «خاطِئون» را به اشتباه «خاطُون» خواند. حضرت اشتباه او را تصحیح کرد و به «ابو الاسود» که مردی ادیب بود، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۱ دستور داد که جلوی این اشتباهات را بگیرد و او برخی نشانه‌های زبان عرب (رفع، نصب و کسره) را ابداع کرد که سرآغاز تحوّلی در زبان عرب و قرائت قرآن و پایه‌گذاری علم جدیدی بود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام خطاکارانِ دست چپ، عذاب‌آلود است. ۲. در رستاخیز اموال و مقام گناهکاران سودی به حالشان ندارد. ۳. برای بدکاران، رستاخیز روز پشیمانی و حسرت و بی‌کسی است. ۴. قطع پیوند با خالق و خلق از عوامل عذاب است. ۵. اگر می‌خواهید گرفتار عذاب نشوید، مؤمنانه مردم را برای غذارسانی به بینوایان تشویق کنید. *** قرآن کریم در آیات سی و هشتم تا چهل و سوم سوره‌ی حاقّه از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع می‌کند و می‌فرماید: ۳۸- ۴۳. فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ* وَمَا لَا تُبْصِرُونَ* إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ* وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ* وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ* تَنزِيلٌ مِن رَبِّ الْعَالَمِينَ و قسم یاد می‌کنم به آنچه می‌بینید،* و آنچه نمی‌بینید!* که قطعاً، آن (قرآن) گفتار فرستاده‌ی ارجمندی است؛* و آن گفتار شاعر نیست؛ چه اندک ایمان می‌آورید!* و گفتار پیش‌گو نیست، چه اندک متذکّر می‌شوید!* (این قرآن) فروفرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «لا» در آیه‌ی «فلا اقسِم» برای تأکید قَسَم است، نه به معنای تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۲ نفی سوگند و این نشان دهنده‌ی اهمیت موضوع و شایستگی برای قسم یاد کردن است و خدا گاهی برای تأکید بر مطلب و نشان دادن اهمیت موجودات به آنها سوگند یاد می‌کند تا توجه انسان به سوی آنها جلب شود، «۱» هر چند سوگند انسان فقط با نام خدا معتبر است. ۲. مقصود از چیزهای دیدنی، همه‌ی محسوسات و عالم ظاهر است اما منظور از چیزهای نادیدنی، عالم غیب و باطنِ عالم همچون موجودات ذره‌بینی و فرشتگان و ارواح و نیز امواج صوتی و رنگ‌هایی است که در جهان وجود دارند، ولی ما آنها را نمی‌بینیم. ۳. مقصود از «رسول کریم» پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که فرستاده‌ی ارجمند خداست و قرآن به زبان ایشان جاری شده و به مردم رسیده است. پیامبری که شاعر و کاهن و پیش‌گو نبود، ولی کسانی همچون ابو جهل، او را شاعر می‌خواندند و افرادی همچون عقبه یا عتبه او را کاهن می‌نامیدند. ۴. «کاهن» کسی است که در اثر ارتباط با جن و شیطان، برخی اسرار را بازگو می‌کند، و «شاعر» کسی است که با تکیه بر خیال، مطالب خود را با وزن مخصوص بیان می‌کند به طوری که خیال و احساسات شنونده را برمی‌انگیزد ولی قرآن با غیب‌گویی و شعر تفاوت‌های اساسی دارد؛ محتوای قرآن عالی است و قابل تقلید و همانند آوردن نیست، در حالی که شعر و کهانت این‌گونه نیست. این محتوای عالی و اعجازآمیز قرآن ثابت می‌کند که آورنده‌ی آن شاعر و کاهن نیست. ۵. در این آیات بر مصونیت قرآن در ناحیه‌ی صدور و ابلاغ تأکید شده است؛ یعنی مصدر و منبع قرآن پروردگارِ جهانیان است و این آیات ساخته‌ی فکر بشر نیست و آورنده‌ی آن نیز شاعری خیال‌پرداز یا کاهنِ پیش‌گو نیست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها مهم است (در مورد آنها فکر کنید). ۲. قرآن با شعر و پیش‌گویی تفاوت اساسی دارد و باطل بودن این تهمت‌ها روشن است. ۳. قرآن از ناحیه‌ی منبع و رساننده مصون است؛ چون کلام الهی است که بر زبان پیامبری ارجمند جاری شده است. ۴. اهل باور و تذکّر کم هستند (شما از آنان باشید). *** قرآن کریم در آیات چهل و چهارم تا پنجاه و دوم سوره‌ی حاقّه به مصونیت پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن و ویژگی‌های آن و تکذیب‌گری مخالفان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۴- ۵۲. وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ* ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ* فَمَا مِنكُم مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ* وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ* وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُكَذِّبِينَ* وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ* وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ* فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ و اگر (بر فرض) برخی سخنان را به ما (به دروغ) نسبت می‌داد،* حتماً، با دست راست (قدرتمند)، او را گرفتار می‌ساختیم،* سپس رگ قلبش را مسلماً قطع می‌کردیم،* و هیچ یک از شما مانع آن (مجازات) نمی‌شد.* و قطعاً، آن (قرآن، مایه‌ی) یادآوری برای خودنگه‌داران است؛* و مسلماً، ما می‌دانیم که برخی از شما (آن را) تکذیب می‌کنید؛* و قطعاً، آن (مایه‌ی) حسرت بر کافران است؛* و مسلماً، آن (قرآن) حقّ یقینی است؛* پس به نام پروردگار

بزرگت تسبیح بگوی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به مصونیت قرآن و آورنده‌ی آن اشاره شده است؛ یعنی خدای متعال سیستمی را طراحی کرده است که آورنده‌ی وحی نمی‌تواند تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۴ مطلب دروغی را به جای آیه‌ی قرآن برای مردم بیان کند و اگر بر فرض پیامبر صلی الله علیه و آله بخواهد چنین کاری بکند بلا فاصله گرفتار مجازات الهی می‌شود. ۲. مقصود از «وَتین» رگ قلب، یعنی شاهرگی است که خون را به تمام بدن می‌رساند که اگر قطع شود بلا فاصله انسان می‌میرد. «۱» ۳. می‌دانیم که خدا جسم نیست، پس منظور از گرفتن پیامبر صلی الله علیه و آله با دست راست چیست؟ دست راست کنایه از قدرت است؛ چرا که کار با دست راست با قدرت بیش‌تری همراه است. ۴. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله بر خدا دروغ بندد، بلا فاصله کشته می‌شود، اما چرا مدعیان دروغین نبوّت بلا فاصله نابود نمی‌شوند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله دارای معجزه و دلایل روشن بود؛ بنابراین کج‌روی او با آگاهی است وعدّه‌ی زیادی را گمراه می‌سازد و مستحق مجازات فوری است. ولی کسی که ادعای باطل و بدون دلیل می‌کند، دروغگویی‌اش بر خردمندان روشن است و برای بقیه‌ی مردم نیز به تدریج روشن می‌شود؛ بنابراین نابودی فوری او لازم نیست. ۵. در این آیات به چند ویژگی قرآن اشاره شده است: الف) مایه‌ی یادآوری حقایق فطری توحید و معاد است که در این میان پارسایان و حقیقت‌جویان از آن بیش‌تر بهره می‌برند. ب) مایه‌ی حسرت کافران در رستاخیز می‌شود چون در آن صحنه پرده‌ها کنار می‌رود و آنان متوجه می‌شوند که چه نعمت بزرگی را از دست داده‌اند و به خاطر عمل نکردن به قرآن پشیمان و حسرت زده می‌شوند. ج) قرآن حقیقتی یقینی و یقین خالص و حق است که حقایق مطابق واقع را بیان می‌کند. «۲» ۶. برخی مفسران فرموده‌اند که سه مرحله برای یقین هست: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۵ الف) علم الیقین: مثل آن که انسان از دیدن دود، به وجود آتش یقین پیدا کند. ب) عین الیقین: مثلًا انسان شعله‌ی آتش را خود ببیند. ج) حق الیقین: مثلًا انسان مجاور یا داخل آتش برود و آن را کاملًا لمس کند. آری؛ قرآن در مرتبه‌ی حق الیقین است و حقایق را این‌گونه معرفی می‌کند، ولی با این حال کافران لجوج آن را تکذیب می‌کنند. ۷. تسبیح پروردگار به معنای تنزیه و پاک شمردن او از نقص و عیب است. پروردگار بزرگی که قرآن کامل را با این ویژگی‌ها برای بشر فرستاده است و این قرآن جلوه‌ی ذات و صفات بی‌عیب و نقص اوست، ولی با این حال افراد کوردل آن را تکذیب می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن از ناحیه‌ی آورنده محفوظ و تضمین شده است و هیچ مطلب دروغی در آن نیست. ۲. خدا از حریم قرآن، بدون تسامح و تساهل، دفاع می‌کند. ۳. پیام‌رسانان الهی و گویندگان قرآنی مراقب باشند که عمداً سخن خلاف نگویند (که مورد خشم الهی واقع می‌شوند). ۴. دروغ بستن بر خدا موجب هلاکت گوینده است. ۵. هنگام مجازات دروغ‌پردازان هیچ چیز مانع خدا نمی‌شود. ۶. قرآن کتابی یادآورنده‌ی (حقایق) و حقیقتی یقینی و موجب حسرت کافران (در رستاخیز) است. ۷. (در برابر نعمت قرآن) تسبیح الهی را فراموش نکنید. ۸. پارسایان از هدایت قرآن بیش‌تر بهره می‌برند و مخالفان لجوج حقایق آن را تکذیب می‌کنند (و از نور آن بی‌بهره می‌مانند). «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۲۷

بخش نهم: سوره‌ی معارج

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی معارج در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و دارای ۴۴ آیه، ۲۱۶ کلمه و ۱۰۶۱ حرف است. این سوره هفتاد و هشتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «حاقّه» و قبل از سوره‌ی «نبأ») و هفتادمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌انداز: «مَعارج»، «سأَلَ سائِل» و «واقِع». «معارج» به معنای نردبان‌ها و رتبه‌های بالا برنده است که در آیه‌ی

سوم این سوره آمده است و نام‌های دیگر این سوره از آیه‌ی اول آن الهام گرفته شده‌اند.

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس سوره‌ی معارج را قرائت کند، خدا ثواب کسانی را که امانات و عهد و پیمان خود را حفظ کرده، و بر نمازشان مواظبت می‌کنند، به او می‌دهد. «۱» البته خواندن سوره در صورتی مؤثر است که خواننده در راستای محتوای آن حرکت و به آن عمل کند. از این رو در این حدیث به ثواب عمل به دو آیه‌ی ۳۴ و ۳۲ این سوره اشاره شده است.

اهداف

اهداف: به نظر می‌رسد مهم‌ترین هدف این سوره یادآوری قیامت و عذاب الهی و هشدار کافران باشد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۰

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. بیان ویژگی‌های قیامت و مقدمات آن (در آیات ۶- ۱۵)؛ ۲. بیان حالات کفّار در قیامت (در آیات ۴۲ و ۴۳)؛ ۳. بیان صفات خوب و بد انسان‌ها که سبب بهشتی و جهنّمی شدن آنها می‌شود (در آیات ۱۷ - ۳۵)؛ ۴. تهدید منکران و مشرکان (در آیات ۳۶- ۴۴)؛ ۵. سخن از عروج ملائکه در روزهایی که هر کدام معادل پنجاه هزار سال است (در آیه‌ی ۴). ب) اخلاق: ۱. دعوت به صبر و پایداری (در آیه‌ی ۵)؛ ۲. دعوت به رعایت امانت و عهد، حفظ عفت و پاك‌دامنی و محافظت بر نماز (در آیات ۲۲- ۳۳)؛ ۳. تشویق به پرداخت حقوق مالی محرومان در اموال (در آیات ۲۴ و ۲۵). ج) احکام: بحثی درباره‌ی نمازهای دایمی (در آیه‌ی ۲۳). د) داستان: گزارش از مجازات کسی که تقاضای عذاب داشت و واقع شد (در آیات ۱ و ۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۱

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی معارج قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی معارج به درخواست عذاب توسط برخی افراد و حتمی بودن وقوع آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۳. سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ* لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ* مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ خواهنده‌ای عذاب واقع شدنی را درخواست کرد.* برای کافران هیچ دفع‌کننده‌ای از آن نیست.* از طرف خدای صاحب درجات. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد آیه‌ی اول این سوره دو تفسیر شده است: الف) شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسش نمود که این عذاب الهی بر چه کسی واقع می‌شود؟ آیه‌ی بعد به او پاسخ داد که عذاب مخصوص کافران است. «۱» ب) پیامبر صلی الله علیه و آله از خدا درخواست عذاب کفار را کرد، که واقع شد. البته مانعی ندارد که این آیه به هر دو مورد اشاره داشته و به مناسبت دو واقعه نازل شده باشد. ۲. «معارج» به معنای پله یا جای صعود است و در این جا اشاره به درجات و مقامات فرشتگان است که در آن درجات به سوی قرب خدا می‌روند. «۲» البته ممکن است معارج اشاره به همه‌ی کارها و مخلوقات الهی باشد که دارای درجات و مراحل هستند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب کافران حتمی است. ۲. لجوجانه درخواست عذاب نکنید که واقع می‌شود. ۳. کارها و مخلوقات الهی درجه‌بندی و مرحله‌بندی (و منظم) شده‌اند. *** قرآن کریم در آیات چهارم تا نهم سوره‌ی معارج به ویژگی‌های رستاخیز، همچون طولانی بودن و نزدیك بودن آن و حوادث آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۴- ۹. تَعْرُجُ الْمَلَائِکَةُ وَالرُّوحُ إِلَیْهِ فِی یَوْمٍ کَانَ مِقْدَارُهُ أَ لْفَ سَنَةٍ* فَاصْبِرْ صَبْراً جَمِیلًا* إِنَّهُمْ یَرَوْنَهُ بَعِیداً* وَنَرَاهُ قَرِیباً* یَوْمَ تَکُونُ السَّماءُ کَالْمُهْلِ* وَتَکُونُ الْجِبَالُ کَالْعِهْنِ فرشتگان و روح، در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است، به سوی او بالا می‌روند.* پس باشکیبایی نیکو شکیبا باش؛* [چرا] که آنان آن (روز) را دور می‌بینند،* و (ما) آن را نزدیک می‌بینیم.* روزی که آسمان همچون روغن (یا فلز) گداخته می‌شود،* و کوه‌ها همانند پشم رنگین (زده شده) می‌شوند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات زمان رستاخیز را پنجاه هزار سال اعلام کرده است. این عدد یا عدد واقعی است، یعنی هر چند نظام منظومه‌ی شمسی در رستاخیز درهم می‌ریزد و سال‌های معمولی که معادل گردش زمین به دور خورشید است وجود ندارد، ولی زمان رستاخیز به اندازه‌ی پنجاه هزار سال فعلی ماست «۱» و یا مقصود از این عدد، تکثیر است، یعنی رستاخیز بسیار طولانی است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۳ ۲. چرا در برخی آیات قرآن آمده است که زمان رستاخیز یک هزار سال است «۱» ولی در این جا پنجاه هزار سال گفته شده است؟ در احادیث روایت شده که رستاخیز پنجاه ایستگاه و موقف دارد که هر موقف به اندازه‌ی یک هزار سال است. «۲» ۳. طولانی و کوتاه بودن رستاخیز نسبی است؛ یعنی نسبت به کافران و ستمکاران، بسیار دراز و معادل پنجاه هزار سال است، اما نسبت به مؤمنان، کوتاه و آسان و کم‌تر از یک نماز واجب در دنیاست. این مطلب در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است. «۳» ۴. در این آیات از عروج و صعود فرشتگان به سوی خدا یاد شده است. روشن است که این صعود روحانی و معنوی است نه جسمانی. آری؛ فرشتگان در آن روز عروج می‌کنند و آماده‌ی اجرای دستورات الهی می‌گردند. ۵. مقصود از «روح» در این آیات همان «روح الامین»، فرشته‌ی بزرگ الهی است که در سوره‌ی قدر نیز به او اشاره شده است. «۴» ۶. این آیات پیامبر صلی الله علیه و آله را به «صبر جمیل» فرا می‌خواند. مقصود شکیبایی و استقامتی است که تداوم داشته باشد و نومیدی در آن راه نیابد و همراه شکوه و بیتابی نباشد. «۵» ۷. مخالفان، رستاخیز را دور می‌پندارند و از این رو جرأت و جسارت بر گناه پیدا می‌کنند، اما خدا رستاخیز را نزدیک می‌داند. آری؛ مدت عمر دنیا در برابر عمر طولانی نظام هستی بسیار کوتاه است، از این رو رستاخیز بسیار نزدیک است. کافران بینند آن را بس بعید ما بسی بینیم نزدیک آن وعید ۸. در این آیات به چهار ویژگی رستاخیز اشاره شده است: الف) بسیار طولانی است. ب) نزدیک است. ج) در رستاخیز نظام فعلی جهان درهم می‌ریزد و آسمان‌ها با همه‌ی کرات و سیارات و ستارگان به صورت فلز گداخته در می‌آیند. د) کوه‌ها همچون پشم رنگین زده شده می‌شوند. آری، در آن روز آسمان‌ها متلاشی و کوه‌ها خرد و ریز ریز و در هوا منتشر می‌گردند و جهانی نوین ایجاد می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز بسیار طولانی است (پس برای آن روز آماده شوید). ۲. رستاخیز روز عروج فرشتگان است. ۳. رهبران الهی باید به خوبی شکیبایی ورزند (و منتظر روز داوری باشند). ۴. بر خلاف پندار مخالفان، رستاخیز نزدیک است. ۵. در رستاخیز نظم و نظام کنونی جهان در هم فرو می‌ریزد (و نظمی نوین برپا می‌شود). *** قرآن کریم در آیات دهم تا هجدهم سوره‌ی معارج به حالات خلافکاران در رستاخیز و تنهایی آنها و فرجام عذاب‌آلودشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰- ۱۸. وَلَا یَسْأَلُ حَمِیمٌ حَمِیماً* یُبَصَّرُونَهُمْ یَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ یَفْتَدِی مِنْ عَذَابِ یَوْمِئِذٍ بِبَنِیهِ* وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِیهِ* وَفَصِیلَتِهِ الَّتِی تُؤْوِیهِ* وَمَن فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً ثُمَّ یُنجِیهِ* کَلَّا إِنَّهَا لَظَی نَزَّاعَةً لِلشَّوَی تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّی وَجَمَعَ فَأَوْعَی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۵ و هیچ (دوست) گرم نزدیکی از (دوست) گرم نزدیک (خود) پرسش نمی‌کند.* آن (دوست) ها به آنان نشان داده می‌شوند؛ خلافکار آرزو می‌کند که (برای نجات) از عذاب آن روز پسرانش را تاوان دهد.* و (نیز) همسرش و برادرش را،* و (نیز) خویشاوندانش که او را پناه می‌دادند،* و (نیز) کسانی را که در زمین هستند، جملگی (تاوان دهد)، سپس او را نجات دهد.* هرگز چنین نیست؛ در واقع آن (دوزخ) شعله‌ی آتشین است!* در حالی که بر کننده‌ی پوست سر و بدن بریان شده است.* (دوزخ) فرا می‌خواند کسی را که پشت کرده و روی برتافته،* و (نیز کسانی را که اموال را) جمع کرده و ذخیره کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خلافکاران در رستاخیز تنها و بی‌یاورند، کسانی که دوستان صمیمی خود را می‌بینند ولی آن‌قدر هراسان و گرفتار کار خویش‌اند که به سراغ آنان نمی‌روند و آن صحنه چنان وحشتناک است که آنان

آرزو می‌کننـد ای کاش می‌شـد عزیزان خویش، بلکه تمام مردم دنیا را فـدا کننـد و از این عـذاب نجات یابند، ولی هرگز این آرزو برآورده نمی‌شود؛ چون وقت عمل گذشـته است و از کسـی تاوان قبول نمی‌شود و رستاخیز روز نتیجه‌گیری از کارهای دنیاست. ۲. «لظی به معنای شعله‌ی خالص آتش، یکی از نام‌های رستاخیز نیز هست که در آیه‌ی فوق ممکن است به هر دو معنا باشد. ۳. در این آیات به چنـد عامل عذاب خلافکاران اشاره شده است: الف) آنان به دسـتورات الهی پشت می‌کردند و از آن روی برمی‌تافتند. ب) آنان ثروت می‌انباشـتند ولی در راه خـدا مصـرف نمی‌کردند و به بینوایان کمک نمی‌کردند؛ از این رو گرفتار آتش شدند. ۴. آتش خلافکاران را با زبان حال یا زبان قال فرا می‌خوانـد. آری؛ کسانی که در دنیا به فراخوان رهبران الهی توجه نمی‌کننـد و درخواسـت فقیران را بی‌پاسخ می‌گذارنـد، در رسـتاخیز بایـد به فراخـوان و درخواست آتش پاسخ مثبت دهنـد و خواه نـاخواه در دوزخ جـای می‌گیرند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رسـتاخیز روز تنهایی و بی‌یاوری مجرمان است. ۲. در رسـتاخیز از کسی تاوان پذیرفته نمی‌شود. ۳. پاسـخ مثبت نـدادن به فراخوان الهی در دنیا و جمع ثروت بدون انفاق، از عوامل عذاب است. ۴. خلافکاران آن‌قدر خودپسـند هستند که حاضرند همه‌ی مردم دنیا را فدای خود کنند. *** قرآن کریم در آیات نوزدهم تا بیست و یکم سوره‌ی معارج به صـفات طبیعی انسان‌های تربیت نایافته اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱۹– ۲۱. إِنَّ الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً در حقیقت، انسان آزمنـد و کم‌طاقت آفریـده شـده است؛* هنگامی که بدی به او برسـد بی‌تابی می‌کند،* و هنگامی که نیکی به او برسد مانع (اسـتفاده‌ی دیگران) می‌شود، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سه صفت «آزمنـدی، بی‌تـابی و بُخـل» انسان اشاره شـده که به طور طبیعی در انسان آفریـده شده‌انـد و همه‌ی آنها از شاخه‌های حُب ذات‌انـد؛ یعنی چون انسان خود را دوست دارد، همه چیز را برای خویش می‌خواهد و در برابر مصیبت‌هایی که به او می‌رسد بی‌تابی می‌کند. که در طبع انسان بود این صفات حریص است و بی‌صبر اندر حیات (مجد) ۲. برخی آیات قرآن آفرینش انسان را به بهترین صورت معرفی کرده «۱» و گاهی او را خلیفه و جانشین خـدا خوانـده است، پس چگونه می‌شود که این صـفات بـد در وجود انسان باشد و مستحق سرزنش شود؟ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۷ در برابر این پرسش چند پاسخ داده‌اند: الف) این صفات ذاتاً بد نیسـتند بلکه غرایز و نیروهایی هسـتند که می‌توانند وسیله‌ی کمال یا سقوط انسان شوند. اگر انسان از نیروی «حرص» برای جمع مال و منع انفاق اسـتفاده کند، گرفتار آزمندی و بخل می‌شود ولی اگر از همین نیرو، در مسیر دانش اسـتفاده کند، عاشق و تشـنه‌ی علم می‌شود و مراتب کمال را می‌پیماید. ب) این صـفات به طور طبیعی در انسان هسـتند و اگر انسان در پرتو وحی تربیت نشود هم‌چون علف هرز با جهات ناپسـند رشد می‌کند، اما اگر در پرتو وحی تربیت شود همین صـفات را کنترل می‌کند و انسانی شایسته می‌شود. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. انسـان (تربیت نایـافته) ذاتاً حریص، بی‌تاب و بخیل است. ۲. خُلق انسـان تابع خَلق اوست (و برخی صـفات در آفرینش انسان به طور طبیعی وجود دارد). ۳. صـفات بد ذاتی خویش را بشناسید (و آن را کنترل و هدایت کنید). *** قرآن کریم در آیـات بیست و دوم تـا سـی و پنجم سوره‌ی معـارج به صـفات انسان‌هـای تربیت یـافته و نمازگزاران حقیقی و فرجام نیکوی آنان اشـاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۲۲ – ۳۵. إِلَّا الْمُصَـلِّينَ* الَّذِيـنَ هُـمْ عَلَى صَـلَاتِهِمْ دَائِمُـونَ* وَالَّذِيـنَ فِي أَمْـوَالِهِمْ حَـقٌّ مَعْلُـومٌ* لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ* وَالَّذِينَ يُصَـدِّقُونَ بِيَوْمِ الـدِّينِ* وَالَّذِينَ هُم مِنْ عَـذَابِ رَبِّهِم مُشْـفِقُونَ* إِنَّ عَـذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ* وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ* إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ* فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْعَادُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْـدِهِمْ رَاعُونَ* وَالَّذِينَ هُم بِشَـهَادَاتِهِمْ قَـائِمُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَـلَاتِهِمْ يُحَـافِظُونَ* أُولئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۸ مگر نمازگزاران؛* (همان) کسانی که آنان بر نمازشان مـداومت می‌ورزند* و کسانی که در اموالشان حـق معیّنی اسـت،* برای درخـواست کننـده و محروم،* و کسـانی کـه روز جزا را تأییـد می‌کننـد،* و کسـانی کـه آنـان از عـذاب پروردگارشان بیمناک‌انـد،* [چرا] که از عذاب پروردگارشان ایمنی نیست،* و کسانی که آنان دامانشان را (در امور جنسـی) حفظ می‌کنند،* مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند، که در حقیقت، آنان (در این موارد) سرزنش نمی‌شوند.* و

کسانی که فراتر از این می‌جویند، پس تنها آنان تجاوزگرند.* و کسانی که آنان امانت‌هایشان و پیمان‌هایشان را رعایت می‌کنند،* و کسانی که آنان (برای ادای) گواهی‌هایشان ایستاده‌اند،* و کسانی که آنان بر نمازشان مواظبت می‌نمایند؛* آنان در بوستان‌های (بهشتی)، گرامی داشته شده‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دوازده ویژگی انسان‌های تربیت یافته در پرتو وحی و نمازگزاران واقعی اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) نمازگزارند؛ ب) بر نماز خود مداومت می‌ورزند و نمازهای مستحبی را که انتخاب کرده‌اند، مرتب انجام می‌دهند؛ ج) آنان به بینوایان جامعه رسیدگی می‌کنند؛ د) آنان معاد باورند؛ ه) از عذاب الهی بیمناک‌اند و خود را مبرای از خطا و گناه و ایمن نمی‌دانند. و) پاک‌دامن‌اند؛ غریزه‌ی جنسی خود را از طریق صحیح ارضا می‌کنند و تجاوزگر و اهل فساد و فحشا نیستند؛ ز) امانت‌دارند؛ ح) به عهد و پیمان خود با خدا و خلق پای‌بندند؛ ط) کتمان شهادت نمی‌کنند و در موارد لزوم گواهی می‌دهند؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۳۹ ی) بر انجام نمازهای واجب خود محافظت می‌کنند که صحیح، کامل و به موقع انجام گیرد؛ ک) فرجامی بهشتی دارند؛ ل) در آخرت ارجمند و گرامی خواهند بود. ۲. دقت در این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که انسان‌های تربیت یافته در پرتو وحی از چند جهت برجسته هستند. الف) ارتباط محکم با خدا دارند و از طریق استمرار و محافظت نماز این پیوند را حفظ می‌کنند؛ ب) معاد باورند و از عذاب الهی بیم‌ناک‌اند؛ ج) ارتباط با خلق دارند و از طریق کمک به بینوایان این پیوند را حفظ می‌کنند؛ د) در روابط اجتماعی خود مسئولانه عمل نموده، عهد و امانت را رعایت می‌کنند، به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کنند و در مواقع لزوم به نفع حق گواهی می‌دهند. ه) آنان روابط جنسی قانونمند دارند و پاک‌دامن‌اند. کسانی که نسبت به مبدأ و معاد و مردم، عقاید و چنین رفتار نیکویی دارند، در رستاخیز نیز اهل بهشت و گرامی‌اند و این صفات نمازگزاران واقعی است. آری؛ نماز واقعی، انسان را از غرایز طبیعی و پست نجات بخشیده به سوی کمال و تعالی سوق می‌دهد. ۳. منظور از مداومت بر نماز آن نیست که در کلّ شبانه روز نماز بخوانند، بلکه آن است که در اوقات معین نماز را به جا می‌آورند و ارتباط مستمر با پروردگار دارند، که این عبادت مستمر روح و جان آنان را پرورش می‌دهد و مانع غفلت و غرورشان می‌شود. خوشا آنان که دایم در نمازند. ۴. در مورد این آیه از امام باقر علیه السلام روایت شده که منظور آیه آن است که هرگاه انسان چیزی از نمازهای مستحبی را بر خود لازم شمرد، آن را ادامه دهد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۰ و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که محبوب‌ترین اعمال نزد خدا چیزی است که ادامه داشته باشد، هرچند کم باشد. «۱» ۵. مقصود از محافظت بر نماز، آن است که انسان نمازهای واجب خود را به موقع و با آداب و شرایط و با حضور قلب ادا کند و در احادیث نیز تذکر داده شده که محافظت بر نماز اشاره به نمازهای واجب است. «۲» ۶. مقصود از «حقّ معلوم» در اموال آن است که انسان چیزی غیر از زکات، در اموال خود در نظر بگیرد و به نیازمندان بدهد. «۳» و در احادیث، ذیل آیه‌ی فوق سفارش شده که انسان از ثروت خود به خویشاوندان بدهد و مشکلات آنها را حل کند. «۴» ۷. «سائل» نیازمندی است که حاجت خود را ابراز می‌کند و در اصطلاح فارسی به او «گدا» می‌گویند، اما «محروم» نیازمندی است که تلاش می‌کند ولی در زندگی مشکلات دارد و آن را ابراز نمی‌کند «۵» که البته باید به هر دو گروه امداد رسانی کرد. ۸. انسان‌های تربیت یافته در پرتو وحی، معاد را تأیید می‌کنند و به آن تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۱ اعتقاد دارند و همیشه توجه دارند که حساب و کتاب و کیفر در پیش است و «۱» از این رو وظایف الهی خود را انجام می‌دهند و از گناه می‌پرهیزند؛ به عبارت دیگر تصدیق علمی و عملی نسبت به معاد دارند. ۹. انسان‌های تربیت یافته از عذاب الهی می‌هراسند و خود را ایمن نمی‌دانند؛ یعنی احساس مسئولیت می‌کنند و نیکی‌های خود را کوچک و گناهان و خطاهای خود را بزرگ می‌شمارند و از این رو از عذاب خدا بیمناک‌اند ولی در همان حال به رحمت او امیدوارند. ۱۰. از امام علی علیه السلام روایت شده که به فرزندش سفارش کرد: آن‌چنان از خدا بیمناک باش که اگر تمام نیکی‌های مردمِ روی زمین را انجام دهی، احتمال دهی از تو نمی‌پذیرند و آن‌چنان به خدا امیدوار باش که اگر تمام بدی‌های مردم روی زمین را انجام داده باشی، احتمال دهی که خدا تو را می‌آمرزد. «۲» ۱۱. در این آیات به حفظ تعادل در غریزه‌ی جنسی انسان

اشاره شـده است؛ یعنی از طرفی راه ازدواج و ارضای غریزه را بازمی گـذارد و از طرف دیگر مسئله‌ی پاک‌دامنی را مطرح می کنـد. «۳» یعنی اسـلام نه با سرکوب غریزه‌ی جنسـی موافق است و نه با بی‌بندوباری و تجاوزگری. ۱۲. کنیزان کسانی هسـتند که انسان به همسری خود برمی گزینند و حقوق قانونی همسر انسان را دارند، هرچند آزاد نیستند، البته در جهان فعلی کنیزداری وجود ندارد. «۴» ۱۳. یکی از صـفات انسان‌های تربیت یافته و نمازگزاران واقعی آن است تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۲ که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می کننـد. امانت هم شامل امانت‌های مادی مردم می‌شود و هم امانت‌ها و نعمت‌های الهی هم‌چون مقامات حکومـتی و دین و قرآن. «۱» و پیمـان هم پیمان‌هـای انسان با مردم را شامل می‌شود و هم، پیمان‌های الهی، هم‌چون ایمان به خـدا و پیامبر صـلی الله علیه و آله؛ یعنی نمازگزار واقعی به مسـئولیت‌های اجتماعی خویش پای‌بند است. ۱۴. در این آیـات بر گواهی دادن تأکیـد شـده و در برخی آیات کتمان شـهادت گناه شـمرده شده است. «۲» ادای شـهادت و گـواهی حق موجب می‌شود که حقوق فردی و اجتمـاعی مردم پای‌مـال نشود و عـدالت اجرا گردد. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. نمازگزاران حقیقی صـفاتی عالی دارنـد. ۲. نماز مـداومت و محافظت می‌خواهد. ۳. نمـازگزار حقیقی همـان طور که بـا خـدا ارتبـاط دارد، از طریق کمک به مردم، با خلق خـدا نیز ارتباط دارد. ۴. در ثروت خویش سهم معینی برای فقرا قرار دهید. ۵. همان طور که به گدایان کمک می کنید به نیازمندان آبرومند نیز کمک کنید. ۶. اگر می‌خواهیـد جزء نمازگزاران حقیقی به شـمار آییـد معادباور و از عذاب الهی بیمناک باشـید و خود را ایمن ندانید. ۷. اگر می‌خواهید جزء نمازگزاران حقیقی باشـید، پاک‌دامن باشید. ۸. در مورد غریزه‌ی جنسـی، متعادل عمل کنید نه آن را سرکوب کنیـد و نه بی‌بنـد و بار رهایش سازید. ۹. ازدواج کردن چیز نکوهیـده‌ای نیست. تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۲۴۳ ۱۰. بی‌بنـدوباری جنسـی نوعی تجاوز (به حقوق اجتماعی و مرزهای الهی) است. ۱۱. اگر می‌خواهید نمازگزار حقیقی باشـید، امانت‌دار باشـید و پیمان‌شکنی نکنید. ۱۲. اگر می‌خواهید نمازگزار حقیقی باشـید کتمان شـهادت نکنید و به حق گواهی دهید. ۱۳. اگر می‌خواهیـد فردی ارجمنـد و اهل بهشت باشـید، نمازگزار حقیقی شویـد. *** قرآن کریم در آیات سـی و شـشم تا سـی و نهم سوره‌ی معارج به طمع مخالفان اسـلام برای ورود به بهشت پاسـخ می‌دهد و می‌فرماید: ۳۶- ۳۹. فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ* عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ* أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَن يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ* كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِمَّا يَعْلَمُونَ پس چه شده برای کسانی که کفر ورزیدنـد کـه شـتابان روبه توآرنـد،* از راست و از چپ، گروه گروه؟!* آیـا هر مردی از آن (کـافر) هـا طمع می‌ورزد که در بوستان پرنعمت (بهشت) درآورده شود؟!* هرگز چنین نیست؛ در حقیقت، ما آنان را از آنچه می‌دانند آفریده‌ایم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هنگـامی کـه پیـامبر صـلی الله علیـه و آله آیـات معـاد و بهشت را برای مسـلمانان می‌خواندنـد، برخی از مشـرکان مکه نزد ایشـان می‌آمدنـد و می گفتنـد: اگر معـادی در کـار باشـد وضع مـا از این مؤمنان بهتر است، همان طور که وضع ما در این دنیا از آنان بهتر است. قرآن کریم در آیـات فوق به این طمع‌کاران پاسـخ داد که هرگز چنین نیست و کافران وارد بهشت نمی‌شونـد. «۱» ۲. یکی از روش‌هـای تربیتی قرآن شـیوه‌ی مقایسه و مقابله است. در آیات پیشـین به فرجام بهشتی مؤمنان اشاره شـده و در این آیات بیان شـده است که کـافران، داخـل بهشت نمی‌شونـد. تصویر این دو فرجام در برابر تفسـیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۲۴۴ هم‌دیگر به مخاطب قرآن آگاهی و قـدرت انتخاب می‌دهد. ۳. برخی از مشـرکان معاد جسـمانی را قبول نداشـتند، اما برخی دیگر اصل معاد را قبول داشـتند و یا به صورت احتمالی از آن بحث می کردنـد و می‌پنداشـتند که ثروت و رفاه آنان در این دنیا دلیل مقام بلند آنها نزد خـداست، پس در رسـتاخیز نیز اهل بهشت خواهنـد بود. در حالی که همه‌ی این‌ها برای امتحان و نوعی مهلت دادن به کافران بود و بهشت را براساس عقیـده و عمل شایسـته می‌دهنـد، نه بر اساس مقـدار ثروت و مقام دنیوی. ۴. این آیات در پاسـخ کافران طمع‌کار اشـاره می کنـد که آنـان از نطفه‌ای بی‌ارزش آفریـده شده‌انـد، پس این همه غرور و سرکشـی برای چیست؟! ارزش انسان به ایمان و عمـل صالـح است که کافران ندارنـد، پس طمع ورود به بهشت را نداشـته باشـند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران طمع کارنـد. ۲. حتی کافران نیز آرزوی بهشت دارند. ۳. کافران امیدی به بهشت نداشته باشند. ۴. کافران به آفرینش خود بنگرند تا طمع‌کار نشوند. ***

قرآن کریم در آیات چهلم تا چهل و چهارم سوره‌ی معارج با سوگنـد و تأکیـد به کافران در مورد تغییر اقوام در دنیا و روز هولناك رستاخیز هشـدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۰- ۴۴. فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ* عَلَى أَن نُبَدِّلَ خَيْراً مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ* فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ* يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعاً كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ* خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذلِکَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۵ و سوگند یاد می‌کنم به پروردگـار خـاوران و بـاختران! که قطعاً مـا تواناییم،* بر این‌که بهتر از آنان را جای‌گزین کنیم؛ و ما پیشـی گرفته شـده (و مغلوب) نیستیم. * پس آنان را رهاکن تا (در باطل) فرو رونـد و بازی کنند تا این‌که روز (رسـتاخیز) شان را که وعده داده می‌شوند، ملاقات کنند.* (همان) روزی که از قبرها به سرعت خارج می‌شوند، چنان‌که گویی آنان به سوی بت‌های سنگی روانه می‌شوند؛* در حالی کـه دیـدگانشان (از وحشـت) فروتـن اسـت، [و] خـواری آنـان را فرا گرفته است! این روزی است که وعـده داده می‌شـد. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. این آیات به کافران هشـدار می‌دهد و قدرت خدا را به رخ آنان می‌کشد و می‌فرماید ما می‌توانیم شـما را از بین ببریم و گروه بهتری را به جای شما قرار دهیم ولی نمی‌خواهیم؛ خدا می‌خواهد شما را رها سازد تا به گناه و سرکشی ادامه دهید تا رستاخیز فرا رسـد و گرفتار عـذاب خوارکننده شوید. ۲. سوگنـد خـدا به مشـرق‌ها و مغرب‌ها، برای تأکیـد بر مطلب و نشان دهنـده‌ی اهمیت مشـرق‌ها و مغرب‌هـای متعـدد است و به نوعی توجه انسـان را به وجود آنها جلب می‌کنـد تا در مورد آنها مطالعه کننـد و نشانه‌های خدا را دریابد. ۳. مشـرق به مکان طلوع خورشید و مغرب به مکان غروب آن گفته می‌شود که براساس حرکت زمین به دور خود به وجـود می‌آیـد. هر بـار یـک نیـم‌کره‌ی زمیـن در برابر نـور خورشـید قرار می‌گیرد و بـا تـوجه بـه حرکـت مـداوم زمین، مغرب‌هـا و مشـرق‌های زیادی داریم که در هر سـرزمین متفاوت است و نیز در طول سال تغییر می‌کنـد. اما دو مشـرق و مغرب ممتاز وجود دارد که یکی در آغاز تابسـتان، یعنی حد اکثر اوج خورشید در مدار شمالی و یکی در آغاز زمستان در حد اقل پایین آمدن خورشید در مـدار جنوبی است. از این رو گاهی قرآن به مشـرق و مغرب اشاره می‌کنـد «۱» و گـاهی به مشـرق‌ها و مغرب‌ها، که هر دو اشاره‌ای علمی دارنـد. تفسیر قرآن مهر جلـد بیسـت و یکم، ص: ۲۴۶ ۴. اگر کسـی اهل منطق و اسـتدلال نباشـد و بر کفر و شـرک لجاجت ورزد، خدا او را رها می‌کند تا در غفلت و باطل فرو رود و به بازی دنیا مشـغول شود تا رسـتاخیز فرا رسد و گرفتار گردد. آری؛ این یکی از انواع عذاب‌های الهی است که به نام سنت و روش مهلت دادن (امهال یا استدراج) نامیده می‌شود. ۵. در این آیات بیان شده که هنگام بیرون آمـدن کافران از قبرها، چند اتفاق جالب رخ می‌دهد: الف) آنان با سـرعت می‌دوند، چنان‌که گویی به سوی بت‌ها یا پرچم‌هایشان روان‌انـد. «۱» ب) چشم‌هایشـان (از وحشـت) فروتـن شـده اسـت. ج) ذلت و خـواری آنـان را فرا گرفته است. آری؛ کسانی که در دنیا متکبر بودنـد و دیگران را خوار می‌کردند و در راه خدمت به بت‌ها می‌کوشیدند در آخرت نیز همان راه را ادامه می‌دهند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وجود مشرق‌ها و مغرب‌های متعدد با اهمیت (و قابل مطالعه) است. ۲. در برابر خدا سرکشی نکنید که او می‌تواند بهتر از شما را جایگزین‌تان کند. ۳. یکی از عذاب‌های الهی رها کردن افراد به حال خود است. ۴. مراقب باشید در باطل فرو نرویـد و مشـغول بـازی دنیـا نشویـد که گرفتـار عـذاب رسـتاخیز می‌شویـد. ۵. رسـتاخیز روز شـتاب‌زدگی و خـواری کـافران و معادناباوران است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۴۷

بخش دهم: سوره‌ی نوح

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «نوح» در مکه نازل شـده و دارای ۲۸ آیه، ۲۲۴ کلمه و ۹۲۹ حرف است. این سوره هفتـادمین سوره در ترتیب نزول

(بعـد از سوره‌ی «نحـل» و قبـل از سوره‌ی «ابراهیم») و هفتـاد و یکمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنهـا نام این سوره، «نُوح» است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از پیامبر صـلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس سوره‌ی «نوح» را قرائت کند از مؤمنانی به شـمار می‌آید که دعوت نوح پیامبر به آنان رسیده است. «۱» البته این گونه آثار برای کسانی است که این سوره را بخوانند و به آن عمل کنند.

اهداف

اهداف: کل سوره‌ی نوح بیان داستان نوح و برخوردها و مباحثات او با کافران است و هدف آن بیان نشانه‌های خدا و عذاب الهی بر اهل باطل و هشدار به مشرکان مکه و تسلی به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان است.

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. دعوت به پرسـتش خدا (در آیه‌ی ۳)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۰ ۲. بیان نشانه‌های خدا در جهـان آفرینش (در آیـات ۱۵- ۲۰)؛ ۳. یـادی از عـذاب دنیـوی قوم نوح و عـذاب اخروی آنهـا (در آیه‌ی ۲۵). ب) اخلاق: ۱. دعوت به تقوا (در آیه‌ی ۳)؛ ۲. بیان رفتار تکبرآمیز مشرکان در مقابل پیامبران (در آیه‌ی ۸)؛ ج) داستان: گزارش مفصلی از داستان نوح و هشـدارها و مباحثـات او با قومش و سـپس نفرین او به کافران (در آیات ۱- ۲۸)؛ در ضـمن این داستان گزارش جالبی از نام بت‌های مشرکان و اصرار آنان بر بت‌پرستی آمده است (آیه‌ی ۲۳). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۱

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی نوح قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی نوح به اهـداف رسالت نوح علیه السـلام و تأثیر دین‌پذیری در آمرزش گناهان و طول عمر انسان‌ها اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱- ۴. إِنَّا أَرْسَـلْنا نُوحاً إِلَی قَوْمِهِ أَنْ أَنـذِرْ قَوْمَکَ مِن قَبْلِ أَن یَأْتِیَهُمْ عَـذَابٌ أَلِیمٌ* قَـالَ یَـاقَوْمِ إِنِّی لَکُمْ نَـذِیرٌ مُّبِینٌ* أَنِ اعْبُـدُوْا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِیعُونِ* یَغْفِرْ لَکُم مِّن ذُنُوبِکُمْ وَیُؤَخِّرْکُمْ إِلَی أَجَلٍ مُسَـمًّیً إِنَّ أَجَـلَ اللَّهِ إِذَا جَـاءَ لَـا یُؤَخَّرُ لَوْ کُنتُمْ تَعْلَمُونَ در حقیقت، ما نوح را به سوی قومش فرسـتادیم که: «قومت را هشـدار ده، پیش از آن‌که عـذاب دردناکی به سـراغشان آیـد.»* گفت: «ای قوم من! در حقیقت، من برای شـما هشدارگری روشـنگرم،* که خدا را بپرستید و خودتان را از [عذاب او حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید.* تا بخشـی از پیامدهای (گناهان) تان را برای شما بیامرزد و (مرگ) شما را تـا سـرآمد معیّنی به تـأخیر انـدازد؛ [چرا] که هنگـامی که سـرآمد (مرگ حتمی) الهی فرارسـد، به تـأخیر افتـاده نمی‌شود، اگر شـما می‌دانستیـد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نوح علیه السـلام یکی از پیـامبران بزرگ الهی بود که مـدت زیادی در میان قوم خویش زنـدگی کرد و مردم را به سوی توحیـد وتقوا فرا خوانـد، ولی قوم کـافر در برابر او لجـاجت کردنـد و پس از صـدها سـال تبلیغ، تنها عـده‌ی انـدکی به او ایمان آوردند. نام این پیامبر الهی ۴۳ بار در قرآن آمـده و در ۲۹ سوره‌ی قرآن در مورد او سـخن گفته شده است. «۱» تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۲ ۲. در این آیات به اهـداف رسالت نوح اشاره شـده که عبارت‌انـد از: الف) هشدار به مردم قبل از رسـیدن عذاب الهی؛ ب) فراخوان به سوی پرسـتش خدا؛ ج) فراخوان به سوی تقوا و خودنگه‌داری از گناه؛ د) فراخوان به سوی اطاعت از رهبر الهی و دسـتورات دینی. ۳. در این آیات چنـد نتیجه برای دین‌پذیری بیان شده است: الف) آمرزش گناهان؛ ب) طولـانی شـدن عمر انسان. شایـد یکی از دلایل این امر آن باشـد که پرسـتش خـدا و عمل به دسـتورات دینی موجب آرامش و

بهداشت روانی انسان می‌شود که سلامت روانی و طول عمر انسان را به دنبال دارد. ۴. گناه موجب کوتاهی عمر انسان می‌شود، چرا که گناهان بر جسم و روح انسان ضربه می‌زنند. از امام صادق علیه السلام روایت شده: کسانی که بر اثر گناه می‌میرند بیش از کسانی هستند که به مرگ طبیعی از دنیا می‌روند و کسانی که بر اثر نیکوکاری عمر طولانی پیدا می‌کنند، بیش از کسانی هستند که بر اثر عوامل طبیعی عمرشان زیاد می‌شود! «۱» ۵. اجل و سررسید عمر انسان دو گونه است: یکی اجل معین و نهایی که قابل تغییر نیست؛ چون هر انسانی به طور طبیعی خواهد مرد و یا عذاب حتمی الهی به او خواهد رسید. دوم اجل مُعلّق یا مشروط و نزدیک که قابل تغییر است و یکی از عواملی که آن را به تأخیر می‌اندازد و عمر را طولانی می‌کند، پرستش، تقوا و پیروی از رهبر الهی است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۳ ۶. این یک قاعده است که هر کس ایمان بیاورد و از دستورات رهبر اسلام اطاعت کند، گناهان قبلی او آمرزیده می‌شود. بر این قاعده در سخنان نوح علیه السلام اشاره شده بود و در اسلام نیز تحت عنوان قاعده‌ی «اسلام ما قبل آن را جبران می‌کند.» از آن یاد می‌شود؛ از این رو برخی مفسران گفته‌اند که این قاعده‌ی عمومی در همه‌ی ادیان است. ۷. در این آیه نوح علیه السلام مردم را به پیروی از خود دعوت می‌کند. این دعوت در حقیقت دعوت به پیروی از دستورات الهی است نه دعوت به خود، چون پیامبر چیزی جز دستورات الهی را بیان نمی‌کنند. ۸. در این آیات بر هشدارگری نوح تأکید شده است با آن که پیامبران دو وظیفه‌ی بشارت و هشدار دارند؛ شاید بدین خاطر که هشدار تأثیر بیش‌تری دارد و ضامن اجرای قوانین است و یا به خاطر خصوصیت قوم لجوج نوح. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از اهداف رهبران الهی هشدار دادن به مردم است. ۲. (رهبران و مبلغان دینی) هشدارگری شما همراه با روشنگری باشد. ۳. مبلغان دینی مردم را به توحید، اخلاق و احکام فرا خوانند. ۴. دین‌پذیری موجب آمرزش گناهان و طولانی شدن عمر انسان می‌شود. ۵. اجل حتمی انسان تغییرناپذیر است. ۶. عوامل معنوی در کوتاهی و بلندی عمر انسان مؤثرند. *** قرآن کریم در آیات پنجم تا نهم سوره‌ی «نوح» به شیوه‌های تبلیغی نوح علیه السلام و لجاجت قوم او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵- ۹. قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَاراً* فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَاراً* وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَاراً* ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَاراً* ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَاراً تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۴ (نوح) گفت: «پروردگارا! در واقع، من قوم خود را شب و روز فراخواندم،* و [لی فراخواندن من (چیزی) جز بر فرار آنان نیفزود.* و در حقیقت، من هر گاه آنان را فراخواندم تا آنان را بیامرزی، انگشتانشان را در گوش‌هایشان قرار دادند و لباس‌هایشان را بر سر کشیدند و (در مخالفت) پافشاری کردند و با استکبار تکبر ورزیدند.* سپس در واقع، من آنان را با صدای بلند فراخواندم،* سپس به راستی من (حقایق را) برایشان آشکار کردم و پنهانی برایشان رازگویی کردم، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نوح علیه السلام از هر فرصتی در شبانه روز برای هدایت مردم استفاده می‌کرد و شیوه‌های مختلف تبلیغی را به کار می‌برد تا مردم را به سوی توحید فرا خواند، ولی بازهم قوم نوح لجاجت کردند و واکنش منفی نشان دادند و از این رو گرفتار عذاب شدند. ۲. شیوه‌ها و اصول تبلیغی نوح علیه السلام می‌تواند برنامه‌ی تبلیغی مناسبی برای مبلغان دینی و رهبران الهی ترسیم کند. این اصول و شیوه‌های تبلیغی عبارت‌اند از: الف) تبلیغات باید در شب و روز ادامه داشته باشد و منحصر به زمان خاصی نباشد؛ ب) تبلیغات باید آشکار و پنهانی باشد، یعنی به شیوه‌ی خاص تبلیغی منحصر نشود؛ ج) در تبلیغات باید از وسایل سمعی و بصری استفاده کرد؛ د) مبلّغ نباید از واکنش منفی و فرار مردم نا امید شود بلکه باید به تبلیغات خود ادامه دهد تا نتیجه بگیرد؛ ه) هدف مبلغ دینی باید پاک کردن مردم از گناه باشد و باید این هدف را برای مردم بیان کند. ۳. در این آیات بیان شده که مخاطبان نوح علیه السلام در برابر تبلیغات او واکنش‌های منفی داشتند؛ از جمله این که: الف) از نوح پیامبر فرار می‌کردند تا با او روبه‌رو نشوند و در معرض تبلیغات او قرار نگیرند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۵ ب) انگشتانشان را در گوش‌ها می‌گذاشتند و لباس بر سر می‌کشیدند تا چشم آنان به نوح علیه السلام نیفتد و گوششان حقایق را نشنود. ج) تکبر شدید در برابر آیات الهی و پیامبر خدا از واکنش‌های منفی قوم نوح علیه السلام بود. د) اصرار بر مخالفت و لجاجت نیز از

ویژگی‌های قوم نوح بود. گاهی آیات الهی و سخنان پندآموز رهبران الهی در دل‌های آلوده تأثیر منفی دارد و بر لجاجت آنان می‌افزاید، همان طور که قرآن موجب خسارت بیش‌تر ستمکاران می‌شود. آری؛ باران که در لطافت طبعش ملال نیست در باغ لاله روید و در شوره زار ۴. این آیات به مبلغان دینی و رهبران الهی گوش‌زد می‌کند که همیشه منتظر استقبال مردم و واکنش مثبت آنان نباشند بلکه خود را برای شرایط سخت تبلیغی و لجاجت و تکبر افراد آماده سازند و همانند نوح از هر فرصتی برای هدایت استفاده کنند. ۵. استقامت نوح علیه السلام الگویی برای مبلغان و رهبران دینی است. برخی مفسران نوشته‌اند که پس از نهصد و پنجاه سال تبلیغ دینی نوح علیه السلام، تنها حدود هشتاد نفر به او ایمان آوردند، یعنی تقریباً هر دوازده سال یک نفر، ولی بازهم نوح به تبلیغات خود به طور خصوصی و عمومی ادامه می‌داد و در برابر توهین و فرار و واکنش‌های منفی مردم مقاومت می‌کرد. آری؛ جهان کنونی نیز به مبلغانی با همت و استقامتِ نوح نیاز دارد تا مستکبران فراری از حقیقت را هدایت کنند. ۶. فرار از حقیقت هنوز هم در جامعه‌ی بشری وجود دارد ولی شکل‌های آن متفاوت شده است. امروز هم باطل‌گرایان به شراب، مواد مخدر و سرگرمی‌های ناسالم پناه می‌برند تا حقایق را نبینند و نشنوند. امروز هم مستکبران جهان از انواع تبلیغات و امواج رادیویی، تلوزیونی، ماهواره و اینترنت استفاده می‌کنند تا جلوی چشم و گوش جوانان را بگیرند تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۶ تا حقایق دینی را نشنوند، به سوی معنویت و کمال گام برندارند و برای همیشه اسیر چنگ آنان باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبلغان و رهبران الهی از انواع شیوه‌های تبلیغی و از هر فرصتی برای هدایت مردم استفاده کنند. ۲. از واکنش‌های منفی مخالفان دین دل‌سرد نشوید که این مطلب سابقه‌ای تاریخی دارد. ۳. مخالفان دین از حقیقت گریزان‌اند و حاضر به شنیدن و دیدن آن نیستند. ۴. مخالفان دین گرفتار تکبّر و لجاجت شده‌اند. *** قرآن کریم در آیات دهم تا دوازدهم سوره‌ی نوح به سخنان هدایتگرانه‌ی نوح در مورد نتایج مادی و معنوی استغفار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰- ۱۲. فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كانَ غَفَّاراً* يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُم مِدْراراً* وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَل لَكُمْ أَنْهَاراً و گفتم: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ [چرا] که او بسیار آمرزنده است؛* تا (باران) آسمان را پی‌درپی بر شما [فرو] فرستد،* و شما را با اموال و پسران مدد رساند و برای شما باغ هایی قرار دهد و برای شما نهرهایی قرار دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو نتیجه‌ی عمده‌ی استغفار اشاره شده است: الف) موجب بخشش گناهان و پاک شدن انسان می‌شود؛ زیرا خدا آمرزنده است و توبه‌ی انسان را می‌پذیرد. ب) موجب برکات مادی، هم‌چون نزول باران، پیدایش نهرها، رشد درختان باغ‌ها و زیاد شدن اموال و پسران می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۷ ۲. بین امور معنوی و مادی ارتباط وجود دارد. برخی امور معنوی هم‌چون استغفار و ترک گناه موجب افزایش رفاه مادی و آبادی دنیای انسان می‌شود. در بعضی از آیات دیگر قرآن نیز بیان شده که ایمان و تقوا موجب افزایش برکات آسمان و زمین می‌شود «۱» و نیز عمل به کتاب‌های آسمانی موجب افزایش روزی می‌گردد. «۲» البته این رابطه نه تنها یک رابطه‌ی معنوی است بلکه رابطه‌ی مادی روشنی نیز در این زمینه وجود دارد. کفر و شرک و گناه، سرچشمه‌ی قانون‌شکنی و فساد اخلاقی و متزلزل شدن وحدت اجتماعی و هدر رفتن نیروهای انسانی و اقتصادی و رواج ظلم می‌شود و جامعه را به سوی سقوط می‌کشاند. اما ایمان و تقوا و دوری از گناه جامعه را به سوی عدالت و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و انفاق و ایثار به پیش می‌برد و جامعه‌ای آباد و مرفه می‌سازد. ۳. از امام علی علیه السلام روایت شده: زیاد استغفار نمایید که موجب جذب روزی به سوی خود می‌شوید. «۳» و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس به او نعمتی رسید، شکر و حمد خدا را به جای آورد و کسی که روزی‌اش تأخیر کرده، از خدا طلب آمرزش کند. «۴» و نیز امام علی علیه السلام در حدیثی، با اشاره به آیه‌ی فوق، استغفار را موجب فزونی رزق و رحمت معرفی کردند. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۸ ۴. خدا نفرمود که اگر استغفار کنید باران می‌بارد بلکه فرمود: بارانی پی در پی می‌بارد، چنان که گویی آسمان می‌خواهد نازل شود؛ البته بارانی که موجب سرسبزی و قابل کنترل در نهرهاست. ۵. در این آیات به افزایش پسران اشاره شده اما از افزایش دختران یاد نشده است؛ شاید این مطلب به خاطر آن باشد که می‌خواسته

در این جا منابع اقتصادی آن جامعه را بر شمارد که یکی ثروت و دیگری نیروی کار فعال‌تر یعنی مردان بوده‌اند. ۶. رشد درختان و باغ و پیدایش نهرها، در واقع نتیجه‌ی نزول باران‌های زیاد است. این تعبیرات اشاره به آن است که باران‌هایی که پس از استغفار می‌آید سیل آسا و ویرانگر نیست بلکه قابل کنترل در نهرهاست و موجب رشد گیاهان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. استغفار پیامدهای مثبت معنوی و مادی دارد. ۲. گناهکاری و عدم استغفار مانع آبادانی زمین و رشد اقتصادی بشر است. ۳. استغفار موجب افزایش باران و آب‌های جاری و در نتیجه موجب سرسبزی زمین می‌شود. ۴. اگر می‌خواهید ثروت و فرزندان شما زیاد شود، استغفار کنید. *** قرآن کریم در آیات سیزدهم تا بیستم سوره‌ی «نوح» با اشاره به نشانه‌ها و نعمت‌های خدا، در مورد خداگریزی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۳– ۲۰. مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً* وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً* أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقاً* وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجاً* وَاللَّهُ أَنبَتَكُم مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتاً* ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجاً* وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطاً* لِّتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجاً تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۵۹ شما را چه شده که به عظمت خدا امیدی ندارید؟!* در حالی که به یقین، شما را گوناگون آفرید.* آیا نظر نکرده‌اید که خدا چگونه هفت آسمان را طبقه‌بندی شده آفرید،* و ماه را در آن (آسمان) ها نورانی قرار داد و خورشید را چراغی قرارداد؟!* و خدا شما را با روییدنی (هم‌چون گیاه) از زمین رویانید؛* سپس شما را به آن (زمین) باز می‌گرداند و (در رستاخیز) به طور کامل بیرون می‌آورد؟!* و خدا زمین را برای شما گسترده قرار داد،* تا از آن به راه‌ها (ی وسیع) دره‌ها، راه یابید؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نشانه‌های عظمت خدا آن است که انسان‌ها را به صورت‌های گوناگونی آفریده است، به طوری که رنگ‌ها، سلیقه‌ها، خواسته‌ها، ویژگی‌های روحی و روانی و خصوصیات جسمی متفاوتی دارند و دگرگونی‌های زیادی در جسم آنها پدید آمده و مراحل مختلفی را از نطفه، علقه تا تولد از مادر و رشد طی کرده‌اند، و نیز روحیات و احساسات انسان همواره در حال تغییر است. آری؛ شناخت این مراحل، انسان را با عظمت خدا بیش‌تر آشنا می‌کند و امید او به رحمت خدا و سپاس‌گزاری‌اش را افزایش می‌دهد، ولی جهل به عظمت خدا، انسان را به غفلت و ناسپاسی سوق می‌دهد. ۲. در این آیات به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آسمان و زمین و آفرینش انسان و معاد او اشاره شده است. شناخت این نشانه‌ها انسان را با توحید آشناتر کرده، به پرستش حق سوق می‌دهد و از این رو نوح علیه السلام این نشانه‌ها را برای قوم خود بیان کرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۰ ۳. قرآن هفت بار به صراحت از هفت آسمان یاد کرده است ولی در این آیه از زبان نوح پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند. این مطلب نشان می‌دهد که مسأله‌ی هفت آسمان قبل از اسلام، مسیحیت، یهود و حتی قبل از ابراهیم علیه السلام مطرح بوده است. پس نمی‌توان گفت قرآن این مطلب را از یونانیان (مثل بطلمیوس) و تورات گرفته است. ۴. منظور از آسمان‌های هفتگانه، مجموعه‌هایی از کهکشان‌ها و کرات آسمانی یا هفت طبقه‌ی جوّ زمین یا مراتب آسمان‌های معنوی است «۱» که البته در این جا احتمال اول با ظاهر آیات سازگارتر است؛ چرا که سخن از دیدن طبقات آسمان است، که با لایه‌های جوّ تناسب دارد. ۵. «طِباق» به معنای مطابقت و گاهی به معنای قرار گرفتن چیزی بالای چیزی است؛ بنابر این معنا، آسمان‌های هفتگانه بالای یک‌دیگر قرار گرفته‌اند که ما فقط یکی از این آسمان‌ها را می‌بینیم؛ و گاهی طباق به معنای هماهنگی و مطابقت دو چیز با یک‌دیگر است که بنا بر این معنای آیه‌ی فوق به طبقه‌بندی شدن، هماهنگی و مطابقت آسمان‌ها در نظم، عظمت و زیبایی اشاره دارد. ۶. «سراج» به معنای چراغ است که از درون خودش نور می‌افشاند و از این رو با خورشید متناسب است که نور آن از فعل و انفعالات و انفجارات و سوختن مواد درون آن تأمین می‌شود. اما «نور» مفهوم عامی دارد و شامل نور غیر مستقیم نیز می‌شود و از این رو با ماه تناسب دارد که نور آن انعکاس نور خورشید است. آری؛ این دقت‌ها در تعبیرات قرآنی شگفت‌انگیز و نشانه‌ی گوینده‌ای داناست. ۷. در این آیات انسان به گیاهی تشبیه شده که از زمین می‌روید و در تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۱ حقیقت خدا باغبان اوست. این تعبیر بسیار پرمعناست و نشان می‌دهد که هدایت خدا در مورد انسان فقط کار یک معلم نیست بلکه او هم‌چون باغبانی دل‌سوز، بذر وجود انسان را در محیط مناسب، و مواد

لازم را در اختیار او قرار می‌دهد و به او رسیدگی می‌کند تا استعدادهای نهفته‌اش شکوفا شود. ۸. مقصود از رویش انسان از خاک، یـا همـان آفرینش نخستین انسـان از خاک است و یا آن که تمام مواد غـذایی که بـدن انسان را می‌سازد، مستقیم یا غیر مستقیم، از زمین است. ۹. یکی از نشانه‌های خدا آن است که زمین را در همان حال که کروی است و با سرعت سرسام آوری حرکت می‌کند، به صورت فرش گسترده‌ای قرار داده است که انسـان به راحتی بر آن زنـدگی و استراحت می‌کنـد و در راه‌ها و دره‌های گسترده آن رفت و آمد می‌نماید. «۱» ۱۰. در این آیات هم به مبدأ هستی و نشانه‌های او اشاره شده و هم به معاد؛ یعنی همان کسی که می‌تواند شما را از خاک بیافریند، می‌تواند شـما را به خاک تبدیل کند و بار دیگر از خاک خارج سازد و در رسـتاخیز زنده و حاضـر نماید. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. بـه آفرینش گونـاگون خودتـان بنگریـد و بـه عظمـت خـدا پی ببریـد و بـه رحمـت او امیـدوار باشـید. ۲. از کیهان‌شناسی به خداشناسی برسید. ۳. باغبـان گل وجود شـما خـداست. ۴. شـما از خاکیـد و به سـوی خـاک بـاز می‌گردیـد و در رسـتاخیز سـر از خاک برمی‌دارید. ۵. بـا مطالعه در مبـدأ و معاد خودتان، خداشـناس شویـد. ۶. با مطالعات زمین‌شناسـی خداشناس شویـد. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۲ قرآن کریم در آیـات بیست و یکم تـا بیست و چهـارم سوره‌ی «نوح» به شِکوه‌ی نوح از قومش و نیرنگ بازی و بت‌پرستی و گمراهی قوم او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱– ۲۴. قَالَ نُوحٌ رَّبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِی وَاتَّبَعُوا مَن لَمْ یَزِدْهُ مَـالُهُ وَوَلَـدُهُ إِلَّا خَسَـاراً* وَمَکَرُوا مَکْراً کُبَّاراً* وَقَالُوا لَـا تَـذَرُنَّ آلِهَتَکُمْ وَلَـا تَـذَرُنَّ وَدّاً وَلَـا سُوَاعاً وَلَا یَغُوثَ وَیَعُوقَ وَنَسْـراً* وَقَـدْ أَضَـلُّوا کَثِیراً وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِینَ إِلَّا ضَـلَالًا نوح گفت: «پروردگارا! در حقیقت، آنان مرا نافرمانی کردند و از کسـی پیروی کردنـد که مالش و فرزنـدش جز زیان بر او نیفزوده است؛* و با فریبی بسـیار بزرگ فریبکاری کردنـد،* و گفتند: حتماً معبودتان را رها نکنیـد و البته (بت‌های) «وَدّ» و «سُواع» و «یَغُوث» و «یَعُوق» و «نَسـر» را رها نکنید؛* و به یقین، بسـیاری را گمراه کردند. (خدایا) ستمکاران را جز گمراهی میفزا!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قوم نوح می‌توانسـتند دو راه را انتخاب کنند: اول راه هدایت و پیروی از رهبر الهی و دوم راه گمراهی و پیروی از سـران زیانکـار خـویش. قـوم نوح راه دوم را برگزیدنـد و بـدین ترتیب بـا مصـرف سـرمایه‌های وجودی خویش در راه بت‌پرستی و گمراهی به خویشـتن ستم کردند. ۲. سـران کفر، سرمایه‌ها و فرزندان خود را در مسیر صحیح به کار نمی‌برند بلکه در مسـیر فساد و گناه از آنها استفاده می‌کنند و از این رو گرفتار زیانکاری می‌شوند. ۳. مقصود از نیرنگ بزرگ در این آیـات چیست؟ برخی مفسـران احتمـال داده‌انـد که این نیرنـگ بزرگ همـان مسألـه‌ی بت‌پرستی است که از زمـان نوح علیه السـلام شـروع شد و رواج یافت و این یکی از حیله‌های شیطان یا شیطان‌صفتان بود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۳ ۴. سران کفر مردم را به بت‌پرستی تشویق می‌کردنـد؛ سود خویش را در گمراهی و جهـل مردم می‌دیدنـد و از گسترش دین توحیـدی که مایه‌ی عدالت و ظلم‌ستیزی است وحشت داشتند. ۵. در این آیات به پنج بت مشهور قوم نوح اشاره شده است. برخی مفسران در مورد منشأ پیـدایش آنهـا نوشـته‌اند که الف) این‌ها نام پنـج مرد صالـح بود که قبل از نوح زنـدگی می‌کردنـد و مردم به آنها علاقه داشـتند و از این رو مجسمه‌های آنان را ساختند و گرامی داشتند و این گرامی داشت، تدریجاً با تحریک شیطان، در نسل‌های بعدی به صورت بت‌پرستی درآمد؛ ب) این نام‌ها نام فرزندان آدم علیه السـلام بود که مجسمه‌های آنان ساخته شد و در عصر نوح پرستش آنـان بالاـ گرفت؛ ج) این پنـج بت به یـاد آدم علیه السـلام سـاخته شـد و مورد پرسـتش قرار گرفت، چرا که نوح از پرسـتش قـبر او جلوگیری می‌کرد. «۱» البته مانعی ندارد که همه‌ی این موارد صـحیح باشد، یا آن پنج مرد صالح از فرزندان آدم بوده باشـند. ۶. این بت‌های پنج‌گانه یا نام و یاد آنان به عرب‌های جاهلی منتقل شد و قبل از اسـلام، بت «وَدّ» که به صورت مردی بود، در طایفه‌ی بنی کلب پرسـتش می‌شـد و بت «سُواع» که به صورت زنی بود، در قـبیله هُزیـل و بت «یَغُوث» که به صورت شـیری بود در طـائفه‌ی بنی قطیف یا بنی مذجـح، و بت «یَعُوق» که به صورت اسب بود در طایفه‌ی هَمـدان و بت «نَسـر» که به صورت پرنده باز بود در طایفه‌ی ذِی الکلاع پرسـتش می‌شد. «۲» ۷. در این آیـات نوح علیه السـلام به قوم سـتمکار خود نفرین کرد که بر گمراهی تفسیر قرآن مهر جلـد بیسـت و یکم، ص: ۲۶۴ آنـان بیفزایـد. ایـن نفرین به معنـای آن است که خـدا توفیـق هـدایت را از آنـان بگیرد و آنـان را در

گمراهی وانهد و یا آن که خدا آنان را به خاطر ستمکاری‌شان مجازات کند. به هر حال این نفرین و سلب توفیق و مجازات به خاطر ستمکاری خودشان و در حقیقت، نتیجه و اثر آن بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی شِکوه‌ی خود را به درگاه خدا ببرند. ۲. اگر رهبر الهی را رها کنید، گرفتار رهبران زیانکار می‌شوید. ۳. سرمایه‌های کفرپیشگان مایه‌ی (آزمایش و) زیانکاری آنان است. ۴. سران کفر به دنبال نیرنگ‌بازی و تشویق بت‌پرستی هستند (پس مراقب باشید). ۵. رهبران کفر، گمراه‌گر و ستم‌پیشه‌اند. ۶. گمراه کردن مردم و ستمکاری، موجب افزایش گمراهی خود انسان می‌شود. *** قرآن کریم در آیات بیست و پنجم تا بیست و هشتم سوره‌ی نوح با اشاره به عوامل عذاب قوم نوح، دعاها و نفرین‌های او را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۲۵- ۲۸. مِمَّا خَطِيئاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَاراً فَلَمْ يَجِدُوا لَهُم مِن دُونِ اللَّهِ أَنصَاراً* وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّاراً* إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِراً كَفَّاراً* رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِناً وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا به خاطر خطاهایشان غرقه شدند و به آتشی درآورده شدند و جز خدا هیچ یاورانی برای خود نیافتند.* و نوح گفت: «پروردگارا! بر زمین، از کافران، هیچ ساکن خانه‌ای وا مگذار!* [چرا] که تو اگر آنان را واگذاری، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز (نسل) بدکار بسیار ناسپاس نمی‌زایند.* پروردگارا! مرا و پدر و مادرم و کسی را که با ایمان داخل خانه‌ی من شد و مردان مومن و زنان مومن را بیامرز؛ و ستمکاران را جز نابودی میفزا!» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به چند عامل عذاب قوم نوح اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) خطاها و گناهان قوم نوح که زمینه‌ساز عذاب آنان در دنیا و آخرت شد؛ ب) کفر این قوم که تا لحظه‌ی عذاب ادامه داشت؛ ج) آنان هم خود گمراه بودند و هم دیگران را گمراه می‌ساختند و از این رو نسل آینده نیز از دست آنان در امان نبودند و فرزندان خود را کفرپیشه تربیت می‌کردند؛ د) قوم نوح مردمی ستمکار بودند و از این رو مستحقّ عذاب الهی شدند. یعنی نابودی قوم نوح بر اساس حکمت الهی بود؛ چون قومی که خود فاسد است و دیگران را نیز فاسد می‌کند، حق ادامه‌ی حیات ندارد. این یک قانون است و هر قومی که مشابه قوم نوح باشد مشمول آن می‌شود. ۲. قوم نوح پس از غرق شدن، بلا-فاصله وارد آتش شدند. این آتش همان عذاب برزخی است که انسان‌های گناهکار از لحظه‌ی مرگ تا رستاخیز گرفتار آن می‌شوند. «۱» ۳. نوح علیه السلام سالیان دراز در میان قوم خود به هدایت و تبلیغ مردم پرداخت ولی آنان لجاجت کردند. سر انجام وقتی آن حضرت کاملًا از هدایت کافران مأیوس شد، آنان را نفرین کرد و عذاب الهی فرود آمد و سیلاب همه را در کام خود فرو برد. ۴. نفرین نوح علیه السلام همراه با استدلال است و به خدا عرض می‌کند که از آن جا که این قوم کافر، ستمکار و گمراه گرند و نسل آینده را فاسد و کافر می‌کنند مستحق هلاکت هستند؛ پس نفرین او برای انتقام و از روی خشم نبود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۶ ۵. برخی مفسران از تعبیر «هیچ ساکنی از کافران را بر زمین وامگذار» استفاده کرده‌اند که دعوت و رسالت نوح جهانی بوده، همان طور که عذاب قوم او به وسیله‌ی سیلاب نیز جهانی بوده است. «۱» ۶. نوح علیه السلام از طریق وحی «۲» یا از طریق تجربه‌ی تبلیغ سالیان دراز و برخورد ناشایست مردم، یعنی با محاسبات معمولی، و یا از هر دو راه، متوجه شد که دیگر قوم او ایمان نمی‌آورند؛ چون کسانی که ۹۵۰ سال تبلیغ بر آنان اثر نکرد، در آینده نیز ایمان نمی‌آورند و حتی نسل آینده را نیز به فساد و کفر می‌کشند. ۷. قوم نوح هم فاجر بودند و هم کافر؛ یعنی کسانی بودند که هم گناهان زشت مرتکب می‌شدند و هم بسیار کفر می‌ورزیدند؛ به عبارت دیگر هم از نظر عملی و هم از نظر اعتقادی منحرف بودند. ۸. نوح علیه السلام برای خود طلب آمرزش کرد. شاید به خاطر آن که احتمال می‌داد در صدها سال تبلیغ و تلاش، ترک اولایی از او سرزده، یا کوتاهی کرده باشد. آری؛ بندگان خاص خدا این گونه‌اند که با تلاش‌های خود مغرور نمی‌شوند بلکه همیشه احتمال می‌دهند که مقصّر باشند و از این رو طلب آمرزش می‌کنند. ۹. نوح علیه السلام برای پدر و مادرش دعا و از زحمات آنان حق‌شناسی می‌کند و نیز برای مؤمنان قوم خود که به آیین او گرویدند و همراه او وارد کشتی شدند دعا می‌کند و نیز برای همه‌ی زنان و مردان مؤمن در طول تاریخ دعا می‌کند و با مؤمنان سراسر عالم ارتباط بر قرار می‌سازد. ۱۰. مقصود از خانه‌ی نوح علیه

السلام در این آیات، خانه‌ی شخصی یا مسجد اوست که محل رفت و آمد مؤمنان بود و یا منظور کشتی نوح یا آیین اوست که مؤمنان وارد آنها شدند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۷ از امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود از خانه‌ی نوح، ولایت است و هر کس وارد ولایت گردد، در خانه‌ی پیامبران وارد شده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناه، کفر، گمراه ساختن و ستمکاری از عوامل نزول عذاب در دنیاست. ۲. خطا و گناه عامل عذاب دنیوی و اخروی است. ۳. از نفرین رهبر الهی بهراسید که ممکن است با نفرین خود همه‌ی کافران را هلاک سازد. ۴. گمراهان گمراه کننده که نسل آینده را فاسد می‌سازند مستحق نفرین و عذاب‌اند. ۵. به فکر نسل آینده و هدایت آنان باشید و خطرها را از آنان دور سازید. ۶. برای خود، پدر و مادر و مؤمنان دعا کنید و علیه ستمکاران نفرین نمایید. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۶۹

بخش یازدهم: سوره‌ی جن

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «جنّ» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۲۸ آیه، ۲۳۵ کلمه و ۸۷۰ حرف است. این سوره سی و نهمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «اعراف» و قبل از سوره‌ی «یس») و هفتاد و دومین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «جنّ» است که به معنای موجودی با شعور پوشیده از انسان (و نامرئی) است. در این نام‌گذاری از آیه‌ی اول این سوره الهام گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی جن را زیاد بخواند، در دنیا از چشم زخم، جادو و نیرنگ جنیان محفوظ خواهد ماند. «۱» البته این آثار در صورتی است که فرد سوره را قرائت کند و به محتوای آن ایمان آورده و طبق آن عمل نماید.

اهداف

اهداف: مهم‌ترین هدف‌های این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید، معاد و نبوّت؛ ۲. بیان این که نفوذ اسلام و قرآن فراتر از قلمرو انسانی است و شامل جن نیز می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۲

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. اشاره‌ای به توحید و نفی شرک (در آیات ۲- ۲۰)؛ ۲. اشاره‌ای به علم بی‌کران الهی بر غیب (در آیه‌ی ۲۶)؛ ۳. اشاره‌ای به معاد (در آیات ۱۵- ۱۷ و ۲۳)؛ ۴. مطالبی درباره‌ی نبوت و عبادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیات ۱۹- ۲۳)؛ ۵. تذکر این که برخی فرستادگان خاص خدا اطلاعاتی از علم غیب الهی دارند (در آیه‌ی ۲۷). ب) داستان: گزارشی پیرامون جنّ و شنیدن قرآن توسط آنها و ایمان آوردن گروهی از آنان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیات ۱- ۱۵). ج) مطالب فرعی: ۱. اشاره‌ای به آزمایش الهی و کسانی که با روی گردانی از یاد خدا گرفتار عذاب می‌شوند (در آیه‌ی ۱۷)؛ ۲. تذکر این که مساجد از آن خداست و کسی را با خدا نخوانید (در آیه‌ی ۱۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی جن قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی جن به دیدگاه جنیان در مورد قرآن و تعجب آنان از شنیدن آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۳. قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآناً عَجَباً* يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَن نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَداً* وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً بگو: به سوی من وحی شد که نفراتی از جن (به سخنانم) گوش فرا دادند و گفتند: «که ما (قرآن) خواندنی شگفتی شنیدیم،* که به سوی هدایت رهنمون می‌شود؛ پس بدان ایمان آوردیم و هیچ کس را شریک پروردگارمان قرار نمی‌دهیم؛* و این‌که عظمت پروردگار ما والاتر است، در حالی که هیچ هم‌نشین و فرزندی برنگزیده است؛ شأن نزول: داستان نزول این آیات را به صورت‌های مختلف حکایت کرده‌اند. خلاصه‌ی آنها این است که پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز صبح یا در دل شب، در وادی جن، قرآن تلاوت می‌کرد که گروهی از جنیان صدای او را شنیدند و تعجب کردند و به آیات الهی ایمان آوردند و به سوی قوم خود بازگشتند و آنان را از این واقعه باخبر کردند و به سوی اسلام فراخواندند. آیات فوق به این ماجرا اشاره دارند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «جن» به معنای پوشیده و ناپیداست. این تعبیر گاهی به معنای عام به کار می‌رود که شامل هر موجود ناپیدا اعم از دارای شعور و بدون شعور می‌شود. «۱» و گاهی به معنای خاص به کار می‌رود، به معنای موجودی با شعور و مکلّف که قرآن این صفات و ویژگی‌ها را برای او بر شمرده است: الف) دارای علم و قدرت تشخیص حق و باطل است؛ ب) دارای تکلیف و مسئولیت است؛ ج) از شعله‌ی آتش آفریده شده است؛ د) دارای قدرت فوق العاده است و می‌تواند در آسمان‌ها نفوذ و خبرگیری کند؛ ه) می‌تواند با انسان ارتباط برقرار کند و اسراری را به او بگوید؛ و) دارای رستاخیز و معاد است؛ ز) آفرینش جن قبل از آفرینش انسان بوده است. «۲» البته در مورد جنیان داستان‌ها و خرافات زیادی رواج دارد که غیر از حقایق قرآنی است. ۲. جنیان دارای شعور و عقل تکلیف هستند؛ از این رو لغات را می‌شنوند و می‌شناسند و کلام اعجازآمیز قرآن را تشخیص می‌دهند و از این‌رو آنان ایمان آوردند و حتی به تبلیغ دین اسلام پرداختند. ۳. جنیان از شنیدن آیات اعجازآمیز قرآن تعجب کردند؛ چرا که آهنگ و محتوای آن جالب و جذب کننده بود و از فردی درس ناخوانده صادر می‌شد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۵ ۴. در این آیات دیدگاه جنیان در باره‌ی قرآن بیان شده است که گفتند: الف) قرآن کتابی هدایتگر است؛ ب) کتابی است که به سوی رُشد و هدایت راه‌نمایی می‌کند و مردم را به سعادت و سرمنزل مقصود می‌رساند؛ ج) کتابی خواندنی و عجیب است. «۱» ۵. جنیان به تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آوردند، ولی یادآور شدند که این راه هدایت است و آنان راه شرک را در پیش نگرفتند و نیز یادآور شدند که خدای عظیم پروردگار آنهاست که با هیچ کس خویشاوندی ندارد و دارای فرزند و همسر نیست. آنان با این سخنان به خرافات جامعه‌ی عرب جاهلی پاسخ دادند که می‌پنداشتند خدا فرزندانی از فرشتگان و همسری از جن دارد. ۶. «جَدّ» در اصل به معنای قطع است و به معنای عظمت، شدّت، جدّیت و بهره می‌آید و در این جا مقصود عظمت خداست که او را از دیگر موجودات جدا می‌سازد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (علاوه بر انسان‌ها) جنیان نیز تحت تأثیر قرآن قرار گرفتند و ایمان آوردند. ۲. جنیان، شنوا، با شعور و تشخیص دهنده‌ی حقایق هستند. ۳. قرآن هدایتگر و رشدآور و توحیدآموز است. ۴. هم‌چون جنیان از قرآن درس توحید و نفی شرک بگیرید. ۵. قرآن با خرافات مبارزه می‌کند و خدا را بی‌همسر و فرزند معرفی می‌کند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۶ قرآن کریم در آیات چهارم تا هفتم سوره‌ی جن به عقاید خرافی برخی جنیان و انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴- ۷. وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطاً* وَأَنَّا ظَنَنَّا أن لَن تَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِباً* وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقاً* وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنتُمْ أن لَن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَداً و این‌که سبک‌سر (قوم) ما به خدا گزاف نسبت می‌دهد؛* و این‌که ما گمان می‌کردیم که انسان و جن بر خدا دروغ نمی‌بندند؛* و این‌که همواره مردانی از انسان (ها) به مردانی از جن پناه

می‌بردنـد، و [لی بر پوشـش (گناه) آنان بیفزودند؛* و این‌که آنان گمان می‌کردند- همان گونه که شـما گمان می‌کردید- که خدا هیـچ کس را برنمی‌انگیزد؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از سـبک سرِ سفیه که سخنان ناروا به خدا نسبت می‌داد، یا ابلیس است که از جنس جن بود و پس از نافرمانی نسبت‌های گزاف به خـدا می‌داد و یا هر جن سبک‌سـر دیگری که به خدا نسـبت ناروا می‌داد و برای او فرزنـد و همسر قایل می‌شد. «۱» ۲. برخی جنیـان خوش‌باور بودنـد و گمان می‌کردنـد که هیـچ انسان و جنّی بر خـدا دروغ نمی‌بندد و از این رو سـخنان سبک‌سران قوم خود را در مورد خدا می‌پذیرفتند و به تقلید کورکورانه از آنان می‌پرداختند. ۳. در این آیات به خرافات و انحرافات عملی برخی انسان‌ها اشاره شده است؛ مردانی که به جنیان پناه می‌بردند و کاهن می‌شدند تا مشـکلات خود را حل کنند، ولی این کار بر گمراهی، گناه و سرکشـی کاهنان یا جنیان می‌افزود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۷ برخی مفسـران حکـایت کرده‌انـد که در عصـر جاهلیت، وقتی قافله‌های عرب شب‌هنگام به دره‌ای وارد می‌شدنـد، کاروانیان به رییس جنیـان آن دره از شـرّ سـفیهان قومش پنـاه می‌بردنـد تـا نجـات یابنـد. آیات فوق به این خرافه اشاره دارد. ۴. در این آیـات به انحراف عقیـدتی مشترک برخی انسان‌ها و جنیان اشاره شـده است که گمان می‌کردنـد بعد از موسـی و عیسـی علیه السـلام پیامبری نخواهد بود و از این رو پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله را تکذیب می‌کردند یا گمان می‌کردند که معادی در کار نیست. «۱» البته مانعی ندارد که هر دو معنا صحیح باشد و هر دو عقیده‌ی خرافی در میان برخی عرب‌ها و جنیان وجود داشته باشد. «۲» ۵. جنیان هم جنس مرد و زن دارنـد که غالبـاً مردان انسان‌هـا به مردان جن پنـاه می‌بردنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نسـبت دادن سخنان ناروا به خدا نشانه‌ی سبک‌سری است. ۲. (خوش‌باور نباشید و در مورد مطالب دیگران تحقیق کنید، چون) ممکن است برخی افراد مطالب دروغ به خدا نسبت دهند. ۳. برخی انسان‌ها منحرف‌انـد و به کهانت و پناه بردن به جن رو می‌آورنـد (پس مراقب باشـید). ۴. پناه بردن به جن و کهانت موجب گناه و سرکشی است. ۵. برخی انحرافات عقیدتی، مشترک بین انسان و جن است. ۶. در مورد نبوت و معاد به دنبـال گمان نرویـد که موجب انحراف می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۲۷۸ *** قرآن کریم در آیـات هشـتم تا دهم سوره‌ی جن به بسـته شدن درهای آسـمان به روی جنیان و ممنوعیت استراق سـمع و حیرت آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸- ۱۰. وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّماءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَساً شَدِيداً وَشُهُباً* وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَن يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَاباً رَصَداً* وَأَنَّا لَا نَدْرِى أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمِن فِى الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَداً و این‌که ما آسمان را لمس کردیم (و جست‌وجو نمودیم) و آن را پُر از پاس‌دارانِ سـخت (نیرومند) و شهاب‌ها یافتیم؛* و این‌که ما در آن (آسمان) در محل‌هایی، برای شنیدن (اسرار) می‌نشستیم، و [لی هر کس اکنـون گـوش فرا دهـد، برای (خـود) ش شـهابی کمین کرده می‌یابـد؛* و این‌که مـا نمی‌دانیم آیـا در مورد کسـانی که در زمین‌انـد بـدی خواسـته شده است، یا پروردگارشان برای آنان هدایت را خواسـته است؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات سـخنان مؤمنان جن بازگو شـده است. آنان برای این که حقانیت قرآن و پیامبر صـلی الله علیه و آله را نشان دهنـد، نشانه‌ای قابل درک برای هم‌نوعان خود آورده‌اند؛ یعنی به آنان خبر می‌دهند که دگرگونی عظیمی در جهان رخ داده و درهای آسـمان بسـته شده و اجازه‌ی استراق سـمع به آنان داده نمی‌شود. این نشان می‌دهد که دوران شیطنت جنیان و کهانت کاهنان و جهل و خرافه‌پرستی پایان یافته و خورشید وحی و نبوت طلوع کرده است. ۲. منظور از پاس‌داران و شـهاب‌های آسمان چیست؟ پاسخ این پرسش‌ها را ذیل آیات ۱۸ سوره‌ی حجر و ۱۰ سوره‌ی صافات بیان کردیم و در این جا اشاره می‌کنیم که الف) آسـمان محل سـتارگان است و شهاب‌سـنگ‌ها هم‌چون تیر به جوّ زمین برخورد می‌کنند و به شعله‌ی فروزانی تبدیل می‌شود. این تیرها شیطان‌ها تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۷۹ را از ورود به آسـمان منع می‌کننـد. البته این مطلب نوعی تشـبیه مسائـل غیرمـادی، به مسائـل مـادی است؛ یعنی مقصود از آسـمان جایگاه فرشـتگان و عالم ملکوت است و شـیاطین که می‌خواهنـد به جهان فرشـتگان نزدیک شونـد و از اسـرار آینده با خبر شوند، به وسیله‌ی انوار معنوی ملکوتی رانده می‌شوند. «۱» ب) ممکن است مقصود آیه آسمان معنویت یا علم باشد که دانشمندان و عالمان دین با قلم‌های روشـنگر خود، هم‌چون شـهابی، به طرف شـیطان صفتان نشانه می‌روند و آنان را از نفوذ و شیطنت در آسمان

معنویت و علم و عقایـد مردم دور می‌سازند و پرده‌های جهل و خرافه را کنار می‌زنند. «۲» ۳. مؤمنان جن، با زیرکی، هدایت و رشد را به پروردگار نسبت می‌دهنـد، امّا شـر و بـدی را با فعل مجهول می‌آورنـد که نشان دهنـد آنچه از سوی خدا می‌رسد خیر و نیکی است و شـرّ و فسـاد از ناحیه‌ی خود مردم و به خاطر سوء اسـتفاده از نعمت‌های الهی است. ۴. در این آیات واژه‌ی «هـدایت» در برابر «شـرّ» اسـتفاده شده است، در حالی که خیر در برابر شـرّ است. این به خاطر آن است که هدایت یکی از مصادیق خیر است و در این جا این مصداق خاص مورد نظر بوده و بر آن تکیه شده است. ۵. مؤمنان جن گفتند: ما نمی‌دانیم (که با بسته شدن درهای آسمان و پرتـاب شـهاب‌ها به سوی جنیانی که قصـد استراق سـمع دارنـد) آیا شـرّ برای مردم زمین اراده شـده است یا هـدایت. پس این اظهار حیرت و عدم اطلاع، یا به خاطر دل‌بستگی به استراق سمع از طرف جنیان بود که نمی‌توانستند باور کنند ممنوعیت استراق سمع خیر باشد و یا به خاطر آن بود که با طرح این پرسـش شـنوندگان خود را بیدار و متوجه حقایق کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۰ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. پس از بعثت پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله درهای آسـمان (معنویت) به روی شیطان‌صـفتان بسته شد. ۲. آسـمان (معنویت) به شدّت محافظت می‌شود. ۳. جنیان سابقه‌ای طولانی در استراق سـمع دارند. ۴. جنیان از تحوّلات جهان پس از بعثت حیرت زده شدنـد. ۵. برای هـدایت انسان‌هـا، جلوگیری از شـیطنت جنیـان، لازم و زمینه‌ساز است. *** قرآن کریم در آیـات یـازدهم تـا پـانزدهم سوره‌ی جن به صالحـان و ظالمـان جنیـان و فرجـام آنـان اشـاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱۱ - ۱۵. وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذلِکَ کُنَّا طَرَائِقَ قِدَداً* وَأَنَّا ظَنَنَّا أن لَن نُعْجِزَ اللَّهَ فِی الْأَرْضِ وَلَن نُعْجِزَهُ هَرَباً* وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَی آمَنَّا بِهِ فَمَن یُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا یَخَافُ بَخْساً وَلَا رَهَقاً* وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولئِکَ تَحَرَّوْا رَشَداً* وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَکَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَباً و این‌که مـا در میانمـان (افرادی) شایسـته‌اند و از میان ما (افرادی) غیر آن هسـتند؛ (ما دارای) روش‌های گوناگون هستیم؛* و این‌که مـا یقین داشتیم که عـاجز کننـده‌ی خـدا در زمین نیستیم و بـا گریختن (خود) او را عـاجز نمی‌کنیم؛* و این‌که ما هنگامی که رهنمود (قرآن) را شـنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ و هر کس به پروردگارش ایمان آورد، پس، نه از کاستن (پاداش) می‌ترسد و نه از پوشـش (عـذاب)،* و این‌که مـا برخی از میانمان مسـلمان و برخی از میانمان بیدادگرنـد و کسانی که اسـلام آوردنـد، پس آنان در طلب هدایت بوده‌اند؛* و امّا بیدادگران، پس هیزم جهنّم هسـتند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اصـل اختیار و آزادیِ اراده در میان جنیان نیز وجود دارد؛ از این رو در میان آنان افراد صالـح و غیر صالح، و مسـلمان و سـتمکار وجود دارند و هر تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۱ گروهی راهی انتخاب می‌کند. ۲. برخی احتمال داده‌انـد که مؤمنان جن این سـخنان را برای تبرئه‌ی خود گفته‌اند تا کسـی گمان نکند که همه‌ی جنیان هم‌چون ابلیس شیطان صفت‌اند و یا این که همه‌ی آنها به استراق سمع می‌پردازند و با شرور در ارتباط‌اند. ۳. در این آیات عقایـد جن‌های صالـح بیان شـده که آنان به قدرت خدا و گریزناپذیری از آن یقین داشـتند «۱» و پس از شنیدن ره‌نمودهای قرآن بدان ایمان آوردند و مسـلمان شدند. آری؛ نه می‌توان بر قدرت خدا غلبه کرد و نه می‌توان از قلمرو قدرت او گریخت. انسان نه در زمین می‌تواند فرار کند و نه در آسـمان‌ها؛ چرا که همه جا قلمرو حکومت خداست. ۴. پس از ایمان چیزی از پاداش نیکی‌ها کاسته نمی‌شود، «۲» یعنی به کسی ستم نمی‌شود؛ چون خدا عادل است. ۵. در این آیات گروه «ستمکاران» «۳» در برابر گروه «مسـلمانان» مطرح شده‌اند. این تقابل اشاره به آن است که ریشه‌ی سـتمکاری عدم تسـلیم در برابر خداست و آنچه انسان را از آلوده شدن به ظلم بازمی‌دارد، اسلام واقعی و تسلیم در برابر دستورات خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: مسـلمان کسی است که مردم از زبان و دست او در امان باشند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۲ ۶. سـتمکاران آتش گیره‌ی دوزخ هستند؛ چرا که آنان به وسیله‌ی کردار و گفتار خود در دنیا آتش به زندگی مردم می‌زدند و اکنون در رسـتاخیز عـذابی متناسب با گفتار و عملشان دریافت می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جنیـان دارای آزادی اراده و اختیار در عقیده و عمل هستند و گروه‌ها و خطوط مختلف در میان آنان وجود دارد. ۲. به قدرت خدا و گریزناپذیری از آن یقین داشته باشید (که جنیـان نیز متوجه آن شده‌انـد). ۳. ایمان آوریـد تا امنیت یابیـد. ۴. اسـلام و تسـلیم در برابر خـدا، هدایت‌آور است. ۵. هر کس

مسلمان واقعی باشد ستم نمی‌کند. ۶. فرجام ستمکاران دوزخ است. قرآن کریم در آیات شانزدهم و هفدهم سوره‌ی جن به آزمایش افراد در پیمودن راه صحیح و پاداش پیروزمندان و کیفر شکست خوردگان این صحنه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶ و ۱۷. وَأَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَاءً غَدَقاً* لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَاباً صَعَداً و این‌که اگر (بر فرض) بر راه (راست) پایداری کنند، حتماً با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم،* تا در آن (مورد) آنان را بیازماییم؛ و هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب فزاینده‌ی (مشقت بار) وارد می‌کنیم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به رابطه‌ی امور معنوی با فزونی رزق و نعمت اشاره شده است؛ یعنی استقامت بر راه ایمان، نه تنها موجب برکات معنوی می‌گردد و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۳ انسان را به سعادت و کمال می‌رساند، بلکه موجب نزول باران رحمت و آب فراوان و در نتیجه فزونی نعمت و آبادانی زمین و رفاه افراد می‌گردد. «۱» ۲. در این آیات بر «استقامت بر ایمان و راه راست» تأکید شده است؛ یعنی گام نهادن به راه راستِ ایمان، اگر زودگذر باشد، چنین نعمت‌هایی را به دنبال ندارد، بلکه استقامت و ایستادگی در راه راست و ایمان است که موجب نزول برکات می‌شود. ۳. در این آیات به آزمایش افراد به وسیله‌ی فراوانی آب و نعمت اشاره شده است. آری؛ آزمایش افراد گاهی با مصیبت‌ها و از دست دادن نعمت است و گاهی با افزایش نعمت. ۴. برخی افراد در برابر نعمت‌های الهی سپاس‌گزارند و در آزمایش خویش موفق می‌شوند، ولی برخی دیگر در اثر نعمت فراوان گرفتار غرور و سرکشی می‌شوند و از یاد خدا غافل می‌گردند، که فرجام آنان عذاب روزافزون مشقت‌بار خواهد بود. ۵. در این آیات به رابطه‌ی دوری افراد از یاد خدا با عذاب مشقت‌بار روزافزون اشاره شده است. «۲» آری؛ کسی اگر از یاد خدا روی برتابد و قدر نعمت را نداند، گرفتار عذاب روزافزون می‌شود. «۳» ۶. این آیات ممکن است دنباله‌ی سخنان مؤمنان جن با قوم خویش و یا سخنانی از جانب خدا باشد که لابه لای سخنان جنیان بیان شده است؛ احتمال اول با ظاهر و سیاق آیات تناسب بیش‌تری دارد ولی در نتیجه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۴ مطلب تأثیری ندارد؛ چون بیان قانون آزمایش است که در مورد جن و انسان اجرا می‌گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. استقامت بر راه خدا، موجب رفاه مادی می‌شود. ۲. بین امور معنوی و افزایش نعمت‌های مادی رابطه‌ی مستقیم هست. ۳. افزایش نعمت یکی از راه‌های آزمایش افراد است. ۴. در هنگام فزونی نعمت‌ها به یاد خدا باشید تا گرفتار عذاب نشوید. ۵. روی‌گردانی از یاد خدا عامل عذاب روزافزون است. *** قرآن کریم در آیات هجدهم و نوزدهم سوره‌ی «جن» به دعوت توحیدی پیامبر صلی الله علیه و آله و واکنش افراد در برابر او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸ و ۱۹. وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً* وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَداً و این‌که مساجد از آنِ خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید (و نپرستید).* و این‌که هنگامی که بنده‌ی خدا (: محمد صلی الله علیه و آله) برخاست، در حالی که او را می‌خواند (و می‌پرستید) نزدیک بود بر او ازدحام کنند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مضمون آیه‌ی هجدهم نفی شرک و دعوت به توحید است، اما در مورد لفظ «مساجد» که در این آیه آمده است مفسران قرآن سه تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود مکان‌های سجده باشد، هم‌چون مسجد الحرام یا مساجد دیگر و تمام مکان‌هایی که در آن جا برای خدا سجده می‌شود. بنابر این، مقصود آیه آن است که همه‌ی سجده گاه‌ها و مسجدها از آن خداست و پرستش غیر خدا در آن جا ممنوع است. مساجد بود خاص پروردگار نخوانید کس را به جز کردگار (مجد) ب) این که مقصود از مساجد همان اعضای هفت‌گانه‌ی انسان است که در هنگام سجده آنها را بر زمین می‌نهد. از امام جواد علیه السلام در مورد قطع دست دزد روایت شده که فرمودند: «کف دست و انگشت شست او باقی باشد.» و به آیه‌ی فوق استدلال کردند که «مساجد از آن خداست». پس اعضای هفت‌گانه‌ی سجود نباید بریده شود. «۱» ج) این که منظور از مساجد همان «سجود» باشد، یعنی سجده باید فقط برای خدا باشد. البته تفسیر سوم شاهد و دلیل ندارد ولی مانعی ندارد که دو تفسیر دیگر صحیح باشد و تفسیر اول به ظاهر و تفسیر دوم به باطن آیه اشاره داشته باشد؛ یعنی امام مفهوم را توسعه داده باشند. ۲. ممنوعیت خواندن و پرستش غیر خدا در مساجد، به معنای ممنوعیت توسّل و شفاعت نیست؛ اگر کسی از پیامبر و اولیای الهی چیزی را به طور مستقل بخواهد و به

آنها توسّل جوید، عمل او شرک و ممنوع و حرام است، اما اگر از اولیای الهی تقاضای وساطت در درگاه الهی یا شفاعت با اجازه‌ی خدا کند، صحیح است؛ چون این مطلب در راستای توحید و با اجازه‌ی خداست و شفاعت کننده، قدرتی مستقل در برابر خدا به شمار نمی‌آید؛ همان طور که برادران یوسف از پدرشان یعقوب خواستند که برای آنان طلب آمرزش کند و او وعده‌ی این کار را داد. «۲» ۳. در این آیات اشاره شده که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله عبادت می‌کرد و قرآن تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۶ می‌خواند افراد اطراف او جمع می‌شدند. منظور از این افراد، یا همان مؤمنان جن هستند که اولین بار جذب آیات قرآن شدند یا یاران پیامبر صلی الله علیه و آله هستند که برای شنیدن سخنان آن حضرت اطرافش حلقه می‌زدند و یا منظور مشرکان عرب هستند که در هنگام عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله، اطراف او گرد می‌آمدند و به استهزا و آزار آن حضرت می‌پرداختند. البته در این جا تفسیر دوم از همه مناسب‌تر است. «۱» ۴. در این آیات بر «عبد» بودن و بندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و پرستشگری او تأکید شده است. این مطلب نشان می‌دهد که صفات بندگی و پرستش دو صفت افتخارآفرین است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مساجد محل توحید است. ۲. مساجد را محل گفتارهای شرک‌آمیز قرار ندهید. ۳. پیامبر بنده‌ی خدا و پرستشگر او بود. ۴. پرستش (و قرآن‌خوانی شما) زیر ذره‌بین دیگران است و ممکن است مورد هجوم قرار گیرد. *** قرآن کریم در آیات بیستم تا بیست و سوم سوره‌ی «جن» به محتوای توحیدی دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و عدم استقلال او و وظیفه‌ی الهی‌اش و نیز به فرجام مخالفانش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰- ۲۳. قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّی وَلَا أُشْرِکُ بِهِ أَحَداً* قُلْ إِنِّی لَاأَمْلِکُ لَکُمْ ضَرّاً وَلَا رَشَداً* قُلْ إِنِّی لَن یُجِیرَنِی مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحِداً* إِلَّا بَلَاغاً مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَن یَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَداً تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۷ بگو: « (من) فقط پروردگارم را می‌خوانم (و می‌پرستم) و هیچ کس را شریک او قرار نمی‌دهم.»* بگو: «در حقیقت، من مالک هیچ زیان و هدایتی برای شما نیستم.»* بگو: «در واقع، من هیچ کس از (عذاب) خدا پناهم نمی‌دهد و هیچ پناهگاهی جز او نمی‌یابم؛* جز رساندن (پیام) از طرف خدا و رسالت‌های او (که پناه من است)؛ و هر کس نافرمانی خدا و فرستاده‌اش را نماید، پس در واقع، برای او آتش جهنّم است، در حالی که جاودانه در آن ماندگارند!» شأن نزول: حکایت کرده‌اند که کافران مکه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: از دین خود بازگرد تا ما به تو پناه دهیم. آیه‌ی فوق فرود آمد و به آنان پاسخ داد که هیچ پناهی جز خدا نیست! «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات بر محتوای توحیدی دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نفی هرگونه شرک از آن تأکید شده است، تا بندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خط توحیدی او را روشن‌تر سازد. ۲. در این آیات اشاره شده که پیامبر صلی الله علیه و آله به طور مستقل چیزی از خود ندارد و اگر خدا نخواهد، او نه می‌تواند زیانی را از خویش دفع کند و نه کسی را هدایت کند و نه پناهگاهی غیر خدا دارد. این مطالب از طرفی هرگونه غلو را از ساحت پیامبر صلی الله علیه و آله نفی می‌کند و نشان می‌دهد که او بدون عنایت الهی یک انسان معمولی است و از طرف دیگر صداقت یک رهبر الهی را نشان می‌دهد که صادقانه همه چیز را از خدا می‌داند و خود ادعایی ندارد. ۳. در این آیات «زیان» در برابر «هدایت» مطرح شده است و اشاره دارد به این که سود حقیقی در هدایت است و هر کس راه‌نمایی و هدایت نشود زیان کرده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۸ ۴. وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله رساندن پیام الهی به مردم است و تنها عمل به این وظیفه است که پناهگاه او را نزد خدا تضمین می‌کند.» ۵. مقصود از رسالت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله همان بلاغ و رساندن پیام‌های الهی است و این تعبیر نوعی تأکید است. ۶. کیفر گناه و عصیان در برابر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، آتش جاودان دوزخ است؛ البته روشن است هر گناهی موجب آتش جاودان نمی‌شود، مگر آن که با شرک و کفر همراه باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تعالیم پیامبر صلی الله علیه و آله توحیدی است. ۲. پیامبر صلی الله علیه و آله به طور مستقل مالک چیزی نیست. ۳. هیچ پناهگاهی جز خدا نیست. ۴. وظیفه‌ی رهبران و مبلغان دینی رساندن پیام الهی است. ۵. اگر رهبران و مبلغان دینی وظیفه‌ی تبلیغی خود را انجام دهند مشکلی نخواهند داشت. ۶. مخالفت با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله از عوامل عذاب جاودان است. *** قرآن کریم در

آیات بیست و چهارم و بیست و پنجم سوره‌ی «جن» به لجاجت مخالفان و ناتوانی آنان و عدم آگاهی پیامبر صلی الله علیه و آله از زمان عذاب آنان اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۴ – ۲۵. حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِراً وَأَقَلُّ عَدَداً* قُلْ إِنْ أَدْرِى أَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّى أَمَداً تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۸۹ تا هنگامی که آنچه را وعده داده شده‌اند ببینند؛ پس به زودی خواهند دانست که چه کسی از نظر یاور، ناتوان‌تر و از نظر تعداد، کم‌تر است!* بگو: «نمی‌دانم آیا آنچه وعده داده می‌شوید نزدیک است، یا پروردگارم برای آن فاصله (زمانی) قرار می‌دهد؟! شأن نزول: حکایت کرده‌اند که برخی از مشرکان، هم‌چون نَضر بن حارث، بعد از نزول آیات قبل و وعده‌ی عذاب به مخالفان، پرسیدند که این وعده چه موقع تحقق می‌یابد و آیه‌ی فوق فرود آمد و به آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از چیزی که به مخالفان وعده داده شده، یا مجازات و بلاهای الهی در دنیاست و یا عذاب قیامت؛ البته مانعی ندارد که هر دو مورد مقصود آیه باشد. ۲. از لحن این آیات استفاده می‌شود که مخالفان پیامبران و نیز مخالفان اسلام پیوسته قدرت و کثرت نفرات خود را به رخ مؤمنان می‌کشیدند و آنان را ناتوان می‌شمردند؛ «۲» از این رو قرآن به مسلمانان دل‌داری می‌دهد و به مخالفان هشدار می‌دهد که سرانجام روز شکست مخالفان اسلام فرا می‌رسد و روشن می‌شود که تعداد و قدرت چه کسانی بیش‌تر است. ۳. تاریخ نشان داده و در آیات قرآن نیز بیان شده است «۳» که گروه‌های اندک مؤمنان بر نفرات زیاد کافران پیروز می‌شوند. از امام علی علیه السلام نیز روایت شده که ای مردم! در راه هدایت هرگز از کمی نفرات وحشت نکنید. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۰ ۴. در این آیات اشاره شده که پیامبر صلی الله علیه و آله از زمان عذاب و رستاخیز آگاه نیست و آگاهی از این امور مخصوص خداست و او خواسته است که این موضوع مخفی بماند تا امتحان مردم کامل شود؛ زیرا اگر مردم بدانند که عذاب و رستاخیز نزدیک یا دور است امتحان کم‌تأثیر و ناقص خواهد شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. لجاجت کافران (تا هنگام رستاخیز و عذاب) ادامه دارد. ۲. در روز موعود حقایق روشن می‌شود (پس عجله و فخرفروشی نکنید). ۳. برخی علوم (هم‌چون آگاهی از زمان قیامت و عذاب) مخصوص خداست. *** قرآن کریم در آیات بیست و ششم تا بیست و هشتم سوره‌ی «جن» به پیامبران دارای علم غیب و محافظت دقیق از آنان (در انجام مأموریت) اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۶ – ۲۸. عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَداً* إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَداً* لِيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَى كُلَّ شَىْءٍ عَدَداً (او) دانای نهان است و هیچ کس را بر (اسرار) نهانش مسلّط نمی‌سازد،* جز کسی از فرستاده [ها] که (خدا از او) خشنود باشد؛ پس در حقیقت، او از پیش رویش و از پشت سرش (محافظانی) کمین کرده وارد می‌سازد،* تا معلوم دارد که یقیناً، رسالت‌های پروردگارشان را رسانده‌اند؛ و به آنچه نزد آنان است احاطه دارد و همه چیز را از نظر عدد شماره کرده است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. علم غیب مخصوص خداست و او برخی علوم غیبی را در اختیار پیامبران خود قرار می‌دهد؛ البته وحی و علوم غیبی که در اختیار پیامبران قرار می گیرند دقیقاً کنترل و محافظت می‌شوند. ۲. در آیات قرآن مکرر آمده است که علم غیب مخصوص خداست و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۱ پیامبران علم غیب ندارند «۱» و از طرف دیگر، در آیه‌ی فوق یک مورد استثنا شده است و در آیات دیگر قرآن نیز به برخی علوم غیبی عیسی علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره «۲» و در احادیث نیز برخی موارد از علوم غیبی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیه السلام بیان شده است. «۳» مفسران قرآن در مورد تفسیر آیات و روایات فوق چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) منظور از علم غیب مخصوصِ خدا همان علم ذاتی و استقلالی است؛ بنابر این پیامبران علم غیب مستقل ندارند، اما به صورت تبعی و با عنایت خدا علم غیب دارند. ب) مقصود از علم غیبِ مخصوص خدا، همان علم به ساعت رستاخیز و مانند آن است، اما علوم غیبی دیگر در اختیار پیامبران نیز هست. ج) علم غیبِ مخصوص خدا آن است که در لوح محفوظ (: علم الهی) ثبت است ولی آنچه در لوح محو و اثبات است، پیامبران و امامان نیز می‌دانند. د) علم غیبِ مخصوص خدا همان علم فعلی است و پیامبران علم غیب بالفعل ندارند، اما هرگاه به رخصتِ الهی اراده کنند خدا به آنان تعلیم می‌دهد «۴» و گاهی مصلحت ایجاب

می کنـد که پیامبر یا امام چیزی را ندانند. «۵» البته مانعی ندارد که همه‌ی این تفسیرها صحیح باشد. ۳. فرشتگان نگهبان از جلو و پشت سر (بلکه از تمام جهات) مراقب پیامبران هستند تا آنان پیام الهی و وحی را بدون کم و کاست به مردم برسانند و شیاطین جن و انسان نتوانند اصالت وحی را خدشه‌دار کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۲ این محافظت و امداد الهی برای پیامبران یکی از دلایل عصمت آنان است. «۱» ۴. در این آیات به علم غیبی اشاره شده که به پیامبران مورد رضایت داده می‌شود. البته روشن است که همه‌ی پیامبران برگزیده و مورد رضایت خدا هستند و این صفت، توضیحی است که می‌تواند اشاره به معیار گزینش افراد برای اعطای علم غیب باشد. یعنی خدا از هر کس راضی باشد، به او علم غیب می‌دهد که البته درجات علم غیب افراد متفاوت است. و نیز روشن است که «وحی» یکی از مصادیق این غیب است که به پیامبران عطا می‌شود و مورد محافظت قرار می گیرد، و گرنه علم غیب محدود به آن نیست. ۵. طبق این آیه، هدف محافظت از پیامبران آن است که خدا بداند و معلوم دارد که آنان رسالت‌ها و پیام‌های الهی را به طور کامل به مردم رسانده‌اند. مقصود از دانستن خدا در این آیه، علم فعلی و تحقّق خارجیِ علم اوست؛ یعنی پیامبران عملًا رسالت او را ابلاغ کنند، و این مطلب معلوم و محقق شود؛ وگرنه خدای متعال نا آگاه نیست تا بخواهد چیزی را بداند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. علم غیب مخصوص خداست. ۲. خدا علم غیب خود را به افراد مورد پسندش عطامی کند. ۳. پیامبران دارای علم غیب هستند. ۴. پیامبران الهی (و وحی و علوم غیبی) تحت مراقبت دقیق قرار می گیرند. ۵. عصمت پیامبران در رساندن وحی تضمین شده است. ۶. فرستادگان و مبلغان را تحت نظر داشته باشید تا کارشان صحیح انجام گیرد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۳

بخش دوازدهم: سوره‌ی مزمل

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «مزمل» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۲۰ آیه، ۲۸۵ کلمه و ۸۳۸ حرف است. این سوره سومین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «قلم» و قبل از سوره‌ی «مدثر») و هفتاد و سومین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام این سوره «مُزمّل»، به معنای «جامه به خود پیچیده» است که از آیه‌ی اول آن گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: هرکسی سوره‌ی مزمل را بخواند، سختی دنیا و آخرت از او برطرف می‌شود. «۱» روشن است که این آثار با شرایطی، از جمله عمل به محتوای آن تحقق می‌یابد.

اهداف

اهداف: مهم‌ترین هدف سوره‌ی مزمل ارائه‌ی برنامه‌ای عبادی، اجتماعی و اقتصادی برای آماده ساختن پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان است.

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. یادآوری توحید (در آیه‌ی ۹)؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۶ ۲. یادآوری معاد و عذاب‌های

دوزخ (در آیات ۱۲ – ۱۴)؛ ۳. مطالبی درباره‌ی نبوت و ایجاد آمادگی در شخص پیامبر صلی الله علیه و آله برای پذیرش یک برنامه‌ی سنگین (در آیات ۱ – ۱۰ و ۱۵)؛ ب) اخلاق: ۱. دعوت به صبر و شکیبایی (در آیه‌ی ۹)؛ ۲. دعوت به قرائت قرآن به اندازه‌ی توانایی (در آیات ۴ و ۲۰)؛ ۳. دعوت به استغفار (در آیه‌ی ۲۰)؛ ۴. دعوت به انفاق (در آیه‌ی ۲۰)؛ ۵. دعوت به توکل بر خدا (در آیه‌ی ۹). ج) احکام: ۱. دستور نماز (در آیه‌ی ۲۰)؛ ۲. دستور شب زنده‌داری به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیات ۱ – ۶)؛ ۳. یادی از جهاد (در آیه‌ی ۲۰). د) داستان: ۱. گزارشی از داستان موسی علیه السلام و فرعون و سرکشی او (در آیات ۱۵ و ۱۶)؛ ۲. هشداری به منکران و مشرکان مکه با یادآوری قیامت و عذاب فرعونیان (در آیات ۱۱ – ۱۶). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی مزّمل قرآن کریم در آیات اول تا هفتم سوره‌ی «مزمل» به شب زنده داری و قرائت قرآن و نماز شب سفارش می‌کند و می‌فرماید: ۱ – ۷. یَا أَیُّهَا الْمُزَّمِّلُ* قُم اللَّیْلَ إِلَّا قَلِیلًا* نِصْفَهُ أَوِ انقُصْ مِنْهُ قَلِیلًا* أَوْ زِدْ عَلَیْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا* إِنَّا سَنُلْقِی عَلَیْکَ قَوْلًا ثَقِیلًا* إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّیْلِ هِیَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِیلًا* إِنَّ لَکَ فِی النَّهَارِ سَبْحاً طَوِیلًا ای جامه [به خود] پیچیده!* شب را، جز اندکی به‌پاخیز.* نیمی از آن (شب) را، یا اندکی از آن را کم نما،* یا بر آن (نصف) بیفزای و قرآن را کاملًا مرتب و آرام بخوان؛* که ما به زودی گفتاری گرانبار برتو القا می‌کنیم.* در حقیقت، تنها پدیده‌ی (عبادت) شب، گامی سخت‌تر و گفتاری پایدارتر است.* [چرا] که برای تو در روز رفت و آمدی طولانی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وظیفه‌ای سنگین در هدایت و رهبری مردم به عهده گرفت و حامل قرآن عظیم شد؛ از این رو لازم است با برنامه‌های سنگین عبادی ظرفیت‌های وجودی خود را بالا ببرد تا بتواند این مسئولیت و بار سنگین را به دوش بکشد. پس به ایشان دستور داده شد که پاسی از شب را به بیداری، تلاوت قرآن و نماز بگذراند. ای به خود پیچیده از خشیت گلیم بهر طاعت خیز از شب شد چو نیم (مجد) ۲. در این آیات سفارش شده که در شب قرآن بخوانید؛ چراکه قرآن برنامه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۲۹۸ سازندگی و تربیت بشر است و قرائت آن موجب تقویت ایمان و استقامت می‌گردد. البته برخی مفسران قرائت قرآن را به نماز در شب تفسیر کرده‌اند، شاید به خاطر آن که بخش مهمی از نماز، همان قرائت قرآن است. ۳. مقصود از «ترتیل» چیست؟ «ترتیل» در اصل به معنای «تنظیم وترتیب موزون» است که مقصود، خواندن آیات با تأنّی و نظم و ادای صحیح حروف و تبیین و دقّت و تأمل در مفاهیم آیات و اندیشه در نتایج آن است. «۱» ۴. امام صادق صلی الله علیه و آله در مورد ترتیل فرمودند: ترتیل آن است که در آیات قرآن مکث (و تأمّل) کنی و با صدای خوب آن را بخوانی «۲». و نیز روایت شده: هنگامی که از کنار آیه‌ای می‌گذری که در آن نام بهشت است، توقف کن و از خدا بهشت را بطلب و هنگامی که از کنار آیه‌ای می‌گذری که نام دوزخ در آن است، از آن به خدا پناه ببر. «۳» و در روایات دیگر از سریع خواندن قرآن منع شده، همان طور که از پراکنده کردن آیات منع شده و سفارش شده است که آن را به صورت روشن و واضح بخوانید و قصد شما رسیدن به آخر سوره نباشد. «۴» در حالات پیامبر صلی الله علیه و آله نیز روایت شده که آیات را از یک‌دیگر جدا می‌کرد و صدای خود را (در هنگام خواندن قرآن) می‌کشید. «۵» با تأنّی خوان تو قرآن را چنان که شود روشن حروفش در بیان می‌خوان قرآن به تعجیل و شتاب کن لطایف را درنگ اندر خطاب ۵. این آیات با خطاب «ای شخصِ جامه به خود پیچیده» شروع می‌شود، نه با خطاب «ای پیامبر»؛ این می‌تواند اشاره به دو چیز باشد: الف) امروز دوره‌ی گوشه‌نشینی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه نیست، بلکه دوران قیام و خود سازی و آمادگی برای انجام رسالت شروع شده است؛ ب) برنامه‌ی عبادی شبانه مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله نیست بلکه شامل مؤمنان خوابیده نیز می‌شود؛ همان طور که در آیه‌ی بیستم این سوره بدین اشاره شده است که گروهی از مؤمنان همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به شب‌زنده درای می‌پرداختند. ۶.

انتخاب شب برای خودسازی و عبادت برای آن است که اولًا، در شب چشم و گوش دیگران درخواب است و خطر ریا کاری برطرف شده و زمینه‌ی اخلاص بیش‌تری به وجود می‌آید. ثانیاً، در شب کارها تعطیل می‌شود و انسان آمادگی بیش‌تری برای تفکر و تربیت خویش و خودسازی و عبادت دارد. شب خیز که عاشقان به شب راز کنند گرد در و بام دوست پرواز کنند هر جا که دری بُود به شب در بندند الّا در دوست را که شب باز کنند ۷. شب زنده‌داری و قرائت قرآن و نماز در آن مستحب است و در این آیات نیز بدان سفارش شده است، هرچند طبق آیات دیگر، نماز شب برای پیامبر صلی الله علیه و آله واجب است، اما این آیات می‌تواند شامل نماز شب و غیر آن و شامل پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان به صورت مستحب باشد. «۱» ۸. این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله اختیار می‌دهد که نیمی از شب یا زیادتر یا تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۰ کم‌تر از آن را به شب زنده داری و عبادت بپردازد. آری؛ شب زنده داری و نماز و تلاوت قرآن در آن، موجب صفای روح و تربیت معنوی و بیداری دلی وتقویت ایمان می‌شود. از امام صادق علیه السلام روایت شده که سه چیز، از عنایات مخصوص الهی است: عبادت شبانه، افطار دادن به روزه‌داران و ملاقات برادران مسلمان. «۱» و نیز روایت شده: نماز شب گناهان روز را از بین می‌برد. «۲» ۹. منظور از «قیام» در شب، برروی پا ایستادن نیست، بلکه به پاخاستن از خواب است، هرچند نماز و تلاوت قرآن به صورت نشسته انجام شود. ۱۰. «ناشئه» به معنای «حادثه»، و مقصود از آن ساعات شب (به ویژه در سحرگاه) یا قیام برای نماز و عبادت شبانه و یا حالات معنوی و جذبه‌ی ملکوتی آن است. «۳» البته مانعی ندارد که هرسه معنا مقصود آیه باشد که لازم و ملزوم یکدیگرند. هرچند در احادیث، به معنای دوم، یعنی نماز شب اشاره شده است. «۴» ۱۱. در این آیات بیان شده که عبادت شبانه دو ویژگی دارد: الف) عبادت شبانه تأثیرات ثابت و راسخی در روح و جان انسان دارد؛ چون توافق بیش‌تری بین اعضا و جوارح انسان پیدا می‌شود و همه در راه عبادت بسیج می‌شوند، هر چند زحمت بیش‌تری نیز دارد. «۵» ب) عبادت شبانه در بردارنده‌ی ذکر خدا و تلاوت قرآن به صورت استوارتر است و به خاطر آمادگی روحی انسان تأثیرات بیش‌تری در روح انسان دارد. ۱۲. انسان در روز مشغول امور زندگی وحل مشکلات مردم است؛ بنابراین فرصت کم‌تری برای عبادت پیدا می‌شود و لازم است که عبادت شبانه را جانشین آن سازد و روح خود را تقویت کند تا از عهده‌ی وظایف تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۱ سنگین روزانه برآید. «۱» ۱۳. در این آیات «قرآن» را «سخن سنگین» معرفی کرده است که باید پیامبر صلی الله علیه و آله برای دریافت آن آماده شود. مقصود از سنگین بودن قرآن آن است که الف) محتوا و مفهوم آیات آن سنگین و عظیم است؛ ب) وعده‌ها و هشدارهای آن سنگین و مسئولیت‌آور است؛ ج) تبلیغ آن سنگین و مشکل است؛ د) در روز رستاخیز در ترازوی اعمال سنگین است؛ ه) برنامه‌ریزی در جهت اجرای آن سنگین است. آری؛ قرآن کریم از نظر الفاظ، زیبا، دل‌نشین و آسان است؛ اما مسئولیت‌ها، محتوای مطالب و اجرای آن سخت و سنگین است، به طوری که اگر بر کوهی فرود آید متلاشی می‌شود؛ «۲» پس باید با عبادت شبانه ظرفیت و آمادگی آن را پیدا کنیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی شب را نخوابید و پاسی از آن را شب زنده‌داری کنید. ۲. در مورد مقدار شب‌زنده داری و عبادت شبانه آزادید. ۳. در دل شب قرآن بخوانید. ۴. قرآن را با تامّل و دقت بخوانید. ۵. قرآن سخن سنگینی است و برای درک و عمل بدان آمادگی لازم است. ۶. عبادت شبانه، سخت‌تر، استوارتر و تأثیرگذارتر است، (پس از آن غافل نشوید). ۷. روز وقت تلاش و شب وقت عبادت است. ۸. شناگر دریای روز و نیایشگر ساحل شب باشید. *** قرآن کریم درآیات هشتم تا دهم سوره‌ی مزمّل وظایف پنج گانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را در برابر خدا و خلق بیان می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۲ ۸- ۱۰. وَاذْکُرِ اسْمَ رَبِّکَ وَتَبَتَّلْ إِلَیْهِ تَبْتِیلًا* رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَکِیلًا* وَاصْبِرْ عَلَی مَا یَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِیلًا و نام پروردگارت را یاد کن وکاملًا به او دل ببند.* (او) پروردگار خاور و باختر است، در حالی که هیچ معبودی جز او نیست؛ پس او را کارساز (خویش) بگیر؛* و بر آنچه می گویند، شکیبا باش و با دوری گزینی نیکویی از آنان فاصله بگیر؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات پنج وظیفه‌ی اساسی برای پیامبر صلی الله علیه و آله مشخص شده است که می‌تواند الگو و برنامه‌ی زندگی همه‌ی رهبران

و مبلغان دینی باشـد؛ سه مورد از این وظایف در برابر خداست که همان یاد او، دل‌بستگی به او و توکّل بر اوست و دو مورد آن در برابر خلق است که همان شکیبایی در برابر مخالفان و دوری از دشمنان است. ۲. مقصود از یاد و نام خدا، تنها ذکر نام او نیست بلکه توجه به معنـای نـام خـدا و یاد قلبی اوست که روح را صـفا می‌بخشـد و نهال معرفت را آبیاری می‌کنـد. ۳. در میان نام‌های خـدا از «ربّ» یاد شده است که اشاره به تربیت مستمر نسبت به انسان است. آری؛ هر گاه با نام «ربّ» از خدا یاد می‌شود نعمت‌های بی‌پایان و پرورش‌های او به یاد می‌آید و انسان بی‌اختیار سپاس‌گزار می‌شود. ۴. در این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که به سوی خـدا منقطع شود و به او دل ببنـدد و از غیر او دل برکند؛ یعنی با تمام قلب متوجه خدا شود و اعمالش را خالصانه برای او به جا آورد. ۵. در برخی احـادیث از معصومین علیهم السـلام روایت شـده که منظور از انقطـاع در این آیه «بلنـد کردن دست در نماز است.» «۱» البته این یکی از مظـاهر انقطـاع و اخلـاص است و مفهوم آیه منحصـر در این معنـا نیست. تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۳۰۳ ۶. پیامبر صلی الله علیه و آله از «تَبتُّل و رهبانیت» منع کرده‌اند؛ «۱» چرا که راهبان مسیحی ترک دنیا و ترک ازدواج می‌کردنـد، درحالی که مسـلمان واقعی باید در اجتماع حضور داشـته باشد و درهمان حال انقطاع و اخلاص خود را حفظ کند. پس مقصود از انقطـاع در این آیه غیر از چیزی است که در حـدیث پیـامبر صـلی الله علیه و آله منع شـده است. ۷. هیچ معبودی جز خدا نیست و او پروردگار مشـرق و مغرب است، پس انسان باید دل از غیر او برکند و به یاد او و نعمت هایش باشد و بر او تکیه و توکل کند. ۸. این آیات پیامبر را به شکیبایی در برابر سخنان ناروای مخالفان فرا می‌خواند؛ دشمنانی که به او تهمت جنون می‌زدند و او را شاعر می‌خواندند و باعث آزار او می‌شدند. ۹. در این آیات به پیامبر صـلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که از دشمنان اسلام فاصله بگیرد و به طور نیکویی از آنـان دور شود. آری؛ وقتی سـخن حق در دل دشـمنان اثر نکرد و لجـاجت نمودنـد، بایـد با بی‌اعتنایی به آنان و دوری گزیـدن از آنان، از شـرّشان در امان مانـد وهمین دوری هشـداری بیـدارگر برای آنان خواهد بود. ۱۰. دوری نیکو از مخالفـان، به معنـای دوری همراه بـا دل‌سـوزی و هـدایتگرانه است که این خود شـیوه‌ای تربیـتی برای افراد لجوج «۲» و مرحلـه‌ای از تربیت و هدایت آنان به شـمار می‌آید. آری؛ وقتی قرآن در مورد دوری از دشـمنان به ما دستور به نیکویی می‌دهد، روشن است که اگر دو نفر مسـلمان و دو دوست و شـریک خواسـتند از هم‌دیگر جـدا شونـد سـزاوارتر است که به نیکویی از هم جدا شوند. تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۳۰۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از یاد خـدا غافل نشوید و کاملًا دل براوبندید. ۲. بر خدایی تکیه کنید که یگانه و پرورشـگر شماست. ۳. در برابر سـخنان آزار دهنده‌ی دشـمنان نا شکیبا نباشید. ۴. یکی از روش‌های برخورد با دشـمنان، بی‌اعتنـایی به آنان است. ۵. از دشـمنان هم به نیکویی جدا شویـد. *** قرآن کریم در آیـات یـازدهم تا چهاردهم سوره‌ی مزمّل با اشاره به مهلت دادن به مخالفان، عـذاب‌ها و اوصاف رسـتاخیز، به سـرمایه‌داران تکـذیب گر مخالف اسـلام هشدار داده، می‌فرماید: ۱۱ – ۱۴. وَذَرْنِی وَالْمُکَذِّبِینَ أُولِی النَّعْمَهِٔ وَمَهِّلْهُمْ قَلِیلًا* إِنَّ لَدَیْنَا أَنکَالًا وَجَحِیماً* وَطَعَاماً ذَا غُصَّهٍٔ وَعَذَاباً أَلِیماً* یَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَکَانَتِ الْجِبَالُ کَثِیباً مَّهِیلًا و مرا با تکذیب‌گران سـرمایه‌دار رهاساز، و اندکی به آنان مهلت ده؛* که در نزد ما بندها و دوزخ است؛* و غـذایی گلوگیر و عذابی دردناک است.* روزی که زمین و کوه‌ها می‌لرزد و کوه‌ها توده‌های شن روان می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیـات به عـذاب «اسـتدراج» یا مهلت دادن به مخالفان اشاره شـده است؛ یعنی یکی از روش‌های خـدا در عـذاب کردن کـافران لجـوج آن اسـت که به آنـان مهلت می‌دهـد تـا گنـاه بیش‌تری بکننـد و حجّت بر آنـان تمـام شـود و مستحق عـذاب شدیـدتری شونـد؛ بنـابراین مهلت دادن به مخالفـان اسـلام مقـدمه‌ی عـذاب آنان است نه نعمت. ۲. در ایـن آیـات به فرصت انـدک مخالفان اسـلام اشاره شده است؛ چون پس از مدت کوتاهی مسلمانان نیرومند شدند و در جنگ بدر و حُنین و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۵ احزاب ضـربات کوبنده‌ای بر دشمنان وارد کردند و آنان را گرفتار عذاب الهی در دنیا و آخرت نمودند. ۳. عبـارت «ثروتمنـدان تکـذیبگر» به نقش ثروت در غرور و غفلت مخالفـان اشـاره دارد. آری؛ در طول تاریـخ، معمولًا ثروتمنـدان در صف مخالفان پیامبران قرارداشتند، «۱» در حالی که آنان می‌بایست شـکر نعمت‌های الهی را بیش‌تر به جا می‌آوردنـد و در خـدمت

اهداف الهی قرار می‌گرفتند. ۴. عذاب‌های کافران در رستاخیز شامل غل و زنجیرهای ناتوان کننده «۲» و غذای غصه‌آور وگلوگیر وعذاب دردناک آتش دوزخ است. کسانی که در دنیا آزادی بی قید و شرط و بی‌بند و باری داشتند و از غذاهای چرب و شیرین حرام می‌خوردند و با استثمار مردم آنان را عذاب می‌کردند، در رستاخیز به عذاب‌های متناسب با آن گرفتار می‌شوند. ۵. غذای دوزخیان غصه‌آور و گلوگیر است؛ چراکه از خارهای جان‌گذار و درخت زقّوم (یعنی گیاه تلخ و بدبو و بدطعم) است. «۳» ۶. در روایات تاریخی آمده است که روزی یکی از یاران پیامبر آیه‌ی سیزدهم این سوره را تلاوت می‌کرد که ناگهان صیحه‌ای زد و مدهوش شد.» ۷. در آستانه‌ی رستاخیز نظام جهان در هم می‌ریزد وکوه‌ها و زمین درهم کوبیده و هم‌چون توده‌های رمل و شن‌های نرم می‌شوند و در آن روز است که همه‌ی مردم وحشت می‌کنند و به حساب آنان رسیدگی می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به ثروتمندان تکذیبگر مخالف اسلام مهلت می‌دهد (تا درگناه غرق شوند و گرفتار عذابی دردناک‌تر شوند). ۲. حساب مخالفان اسلام با خود خداست، پس آنها را به خدا واگذارید. ۳. رهبران الهی به وظیفه‌ی خود عمل کنند و نگران مخالفان لجوج نباشند (که خدا به حساب آنان رسیدگی می‌کند). ۴. عذاب‌های متنوعی برای مخالفان اسلام آماده شده است. ۵. غذای رستاخیز غصه‌آور و عذاب آن دردناک و بندهای آن ناتوان کننده است. ۶. در آستانه‌ی رستاخیز زمین و طبیعت در هم فرو می‌ریزد، (پس برای حوادث هولناک آن آماده شوید). *** قرآن کریم در آیات پانزدهم تا نوزدهم سوره‌ی مزمّل با اشاره به رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و موسی علیه السلام و ویژگی‌های رستاخیز به مخالفان اسلام هشدار داده، می‌فرماید: ۱۵- ۱۹. إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِداً عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا* فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذاً وَبِيلًا* فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْماً يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيباً* السَّماءُ مُنفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا* إِنَّ هذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا در واقع ما به سوی شما فرستاده‌ای فرستادیم که گواه برشماست، همان‌گونه که به سوی فرعون فرستاده‌ای فرستادیم؛* و [لی فرعون فرستاده را نافرمانی کرد، پس او را با گرفتاری سنگینی گرفتار ساختیم.* پس، اگر کفر ورزید، چگونه خودتان را از (عذاب) حفظ می‌کنید؟ روزی که کودکان را سپیدموی (و پیر) می‌کند؛* (کرات) آسمان در آن (روز) شکافته می‌شود؛ وعده‌ی او انجام شدنی است.* در حقیقت، این (مطالب) یادآوری است، پس هرکس بخواهد، راهی به سوی پروردگارش برگزیند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سرگذشت عبرت آموز موسی و فرعون اشاره شده است؛ خدا موسی را با دلایل روشن نزد فرعون فرستاد تا او را از سرکشی منع کند ولی او نافرمانی کرد و گرفتار امواج خروشان نیل شد و به سختی مجازات گردید. «۱» آری؛ سرگذشت موسی و فرعون می‌تواند درس عبرتی برای همه‌ی مخالفان پیامبران و سرکشان تاریخ باشد. «۲» ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شاهد وگواه بر مردم است؛ شاهدی که خود الگو و نمونه است و کارها و عقاید دیگران با او سنجیده می‌شود، او ناظر و هدایتگر مردم است، همان طور که موسی علیه السلام این‌گونه بود. ۳. در این آیات از رستاخیز با چند ویژگی یاد شده است: الف) عذاب آن روز آن‌قدر شدید است که کودکان را پیر و موی سر آنان را سفید می‌گرداند. ب) در آستانه‌ی رستاخیز کرات آسمانی از هم شکافته می‌شوند و نظام کیهانی درهم فرو می‌ریزد. ج) وعده‌ی رستاخیز تحقق یافتنی و قطعی است. ۴. در این آیات اشاره شده که سرنوشت مخالفان اسلام همانند سرنوشت فرعون، هلاکت‌بار است و اگر در این دنیا گرفتار عذاب نشوند در رستاخیز شدیداً مجازات می‌شوند و البته هنگامی که آسمان‌ها درهم فرو می‌ریزد، راه فراری برای آنان نخواهد بود. ۵. این قرآن و پندهای آن، از جمله مطالب سوره‌ی مزمّل و دعوت آن به عبادت شبانه، همگی یادآوری برای انسان‌هاست، «۳» و هرکس بخواهد راهی به سوی پروردگارش بیابد و به سوی کمال وهدایت گام بردارد، باید به تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۰۸ این مطالب گوش جان بسپارد و بدانها عمل کند. ۶. در آیه‌ی اخیر به اصل آزادی و اختیار انسان در انتخاب راه اشاره شده است. آری؛ خدا راه حق و باطل را روشن می‌سازد، ولی انتخاب راه و پیمودن آن به اراده‌ی انسان بستگی دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی گواه (و الگوی) مردم هستند. ۲. رهبران الهی هم‌چون موسی علیه السلام در برابر فرعون

باشند. ۳. هرکس همچون فرعون در برابر رهبران الهی نافرمانی کنـد، گرفتار عذاب سـختی می‌شود. ۴. روز رستاخیز بسیار هولناک و سخت است. ۵. اگر می‌خواهید از روز هولناک رسـتاخیز در امان باشید، کفر نورزید. ۶. در آستانه‌ی رستاخیز نظام کیهانی درهم فرو می‌ریزد. ۷. تحقّق وعـده‌ی رسـتاخیز حتمی است (پس خود را برای آن روز آمـاده سازیـد). ۸. انسان در پیمودن راه خـدا آزاد است. ۹. آموزه‌هـای قرآن (تحمیلی نیسـت، بلکـه) یـادآوری اسـت. *** قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سـوره‌ی مزمّل مؤمنـان را به بیـداری شـبانه و خوانـدن قرآن در حد امکان سـفارش می‌کند و آنان را با وظایف عبادی و امدادی‌شان آشـنا می‌سازد و می‌فرماید: ۲۰. إِنَّ رَبَّکَ یَعْلَمُ أَنَّکَ تَقُومُ أَدْنَی مِن ثُلُثَیِ اللَّیْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِینَ مَعَکَ وَاللَّهُ یُقَدِّرُ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أن لَن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَیْکُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرآنِ عَلِمَ أن سَیَکُونُ مِنکُم مَّرْضَی وَآخَرُونَ یَضْرِبُونَ فِی الْأَرْضِ یَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَیَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِیمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّکَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِکُم مِنْ خَیْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ هُوَ خَیْراً وَأَعْظَمَ أَجْراً وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۳۰۹ در واقع، پروردگـارت می‌دانـد که تـو و گروهی از کسـانی که همراه تـو هسـتند، نزدیـک به دو سـوم شب و (یـا) نصـف آن و (یـا) یـک سوم آن را به پا می‌خیزیـد؛ و خـدا شب و روز را انـدازه می‌زنـد؛ (او) دانسـته که آن (مقـدار شب را دقیقـاً) شـمارش نمی‌کنیـد، پس به سـوی شـما بازگشت؛ پس آنچه (برای شـما ممکن و) آسان است از قرآن بخوانیـد؛ (او) دانسـته که برخی از شـما به زودی بیمار خواهنـد شد و (گروهی) دیگر در زمیـن سـفر می‌کننـد، در حـالی کـه از بخشـش خـدا (روزی) می‌جوینـد، و (گروهی) دیگر در راه خـدا پیکـار می‌کننـد؛ پس آنچه (برای شـما ممکن و) آسـان است از آن (قرآن) بخوانیـد و نماز را برپا داریـد و [مالیات زکات را بپردازیـد و به خـدا «قرض الحسـنه‌ای» وام دهیـد و هرنیکی‌ای که پیشاپیش برای خودتان می‌فرستیـد، فقط آن را نزد خـدا نیکوتر و پاداش (آن) را بزرگ‌تر می‌یابیـد؛ و از خـدا طلب آمرزش کنیـد؛ [چرا] که خـدا بسـیار آمرزنـده [و] مهرورز است. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. در آغاز سوره‌ی مزمّل به پیامبر صـلی الله علیه و آله دستور داده شده که حدود نیمی از شب را بیدار بماند و به عبادت و قرائت قرآن بپردازد و اینک در این آیه بیان می‌کنـد که نه تنها پیامبر صـلی الله علیه و آله بلکه برخی از مؤمنان نیز همراه او به شب‌زنده داری، عبادت و تلاوت قرآن می‌پرداختند. ۲. در مورد شب زنده‌داری و عبادت و تلاوت قرآن منظم مؤمنان صدر اسلام، چهار مشکل وجود داشت: الـف) نگـاه داشـتن حسـاب نصف، ثلث یـا دو ثلث شب برای مردم آن زمـان مشـکل بود، چون وسـایلی همچون سـاعت در اختیـار نداشـتند و از این رو گاهی افراد برای احتیاط تا صـبح بیـدار می‌ماندنـد. ب) برخی بیمار می‌شدنـد و نمی‌توانسـتند مدت طولانی در شب‌ها بیدار بمانند و به عبادت بپردازند. ج) برخی برای کار و تجارت به مسافرت می‌پرداختند و موفق به شب زنده‌داری نمی‌شدند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۰ د) پس از پیشـرفت اسلام، جنگ‌ها شروع می‌شد و گروهی برای جهاد بیرون می‌رفتند و در سـفر و جنگ نمی‌توانسـتند به طور مرتب شب زنده‌داری کنند. از این رو آیه‌ی فوق به این مشکلات مردم توجه کرده و مقدار شب زنده‌داری و قرائت قرآن را آزاد گذاشـته است تا هرکس هراندازه می‌تواند به عبادت شـبانه و قرائت قرآن بپردازد. البته روشـن است که بیماری و مسافرت و جهاد، سه مثال برای عذر موجه است و مشـکلات و موانع عبادت شـبانه منحصر در این امور نیست. ۳. مقصود از «توبه» و بـازگشت خـدا به سوی مردم در این آیه چیست؟ احتمـال دارد که منظور تخفیف در تکلیف و یا برداشـتن حکم وجوب شب زنده‌داری باشد، که در آن صورت گناهی صورت نمی‌گیرد. «۱» ۴. مقصود از تلاوت قرآن در این آیه، همان خواندن قرآن در شب و یـا نمـاز شب است که در آن قرآن خوانـده می‌شود. البته مانعی نـدارد که هر دو مقصود باشـد. البته در هر صورت، تلاوت قرآن در دل شب مستحب است. «۲» ۵. امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که منظور از «هر چه می‌توانیـد قرآن بخوانیـد» آن است که «هرچه می‌توانیـد همراه با فروتنی قلب و صـفای باطن از قرآن بخوانید.» ۶. برخی مفسران برآن‌اند که حکم عبادت درشب در اوایل اسلام واجب بود سپس این وجوب به وسیله‌ی آیه‌ی فوق برداشته شد و از این رو این آیه را ناسخ آیات اول سوره‌ی مزمّل دانسته‌اند؛ هرچند وجوب نماز شب تا آخر عمر برای پیامبر صلی الله علیه و آله باقی بود. «۳» تفسیر

قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۱ این احتمال نیز هست که عبادت شبانه برای غیر پیامبر صلی الله علیه و آله در اصل مستحب بوده و در این آیه موانع و قلمرو آن روشن شده باشد؛ یعنی آیات اول سوره‌ی مزمّل تکلیف شخص پیامبر صلی الله علیه و آله را روشن کرده بود ولی برخی مؤمنان از آن پیروی کردند و به زحمت افتادند. از این رو آیه‌ی آخر تکلیف عموم مردم را مشخص می‌کند و با توجه به موانع نماز شب برای مردم، حکم را براساس آنچه می‌توانند قرآن بخوانند تعیین کرده است. ۷. در این آیات یک برنامه‌ی کامل خودسازی در چند بند برای مؤمنان مشخص شده است: الف) قرائت شبانه به اندازه‌ی توانایی افراد؛ ب) پیوند با خالق از طریق نماز؛ ج) پیوند با خلق از طریق زکات و انفاق؛ د) استغفار و پاک شدن از گناهان. ۸. ممکن است منظور از «زکات» در این آیه بخشش‌های مستحبی باشد؛ چون این سوره مکی است و در مکه زکات واجب نشده بود؛ هر چند برخی احتمال داده‌اند اصل وجوب زکات در مکه بوده و شرایط و مقدار آن در مدینه مشخص شده باشد. «۱» ۹. در این آیه از انفاق و بخشش به مردم، با عنوان وام دادن به خدا یادشده است. این لطف خداست که خود مالک حقیقی همه چیز است، ولی بخشش اموالش به مردم را به عنوان وام به خود می‌پذیرد و چندین برابر به آن پاداش می‌دهد. «۲» ۱۰. در این آیه به تجسّم اعمال در رستاخیز اشاره شده است؛ یعنی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۲ انسان هر کار نیکی انجام دهد، همان را نزد خدا می‌یابد و پاداش بزرگ آن را هم دریافت می‌کند. ۱۱. انسان نمی‌تواند حقّ الهی را در مورد عبادات و دستورات او به جا آورد، از این‌رو نباید خود را کامل و طلبکار تصور کند بلکه باید همیشه خود را مقصر بشمارد و عذر به درگاه الهی آورد و طلب آمرزش نماید. ۱۲. در این آیه سفر و تلاش برای زندگی، هم‌ردیف جهاد در راه خدا آمده است. برخی مفسران از این آیه استفاده کرده‌اند که تلاش برای معاش، هم‌ردیف جهاد در راه خدا است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با توجه به موانعی که دارید، در حد توان خود شب زنده‌داری کنید و قرآن (و نماز) بخوانید. ۲. اگر نمی‌توانید شمارش و حساب دقیق در عبادت نگاه دارید، از اصل عبادت بازنمانید. ۳. بیماری، مسافرت و جهاد شما را از قرآن خواندن باز ندارد (بلکه هرچه می‌توانید بخوانید). ۴. طلب روزی و جهاد می‌توانند دو هدف برای سفرهای شما باشد. ۵. از پیوند باخدا وخلق غافل نشوید و نماز و زکات و انفاق را فراموش نکنید. ۶. انفاق به مردم، وام به خداست که پاداش بزرگی در پی دارد. ۷. آنچه در راه خدا بدهید گم نمی‌شود بلکه در رستاخیز آنها را تجسّم یافته می‌یابید. ۸. به آمرزشگری و مهرورزی خدا توجه و از گناهانتان استغفار کنید. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۳

بخش سیزدهم: سوره‌ی مدثر

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «مُدثّر» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۵۶ آیه، ۲۵۵ کلمه و ۱۰۱۰ حرف است. این سوره چهارمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «مُزمّل» و قبل از سوره‌ی «مَسَد») و هفتاد و چهارمین سوره در چینش کنونی قرآن است. تنها نام این سوره «مُدّثر»، به معنای «جامه به خود پیچیده» است که از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: از امام باقر علیه السلام روایت شده که هر کس در نماز واجب سوره‌ی مدّثر را بخواند، بر خداست که او را در درجه‌ی محمد صلی الله علیه و آله قرار دهد. «۱» البته این گونه پاداش‌ها برای این سوره بر اساس شرایطی است، از جمله عمل به محتوای سوره.

اهداف

اهداف: هدف‌های مهم این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری معاد و در همین راستا هشداری به مشرکان؛ ۲. دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به قیام و اعلام رسالت به صورت علنی. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۶

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. اشاره به رستاخیز و صفات آن (در آیات ۸، ۹ و ۲۶– ۲۹)؛ ۲. تذکری درباره‌ی نوزده فرشته‌ی مأمور دوزخ (در آیات ۳۰ و ۳۱)؛ ۳. بیان صفات دوزخیان (در آیات ۱۰– ۲۶)؛ ۴. بیان ویژگی‌های بهشتیان (در آیات ۳۹ و ۴۰)؛ ۵. مطالبی درباره‌ی نبوّت و دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به قیام و ابلاغ آشکار رسالت خویش همراه با صبر و استقامت (در آیات ۱– ۷). ب) مطالب فرعی: ۱. بیان اسباب جهنّمی شدن افراد؛ از جمله: ترک نماز، ترک غذادادن به مساکین و فرورفتن در بطالت‌ها و انکار روز قیامت (در آیات ۴۱– ۴۷)؛ ۲. بیان ارتباط سرنوشت انسان با اعمالش (در آیه‌ی ۳۸)؛ ۳. اشاره‌ای به فرار افراد جاهل و خودخواه از حق (در آیه‌ی ۲۳)؛ ۴. دستوراتی درباره‌ی پاکی لباس و دوری از پلیدی‌ها (در آیات ۴ و ۵)؛ ۵. دفاع از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل تهمت‌های مشرکان (در آیات ۱۶– ۲۶ و ۳۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی مدّثر قرآن کریم در آیات اول تا هفتم سوره‌ی مُدثّر با فراخواندن پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی قیام، برنامه‌ی فردی، اجتماعی و اخلاقی او را روشن می‌سازد و می‌فرماید: ۱– ۷. یَا أَیُّهَا الْمُدَّثِّرُ* قُمْ فَأَنذِرْ* وَرَبَّکَ فَکَبِّرْ* وَثِیَابَکَ فَطَهِّرْ* وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ* وَلَا تَمْنُن تَسْتَکْثِرُ* وَلِرَبِّکَ فَاصْبِرْ ای جامه‌ی خواب به خود پیچیده!* برخیز و هشدار بده،* و پروردگارت را بزرگ شمار،* و لباست را پاک کن،* و از پلیدی دوری کن،* و منّت مگذار درحالی که فزونی می‌طلبی،* و به خاطر پروردگارت شکیبا باش. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران برآن‌اند که این آیات سه سال پس از بعثت فرود آمده‌اند، سه سالی که پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را به طور پنهانی به سوی اسلام فرا می‌خواند، سپس در این آیات دستور یافت که آشکارا تبلیغ کند. «۱» ۲. در این آیات اشاره شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر آرمیده بود که دستور قیام به او رسید، مقصود از این جملات چیست؟ مفسران قرآن چند تفسیر برای این آیات بیان کرده‌اند: الف) مشرکان عرب در آستانه‌ی موسم حج تصمیم گرفتند که همگی پیامبر صلی الله علیه و آله را ساحر بخوانند و ایشان سخت ناراحت شدند و بیمارگونه و غمگین به خانه آمدند و در بستر آرمیدند، که آیات فوق فرود آمد و ایشان را به قیام و مبارزه دعوت کرد. ب) واقعاً پیامبر صلی الله علیه و آله درحال خواب بود و جامه بر خود کشیده بود که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۱۸ جبرئیل فرود آمد و او را به قیام و انجام رسالت فراخواند. ج) مقصود از جامه همان لباس رسالت است که پیامبر برتن کرده و در گوشه‌ی عزلت قرار گرفته بود، ولی این آیه او را به خروج از انزوا و قیام به هدایت مردم فراخواند. د) پس از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و ابلاغ رسالت در کوه حرا، آن حضرت به خانه آمد و فرمود: «مرا بپوشانید»، در این هنگام جبرئیل آمد و او را به قیام فراخواند. ولی احتمال اخیر با نزول سوره که سه سال پس از بعثت است سازگاری ندارد. «۱» البته سه احتمال اول با هم‌دیگر منافاتی ندارند و ممکن است همگی صحیح باشند. ۳. در این آیات بر قیام برای هشدار دادن تأکید شده است، در حالی که وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله هشدار دادن است و هم بشارت. شاید به خاطر آن که هشدار در آغاز رسالت تأثیر عمیق‌تری در بیداری مردم دارد. آری؛ هشدار در مورد عذاب دنیوی و اخروی و نتایج سوء اعمال مردم، لازمه‌ی هدایت آنهاست. ۴. مقصود از تکبیر گفتن، بزرگ شمردن خدا از نظر اعتقاد و عمل است؛ یعنی او را دارای

صفات جمال و منزّه از هر عیب و نقص و برتر از آن بـدانیم که در وصف بگنجـد؛ پس «اللَّه اکبر» گفتن یکی از مصـداق‌های تکبیر است. ۵. مقصـود از لبـاس پیـامبر صـلی الله علیه و آله که بایـد آن را پـاک دارد، یـا همین لبـاس ظـاهری است؛ یعنی هم‌چون مردم جـاهلی لبـاس کثیف و بلنـد نداشـته بـاش؛ آن را کوتـاه کن تا برزمین نکشـد و کثیف نشود. «۲» چون پـاکیزگی لبـاس از مهم‌ترین نشانه‌هـای شخصـیت و فرهنـگ انسـان است؛ و یـا منظور، روح و جـان انسان است که بایـد از هر آلودگی پاک گردد و یا کنایه از اعمال انسان است که به منزله‌ی لباس اوست و یا مقصود زنان هسـتند که در قرآن لباس مردان خوانده شده‌اند. «۳» البته مانعی ندارد که همه‌ی این معـانی مـورد نظر تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۳۱۹ باشـد؛ یعنی رهبران الهی بایـد در تمام ابعاد زندگی پاک باشند. ۶. واژه‌ی «رُجْز» به معنای پلیدی یا اضطراب و تزلزل (و انحراف) و یا به معنای عذاب است؛ از این رو به معانی مختلف، هم‌چون بت‌هـا، گنـاه، اخلاـق زشت، حبّ دنیـا، عـذاب الهی و هر چیزی که موجب غفلت و انحراف انسـان و عـذاب الهی می‌شود تفسیر شـده است. هر چنـد پیامبر صـلی الله علیه و آله قبل و بعد از بعثت از این امور دور بود اما دوری از این‌ها به عنوان یک اصـل اساسـی در مسیر رسالت ایشان و نیز به عنوان یک الگو برای همگان مورد تأکیـد قرار گرفته است. «۱» ۷. در این آیات پیامبر صلی الله علیه و آله را از منت‌گـذاری بر مردم و زیاده‌انگـاری اعمـال خویش و تقاضـای پـاداش فراوان منع کرده است، تـا این دسـتورات الگوی رهبران الهی بلکه همه‌ی مردم باشـد. آری؛ کسـی که جهاد و تلاش می‌کنـد و به دیگران امـداد می‌رسانـد، باید سپاس‌گزار آنها باشـد و آنها را کوچک و ناقص شـمارد و انتظار پاداش از آنان نداشـته باشـد. علاوه بر آن که منت‌گـذاری موجب باطل شدن اعمال انسان می‌گردد. «۲» ۸. این آیات پیامبر صـلی الله علیه و آله را به شـکیبایی در برابر مشکلات و مخالفان فرا می‌خوانند. آری؛ صبر یکی از ارکـان زمـام‌داری و رهبری مردم و ضـامن اجرای برنامه‌هـاست. از امـام علی علیه السـلام روایت شـده که صبر در برابر ایمان هم‌چون سر نسبت به بدن است. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و مبلغان دینی بداننـد که وقت استراحت نیست، به پاخیزند و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۰ مردم را راه‌نمایی کنند. ۲. انقلاب و قیام را با هشدار و تکبیر شروع کنید. ۳. رهبران و مبلغان الهی، زنـدگی و دامان خویش را پاک نگه دارند (تا الگوی دیگران باشـند). ۴. اگر می‌خواهید رهبر و مبلغ خوبی باشـید، از هرگونه پلیدی و انحراف دوری گزینید. ۵. منت گذاشـتن و فزون انگاری و فزون خواهی از صـفات رهبران الهی نیست. *** قرآن کریم در آیـات هشـتم تا دهم سوره‌ی مـدثّر به رسـتاخیز و سـختی آن برای کافران اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۸- ۱۰. فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ* فَذلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ* عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ و هنگامی که در شیپور دمیده شود،* و آن، آن روز، روزی سخت است،* که بر کـافران غیر آسـان است! نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در هنگام برپایی رسـتاخیز دو اعلام عمومی با نفـخ صور (دمیـدن در شـیپوری خـاص) صـورت می‌گیرد. در نفـخ صور واعلاـم اول همه‌ی موجوداتِ زنـده می‌میرنـد و در نفـخ صور واعلاـم دوم همه‌ی مردگـان مجدداً زنده شده، در صـحنه‌ی رستاخیز برای حساب و پاداش و کیفر آماده می‌شوند. «۱» آیه‌ی فوق به نفخ صور و اعلام دوم اشاره دارد. ۲. «ناقُور» در اصل به معنای کوبیدن چیزی است به طوری که سوراخ شود و به اعلام عمومی رستاخیز با شیپور خاص نیز ناقور می‌گوینـد؛ گـویی آن صـدا گـوش انسـان را سـوراخ می‌کنـد و در مغز فرو می‌رود. ۳. صـحنه‌ی رسـتاخیز برای مؤمنـان مقـدمه و نویـدبخش بهشت و رحمت الهی و برای کـافران مقـدمه‌ی عـذاب ابـدی است، از این رو رسـتاخیز برای آنان بسـیار سـخت و طاقت فرساست. تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آینده‌ی سـختی در انتظار کافران است. ۲. رستاخیز را ساده و آسان نپندارید. *** قرآن کریم در آیات یازدهم تا سـی‌ام سوره‌ی مدثر با اشاره به ناسپاسـی و نقشه کشی مخالفان و تهمتِ سحر به پیامبر صـلی الله علیه و آله با یادآوری ویژگی‌های دوزخ به آنان هشدار داده، می‌فرماید: ۱۱- ۳۰. ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً* وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْـدُوداً* وَبَنِينَ شُـهُوداً* وَمَهَّدتُّ لَهُ تَمْهِيـداً* ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ* كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيداً* سَأُرْهِقُهُ صَـعُوداً* إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ* فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ* ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ* ثُمَّ نَظَرَ* ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ* ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْـتَكْبَرَ* فَقَالَ إِنْ هذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ* إِنْ هذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَـرِ* سَأُصْلِيهِ سَـقَرَ* وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَـقَرُ* لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ* لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَـرِ* عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ مرا واگذار باکسی که (او را) به تنهایی

آفریدم؛* و برای او مال گسترده‌ای قرار دادم؛* و پسرانی شاهد (و حاضر به خدمت)؛* و برای او (وسایل زندگی را) کاملاً آماده کردم؛* سپس طمع ورزید که بیفزایم.* هرگز چنین نیست؛ [چرا] که او نسبت به (آیات و) نشانه‌های ما ستیزه‌گر بود؛* به زودی اورا به بالا رفتن (از گردنه‌ی عذاب) وا خواهم داشت.* [چرا] که او تفکّر کرد و (نقشه را) معیّن نمود.* پس کشته باد! که چگونه معیّن کرد؟!* سپس کشته باد! که چگونه معیّن نمود؟!* سپس نظر کرد؛* سپس چهره در هم کشید و با ترش‌رویی شتاب کرد؛* سپس پشت کرد و تکبر ورزید؛* و گفت: «این (قرآن) جز سحری حکایت شده نیست؛* این جز گفتار بشر نیست.»* به زودی او را به دوزخ آزار دهنده وارد می‌کنم (و می‌سوزانم)!* و چه چیز تورا آگاه کرد که «دوزخ آزار دهنده» چیست؟!* (دوزخی) که نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌سازد؛* که (آن دوزخ) سوزاننده و تغییر دهنده‌ی (رنگ) پوست‌هاست؛* که نوزده (فرشته) برآن (گماشته) است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۲ شأن نزول: حکایت شده که یکی از سران مشرکان به نام «ولید بن مُغیره» آیات قرآن را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید و به شگفت آمد و گفت: گفتار او شیرینی خاصی دارد و زیبایی و طراوت مخصوصی، شاخه‌هایش پرثمر و ریشه هایش قوی است؛ سخنی که بر هر سخن دیگری برتری دارد و هیچ سخنی از آن برتر نیست. «۱» سپس برخی از قریش به او اعتراض کردند که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله را تأیید کرد و او برای جبران گفت: محمد صلی الله علیه و آله دیوانه و کاهن و دروغ‌گو و شاعر نیست، بلکه او مردی ساحر است و آنچه می‌گوید سحری است جالب، چون میان مردم جدایی می‌افکند. بعد از این واقعه همه‌ی مشرکان هم‌داستان شده، پیامبر صلی الله علیه و آله را «ساحر» خطاب می‌کردند. «۲» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران برآن‌اند که این آیات در مورد ولید بن مُغیره، یکی از سران مشرکان مکه ومخالف لجوج پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن است. او که فردی سرشناس و معروف به عقل و درایت بود، وقتی آیات قرآن را شنید متوجه شد که کلامی برتر است، اما در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله لجاجت کرد و نقشه‌ی شومی کشید و پیامبر صلی الله علیه و آله را جادوگر و قرآن را سحر خواند. این آیات می‌تواند بر مخالفانی هم‌چون ولید تطبیق شود و هشداری برای همه‌ی آنان باشد. ۲. در این آیات صفات «ولید» این گونه بر شمرده شده است: تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۳ الف) خدا به تنهایی او را آفریده و در شکم مادر وهنگام تولد تنها بود و اکنون نیز خود را شخصیت منحصر به فرد عرب می‌نامد، ولی خدا به تنهایی به حساب او رسیدگی خواهد کرد و کیفر ناسپاسی او را خواهد داد. «۱» ب) خدا به او اموال و نعمت‌های گسترده‌ای داده بود ولی او ناسپاسی می‌کرد. حکایت کرده‌اند که ولید در بین مکه وطائف دارای مزارع و دام‌های زیادی بود. ج) خدا به او پسرانی داده بود که نزد او حاضر بودند و به او خدمت می‌کردند و به خاطر کار و معیشت او را تنها نمی‌گذاشتند. د) خدا وسایل و مقدمات زندگی برای او آماده کرده بود و از نظر اقتصادی و اجتماعی موقعیت خوبی داشت. ه) او هم چون دیگر ثروتمندان انسان طمع‌ورزی بود و مایل بود که خدا نعمت‌های بیش‌تری به او بدهد. و) نسبت به آیات الهی و نشانه‌های خدا دشمنی می‌ورزید و آگاهانه با آن مخالفت می‌کرد و با آن که می‌دانست قرآن کلام برتر است، بازهم آن را سحر می‌خواند. ز) او فرد متفکری بود اما از فکر خود در راه نقشه‌کشی علیه اسلام استفاده می‌کرد و در ذهن خود توطئه‌ها را آماده و تقدیر و تدبیر می‌کرد. آری؛ تفکر عبادت است؛ اگر در مسیر حق‌طلبی باشد، اما تفکری که در خدمت اهداف شیطانی قرار گیرد، انسان را گمراه و گرفتار عذاب می‌سازد. ح) فردی ترش‌روی و عجول بود. ط) تکبّر می‌ورزید و از حق روی برمی‌تافت. ی) به پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن تهمت می‌زد و قرآن را سخن بشری و سحر می‌خواند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۴ ۳. در این آیات چند کیفر برای «ولید» پیش‌بینی شده است: الف) خدا بر نعمت‌های او نیفزود، چراکه ناسپاس بود و به جای شکر نعمت، در برابر پیامبر و قرآن موضع‌گیری می‌کرد. ب) او را گرفتار سختی (عذاب) می‌کند و مجبور می‌سازد که از قله‌ی سخت زندگی بالا برود و سپس سقوط کند. «۱» حکایت شده که ولید سرانجام در زندگی فردی و اجتماعی سقوط کرد و به تدریج تا آخر عمر اموال و فرزندان خود را از دست داد. ج) خدا بر او نفرین کرد و دو بار فرمود: «مرگ بر او باد!» زیرا او نقشه‌های شوم می‌کشید و از نعمت فکر و ذهن خود در راه اهداف ضد الهی استفاده می‌کرد. د)

فرجام ولید آتش دوزخ است، که پوست تن را دگرگون می‌سازد و چیزی را رها و باقی نمی‌گذارد. ۴. ولید پس از تفکر، چهره درهم کشید و از حق روی برتافت و قرآن را کلامی بشری و سحر خواند؛ سحری تاریخی که در اقوام پیشین وجود داشت و انسان را به شگفت می‌آورد؛ «۲» در حالی که او فردی آگاه به ظرایف ادبی بود ومی دانست که قرآن کلام برتر است و اگر او می‌توانست مثل آن را می‌آورد؛ ولی لجاجت کرد و تسلیم حق نشد. ۵. «سَقَر» یکی از نام‌های دوزخ و در اصل به معنای دگرگون و ذوب شدن بر اثر تابش آفتاب است که به عذاب هولناک آتش جهنّم اشاره دارد. برخی نیز آن را نام یکی از طبقات هول‌انگیز دوزخ دانسته‌اند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۵ ۶. آتش دوزخ قابل درک و تصور نیست و برخلاف آتش دنیا، همه چیز را فرا می‌گیرد و چیزی را رها نمی‌کند و پوست و استخوان را سالم نمی‌گذارد؛ دوزخیان را نه می‌میراند ونه زنده نگاه می‌دارد بلکه بین مرگ و حیات آزار می‌دهد. «۱» آری؛ آتش دوزخ رنگ پوست بدن را دگرگون می‌سازد و از فاصله‌ی دور نمایان است «۲» و نوزده نگاهبان ومأمور برآن گماشته شده‌اند؛ بنابراین راه گریزی از آن نخواهد بود. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حساب و کیفرمخالفان لجوج اسلام با خود خداست. ۲. مخالفان اسلام به نعمت هایی که خدا به آنان ارزانی داشته توجه کنند و (ناسپاسی) و دشمنی نورزند. ۳. ثروتمندان، کفرپیشه، طمع‌کار و فزون طلب‌اند. ۴. دشمنی با آیات الهی موجب سقوط است. ۵. هر کسی علیه قرآن و رهبران الهی نقشه بکشد فرجامی عذاب‌آلود دارد. ۶. مرگ بر توطئه‌گران علیه قرآن. ۷. مستکبران ترش‌روی به قرآن و رهبران الهی تهمت می‌زنند. ۸. هر کس قرآن را کلام بشری و سحر بخواند مستحق مرگ است. ۹. هر کس از نعمت تفکر سوء استفاده کند، مستحق مجازات است. ۱۰. عذابی غیر قابل تصور در انتظار مخالفان قرآن است. ۱۱. آتش دوزخ نابود کننده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۶ ۱۲. آتش دوزخ (گریزناپذیر است، چون) محافظ دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی مدثّر به حکمت تعداد مأموران دوزخ و واکنش‌های مختلف در برابر آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۱. وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَبَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَاناً وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَبَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ و (مأموران) اهل آتش را جز فرشتگان قرار ندادیم و تعداد آنان را جز آزمایشی برای کسانی که کفر ورزیدند قرارندادیم، تا کسانی که به آنان کتاب داده شده یقین کنند و بر ایمان کسانی که ایمان آوردند بیفزاید وکسانی که به آنان کتاب داده شده و مؤمنان تردید نکنند و برای این‌که کسانی که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است و کافران، بگویند: «خدا از این مَثَل چه اراده کرده است؟!» این‌گونه خدا هر کس را بخواهد (به خاطر اعمالش) در گمراهی وا می‌نهد و هر کس را (شایسته بداند و) بخواهد راه‌نمایی می‌کند. و (تعداد) لشکریان پروردگارت را جز او نمی‌داند و این جز یادآوری برای بشر نیست. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که گروهی از یهود از یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد تعداد مأموران دوزخ پرسش کردند و او گفت: خدا و رسولش آگاه‌ترند. و جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و اعلام کرد که آنان نوزده نفرند «۱» (و یهودیان بر این تعداد اعتراض نکردند، زیرا با تعالیم خود هماهنگ یافتند و مؤمنان در عقیده‌ی خود راسخ‌تر شدند) اما برخی مشرکان همچون تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۷ ابوجهل این مطلب را به ریشخند گرفتند وگفتند: آیا ده نفر از شما شجاعان عرب نمی‌تواند یکی از مأموران دوزخ را شکست دهد؟ و آیه‌ی فوق به این گروه پاسخ داد که تعیین این تعداد برای آزمایش مردم است. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات بیان شده که تعداد فرشتگان دوزخ نوزده نفر است. این تعداد مأموران عذاب است، وگرنه فرشتگان و لشگریان الهی صحنه‌ی آسمان و زمین و بهشت و دوزخ را پر کرده‌اند و تعداد آنها را جز خدا کسی نمی‌داند. «۲» ۲. در این آیات بیان شده که انتخاب عدد نوزده برای آزمایش مردم است؛ یعنی کسی به درستی نمی‌داند که چرا عدد نوزده انتخاب شده است، البته برخی افراد در این مورد حدس‌هایی زده‌اند که دلیل ندارد. «۳» آری؛ خدا برخی مطالب را بیان می‌کند و دلیل آن را روشن نمی‌سازد تا نشان دهد که چه کسانی حقایق وحی را

می‌پذیرند و چه کسانی بهانه‌تراشی می‌کنند. ۳. قرآن با بیان تعداد مأموران دوزخ (۱۹ نفر) کافران را از دو جهت آموزد: یکی این که آنان این مطلب را مورد پرسش و ریشخند قرار دادند و از طرف دیگر آن فرشتگان را اندک و ناتوان شمردند. در حالی که فرشتگان الهی قدرتمند هستند و به اراده‌ی الهی و به فرمان او قادرند هر کاری انجام دهند. در مورد تعداد آنان نیز هر عدد دیگری انتخاب می‌شد، بازجای پرسش وجود داشت که چرا تعداد آنها این‌قدر است. آری؛ بهانه‌تراشی مخالفان اسلام پایانی نخواهد داشت. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۸ ۴. بیان تعداد مأموران دوزخ هم زمینه‌ساز تأیید اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) شد چراکه آنان از این تعداد اطلاع داشتند و متوجه شدند که این مطلب حق و از طرف خداست و تردید آنان برطرف شد. و هم موجب افزایش ایمان مؤمنان شد، چون به حقانیت قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله اطمینان بیش‌تری پیدا کردند و هرگونه تردیدی از دل آنان برطرف شد. از این آیه استفاده می‌شود که انطباق مطالب قرآن با کتاب‌های آسمانی و تعالیم پیامبران پیشین نشانه‌ی حقانیت قرآن و موجب افزایش ایمان مردم می‌شود؛ پس تحقیق در زمینه‌ی قرآن و کتب مقدس دیگر مفید خواهد بود. ۵. مقصود از بیماردلان در این آیه همان مشرکان لجوج هستند که حقایق قرآنی را به ریشخند می‌گرفتند و یا کافرانی که متوجه حقانیت قرآن شدند ولی باز هم کژراهه می‌رفتند. بنابراین، این آیه به منافقان بیماردل اشاره ندارد و مدنی نیست؛ چرا که سوره‌ی مدّثر مکی است و تعبیر بیمار دلان در قرآن در مورد کافران نیز به کار رفته است. «۱» ۶. در این آیه بیان شده که هدایت وگمراهی افراد به اراده‌ی خداست، البته اراده‌ی خدا تابع حکمت اوست و او کاری را بدون دلیل وحکمت انجام نمی‌دهد؛ بنابراین همان طور که در آیه اشاره شده، برخی افراد با لجاجت و بیماردلی خود زمینه‌ی انحراف و گمراهی خویش را فراهم می‌کنند و از این رو خدا آنان را در گمراهی وامی‌نهد، اما مؤمنان مسلمان و اهل کتابی که به حقانیّت قرآن پی برده و بدان اعتراف می‌کنند، هدایت می‌شوند و یا بر ایمان آنان افزوده می‌شود. ۷. در این آیه بیان شده که مطالب قرآن وتعداد مأموران دوزخ و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۲۹ لشگریان خدا و یا اصل وجود دوزخ مایه‌ی تذکّر و بیداری انسان‌هاست؛ «۱» چرا که این مطالب جدی بودن عذاب الهی را یادآوری می‌کند تا افراد غافل را بیدار کند و از راه کفر و گناه باز دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بیان برخی مطالب در قرآن برای آزمایش و بیداری مردم است. ۲. در مورد انطباق مطالب قرآن با تعالیم پیامبران پیشین تحقیق کنید که موجب افزایش ایمان افراد می‌شود. ۳. مطالعه‌ی تطبیقی بین قرآن و کتب مقدس دیگر مفید و سازنده است وتردیدها را در مورد حقانیت قرآن بر طرف می‌سازد. ۴. کافران و مشرکان بیماردل دست از بهانه‌تراشی در برابر قرآن برنمی‌دارند. ۵. تعداد دقیق فرشتگان را فقط خدا می‌داند (پس در مورد آن مجادله نکنید). ۶. هدایت و گمراهی به دست خداست (ولی زمینه‌های آن را خود انسان فراهم می‌سازد). ۷. بیماردلی مانع استفاده از قرآن، و ایمان زمینه‌ساز بهره‌برداری بیش‌تر از آن است. *** قرآن کریم در آیات سی و دوم تا سی و نهم سوره‌ی مدثّر با سوگندهای متعدد، به عظمت و هشدار رستاخیز و آزادی اراده‌ی انسان‌ها و نجات اصحاب یمین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۲- ۳۹. كَلَّا وَالْقَمَرِ* وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ* وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ* إِنَّهَا لَإِحْدَى تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۰ الْكُبَرِ* نَذِيراً لِلْبَشَرِ* لِمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ* كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ* إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ هرگز چنین نیست (که تصور می‌کنند)؛ سوگند به ماه!* و سوگند به شب، هنگامی که پشت کند!* و سوگند به صبح، هنگامی که روشن شود!* قطعاً، آن (دوزخ) یکی از (نشانه‌های) بزرگ است.* درحالی که هشدار گری برای بشر است.* برای هرکس از شما که بخواهد پیشرو باشد یا واپس ماند.* هر شخصی در گرو دستاورد (خویش) است.* مگر یاران خجسته (دست راست)، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات خدای متعال به ماه و شب و صبح سوگند یاد کرده است و سوگند به این پدیده‌های طبیعی برای تأکید بر مطلب و نیز نشان دادن اهمیت این پدیده‌ها و جلب توجه انسان به سوی آنهاست. ۲. در این آیات به شب آرام بخش و اسرار آمیز سوگند یاد شده است؛ شبی که رو به صبح روشن دارد و نیز به صبح سوگند یاد شده است؛ صبحی که نقاب از چهره برمی‌دارد و نوید بخش پایان تاریکی شب و دل‌انگیز و نشاط‌آور است. ۳. در آیات قبل بیان شد که مشرکان و کافران تعداد مأموران دوزخ را ریشخند می‌کردند

و اینک در این آیات سخن آنان نفی، و با سوگندهای متعدد تأکید می‌شود که مسئله‌ی رستاخیز و تعداد مأموران عذاب و فرشتگان لشگر خدا یکی از مسائل مهم و نشانه‌های الهی است «۱» که برای هشدار به بشر قرار داده شده است. ۴. هدف آفرینش رستاخیز و دوزخ هشدار دادن به بشریت است؛ زیرا انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و می‌توانند به کمال برسند و یا عقب‌گرد و سقوط کنند. پس باید رستاخیزی باشد تا به انسان‌های پیشرو پاداش مناسب داده شود و انسان‌های منحط و عقب‌گرا که راه سقوط اخلاقی و اعتقادی را پیموده‌اند مجازات شوند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۱ ۵. این یک قانون کلی است که هر انسانی گروگان اعمال خویش است؛ یعنی وجود او در برابر انجام وظایف وکارهای اوست و وقتی آنها را انجام دهد آزاد می‌شود و یا این که انسان همراه اعمال خویش است، «۱» مگر اصحاب یمین که از قید اعمال خویش آزاد می‌شوند؛ یعنی اعمال نیک آنها گناهانشان را می‌زداید و نجاتشان می‌دهد. ۶. «اصحاب الیمین» یا به معنای افراد پربرکت است که در رستاخیز سعادتمندند و یا انسان‌هایی که نامه‌ی اعمال آنان به دست راستشان داده می‌شود که این نشانه‌دهنده‌ی سعادتمندی و نجات آنان در رستاخیز است. «۲» اصحاب یمین گر چه ممکن است لغزش‌هایی داشته باشند اما این لغزش‌ها تحت تأثیر نیکی‌های آنان قرار می‌گیرد و زدوده می‌شود و با حساب‌رسی آسانی وارد بهشت می‌شوند. «۳» ۷. از امام باقر علیه السلام روایت شده که ما و شیعیان ما اصحاب یمین هستیم و هرکس با ما اهل بیت دشمنی ورزد در اسارت اعمال خویش است. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پدیده‌ی ماه و شب و صبح پراهمیت است (در مورد آنها دقت کنید). ۲. رستاخیز بسیار عظیم است. ۳. هشدارگری یکی از اهداف آفرینش رستاخیز است. ۴. انسان آزاد است و می‌تواند پیشرو یا عقب‌گرا باشد. ۵. هرکس در گرو اعمال خویش است (پس برای رهایی خود تدبیر کنید). ۶. اصحاب یمین اهل نجات و سعادت‌اند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۲ قرآن کریم در آیات چهلم تا چهل و هشتم سوره‌ی مدثّر به فرجام سعادتمندان و مجرمان و گفتمان آنان در مورد عوامل دوزخی شدن و محرومیت از شفاعت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰- ۴۸. فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ* عَنِ الْمُجْرِمِينَ* مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ* وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ* وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ* وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ* حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ* فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ که در بوستان‌های (بهشتی) پرسش می‌کنند،* از خلافکاران:* «چه چیز شما را به دوزخ آزار دهنده وارد ساخت؟!»* می‌گویند: «از نمازگزاران نبوده‌ایم؛* و هرگز به بینوایان غذا نمی‌دادیم؛* و پیوسته با فرورفتگان (در باطل) فرو می‌رفتیم؛* و روز جزا را تکذیب می‌کردیم،* تا این‌که یقین (به مرگ) به سراغ ما آمد.»* پس شفاعتِ شفاعت کنندگان برای آنان سودی نخواهد داشت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت گروه‌های متضاد را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا مردم با مطالعه‌ی آنها راه خود را انتخاب کنند. در این آیات نیز فرجام دوگروه در برابر هم تصویر شده است: اصحاب یمین یعنی مؤمنان نیکو کردار و سعادتمند که اهل بهشت‌اند. و خلافکاران که اهل دوزخ‌اند. ۲. در این آیات به عوامل عذاب مجرمان و زمینه‌های ورود آنان به دوزخ اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) قطع رابطه با خدا و ترک نماز و عبادت؛ ب) قطع رابطه با خلق و ترک زکات وامدادرسانی به بینوایان؛ ج) باطل گرایی و هم‌نشینی با اهل باطل و افراد سست‌عنصر که موجب کشانده شدن انسان به کارهای باطل و گناه می‌شود؛ د) تکذیب و انکار رستاخیز که موجب جرئت برگناه می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۳ ۳. نماز راه پیوند و ارتباط انسان با خداست و انسان را از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارد؛ بنابراین هرکس نماز را ترک و ارتباط خود را با خدا قطع کند، در سرازیری سقوط به سوی دوزخ قرار می‌گیرد. ۴. مقصود از غذا دادن به بینوایان، هرگونه امداد رسانی به فقراست و منحصر در غذا دادن نیست، بلکه شامل پوشاک و مسکن و هزینه‌ی درمان و مانند آن نیز می‌شود. مفسران قرآن برآنند که مقصود آیه نپرداختن زکات است که اصل وجوب آن در مکه بوده و جزئیات آن در مدینه بیان شده است؛ چراکه ترک کمک‌های مستحبی موجب ورود به دوزخ نمی‌شود. «۱» ولی مانعی ندارد که بگوییم آیه شامل زکات و هرگونه امداد رسانی ضروری می‌شود، چرا که گاهی امداد رسانی به نیازمندان برای حفظ جان آنان واجب است. ۵. مقصود از فرورفتن در امور باطل، «۲» شرکت در مجالس ضد

اخلاقی و گناه‌آلود و نیز همراهی با افراد سست‌عنصر و ولگرد است که مسائل دینی را به ریشخند می‌گیرند و به تهمت و غیبت و لهو و لعب روی می‌آورند و به ترویج مسائل بدعت‌آمیز و کفر و شرک روی می‌آورند. آری؛ همراهی با این افراد و مجالس زمینه‌ساز سقوط اخلاقی و دینی و ورود به دوزخ است. ۶. اعتقاد به رستاخیز موجب می‌شود که انسان از گناه و انحراف بپرهیزد ولی انکار و عدم اعتقاد به معاد ارزش‌های الهی و اخلاقی را متزلزل می‌سازد و راه گناه را باز می‌کند و استمرار آن موجب ورود به دوزخ می‌شود. ۷. برخی مفسران از این آیات استفاده کرده‌اند که کافران همان طور که تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۴ در مورد اصول دین تکلیف دارند، در مورد فروع دین هم‌چون نماز نیز تکلیف دارند و به خاطر ترک آنها گرفتار دوزخ می‌شوند. البته به جا آوردن نماز بدون ایمان به خدا میسّر نیست و از این رو نماز رمز تسلیم در برابر خدا و ایمان به اوست. «۱» ۸. مقصود از «یقین» در آیات فوق چیست؟ برخی مفسران قرآن یقین را به معنای مرگ دانسته‌اند؛ چراکه مرگ امری یقینی برای همه‌ی افراد بشر است که هیچ شکی در آن نیست. ولی برخی دیگر از مفسران یقین را اشاره به آگاهی دانسته‌اند که پس از مرگ نسبت به مسائل برزخ و قیامت حاصل می‌شود. ۹. شفاعت به معنای ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر است؛ یعنی شفاعت شونده قسمتی از راه را پیموده ولی در فراز و نشیب‌ها وامانده است و شفاعتگر به او ضمیمه می‌شود و با رخصت الهی او را نجات می‌دهد و به او کمک می‌کند تا بقیه‌ی راه را بپیماید. ۱۰. در این آیات اصل شفاعت شفاعتگران در رستاخیز پذیرفته شده و به عنوانِ اصلی مسلّم بدان اشاره شده است. در احادیث اسلامی نیز نخستین شفاعتگر، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله «۲» سپس فرشتگان، پیامبران علیهم السلام «۳»، شهیدان، امامان علیهم السلام «۴»، دانشمندان، «۵» مؤمنان، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۵ قرآن «۱» و حتی روزه «۲» معرفی شده است. ۱۱. اولین کیفر اعمال و عقاید خلافکاران، نفی شفاعت از آنان است؛ کسانی که از خدا و خلق و معاد بریده‌اند، زمینه‌های شفاعت را در مورد خود از بین برده‌اند و شفاعت شفاعتگران در مورد آنان سودی ندارد. ۱۲. راه گفت‌وگوی بهشتیان و دوزخیان در رستاخیز باز است و این گفت‌وگوها روشنگر است و نعمت‌های الهی را به یاد بهشتیان می‌آورد تا قدر نعمت هدایت را بدانند و بیش‌تر سپاس‌گزار حق باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به فرجام بهشتی اصحاب یمین و فرجام دوزخی خلافکاران بنگرید (و راه خود را انتخاب کنید). ۲. بهشتیان با دوزخیان در رستاخیز گفتمان‌های روشنگری دارند (که اطلاع از آنها برای ما هم مفید است). ۳. قطع ارتباط با خدا، خلق و معاد از عوامل زمینه‌ساز ورود به دوزخ و محرومیت از شفاعت است. ۴. نماز، امداد رسانی به فقرا، ترک دوستان ناباب و اعتقاد به معاد، زمینه‌ساز بهره‌مندی از شفاعت است. ۵. در رستاخیز شفاعت‌گران متعددی وجود دارند. ۶. به وظایف خود در مورد بینوایان عمل کنید تا گرفتار عذاب نشوید. ۷. با افراد سست‌عنصر و باطل‌گرا همراهی نکنید تا گرفتار عذاب نشوید. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۳۶ ۸. مرگ یقینی و بیدارگر است. *** قرآن کریم در آیات چهل ونهم تا پنجاه و ششم سوره‌ی مدّثر به آگاهی گریزی و طمع کاری و جسارت مخالفان دین و خودنگه‌داری و آمرزش الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۹- ۵۶. فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ* كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنفِرَةٌ* فَرَّتْ مِن قَسْوَرَةٍ* بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُؤْتَى صُحُفاً مُنَشَّرَةً* كَلَّا بَل لَّا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ* كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ* فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ* وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ و آنان را چه شده که از یادآوری (قرآن) روی‌گردانند؟!* چنان‌که گویی آنان گورخرانی رمیده‌اند،* که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند!* بلکه هر مردی از آنان می‌خواهد که کتابی گشاده (به او) داده شود.* هرگز چنین نیست (که آنان می‌گویند)، بلکه از آخرت نمی‌ترسید.* هرگز چنین نیست (که آنها می‌گویند)، در واقع، آن (قرآن) یادآوری است.* و هرکس بخواهد، آن (قرآن) را یاد کند؛* و یادآور نمی‌شوند مگر این‌که خدا بخواهد؛ که او اهل خودنگه‌داری و اهل آمرزش است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران خلافکار از یادآوری‌ها و روشنگری‌های قرآن فرار می‌کنند و دست رد به سینه‌ی پزشک دل‌سوز و داروی خویش می‌زنند و هم‌چون گورخران وحشی که با وحشت از شیر و صیاد فرار می‌کنند از حقایق گریزانند. «۱» آری؛ انسان ناآگاه گاهی گرفتار جهل مرکب می‌شود و از مطالب آگاهی‌بخش هم فرار می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص:

بخش چهاردهم: سوره‌ی قیامت

اول

کلیات

کلیـات: سوره‌ی «قیامت» در مکه بر پیامبر صـلی الله علیه و آله نازل شـده و دارای ۴۰ آیه، ۱۹۹ کلمه و ۶۵۲ حرف است. این سوره سی‌امین سـوره در ترتیب نزول (بعـد از سـوره‌ی «قـارعه» و قبـل از سـوره‌ی «هُمَزه») و هفتـاد و پنجمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «قیامهٔ» و «لا اقسمُ». این نام‌ها از آیه‌ی اول این سوره گرفته شده که خدا به روز قیامت قسم یاد کرده است.

فضیلت

فضـیلت: از امام باقر علیه السـلام روایت شـده که هر کس سوره‌ی «قیامت» (لا اقسم) را به صورت مسـتمر بخواند و بدان عمل کند، خدا او را با پیامبر صلی الله علیه و آله به بهترین وجه از قبرش برمی‌انگیزد و به او مژده می‌دهد و به صورتش تبسّم می‌کند تا از (پل) صراط و میزان عبور کند. «۱»

اهداف

اهداف: مهم‌ترین هدف سوره‌ی قیامت، بیان مسأله‌ی رستاخیز و حوادث هولناك آن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۲

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. بیـان حوادث عجیب و هولناکی که در آسـتانه‌ی قیامت اتفاق می‌افتـد و به جهان کنونی پایان می‌دهـد (در آیات ۱- ۱۳)؛ ۲. احوال نیکوکاران و بـدکاران در قیامت (در آیات ۲۲- ۳۰)؛ ۳. یادآوری قـدرت خدا بر زنده کردن مردگان (در آیات ۴ و ۴۰)؛ ب) مطـالب دیگر: ۱. بیـان این که انسـان به نفس خود کاملًا آگـاه است (در آیات ۱۴ و ۱۵)؛ ۲. مطالبی درباره‌ی قرآن و جمع‌آوری و بیـان آن توسط خـدا (در آیات ۱۶- ۱۹)؛ ۳. مطـالبی دربـاره‌ی خلقت انسان و مراحل آن (در آیات ۳۷- ۳۹). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۳

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی قیامت قرآن کریم در آیات اول تا شـشم سوره‌ی قیامت با اشاره به دادگاه وجـدان و رسـتاخیز به قـدرت خـدا برای بـاز سـازی انسان در آن روز و بهانه تراشـی انسان‌ها اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱- ۶. لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَـۀِ* وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَـۀِ* أَیَحْسَبُ الْإِنسَـانُ أَ لَّن نَجْمَعَ عِظَامَهُ* بَلَی قَادِرِینَ عَلَی أَن نُّسَوِّیَ بَنَانَهُ* بَلْ یُرِیـدُ الْإِنسَانُ لِیَفْجُرَ أَمَامَهُ* یَسْأَلُ أَیَّانَ یَوْمُ الْقِیَامَۀِ سوگند یاد می‌کنم به روز رسـتاخیز!* و سوگند یاد می‌کنم به نفس (و وجدان بیدار) سرزنشگر (که رستاخیز حق است).* آیا انسان می‌پندارد که اسـتخوان‌هایش را جمع‌آوری نخواهیم کرد؟!* آری؛ بر مرتب کردن (سر) انگشتانش توانااییم.* بلکه انسان می‌خواهد

که پیش رویش (در آینده) خلافکاری کند.* در حالی که می‌پرسد: «روز رستاخیز چه وقت است؟!» شأن نزول: حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله همسایه‌ای به نام «عدّی بن ربیعه» داشت که از ایشان در مورد رستاخیز پرسش نمود و گفت: اگر من رستاخیز را با چشم خود ببینیم، بازهم به تو ایمان نمی‌آورم؛ از این رو آیات فوق فرود آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله از شرّ این همسایه‌ی بد به خدا پناه برد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «لا» در آیه‌ی اول و دوم این سوره ممکن است زاید و برای تأکید باشد؛ یعنی «حتماً تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۴ من به رستاخیز سوگند یاد می‌کنم.» و یا این که برای نفی است؛ یعنی «من به رستاخیز سوگند یاد نمی‌کنم.» (چرا که موضوع بسیار مهمی است). «۱» البته نتیجه‌ی هر دو تفسیر یکی است و آن این که مسأله‌ی رستاخیز بسیار مهم است. ۲. در این آیات به رستاخیز سوگند یاد شده تا بر وقوع رستاخیز تأکید شود «۲» و این نشان می‌دهد که مسأله‌ی رستاخیز چنان مسلم است که حتی می‌توان در برابر منکران بدان سوگند یاد کرد. ۳. مقصود از نفس سرزنشگر انسان، که بدان سوگند یاد شده است، چیست؟ برخی از مفسران برآن‌اند که نفس سرزنشگر همان وجدان اخلاقی انسان است که در هنگام خلافکاری او را سرزنش می‌کند و به تجدید نظر و جبران وامی‌دارد. ولی برخی دیگر از مفسران گفته‌اند که مقصود از نفس سرزنشگر، همان پشیمانی و سرزنش انسان‌ها در رستاخیز است که مؤمنان به خاطر اندک بودن اعمال صالح و کافران به‌خاطر کارهای گناه‌آلود، خود را سرزنش می‌کنند و یا این که منظور فقط سرزنش کافران در رستاخیز است. البته مانعی ندارد که هر سه تفسیر صحیح باشد ولی دلیلی برای معنای سوم و انحصار سرزنش به کافران وجود ندارد. ۴. برخی مفسران برآن‌اند که بین نفس سرزنشگر انسان و رستاخیز رابطه‌ای برقرار است و دادگاهِ وجدانِ درون انسان، دلیلی بر دادگاه رستاخیز است. آری؛ دادگاه وجدان انسان نیز به هنگام انجام کارنیک به او نشاط می‌بخشد و پاداش می‌دهد و به هنگام انجام کارهای ناپسند، او را سرزنش تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۵ می‌کند و کیفر می‌دهد. این دادگاه درونی آن‌قدر مهم و سرنوشت‌ساز است که خدا به آن سوگند یاد می‌کند. ۵. در قرآن کریم به «نفس» انسان، یعنی منِ حقیقی او از ابعاد مختلف نظر شده و از آن با عنوان‌های متعددی یاد شده است؛ از جمله: نفس «امّاره» (که به بدی‌ها فرمان می‌دهد) نفس «مُلهمه» (که نیکی و بدی بدان الهام می‌شود) و نفس «مُسَوّمه» (که حالت تقوا و فجور در آن مساوی است) و نفس «لوّامه» (که خلافکاران را از درون سرزنش می‌کند) و نفس «مطمئنه» (که به لطف الهی آرامش یافته و اطمینان دارد و نفس «راضیه» و «مَرضیه» (که از خدا خشنود است و خدا نیز از او راضی است). «۱» در این آیات در برابر منکران معاد، بر توانایی خدا بر بازسازی استخوان‌ها و سرانگشتان تأکید شده است؛ چراکه استخوان عضوی پردوام و رکن بدن است. و هنگامی که خاک و غبار پراکنده شود جمع‌آوری و باز آفرینی آن مشکل‌تر به نظر می‌رسد. سرانگشتان انسان نیز بسیار ظریف و دقیق و در هر انسانی متفاوت است به طوری که می‌توان مجرمان را از اثر انگشت آنان شناسایی کرد؛ ولی خدا می‌تواند سر انگشتان متلاشی شده را نیز در رستاخیز بازآفرینی کند. «۲» ۷. در این آیات اشاره شده که منکران معاد بر گمان و پندار تکیه می‌کنند و دلیلی بر انکار معاد ندارند و انگیزه‌ی آنان از انکار معاد آن است که راه خویش را در انجام گناهان بگشایند، تا در گناه‌کاری و هوس‌بازی آزاد باشند. آری؛ اعتقاد به معاد مسئولیت‌آور است و مانع آلوده شدن به گناهان تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۶ می‌شود ولی انکار معاد انسان را برای بی‌بندوباری، مسئولیت‌گریزی و قانون‌شکنی آزاد می‌سازد؛ از این رو مادی‌گرایان و هوس‌رانان با ریشخند و انکار می‌پرسند که «رستاخیز کی خواهد آمد!» و آن را انکار می‌کنند تا راه گناه را به روی خود بگشایند. ۸. در قرآن کریم بیش از صد نام برای رستاخیز بیان شده است «۱» که یکی از آنها «یوم القیامهٔ» یعنی روز رستاخیز است که هفتاد بار در قرآن آمده است و به قیام عمومی بندگان در آخرت اشاره دارد و توجه به آن انسان را به قیام برای انجام وظیفه در این دنیا فرامی‌خواند. آری؛ هر یک از نام‌های رستاخیز سرّی دارد که باید آن را درک کنیم. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دادگاه رستاخیز و دادگاه درون خویش توجه کنید که بسیار مهم هستند. ۲. هر انسانی وجدان سرزنشگر دارد، که نوعی دادگاه درونی است. ۳. در وقوع رستاخیز شک نکنید که خدای قدرتمند آن را برپا می‌کند. ۴. خدا می‌تواند اعضای محکم و دقیق شما را

بازآفرینی کند (پس در رستاخیز تردید نکنید). ۵. منکران رستاخیز دلیل ندارند، بلکه گمانه‌زنی و بهانه‌تراشی می‌کنند. ۶. انکار رستاخیز زمینه‌ساز آزادی گناه‌آلوده است. ۷. هر پرسشی برای فهم نیست، بلکه گاهی بهانه‌ای برای انکار معاد و آزادی از عذاب وجدان و رسیدن به هوس‌هاست. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۷ قرآن کریم در آیات هفتم تا پانزدهم سوره‌ی قیامت به حوادث آستانه‌ی رستاخیز و گریزناپذیری آن و خودآگاهی و فرجام انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷- ۱۵. فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ* وَخَسَفَ الْقَمَرُ* وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ* يَقُولُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ* كَلَّا لَا وَزَرَ* إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ* يُنَبَّؤُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ* بَلِ الْإِنسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ* وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ و هنگامی که دیده بدرخشد (و خیره شود)،* و ماه تیره گردد،* و خورشید و ماه جمع شوند،* در آن روز، انسان می‌گوید: «گریزگاه کجاست؟!»* هرگز چنین نیست، هیچ پناهگاهی نیست؛* که در آن روز، قرارگاه فقط به سوی پروردگار توست؛* در آن روز انسان از آنچه پیش فرستاده و واپس نهاده خبر داده می‌شود.* بلکه انسان برخودش بیناست،* و گرچه عذرهایش را (در میان) افکند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به چند حادثه‌ی بزرگ اشاره شده است که در آستانه‌ی رستاخیز اتفاق می‌افتد و نظام جهان را درهم فرو می‌ریزد: الف) بی نور شدن ماه (که در اثر خاموش شدن خورشید نورآن قطع می‌گردد). «۱» ب) اجتماع ماه و خورشید، که دراثر فروپاشی نظام منظومه‌ی شمسی جذب هم‌دیگر می‌شوند. «۲» ۲. انسان‌ها در رستاخیز در وحشت فرو می‌روند و از شدت ترس از عذاب و شرم از گناه به دنبال راه فرار هستند، ولی رستاخیز گریزناپذیر است. ۳. در رستاخیز قرارگاه نهایی انسان به سوی پروردگار است، و مسیر تکاملی انسان به سوی او ختم می‌شود و پناهگاهی جز او وجود ندارد. آری؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۸ انسان در محضر خدا برای حساب حاضر می‌شود و راه دوزخ یا بهشت را در پیش می‌گیرد و مستقر می‌گردد. «۱» ۴. رستاخیز روز آگاهی انسان از اعمال خویش است؛ آگاهی از کارهایی که قبل از مرگ انجام داده و از پیش فرستاده و کارهایی که به صورت سنت‌های نیک و بد و کتاب‌ها و فرزندان در میان مردم به جای گذاشته است. آری؛ انسان از تمام اعمال خویش از آغاز تا پایان و حتی اموالی که برای وارثان به جای گذاشته و گناهان خویش با خبر می‌شود. «۲» ۵. در این آیات به خودآگاهی انسان اشاره شده است؛ انسان از درون خود با خبر است و نیازی به خبردادن به او نیست، ولی گاهی عذر تراشی می‌کند و کارهای خویش را می‌پوشاند، «۳» که در رستاخیز این پرده‌ها فرو می‌افتد و اعضا و جوارح انسان گواهی می‌دهد و همه‌ی کردارهای انسان آشکار می‌شود. هر چند این خودآگاهی اختصاص به رستاخیز ندارد و در دنیا نیز انسان از وضع خویش آگاه‌تر از هر کس دیگر است. بلکه آدم نیست محتاج خبر خود به نفس خود بصیر است از اثر (مجد) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آستانه‌ی رستاخیز نظام کیهانی درهم فرو می‌ریزد. ۲. رستاخیز با نشانه‌هایش فرا می‌رسد، به طوری که شما را به شگفتی و وحشت وا می‌دارد. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۴۹ ۳. رستاخیز گریزناپذیر است. ۴. قرارگاه نهایی شما پروردگارتان است (پس به دنبال پناهگاهی غیر او نگردید). ۵. رستاخیز آگاهی‌بخش است (و در آن روز حقایق همه‌ی اعمالتان برای شما روشن می‌شود). ۶. انسان خودآگاه است. ۷. انسان‌ها (ی خطاکار) حقیقت‌پوش و عذرتراش‌اند. *** قرآن کریم در آیات شانزدهم- نوزدهم سوره‌ی قیامت با بیان وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد قرآن، سلامت قرآن را تضمین می‌کند و می‌فرماید: ۱۶- ۱۹. لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ* إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ* فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ* ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ زبانت را به آن (قرآن) حرکت مده، تا در (خواندن) آن شتاب کنی.* [چرا] که جمع کردن آن و خواندنش فقط برعهده‌ی ماست.* و هنگامی که آن را می‌خوانیم، پس، از خواندن آن پیروی کن.* سپس در واقع بیان آن (قرآن) فقط برعهده‌ی ماست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد آیات فوق دو تفسیر اساسی شده است: الف) این آیات جمله‌های معترضه‌ای هستند که در لابه‌لای آیات قیامت آمده‌اند و وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله را در مورد قرآن، روشن و سلامت آن را تضمین می‌کنند. ب) مخاطب این آیات گناهکاران رستاخیز هستند که به آنان دستور می‌دهد نامه‌ی اعمال خود را بخوانند و در خواندن آن عجله نکنند و صبر کنند تا فرشتگان نامه‌ی اعمالشان را بخوانند و آنها پیروی کنند. تفسیر قرآن مهر جلد

بیست و یکم، ص: ۳۵۰ البته تفسیر اول با ظاهر آیات سازگارتر است. «۱» ۲. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد خواندن قرآن شتاب می‌ورزید؟ مفسران قرآن فرموده‌اند: پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه‌ی شدیدی به دریافت و حفظ وحی داشتند و هنگامی که پیک وحی آیات را بر ایشان می‌خواند، زبان خویش را حرکت می‌دادند و همراه او می‌خواندند «۲» که در آیات فوق از این کار منع شد، و حفظ و جمع قرآن و بازخوانی آن تضمین گردید. برخی مفسران نیز گفته‌اند که قرآن دارای دو نزول است: نزول دفعی در شب قدر و نزول تدریجی در طول بیست و سه سال. ولی پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر عجله در ابلاغ وحی و نگرانی از فراموشی آن، گاه قبل از نزول تدریجی یا همراه آن آیات را تلاوت می‌کردند، و از این کار منع شدند تا هر آیه‌ای به موقع خود تلاوت و ابلاغ شود. «۳» البته توضیح اول در مورد عجله‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله مناسب‌تر است. ۳. از این آیات استفاده می‌شود که اولین جمع آوری کننده قرآن خداست و او از قرآن محافظت می‌کند و آن را در ذهن پیامبر صلی الله علیه و آله و کتابی واحد جمع می‌کند، تا نابود و فراموش نشود. آری؛ خدا گرد آمدن قرآن، قرائت صحیح و بیان آن را تضمین کرده است؛ یعنی قرآن دست‌خوش تحریف نمی‌شود و کاسته و فراموش نمی‌گردد. حکایت شده که بعد از نزول این آیات، پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که جبرئیل تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۱ بر ایشان فرود می‌آمد، کاملًا سکوت می‌کردند و بعد از رفتن او شروع به تلاوت قرآن می‌نمودند. ۴. وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله قرائت قرآن و پیروی از آن است؛ البته این وظیفه‌ی همه‌ی رهبران الهی، بلکه وظیفه‌ی هر مسلمانی است که قانون اساسی اسلام را بخواند و از آن پیروی کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبر صلی الله علیه و آله نگران قرآن بود. ۲. سلامت قرآن را خدا بیمه کرده است. ۳. به وظیفه‌ی خود در مورد خواندن قرآن و پیروی از آن عمل کنید (و نگران سرنوشت قرآن نباشید). ۴. گردآمدن قرآن و قرائت و توضیح آن به عهده‌ی خداست (و قرآن حمایتگر و بیانگری همچون خدا دارد، پس نگران آن نباشید). *** قرآن کریم در آیات بیستم و بیست و یکم سوره‌ی قیامت به نقش دنیادوستی در معادگریزی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰ و ۲۱. كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ* وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ هرگز چنین نیست (که شما کافران می‌پندارید)؛ بلکه (دنیای) شتابان را دوست می‌دارید* و آخرت را رها می‌کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی پنجم این سوره یکی از اهداف عوامل معادگریزی، بازکردن راه برای بی‌بندوباری و گناه معرفی شده است، واینك این آیه به عامل دیگر معادگریزی، یعنی دنیادوستی اشاره می‌کند. ۲. مادی‌گرایی و عشق به ثروت و امکانات زندگی زودگذر دنیا موجب می‌شود که انسان معاد را انکار کند تا راه برای هرگونه سوء استفاده بازشود و هرچه زودتر به ثروت و مقامات دنیوی برسد. ۳. در قرآن کریم مکرر به معاد اشاره شده است و هر انسانی می‌تواند با تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۲ مطالعه و پرسش، از دلایل معاد اطلاع پیدا کند؛ پس عامل و انگیزه‌ی انکار معاد، نداشتن دلیل نیست، بلکه دنیادوستی و میل به آزادی بی‌بندوبار برخی انسان‌ها را معادگریز می‌کند. ۴. مقصود از سرزنش دنیادوستی آن نیست که انسان رهبانیت و ترك دنیا را پیشه سازد؛ استفاده از دنیا ومواهب آن نیکو و لازم است ولی دل‌بستگی به آن و حرص در مورد آن نکوهیده است؛ چون انسان را منحرف می‌سازد و به انکار حقایقی همچون معاد می‌کشاند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آخرتِ خود را فدای دنیای زودگذر نکنید. ۲. دنیادوستی تا جایی نیکوست که شما را از آخرت واندارد. ۳. مادی‌گرایی یکی از عوامل معادگریزی است. *** قرآن کریم درآیات بیست و دوم تا بیست و پنجم سوره‌ی قیامت به چهره‌های شادمان و غمناك در رستاخیز اشاره می‌کند ومی فرماید: ۲۲- ۲۵. وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ* إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ* وَوَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ* تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ چهره هایی که در آن روز شاداب‌اند،* فقط به سوی پروردگارشان نظر می‌کنند.* و چهره هایی که در آن روز ترش‌روست،* می‌داند که (مجازاتی) کمرشکن بر او اعمال می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات حالات دو گروه مؤمنان نیکوکار و کافران بدکار در برابر هم به تصویر کشیده است، تا مخاطبان قرآن بتوانند آگاهانه راه صحیح را انتخاب کنند. آری؛ مقابله و مقایسه‌ی فرجام این دوگروه یکی از روش‌های تربیتی قرآن است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۳ ۲. «ناضِرَه» به معنای شادابی خاصی است که بر اثر نعمت و رفاه به انسان می‌رسد و همراه با سرور، زیبایی و نورانیت است. ۳.

مقصود از «نظر کردن مؤمنان به پروردگارشان» چیست؟ الف) برخی مفسران قرآن گویند: که منظور شهود باطنی خداست؛ یعنی در رستاخیز پرده‌ها از جلوی چشمان افراد کنار می‌رود و ذات بی‌مثال و جمال مطلق او را با چشم دل مشاهده می‌کنند و لذتی روحانی می‌برند. «۱» ب) برخی دیگر از مفسران معتقدند که نظر کردن به پروردگار کنایه از چشم داشتن به لطف و رحمت اوست؛ «۲» در برخی احادیث نیز آمده است که به رحمت خدا و نعمت و ثواب او چشم دارند. «۳» ج) برخی از مفسران نیز «ناضره» را به معنای انتظار کشیدن دانسته‌اند؛ یعنی مؤمنان فقط منتظر لطف خدا هستند. «۴» البته می‌توان معنای سوم را به معنای دوم بازگرداند. ولی به هر حال این نظر کردن، به معنای مشاهده‌ی حسّی خدا نیست؛ چون خدا جسم نیست تا او را با چشم سر ببینیم. «۵» ۴. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که آنان به پروردگارشان می‌نگرند بدون کیفیت و حد محدود و صفت مشخص. «۶» ۵. مؤمنان شاداب در رستاخیز فقط به خدا نظر می‌کنند، درحالی که مسلماً آنان به غیر او نیز نگاه می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۴ این حصر و اختصاص بدان معناست که مؤمنان در رستاخیز همه جا خدا و جمال و جلال او را می‌بینند و به غیر خدا به عنوان آثار و جلوه‌ی او نظر می‌کنند و نیز فقط به لطف خدا امید دارند و از هرکس دیگر قطع امید می‌کنند. «۱» آری؛ کسانی که در دنیا چشم امید به لطف خدا و نگاهی توحیدی به جهان دارند در آخرت نیز همان‌گونه‌اند. ۶. کافران بدکردار چهره‌هایشان عبوس و درهم کشیده و اندوهگین است؛ زیرا در رستاخیز رنج و عذاب شکننده را می‌بینند، عذابی که ستون فقرات انسان را در هم می‌شکند و به سختی مجازاتش می‌کند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مردم در رستاخیز یکسان نیستند، برخی شاد و برخی ناشادند. ۲. چشم امیدتان فقط به خدا باشد. ۳. عذابی شکننده و اندوهبار در انتظار کافران است. *** قرآن کریم درآیات بیست و ششم تا سی ام سوره‌ی قیامت به حالات سخت انسان در آستانه‌ی مرگ اشاره می‌کنند و می‌فرماید: ۲۶- ۳۰. كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ* وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ* وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ* وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ* إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ هرگز چنین نیست؛ هنگامی که (جان) به گلوگاه‌ها می‌رسد،* و گفته می‌شود: «بالا برنده (ی دعا و برطرف کننده‌ی بیماری) کیست؟!* و می‌داند که آن (وقتِ) جدایی است؛* و ساق پا به ساق پا (ی دیگر) می‌پیچد.* در آن روز روانه شدن فقط به سوی پروردگار توست. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به حالات سخت مرگ و جان کندن اشاره شده است؛ لحظه‌ای که حجاب‌ها کنار می‌روند و حقایق و نشانه‌های عذاب دیده می‌شوند و کافران در آن لحظه پشیمان شده، ایمان می‌آورند، ولی دیگر دیر شده است. ۲. در لحظه‌ی مرگ جان به گلوگاه می‌رسد؛ یعنی اعضایی که از قلب و مغز فاصله دارند همچون دست و پا، کم کم از کار می‌افتند تا به گلوگاه انسان می‌رسد و گویی روح تدریجاً از بدن خارج می‌شود. «۱» و اطرافیان او سراسیمه به دنبال راه نجات هستند و صدا می‌زنند که آیا پزشکی هست که این بیمار را معالجه کند، یا دعا کننده‌ای هست که دعا کند و او نجات یابد! «۲» ولی آن لحظه، لحظه‌ی فراق و جدایی از دنیاست و خود بیمار بهتر از هرکس می‌داند که این تلاش‌ها بیهوده است و در آن لحظه ساق پاها به هم‌دیگر می‌پیچد و جان از بدن خارج می‌شود و مرگ فرا می‌رسد و دنیا به آخرت متصل می‌گردد. «۳» ۳. از احادیث اسلامی استفاده می‌شود که لحظه‌ی مرگ بر کافران بسیار سخت است؛ همچون گزیدن افعی‌ها و عقرب‌ها و کندن لباسی فاخر و پوشیدن لباسی کثیف و خشن و انتقال از منزلی مرفه به منزلی وحشتناک، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۶ اما همان مرگ برای مؤمنان حالتی شبیه خواب و بوییدن عطر خوش‌بو و کندن لباس چرک و گشودن غل و زنجیر و انتقال به مکانی مرفه است. «۱» ۴. در این آیات بیان شده که مسیر بازگشت همه‌ی انسان‌ها فقط به سوی پروردگار است و همگان در دادگاه عدل الهی حاضر می‌شوند. این تعبیر به رستاخیز عمومی انسان‌ها و نیز جهت‌گیری حرکت تکاملی مردم به سوی ذات پاک خدا اشاره دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. لحظه‌ی مرگ وحشتناک و سخت است (پس به فکر آن باشید). ۲. در لحظه‌ی مرگ کاری از دست کسی ساخته نیست (پس قبل از آن به فکر چاره باشید). ۳. مرگ، عامل جدایی از دنیا و اتصال به آخرت است. ۴. فرجام همگان فقط به سوی پروردگار است (پس برای آن هنگام توشه‌ای آماده سازید). *** قرآن کریم در آیات سی و یکم تا سی و پنجم سوره‌ی قیامت به

حالات تکبرآمیز مخالفان اسلام اشاره می‌کند و با نفرین به آنان می‌فرماید: ۳۱- ۳۵. فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى وَلكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّى ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى ثُمَّ أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى و تأیید نکرد و نماز نگزارد،* ولیکن تکذیب کرد و روی برتافت،* سپس خرامان (و متکبرانه) به سوی خانواده‌اش رفت.* (عذاب الهی) برای تو سزاوارتر است و سزاوارتر!* سپس (عذاب الهی) برای تو سزاوارتر است و سزاوارتر! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۷ شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوجهل گفت: «عذاب الهی برای تو شایسته‌تر است، سپس عذاب الهی برای او شایسته‌تر است.» و ابو جهل گفت: «نه تو و نه پروردگارت نمی‌توانید به من زیانی برسانید. من قدرتمندترین افراد این سرزمین هستم.» و در این جا بود که سخنان فوق به صورت آیاتی از قرآن فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از عدم تصدیق، همان عدم تأیید توحید، آیات الهی، نبوّت و معاد است؛ «۲» یعنی کافرانی هم‌چون ابو جهل نه تنها آیات الهی را تأیید نمی‌کنند، که آنها را تکذیب کرده و روی برمی‌تابند و متکبرانه می‌روند. ۲. مقصود از «اولی لک» آن است که عذاب الهی برای این کافران سزاواتر است و یا این که عذاب الهی به آنان نزدیک شده است. «۳» آری؛ این حالات تکبرآمیز و سرزنش و سرنوشت عذاب‌آلود در دنیا و آخرت برای این کافران شایسته‌تر است و وای بر آنان که چنین سرنوشتی دارند. ۳. کافران مخالف اسلام، هم‌چون ابوجهل، چند ویژگی دارند که آنان را سزاوار عذاب می‌سازد: الف) آنان حقایق و آیات الهی را تأیید نمی‌کنند و ایمان نمی‌آورند؛ ب) رابطه‌ای با خدا ندارند و نماز نمی‌گزارند؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۸ ج) حقایق الهی را تکذیب می‌کنند و در برابر خدا و پیامبر ۹ موضع می‌گیرند؛ د) از حق روی گردانده‌اند؛ ه) متکبرانه راه می‌روند و گویا افتخار کارهای ناپسند خود را به خانه می‌برند. آری؛ نتیجه‌ی این گونه رفتارها سرنوشت عذاب‌آلود است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بی‌ایمانی، بی‌نمازی، تکذیب‌گری، روی برتافتن از حق و تکبّر، از عوامل عذاب‌اند. ۲. به سوی ایمان، نماز و حق روی آورید و از تکبر و تکذیب دوری کنید تا گرفتار عذاب نشوید. ۳. بر ضد دشمنان اسلام شعار دهید و به آنان نفرین کنید. *** قرآن کریم در آیات سی و ششم تا چهلم سوره‌ی قیامت با اشاره به هدف آفرینش و مراحل آفرینش انسان، به اثبات معاد می‌پردازد و می‌فرماید: ۳۶- ۴۰. أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَن يُتْرَكَ سُدًى* أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِن مَنِيٍّ يُمْنَى ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى أَلَيْسَ ذلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَى آیا انسان می‌پندارد که بیهوده (و بی هدف) رها می‌شود؟!* آیا (او) آب اندک سیّالی از منی‌ای که ریخته می‌شود، نبوده است؟!* سپس [خونِ بسته آویزان شد و (خدا آن را) آفرید و مرتب ساخت،* و از آن، دو جفت، مرد و زن قرار داد.* آیا آن (خدا) توانا نیست بر این‌که مردگان را زنده کند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات از راه هدف آفرینش و حکمت خدا به اثبات معاد پرداخته است؛ یعنی بیان کرده که چگونه می‌توان باور کرد انسان با همه‌ی اعضا و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۵۹ اجزای کاملش بدون هدف و بیهوده آفریده شده باشد؟! اگر چنین بود، کاری برخلاف حکمت بود وخدا چنین کاری نمی‌کند. آری؛ اگر انسان یک کار کوچک انجام دهد، یا چیزی بسازد، هدفی دارد، پس چگونه خدا کاری بی‌هدف انجام دهد. پس، انسان فرجام و هدفی بزرگ‌تر از این دنیای پررنج دارد و آن زندگی جاوید رستاخیز و تکامل بی پایان است، که انسان به تکامل نهایی و کیفر و پاداش اعمال خود می‌رسد. ۲. در این آیات با بیان مراحل آفرینش انسان، قدرت‌نمایی خدا در این مورد نشان داده شده است، سپس نتیجه می‌گیرد که خدایی با این قدرت که انسان را طی مراحل دقیق از نطفه تا کودک کامل به وجود می‌آورد، چگونه نمی‌تواند مردگان را زنده و معاد را برپا سازد؟! آری؛ توجه به قدرت بی‌کران الهی یکی از دلایل و شواهد امکان معاد است. ۳. قرآن کریم در آیات متعدد به مراحل سیزده‌گانه‌ی آفرینش انسان اشاره کرده است که در اوایل سوره‌ی حج و مؤمنون از همه جا کامل‌تر بیان شده است. «۱» انسان از نطفه‌ای تشکیل شده که آبی اندک و سیال است که همراه با اسپرماتوزوئید از مرد بیرون می‌آید و با اوول زن مخلوط شده جنین را به وجود می‌آورد که در رحم زن آویزان شده، از آن تغذیه می‌کند تا رشد کند و اعضا و جوارحش کامل و موزون می‌گردد و به صورت پسر یا دختر متولد می‌شود. آری؛ دقت در این مراحل انسان را با عظمت و قدرت بی کران خدا آشناتر می‌سازد. ۴. در این

آیات با واژه‌ی «ذلکَ» (آن) به خدا اشاره شده است که کنایه از عظمت مقام اوست که آن‌قدر والاست که از دست‌رس افکار بشر بیرون است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آفرینش انسان هدفمنداست. ۲. در آفرینش خود فکر کنید تا به رمز معاد پی ببرید. ۳. با مطالعات جنین‌شناسی، معادشناس شوید. ۴. به مراحل آفرینش جنینی خود بنگرید و قدرت‌نمایی خدا را مشاهده کنید. ۵. از قدرت خدا به امکان معاد پی ببرید. ۶. خدایی که می‌تواند انسان را از نطفه‌ای ناچیز بیافریند و به او حیات بخشد، می‌تواند او را رستاخیز نیز دوباره زنده کند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۱

بخش پانزدهم: سوره‌ی دهر(انسان)

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «دهر» در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۳۱ آیه، ۲۴۰ کلمه و ۱۰۵۴ حرف است. این سوره نود و هفتمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «الرّحمن» و قبل از سوره‌ی «طلاق») و هفتاد و ششمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌انداز: «دَهْر» (روزگار)، «انسان»، «هَلْ أتی» و «الابرار». این نام‌ها از آیه‌ی اول و پنجم این سوره گرفته شده‌اند.

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی دهر (هل اتی) را قرائت کند، پاداش او بر خدا، بهشت و لباس‌های حریر (بهشتی) است. «۱» البته این گونه پاداش‌ها در صورتی است که خواننده‌ی سوره در راستای محتوای آن حرکت و عمل کند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۴

ویژگی

ویژگی: این سوره نذر امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و ایثار آنان را می‌ستاید و برخی مفسران نوشته‌اند که این سوره با آن که مطالب زیادی در مورد بهشت دارد، از آن جا که در آن ذکری از فاطمه علیها السلام شده، از حوری‌های بهشتی سخنی به میان نیامده است.

اهداف

اهداف: اساسی‌ترین هدف‌های این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری رستاخیز و عذاب‌ها ونعمت‌های فراوان آن؛ ۲. ارائه‌ی یک برنامه‌ی خودسازی همراه با ایثار و عبادت.

مطالب

مطالب: مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. یادآوری قیامت؛ ۲. بیان حالات نیکان و کافران در قیامت (در آیات ۴- ۲۲)؛ ۳. سخن از شراب‌های پاک بهشتی (در آیه‌ی ۲۱). ب) احکام: ۱. دعوت به سجده در شب (در آیه‌ی ۲۶)؛ ۲. بحث وفای به نذر (که در مورد نذر امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در مورد روزه‌ی سه روزه برای سلامتی امام حسن و امام

حسین علیهما السلام و سپس وفای ایثارگرانه‌ی آنها بدین نذر است) (در آیات ۷ به بعد). ج) اخلاق: ۱. دعوت به صبر (در آیه‌ی ۲۴)؛ ۲. تشویق به غذا دادن به مسکین، یتیم و اسیر که با الهام از عمل ایثارگرانه‌ی امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام بیان شده است (در آیات ۷- ۹)؛ د) مطالب دیگر: ۱. اشاره به آفرینش انسان (در آیات ۱ و ۲)؛ ۲. یادآوری غفلت قرآن (در آیات ۲۳)؛ ۳. حاکمیت مشیّت الهی در عین آزاد بودن انسان (در آیات ۳، ۲۹ و ۳۰). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۵

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی دهر (انسان) قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی انسان به آفرینش انسان و هدایت و آزادی او در انتخاب راه و فرجام کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۴. هَلْ أَتَی عَلَی الْإِنسَانِ حِینٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ یَکُن شَیْئاً مَذْکُوراً* إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِیهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِیعاً بَصِیراً* إِنَّا هَدَیْنَاهُ السَّبِیلَ إِمَّا شَاکِراً وَإِمَّا کَفُوراً* إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْکَافِرِینَ سَلَاسِلَا وَأَغْلَالًا وَسَعِیراً آیا بر انسان زمانی از روزگار برآمد که چیزی یاد شده نبود؟!* در حقیقت، ما انسان را از آب اندک سیّال مخلوط آفریدیم، در حالی که او را می‌آزماییم و او را شنوا و بینا قرار دادیم.* در واقع، ما او را به راه (راست) راه‌نمایی کردیم، در حالی که یا سپاس‌گزار است، یا بسیار ناسپاس است.* در حقیقت، ما برای کافران، زنجیرها و غل‌ها و شعله‌های فروزان (آتش) آماده کرده‌ایم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «انسان» در این جا همه‌ی افراد بشر هستند، که قبل از آفرینش و تولد چیز قابل ذکری نبودند. اما برخی مفسران برآن‌اند که مقصود از انسان آدم علیه السلام است که قبل از خلقت چیزی نبود، یا مقصود دانشمندان‌اند که قبل از تحصیل علم قابل ذکر نبودند، اما پس از آن همه جا از آنان یاد می‌شود. «۱» البته مانعی ندارد که هرسه معنا مقصود آیه باشد، ولی تفسیر اول با آیه سازگارتر است. ۲. زمانی بر انسان سپری شد که قابل ذکر نبود؛ یعنی ذرات وجود او در گوشه و کنار طبیعت پراکنده بود و بعداً این عناصر به صورت نطفه‌ای تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۶ مخلوط در آمد و انسان به وجود آمد. البته انسان در علم خدا مذکور بود هرچند در عالم خلق مذکور نبود. «۱» ۳. «نُطفه» در لغت به معنای سَیَلان ضعیف چیزی است و به معنای آب صاف کم یا زیاد نیز آمده است و شامل نطفه‌ی زن و مرد می‌شود و مخصوص مردان نیست. «۲» یعنی نطفه چیزی است که از مردان یا زنان برای لقاح و تشکیل جنین خارج می‌شود، که در مورد مردان به آن «مَنی» می‌گویند که حاوی میلیون‌ها اسپرماتوزئید است و در مورد زنان به آن تخمک (یا اوول) می‌گویند که در هر ماه حدود سیزده عدد از آنها خارج می‌شوند و معمولًا یکی از آنها کامل و یا باردار می‌شوند. «۳» ۴. «امشاج» به معنای مخلوط شدن است و اشاره به اختلاط نطفه‌ی زن و مرد و تشکیل تخمک یا اختلاط مواد و عناصر مختلف تشکیل دهنده‌ی نطفه یا استعدادهای درون نطفه از نظر عامل وراثت و ژن‌ها و یا حالات مختلف نطفه در دوران جنینی است. البته مانعی ندارد که این آیه به همه‌ی این موارد اشاره داشته باشد. اشاره به مخلوط بودن نطفه، که برخلاف تصور عرب معاصرِ نزولِ قرآن بود از شگفتی‌های علمی قرآن به شمار می‌آید. «۴» ۵. مقصود از «ابتلاء» در این آیات رسیدن انسان به مقام تکلیف و تعهد و مسئولیت و آزمایش است، از این رو به او چشم و گوش دادند تا ابزار شناخت داشته باشد. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۷ البته برخی مفسران برآن‌اند که مقصود از ابتلاء، حالات مختلف جنینی، هم‌چون نطفه، علقه، مضغه و ... است. «۱» ۶. مقصود از هدایت انسان، هدایت تکوینی، فطری و تشریعی (همه‌ی اقسام هدایت) است؛ هرچند تأکید آیه برهدایت تشریعی است؛ یعنی خدا که انسان را برای رسیدن به کمال آفرید وسایل و نیروهای لازم را در اختیار او گذاشت و اورا با الهامات فطری و وحی آسمانی پیامبران هدایت کرد و با این حال اورا آزاد گذاشت که راه صحیح یا غلط را خود انتخاب کند. ۷. در این آیات بر آزادی اراده‌ی انسان تأکید شده است؛ یعنی انسان می‌تواند هدایت الهی را بپذیرد و سپاس‌گزاری کند یا نپذیرد و راه کفر و ناسپاسی در پیش گیرد. ۸. «کَفُور» صیغه‌ی مبالغه و به معنای بسیار ناسپاس یا بسیار کفرورز است؛ کسی که همه‌ی وسایل هدایت را نادیده انگارد و گمراهی در پیش گیرد، بسیار ناسپاس و کفرورز است. ۹. انسان

در انتخاب راه آزاد است اما این بدان معنا نیست که اگر کسی کژراهه را انتخاب کرد و به راه کفر و گمراهی و ناسپاسی گام نهاد، مجازات نشود؛ حتماً خدا او را عذاب می‌کند و از این روست که تأکید می‌نماید و هشدار می‌دهد که غل و زنجیر و آتش برای کافران آماده شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه‌ی سابقه‌ی تاریخی و دوران جنینی خود خداشناس شوید. ۲. انسان سابقه‌ای غیر قابل ذکر دارد (و به لطف خدا به وجود آمده است پس سپاس او را به جا آورد). ۳. منشأ پیدایش انسان نطفه‌ی مخلوطی است که آفریده‌ی خداست تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۸ (پس سپاس‌گزار او باشید). ۴. انسان در انتخاب راه آزاد است. ۵. خدا راه صحیح را نشان می‌دهد اما اجبار نمی‌کند. ۶. خدا به انسان ابزار شناخت داده است و از این طریق او را آزمایش می‌کند. ۷. کافرانِ ناسپاس در انتظار عذابی سخت باشند. *** قرآن کریم درآیات پنجم تا دوازدهم سوره‌ی انسان به ایثارگری نیکان متعهد و با اخلاص و فرجام شاد و نعمت‌های بهشتی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵- ۱۲. إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُوراً* عَيْناً يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيراً* يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْماً كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيراً* وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِيناً وَيَتِيماً وَأَسِيراً* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُوراً* إِنَّا نَخَافُ مِن رَبِّنَا يَوْماً عَبُوساً قَمْطَرِيراً* فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُوراً* وَجَزَاهُم بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيراً در حقیقت، نیکوکاران از جامی (ازشراب) می‌نوشند که آن با (عطرخوش) کافور آمیخته است؛* (همان) چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و (از هر کجا بخواهند) آن را کاملًا می‌شکافند (و روان می‌کنند).* به نذر وفا می‌کنند و از روزی که بدی آن گسترده است می‌ترسند،* و غذا را، در حالی که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند.* (در حالی که می‌گویند: ما) شما را فقط به خاطر ذات خدا غذا می‌دهیم، [و] هیچ پاداش و سپاس‌گزاری‌ای از شما نمی‌خواهیم.* در حقیقت، ما از (عذاب) پروردگارمان می‌ترسیم، از روزی که بسیار ترش‌روی [و] سخت است.* پس خدا آنان را از بدی آن روز نگاه می‌دارد و آنان را با شادابی و شادمانی می‌پذیرد،* و به خاطر شکیبایی‌شان، بهشت و (لباس‌های) حریر به آنان پاداش می‌دهد، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۶۹ شأن نزول: حکایت شده که امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش کردند که علی علیه السلام نذری برای شفای آنان بنماید و امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و فضّه خادم آنان (و طبق برخی احادیث حسن و حسین علیهما السلام) نذر کردند که پس از شفا سه روز روزه بگیرند. پس از شفای آن دو عزیز، همه‌ی خانواده روزه گرفتند و امام علی علیه السلام مقداری جو قرض کردند و نان پختند، ولی در هنگام افطار نیازمندی بر در خانه آمد و غذا خواست و آنان ثلث غذای خود را به او دادند، سپس یتیمی آمد و ثلث دیگر را به او دادند و بعد از آن اسیری آمد و ثلث آخر غذای خود را به او دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله از این جریان مطلع شدند و به خانه‌ی فاطمه علیها السلام آمدند و در این هنگام سوره‌ی انسان (یا هجده آیه‌ی آن) نازل شد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «ابرار» جمع «بَر» در اصل به معنای گستردگی است و از آن جا که نیکوکاران نتایج اعمالشان گسترده است، به آنان ابرار می‌گویند. «۲» ۲. «کافور» به معنای گیاه خوش‌بو و بوی خوش و نیز به معنای کافورِ مشهور است که بوی تندی دارد و برای ضد عفونی به کار می‌رود و در سفیدی و خنکی ضرب المثل است. آری؛ شراب بهشتی بوی خوشی دارد و یا سفید و خنک است. ۳. در این آیات به چند نعمت و پاداش نیکان اشاره شده است: الف) شراب خوش‌بوی بهشتی، که از چشمه‌هایی بیرون می‌آید؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۰ ب) امنیت، از شرّ عذاب‌های رستاخیز؛ ج) استقبال از آنان با شادمانی و سرور؛ د) خود بهشت که پاداش صبرنیکان است؛ ه) (لباس‌ها و فرش‌های) حریر. ۴. در این آیات چند ویژگی نیکان برشمرده شده است: الف) آنان افرادی متعهدند و به نذر خود عمل می‌کنند. ب) از عذاب سخت رستاخیز هراسناک‌اند. ج) ایثارگری و امداد رسانی می‌کنند و به نیازمندان، کودکان بی‌سرپرست و اسیران غذا می‌دهند، در حالی که خود نیازمند آن غذا هستند. د) در کارشان اخلاص دارند و برای خدا امدادرسانی می‌کنند و انتظار پاداش و تشکر از کسی ندارند. ه) شکیبا هستند و در راه انجام تعهدات و امدادرسانی صبورند ومشکلات را تحمّل می‌کنند. ۵. ابرار و بندگان خاص خدا در بهشت از

چشمه‌ای استفاده می‌کنند که در اختیار آنهاست و هر کجا بخواهند آن را می‌شکافند و جاری می‌سازند. از امام باقر علیه السلام روایت شده که آن چشمه در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله است و از آن جا به خانه‌ی سایر پیامبران و مؤمنان جاری می‌شود. «۱» همان طور که در دنیا مردم از چشمه‌ی علم و رحمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله استفاده می‌کردند، در آخرت نیز این امر تجسّم می‌یابد و شراب بهشتی از خانه‌ی آن حضرت به خانه‌ی دیگران سرازیر می‌شود. ۶. وفای به نذر برای همگان واجب و تخلّف از آن حرام است و کفّاره دارد. اما کسانی که از روز رستاخیز و عذاب سخت آن می‌هراسند، تعهد بیش‌تری به انجام نذر خود دارند. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۱ ۷. در این آیات مسأله‌ی وفای به نذر و ترس از رستاخیز وغذا دادن به نیازمندان به صورت فعل مضارع آمده است؛ یعنی روش نیکان این گونه است و این اعمال و حالت در آنها مستمر است و فقط یک بار اتفاق نمی‌افتد. ۸. نیکان با این که خودشان میل به غذا دارند آن را به دیگران می‌بخشند. «۱» این همان ایثار ومقدم داشتن دیگران بر خویشتن است که مرتبه‌ی عالی نیکوکاری است. «۲» ۹. مقصود از «اسیر» در آیه‌ی فوق مشرکان و کافرانی هستند که در مدینه به دست مسلمانان اسیر شده بودند، یا بردگانی که اسیر مالک خود بودند و یا زندانیان؛ هرچند احتمال اول مناسب‌تر است. البته در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله محل خاصی برای نگه‌داری اسیران نبود و آنان را بین مسلمانان تقسیم می‌کردند تا از آنان مراقب کنند و چنانچه کسی توانایی غذا دادن به اسیران را نداشت اسیران از دیگران غذا می‌طلبیدند. «۳» ۱۰. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد اسیران سفارش می‌کردند، به طوری که مردم در اثر سفارش‌های آن حضرت، غذای خود را به اسیر می‌دادند و او را برخود مقدم می‌شمردند. «۴» ۱۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: هرکس به سه مسلمان غذا دهد، خدا او را از سر بوستان بهشتی در ملکوت آسمان‌ها غذا خواهد داد. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۲ همچنین از آن حضرت روایت شده: بنده‌ای که شب سیر بخوابد در حالی که برادر- یا همسایه‌ی- مسلمانش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است. «۱» ۱۲. در این آیات به اخلاص نیکان در امداد رسانی و غذا دادن به دیگران اشاره شده است، آنان فقط برای ذات خدا غذا می‌دهند «۲» و هیچ پاداش و تشکری از مردم نمی‌طلبند. اعمالی که با انگیزه‌ی غیر الهی و برای ریاکاری و طلب تشکر از مردم انجام شود ارزش معنوی ندارد و ارزش عمل به نیت انسان بستگی دارد. ۱۳. در این آیات از روز رستاخیز با عنوان «روز عبوس و شدید» یاد شده است. عبوس از صفات انسان است ولی به خاطر نشان دادن حوادث سخت و عذاب هولناك رستاخیز از آن با عنوان عبوس یاد شده است. ۱۴. نیکان از شر روز رستاخیز و عذاب پروردگار می‌ترسند ولی خدا نه تنها آنان را از شرّ آن روز حفظ می‌کند بلکه در رستاخیز با شادی و خرّمی از آنان استقبال می‌شود و داخل بهشت می‌شوند و از نعمت‌های آن استفاده می‌کنند. این پاداش‌ها به خاطر آن است که نیکان در برابر مشکلات صبورند و به نذر خود وفا می‌کنند و به دیگران امداد می‌رسانند. ۱۵. این آیات در مورد امام علی علیه السلام و خانواده‌ی نیکوکار ایشان فرود آمده است، ولی عمومیت دارد و خانواده‌ی امام علی علیه السلام سرآغاز نزول و مصداق کامل این آیات هستند؛ و همان طور که در برخی از احادیث شأن نزول آمده است «۳» که هر مؤمن دیگری که راه آنان را ادامه دهد، مشمول همین پاداش‌ها خواهد بود. ۱۶. در این آیات از غذا دادن به سه گروه فقرا، یتیمان و اسیران یاد شده تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۳ است، ولی ممکن است این موارد از باب مثال باشد؛ چون هر نوع امداد رسانی به نیازمندان جامعه مطلوب است و نزد خدا پاداش دارد، که شامل غذا و لباس و نوشیدنی به همه‌ی اقشار نیازمند می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید از بهشت و نعمت‌های عالی آن استفاده کنید از نیکان باشید. ۲. انجام تعهدات، امداد رسانی خالصانه به بینوایان و ترس از معاد از ویژگی‌های نیکان است. ۳. در حالی که به غذا نیاز دارید، ایثار کنید. ۴. از بینوایان، کودکان بی سرپرست و اسیران غافل نشوید و غذای آنان را بر خود مقدم دارید. ۵. کار نیک را برای خدا انجام دهید نه برای تشکر مردم و پاداش آنان. ۶. پاداش تعهدپذیری و امداد رسانی به بینوایان، امنیت و شادی در رستاخیز و بهشت پرنعمت است. ۷. هرکس بینوایان را شاد کند در رستاخیز با شادی از او استقبال می‌شود. ۸. اگر شراب بهشتی می‌خواهید به بینوایان غذا بدهید. *** قرآن کریم درآیات سیزدهم تا

بیست و دوم سوره‌ی انسان به نعمت‌های گوناگون بهشتی که به عنوان پاداش و سپاس گزاری به نیکان داده می‌شود اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۳- ۲۲. مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْساً وَلَا زَمْهَرِيراً* وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا* وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِآنِيَةٍ مِن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا* قَوَارِيرَا مِن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيراً* وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْساً كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا* عَيْناً فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا* وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤاً مَنْثُوراً* وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيماً وَمُلْكاً كَبِيراً* عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً* إِنَّ هذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُم مَشْكُوراً تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۴ در حالی که در آن (بهشت) بر تخت‌ها تکیه زده‌اند، [و] در آن‌جا هیچ (گرمای سوزان) خورشید و سرمای شدید نمی‌بینند؛* و سایه‌های (درختان) آن به آنان نزدیک است و میوه‌هایش برای چیدن کاملًا فروتن شده است؛* و ظرف‌هایی از نقره و سبوهایی که بلورین است برگردشان چرخانده می‌شود؛* بلورهای نقره‌ای که به طور کامل اندازه‌ی آنها را معین کرده‌اند؛* و در آن‌جا از جامی سیراب می‌شوند که (شراب) آن با زنجبیل آمیخته است؛* (همان) چشمه‌ساری که در آن‌جا سلسبیل نامیده می‌شود؛* و نوجوانانی ماندگار برگرد آنان می‌چرخند، هنگامی که آنان را می‌بینی می‌پنداری آنان مرواریدی پراکنده‌اند.* و هنگامی که آن‌جا (بهشت) را ببینی، نعمت فراوان و فرمان‌روایی بزرگی می‌بینی!* بر فرازشان لباس‌های سبز حریر نازک و حریر ضخیم است و با دستبندهایی از نقره آراسته می‌شوند و پروردگارشان شراب پاک و پاک کننده به آنان می‌نوشاند.* در حقیقت، این پاداشی برای شماست و تلاشتان سپاس گزاری خواهد شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات نعمت‌های بهشتی متنوعی برای نیکان برشمرده شده است: الف) لباس‌های فاخر بهشتی که از جنس حریر و دیبا همراه با دستبندهای زینتی از نقره است. ب) نوشیدنی‌های گوارا که با زنجبیل آمیخته شده و از چشمه‌ی سلسبیل به دست آمده است و نیز شرابی پاک که خدا به نیکان می‌نوشاند. ج) ظرف‌های زیبای بهشتی از جنس نقره و قدح‌های بلورین که زیبایی خاصی به مجالس بهشتیان می‌بخشد. د) خدمت‌گزاران نوجوان که گرداگرد بهشتیان می‌چرخند و غذا و نوشیدنی‌های آنان را تأمین می‌کنند تا هیچ گونه زحمتی برای نیکان در بهشت نباشد. ه) محیطی آرام و لذت‌بخش که نه آفتاب سوزان دارد و نه سرمای گزنده، تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۵ بلکه زیر سایه‌ی درختان پرمیوه است که میوه‌هایش در دسترس‌اند و بهشتیان برتخت هایی تکیه زده و از این نعمت‌ها استفاده می‌کنند. این‌ها پاداش تلاش‌ها و نیکوکاری نیکان در دنیاست. ۲. اصول و نظام حاکم بر زندگی دنیایی با اصول و نظام حاکم بر آخرت متفاوت است و نعمت‌هایی که در این آیات از آنها یاد شده تنها اشاراتی پرمعنا به مواهب بهشتی‌اند، و گرنه حقایق نعمت‌های بهشتی بالاتر از چیزهایی است که ما شنیده یا دیده‌ایم. «۱» یعنی «نعمت‌های بهشتی در دنیا همانندی ندارند ولی خدا با نام‌هایی که برای ما شناخته شده‌اند از آنها نام می‌برد؛ مثلًا از شراب طهوری نام می‌برد که با زنجبیل ممزوج است. زنجبیل ماده‌ی معطری است که مردم به آن علاقه داشتند.» «۲» ۳. در این آیات بیان شده که ظرف‌های بلورین بهشتی از نقره ساخته شده‌اند، در حالی که در دنیا ظرف‌های بلورین را از نقره نمی‌سازند؛ از این تعبیرات استفاده می‌شود که ظرف‌ها و جام‌های بهشتی هم شفافیت بلور را دارند و هم درخشندگی و زیبایی نقره را، به طوری که نوشابه‌های آن کاملًا نمایان است؛ نقره‌های بهشت همچون شیشه و بلور دنیاست. «۳» ۴. برخی مفسران بیان کرده‌اند که مردم عرب دو نوع شراب داشته‌اند: شرابی که با زنجبیل مخلوط می‌شد و تندی مخصوصی داشت و نشاط‌آور بود و شرابی که با کافور آمیخته می‌شد و سست کننده و آرام بخش بود. و قرآن از هردو قسم یاد کرده است، اما میان شراب مست کننده و تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۶ زیان‌آور دنیوی با شراب طهور و بدون ضرر آخرت تفاوت بسیار است. ۵. «سَلسَبیل» به معنای روان، یا حرکت پی‌درپی یا گواراست و آن نوشیدنی لذیذی است که به راحتی در گلوجاری می‌شود و گواراست و نام چشمه‌ای در بهشت است که شراب بهشتیان از آن تأمین می‌شود. ۶. عبارت «در بهشت نعمت و مُلکی بزرگ است»، اشاره به زوال ناپذیری یا کثرت یا گستردگی قلمرو و تحقّق آرزوها و خدمت‌گزاری فرشتگان در بهشت است. البته مانعی ندارد که اشاره به همه‌ی این معانی باشد. ۷. لباس‌های بهشتیان از حریر نازک

سبز و حریر ضخیم یعنی دیباست. حریر پارچه‌ای ابریشمی و بسیار نرم و لطیف است. آری؛ مؤمنانی که در دنیا معمولًا از نعمت‌های مادی محروم بودند، در آخرت از بهترین نعمت‌ها بهره‌مند می‌شوند. ۸. انتخاب رنگ سبز برای لباس بهشتیان به خاطر آن است که نشاط‌آور و به رنگ طبیعت است. ۹. یک نعمت بزرگ الهی و لطف خاص خدا به نیکان بهشتی نوشاندن شراب طهور به آنان است؛ در آن جا پروردگار ساقی است وبه نیکان شراب می‌نوشاند شرابی که پاک و پاک کننده است نه تلخ و زیان‌آور؛ «۱» شرابی که روح و جسم را از آلودگی‌ها پاک می‌کند و نورانیت و نشاط می‌آورد. ۱۰. از امام صادق علیه السلام روایت شده که (شراب طهور موجب می‌شود که نیکان بهشتی) «از هر چیزی که غیر از خداست پاک شوند.» «۲» ۱۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که این شراب موجب می‌شود که حَسَد از دل‌های نیکان پاک شود. «۳» ۱۲. یکی دیگر از مواهب بزرگ الهی در مورد نیکان آن است که خدا از تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۷ آنان تشکر می‌کند و نعمت‌های بهشتی را پاداش آنان قرار می‌هد. آری؛ این لطف خاص خداست که به خاطر تلاش‌های نیکان از آنان سپاس‌گزاری می‌کند، و گرنه همه‌ی نعمت‌ها و توفیق‌های بندگان از خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر نعمت‌های متنوع بهشتی را می‌طلبید (در راه خدا) تلاش کنید. ۲. خدا حق‌شناس و سپاس‌گزار تلاشگران است و پاداش آنان را در بهشت عطا می‌کند. ۳. در بهشت برای شما بهترین لباس‌ها، ظرف‌ها، خدمت‌گزاران و نوشیدنی‌ها و میوه‌ها فراهم شده است (پس برای به دست آوردن آنها نیکوکار و تلاش‌گر باشید). ۴. بهشت جای راحتی و آسایش و آرامش است. ۵. رنگ سبز، یکی از رنگ‌های بهشتی است. ۶. پروردگارْ ساقی نیکان بهشتی است و به آنان شراب طهور می‌نوشاند. *** قرآن کریم در آیات بیست و سوم تا بیست وششم سوره‌ی انسان با اشاره به نزول قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله، پنج فرمان مهم به او ابلاغ می‌کند و می‌فرماید: ۲۳- ۲۶. إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنزِيلًا* فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِماً أَوْ كَفُوراً* وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا* وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا در واقع، ما خود، قرآن را کاملًا بر تو فرو فرستادیم.* و برای (ابلاغ) حکم پروردگارت شکیبا باش و از (میان) آنان از هیچ گنهکار یا (کافر) بسیار ناسپاس اطاعت مکن.* و نام پروردگارت را صبحگاهان و عصرگاهان (و شب هنگام) یاد کن.* و بخشی از شب (را به پاخیز) و برای او سجده کن و او را شب طولانی تسبیح بگوی. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات پنج فرمان سازنده به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داده شده است: در مشکلات شکیبا باش؛ از گناهان بسیار ناسپاس اطاعت نکن؛ و در راه ادای وظیفه به یاد خدا باش و از نماز وذکر خدا غافل نشو. این دستورات می‌توانند برنامه‌ای برای رهبران و مبلغان دینی باشند تا با نیروی معنوی و تلاش بر مشکلات غلبه کنند. ۲. مقصود از «تنزیل» تأکیدی بر نزول قرآن از طرف خدایا اشاره به نزول تدریجی قرآن در طول ۲۳ سال برپیامبر صلی الله علیه و آله است. «۱» آری؛ قرآن برنامه‌ی زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان است، که می‌تواند هدایتگری برای رسیدن به اهداف الهی و تکیه‌گاهی برای استقامت در این راه باشد. «۲» ۳. برخی مشرکان همچون وَلید بن مُغیره و عُتبه بن رَبیعه و ابوجهل تلاش می‌کردند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را منحرف سازند و حتی به او پیشنهاد ثروت و زنان زیبا می‌دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله فریب آنان را نمی‌خورد، ولی قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله را از پیروی این کافران ناسپاس و گناهکار برحذر داشت، تا این سخن ره‌نمود و الگویی برای مبلغان و رهبران الهی باشد. ۴. در این آیات سفارش شده که خدا را در آغاز و پایان روز یاد کنید «۳» و در شب برای او سجده کرده، مقدار زیادی از شب نیز به تسبیح او سپری کنید. این دستورات اشاره به نمازهای صبح و عصر و مغرب یا نمازهای پنجگانه یا به اضافه‌ی نماز شب است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۷۹ البته مانعی ندارد که مقصود آیات فوق، توجه مستمر و شبانه‌روزی به خدای متعال باشد که نمازهای پنج گانه و نماز شب از مصادیق آنهاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن زمینه‌ساز شکیبایی، کفرستیزی و نیایش است. ۲. (مبلغان و رهبران الهی) در برابر مشکلات استقامت بورزند و از منحرفان پیروی نکنند. ۳. گناهکاری و ناسپاسی و کفر مانع رهبری است. ۴. به طور مستمر به یاد خدا باشید. ۵. آغاز و پایان روز و شبانگاه برای عبادت مناسبت‌تر است. ۶. شب برای سجده و تسبیح طولانی مناسب‌تر

است. *** قرآن کریم در آیات بیست و هفتم و بیست و هشتم سوره‌ی انسان با اشاره به دنیادوستی و آخرت‌گریزی کافران، به آنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۲۷ و ۲۸. إِنَّ هؤُلَاءِ یُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَیَذَرُونَ وَرَآءَهُمْ یَوْماً ثَقِیلًا* نَّحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِیلًا در حقیقت، اینان (زندگی دنیای) شتابان را دوست دارند، و روز گرانبار (قیامت) را پشت سرشان رها می‌کنند.* ما آنان را آفریدیم و پیوندهای وجودشان را محکم کردیم، و هنگامی که بخواهیم، همانندشان را کاملًا جای‌گزین می‌کنیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخت یا زمان طولانی آن و یا رسوایی‌های سنگین قیامت است. ۳. کافران از رستاخیز غافل می‌شوند، به گونه‌ای که گویا آن را پشت سر می‌اندازند. از این رو از رستاخیز به عنوان «روز پشت سر» یاد کرده است که در پی انسان می‌آید، هر چند واقعاً در آینده وجلوی انسان قرار دارد. «۱» ۴. «اسْر» به معنای بستن چیزی با زنجیر است، هم‌چون اسیر که او را می‌بندند و در این جا اشاره به استحکام پیوندهای وجودی انسان است که او را نیرومند می‌سازد. برخی از مفسران آن را اشاره به رشته‌های عصبی و عضلات بدن انسان دانسته‌اند که هم‌چون طناب‌های محکم بدن انسان را به یک‌دیگر بسته و مجموعه‌ی واحد و نیرومندی را سامان داده است. ۵. این آیات به کافران مخالف اسلام هشدار می‌دهد که اگر نعمت‌های الهی را ناسپاسی می‌کنند و بر کفر خود لجاجت می‌ورزند، بدانند که خدا از آنان بی‌نیاز است و می‌تواند اقوام دیگری را جای‌گزین آنها سازد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دنیادوستی و آخرت‌گریزی از صفات ناپسند است. ۲. دنیا زودگذر و آخرت سخت و سنگین است. ۳. در آفرینش و پیوندهای وجود خود بنگرید (و سپاسگزار باشید). ۴. اگر ناسپاسی و لجاجت کنید، خدا قوم دیگری را جای‌گزین شما می‌سازد. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸۱ قرآن کریم درآیات بیست و نهم تا سی و یکم سوره‌ی انسان به بیدارگری قرآن و آزادی انتخاب انسان‌ها و محرومیت ستمکاران از رحمت الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹– ۳۱. إِنَّ هذِهِ تَذْکِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَی رَبِّهِ سَبِیلًا* وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أن یَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ کَانَ عَلِیماً حَکِیماً* یُدْخِلُ مَن یَشَاءُ فِی رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِینَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً أَلِیماً در حقیقت، این (مطالب) یادآوری است و هر کس بخواهد، راهی به سوی پروردگارش برگزیند.* و (چیزی) نمی‌خواهید مگر این‌که خدا بخواهد، [چرا] که خدا دانایی فرزانه است.* هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، در رحمتش وارد می‌کند؛ و ستمکاران عذاب دردناکی برایشان آماده ساخته است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کتابی یادآور کننده و بیدارگر است و در مورد مطالب فطری تذکّر می‌دهد و انسان را با راه خدا آشنا می‌سازد. ۲. این آیات مانند آیه‌ی سوم این سوره بر آزادی اراده و انتخاب انسان تأکید کرده‌اند؛ یعنی انسان می‌تواند راه حق را انتخاب کند و سپاس‌گزار پروردگار باشد و یا راه ناسپاسی را در پیش گیرد و به سوی کفر گام بردارد. ۳. در این آیات به توحید افعالی اشاره شده است؛ یعنی همه‌ی کارها در نهایت به دست خداست و اوست که به همه‌ی انسان‌ها وجود و اراده می‌دهد و کسی بدون رخصت خدا نمی‌تواند هیچ گامی بردارد. ۴. مجموع این آیات در حقیقت به اصل اساسی «امر بین امرین» اشاره دارد؛ یعنی از طرفی انسان آزاد و مختار است و از طرف دیگر تحت اراده‌ی الهی است؛ نه همه‌ی کارها به انسان تفویض و واگذار شده‌اند و نه انسان مجبور است، بلکه راه میانه‌ای بین آن دو است؛ یعنی آزادی وابسته به اراده‌ی الهی است که هر لحظه می‌تواند آن را باز پس گیرد. آری؛ خدا بر تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸۲ اساس علم و حکمت خود سرنوشت انسان را سامان داده است تا راه تکامل را آزادانه و تحت نظر الهی بپیماید. پس آیه‌ی فوق دلالت بر جبر ندارد، «۱» به ویژه آن که در آیه‌ی قبل از آن و آیه‌ی سوم همین سوره سخن از آزادی اراده‌ی انسان در انتخاب راه هدایت است. ۵. انسان‌ها دو گروه هستند: الف) کسانی که شایسته‌ی دریافت رحمت الهی‌اند، چون در راه ایمان و عمل صالح گام برداشته و زمینه‌های دریافت رحمت الهی را فراهم کرده‌اند. ب) کسانی که ستمکاری نموده، سزاوار عذاب الهی‌اند و شایستگی دریافت رحمت الهی را ندارند و خود را از رحمت الهی محروم کرده‌اند. آری؛ خدا براساس علم وحکمت خود، رحمتش را از ستمکاران دریغ می‌دارد و به مؤمنان شایسته می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن یادآور (حقایق فطرت و عقل) انسان است. ۲. انسان انتخابگر و آزاد است. ۳. آزادانه به سوی خدا گام بردارید. ۴. توحید افعالی بر اراده‌ی شما سایه افکنده است. ۵. اراده‌ی شما بدون

خواست خدا کارکردی ندارد. ۶. اراده‌ی خدا تابع علم و حکمت اوست. ۷. ستمکاری عامل محرومیت انسان از رحمت الهی است (پس شما این‌گونه نباشید). ۸. ستمکاری زمینه‌ساز عذاب دردناک الهی است. ۹. هرکس شایسته و مطلوب خدا باشد، از رحمت الهی استفاده می‌کند (پس شما این‌گونه باشید). تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸۳

بخش شانزدهم: سوره‌ی ضحی

اول

کلیات

کلیات: سوره‌ی «مُرسلات» در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۵۰ آیه، ۱۸۱ کلمه و ۸۱۶ حرف است. این سوره سی و دومین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی «هُمَزه» و قبل از سوره‌ی «ق») و هفتاد و هفتمین سوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «مُرسلات» و «العُرف». در نام‌گذاری این سوره از آیه‌ی اول آن الهام گرفته شده است.

فضیلت

فضیلت: در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی مرسلات را قرائت کند، خدا او را با محمد صلی الله علیه و آله آشنا می‌سازد. «۱» البته این آثار سوره در مورد کسانی است که علاوه بر قرائت سوره، در محتوای آن تدبّر کنند تا با شخصیت و تعالیم و راه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آشنا شوند.

اهداف

اهداف: مهم‌ترین محور سوره‌ی مرسلات واقعه‌ی رستاخیز و مقدمات و حالات افراد در آن روز است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸۶

مطالب

مطالب: الف) عقاید: ۱. یادآوری قیامت و توصیف مَحشر (در آیات ۷- ۱۴ و ۲۹- ۴۰)؛ ۲. بیان گوشه‌ای از نعمت‌های بهشتی برای پارسایان (در آیات ۴۱- ۴۴). ب) داستان: اشاره به سرنوشت دردناک اقوام پیشین (در آیات ۱۶- ۱۸). ج) مطالب فرعی: ۱. اشاره‌ای به خلقت انسان (در آیات ۲۰- ۲۳)؛ ۲. اشاره‌ای به زمین و نعمت‌های آنان (در آیات ۲۵- ۲۷)؛ ۳. هشدارهایی به مجرمان (در آیات ۴۶- ۵۰). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸۷

دوم

دوم: محتوای سوره‌ی مرسلات قرآن کریم درآیات اول تا هفتم سوره‌ی مُرسلات با سوگندهای متعدد به حتمی بودن وعده‌های الهی و رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۷. وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفاً* فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفاً* وَالنَّاشِرَاتِ نَشْراً* فَالْفَارِقَاتِ فَرْقاً* فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْراً* عُذْراً أَوْ نُذْراً* إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ سوگند به فرستاده شدگان پیاپی!* و توفندگان توفنده!* و سوگند به گسترانندگان گسترانند‌ه!* و جداسازان جدا کننده!* و به یادافکنان،* برای (قطع) عذر یا هشدارگری!* قطعاً، آنچه بدان وعده داده می‌شوید، واقع شدنی است؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد آیات فوق دو تفسیر مشهور وجود دارد: الف) این آیات اشاره به بادهایی است که

پی‌درپی می‌وزند و شدیداً حرکت می‌کنند و ابرها را می‌گسترانند و (باران حیات‌بخش را روانه‌ی زمین می‌کنند و بعد از آن) ابرها را جدا می‌سازند و انسان را به یاد خدا می‌اندازند. ب) این آیات اشاره به فرشتگان الهی است که پی‌درپی به سوی پیامبران فرستاده می‌شوند و با سرعت به دنبال مأموریت خویش می‌روند و کتاب‌های آسمانی را در برابر پیامبران می‌گسترانند و حق را از باطل جدا می‌سازند و ذکر (حق و آیات الهی را به پیامبران و از جمله قرآن را به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) القا می‌کنند. البته مانعی ندارد که این آیات به هر دو معنا اشاره داشته باشند؛ یعنی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸۸ فرشتگان و بادها هر دو مصداق این آیات و مورد سوگند باشند. «۱» ۲. سوگند خدا به چیزی نشان دهنده‌ی اهمیت آن مطلب و تأکید زیاد برچیزی است که به آن سوگند یاد شده است؛ یعنی می‌خواهد توجه انسان را به آن چیز جلب کند، و گرنه سخن خدا نیازی به سوگند ندارد. ۳. وعده‌های الهی حق است و واقع می‌شود؛ مانند رستاخیز یا تمام وعده‌های الهی در مورد نیکان و بدان، هرچند با توجه به آیات بعد در این جا رستاخیز مقصود است. ۴. در این آیات استدلال مستقیم برای معاد نشده، اما به بادهایی اشاره شده است که باران‌زا و حیات‌بخش‌اند و زمین مرده را زنده و رستاخیزی محسوس برپا می‌کنند. و نیز به فرشتگان اشاره شده که آیات الهی را هم‌چون قطرات حیات‌بخش بردل‌های پیامبران نازل می‌کنند تا روح مرده‌ی مردم را زنده سازند و صحنه‌ای از رستاخیز معنوی را به نمایش می‌گذارند. ۵. مقصود از «ذکر» دانش‌های است که به پیامبران عطا شده یا آیاتی که برآنان نازل شده است و یا منظور قرآن کریم است که یکی از نام‌های آن ذکر است و توسط فرشتگان الهی با رهبری جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می‌شود. ۶. یاد (خدا و آیات الهی) نقش بیدارگر دارد و هدف آن هشدار دادن به مردم است، ولی اگر کسانی لجاجت کردند و به هشدارها توجه نکردند، همین هشدارها اتمام حجّتی بر آنهاست و از بهانه‌تراشی آنان در رستاخیز جلوگیری می‌کند؛ یعنی نمی‌توانند بگویند که ما از آیات الهی خبر نداشتیم. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۸۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به نقش بادها در طبیعت نظر کنید و خداشناس و معادشناس شوید. «۱» ۲. به نقش فرشتگان در نزول آیات الهی نظر کنید و خداشناس و معادشناس شوید. «۲» ۳. یاد (خدا و آیات او) هشدارگر یا عذرشکن است. ۴. در تحقق وعده‌های الهی تردید نکنید که رستاخیز حتمی است. *** قرآن کریم درآیات هشتم تا پانزدهم سوره‌ی مرسلات با بیان نشانه‌های هولناک رستاخیز، به تکذیب گران هشدار داده، می‌فرماید: ۸- ۱۵. فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ* وَإِذَا السَّماءُ فُرِجَتْ* وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ* وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ* لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ* لِيَوْمِ الْفَصْلِ* وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ* وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ و هنگامی که ستارگان محو شوند،* و هنگامی که (کرات) آسمان شکافته شود،* و هنگامی که کوه‌ها برکنده و پراکنده شوند،* و هنگامی که فرستادگان (برای گواهی) وقت داده شوند.* برای چه روزی مدت معین شده است؟!* برای روز جدایی (: رستاخیز).* و چه چیز تو را آگاه کرد که روز جدایی چیست؟!* در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از این آیات و آیات دیگر قرآن «۳» که حوادث آستانه‌ی رستاخیز را بیان می‌کنند، استفاده می‌شود که در آن روز حوادث هولناکی اتفاق می‌افتد و نظام کیهانی و صحنه‌ی طبیعت درهم می‌ریزد و نظم و نظام نوینی بر جهان حاکم می‌شود و رستاخیز آغاز می‌گردد. در آن روز ستارگان خاموش و کرات آسمانی از هم شکافته می‌شوند و کوه‌ها تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۰ متلاشی و از جاکنده می‌شوند؛ حوادث عظیمی که با هیچ بیانی قابل وصف نیست. ۲. در این آیات و آیات دیگر قرآن «۱» به گواهی دادن پیامبران در مورد امت خویش اشاره شده است. البته این گواهی دادن وقت خاصی دارد؛ یعنی در رستاخیز برای هر پیامبری نوبت می‌زنند تا در آن وقت حاضر شود و گواهی دهد که مردمش چه کارهایی انجام دادند. ۳. یکی از نام‌های رستاخیز «یوم الفَصل» (روز جدایی) است؛ روز جدایی حق از باطل، مؤمن از کافر و نیکوکار از بدکار. ۴. عظمت رستاخیز و حوادث آن به حدی است که حتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز از عمق حقایق آن به درستی آگاه نیست، چه رسد به دیگران. آری؛ اطلاع از تمام اسرار رستاخیز برای ما انسان‌های زندانی قفس دنیا و مادیات ممکن نیست بلکه شبحی از آن حقایق را می‌بینیم. ۵. «وَيْل» به معنای هلاکت، انواع عذاب یا وادی پرعذابی در دوزخ است و اشاره به حوادث اسفناکی است که در این جا

به سرنوشت دردناک و عذاب‌آلود تکذیب‌کنندگان رستاخیز اشاره دارد. «۲» ۶. وای به حال تکذیب کنندگان رستاخیز؛ زیرا انکار معاد راه هرگونه ظلم و فساد را برانسان می‌گشاید و او را به عذاب و دوزخ می‌کشاند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آستانه‌ی رستاخیز نظام جهان درهم فرو می‌ریزد (و نظم نوینی حاکم می‌شود). ۲. در رستاخیز کارها به نوبت انجام می‌شود. ۳. پیامبران از جمله گواهان اعمال در رستاخیز هستند. ۴. رستاخیز روز جدایی‌هاست (پس خود را برای آن روز آماده سازید). ۵. تکذیب‌گران در رستاخیز سرنوشت اسفناکی دارند (پس شما از این گروه نباشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۱ قرآن کریم درآیات شانزدهم تا نوزدهم سوره‌ی مرسلات به قانون تاریخی هلاکت مجرمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶- ۱۹. أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ* ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الآخِرِينَ* كَذلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ* وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ آیا (ملت‌های) نخستین را هلاک نکرده‌ایم؟!* سپس پسینیان را به دنبال آنان (هلاک) می‌گردانیم.* با خلافکاران این چنین می‌کنیم.* در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یک قانون و سنت الهی در مورد اقوام سرکش و خلافکار است، «۱» که خدا اقوام خلافکاری هم‌چون عاد و ثمود و قوم نوح و لوط و فرعون را هلاک می‌کند و اقوام دیگری را جانشین آنان می‌سازد. این قانون در طول تاریخ بوده و در آینده نیز جاری خواهد شد. ۲. مقصود از اقوام اولین تمام اقوام پیشین، هم‌چون عاد و ثمود هستند که به عذاب الهی گرفتار شدند و منظور از اقوام دیگر که به دنبال آنان آمده‌اند ملت‌های بعدی هستند که جانشین آنان شده یا می‌شوند. «۲» ۳. بیان خلافکاری اقوام پیشین در حقیقت اشاره به دلیل هلاکت آنان است؛ یعنی عذاب الهی جنبه‌ی انتقام‌جویی ندارد بلکه تابع اصل حکمت و استحقاق خلافکاران است. ۴. جمله‌ی «وای بر تکذیب‌گران در روز رستاخیز» برای تأکید بر مطلب است. «۳» آری؛ خدا خلافکاران را در دنیا این‌گونه هلاک کرد، پس باید تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۲ تکذیب‌گران از سرنوشت آنان عبرت بیاموزند و دست از لجاجت بردارند؛ زیرا ممکن است آنان نیز دردنیا گرفتار عذاب الهی شوند و درآخرت نیز عذاب بزرگ‌تری در انتظار خلافکاران تکذیب‌گر است؛ پس وای برحال آنان. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هلاکت ملت‌های سرکش و خلافکار در طول تاریخ، قانونمند است. ۲. خلافکاری و تکذیب‌گری از عوامل نابودی ملت‌هاست. ۳. از هلاکت خلافکاران ملت‌های پیشین درس عبرت بگیرید و راه آنان را ادامه ندهید. ۴. خلافکاران تکذیب‌گر در دنیا و آخرت گرفتار عذاب می‌شوند. *** قرآن کریم در آیات بیستم تا بیست و چهارم سوره‌ی مرسلات با اشاره به نشانه‌های قدرت خدا در آفرینش انسان، بار دیگر به تکذیب گران هشدار داده، می‌فرماید: ۲۰- ۲۴. أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِن مَاءٍ مَهِينٍ* فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ* إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ* فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ* وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ آیا شما را از آبی پست نیافریده‌ایم،* و آن را در جایگاه استوار [رحم قرار دادیم،* تا اندازه‌ی معین؟!* و توانا بودیم و چه خوب تواناییم!* در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم بارها با اشاره به مراحل آفرینش انسان، «۱» در مورد معاد از آن نتیجه‌گیری کرده است؛ یعنی با بیان مراحل شگفت‌انگیز و دقیق آفرینش انسان، قدرت خدا را اثبات کرده است؛ خدایی که قادر است از آبی تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۳ پست، انسانی زیبا و کامل به وجود آورد و به او حیات ببخشد، توانایی دارد که در رستاخیز دوباره انسان را زنده کند. ۲. در این آیات از نطفه‌ی زن و مرد با عنوان آبی پست و ناچیز یاد شده است که مردم از آن تنفر دارند، ولی خدا همین نطفه را به کودکی زیبا و کامل تبدیل می‌کند که همه آن را دوست دارند. آری؛ همه‌ی این‌ها نشانه‌های قدرت خداست. ۳. در این آیات از «رحم» مادر با عنوان قرارگاه محفوظ یاد شده است؛ یعنی کودک در رحم مادر قرار می‌گیرد تا توسط استخوان‌های کمر و لگن از هرگونه آسیب احتمالی محفوظ بماند و در آن جاست که کودک آرام و قرار گرفته است. آری؛ همه‌ی این‌ها از نشانه‌های قدرت خداست. ۴. مدّت بارداری و قرارگرفتن کودک در رحم مادر کاملًا معین است؛ یعنی زمان‌بندی مسیرتکاملی کودک از پیش قابل اندازه‌گیری و مشخص شده است و همه‌ی این‌ها نشانه‌ی قدرت خداست. ۵. برخی انسان‌ها این نشانه‌های قدرت خدا را می‌بینند، ولی باز هم آیات الهی و معاد را انکار و خود را گرفتار عذاب می‌کنند؛ وای برحال این تکذیب‌گران. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با جنین‌شناسی، خداشناس و معادشناس شوید. ۲. قرار گرفتن جنین (در رحم) ومدت

آن از نشانه‌های قدرت خداست. ۳. از قدرت خدا در آفرینش انسان به قدرت او در مورد رستاخیز پی ببرید و آن را انکار نکنید. ۴. وای برحال کسانی که نشانه‌های قدرت خدا (برای آفرینشگری و معاد) را ببینند و تکذیب کنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۴ قرآن کریم درآیات بیست و پنجم تا بیست و هشتم سوره‌ی مرسلات با اشاره به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی طبیعت، به تکذیب‌گران هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۲۵ – ۲۸. أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتاً* أَحْيَاءً وَأَمْوَاتاً* وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُم مَاءً فُرَاتاً* وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ آیا زمین را قرار نداده‌ایم فراگیرنده‌ی* زندگان و مردگان؟!* و در آن [کوه‌های استوار [و] بلندی قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشاندیم.* در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به قدرت خدا در آفرینش زمین، کوه‌ها و آب گوارا اشاره شده است تا نشان دهد که خدایی که قادر است در صحنه‌ی طبیعت این موجودات عظیم را با این ویژگی‌ها بیافریند، می‌تواند بار دیگر شما را در رستاخیز زنده گرداند. ۲. «کِفات» در اصل به معنای جمع کردن و ضمیمه کردن چیزهاست و به پرواز سریع پرندگان نیز کفات گفته می‌شود. بنابراین آیه‌ی فوق دو تفسیر خواهد داشت: الف) زمین محل جمع‌آوری مردگان و زندگان است؛ زمینی که نیازهای انسان زنده را در اختیارش می‌گذارد و آماده‌ی دفن مردگان است و عفونت‌های آنها را به خود می‌گیرد. ب) زمین همچون پرنده‌ای با سرعت حرکت می‌کند که از نشانه‌های قدرت خداست. البته با توجه به سیاق آیات که سخن از مردگان و زندگان است، معنای اول مناسب‌تر است. ۳. در این آیات چند ویژگی برای کوه‌ها بیان شده است: الف) استوار هستند و همچون زره‌ای زمین را در بر گرفته، در برابر فشارهای داخلی زمین و نیز فشارهای خارجیِ نیرویِ جاذبه‌ی کرات تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۵ دیگر، ایستادگی می‌کنند و برای اهل زمین آرامش به ارمغان می‌آورند. ب) بلند قامت هستند و جلوی طوفان‌های عظیم را می‌گیرند. ۴. یکی از نشانه‌های قدرت خدا نوشاندن آب گوارا به انسان است؛ آبی که از باران و چشمه‌های کوه‌ها به دست می‌آید. ۵. در این آیات نیز بار دیگر به تکذیب‌گران هشدار داده شده که چرا از این نشانه‌ها به قدرت خدا برای تجدید حیات انسان پی نمی‌برید و با تکذیب معاد و آیات الهی، خود را گرفتار عذاب می‌کنید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات زمین‌شناسی و طبیعت‌شناسی به خداشناسی و معادشناسی برسید. ۲. از آفرینش زمین، کوه‌ها و آب‌ها به قدرت خدا پی ببرید. ۳. از قدرت خدا در صحنه‌ی طبیعت به قدرت او برای رستاخیز پی ببرید و آن را انکار نکنید. ۴. وای به حال کسانی که قدرت خدا را ببینند و معاد را تکذیب کنند. *** قرآن کریم در آیات بیست و نهم تا سی و چهارم سوره‌ی مرسلات به ویژگی‌های آتش دوزخ اشاره می‌کند و با هشدار به تکذیب‌گران می‌فرماید: ۲۹– ۳۴. انطَلِقُوا إِلَى مَا كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ* انطَلِقُوا إِلَى ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ* لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ* إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ* كَأَنَّهُ جِمَالَةٌ صُفْرٌ* وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (گفته می‌شود:) به سوی چیزی که آن را تکذیب می‌کردید شتابان بروید.* به سوی سایه‌ی سه شاخه‌ی (آتش) شتابان بروید!* سایه‌ای که پایدار (و فرح‌بخش) نیست و شعله (ی آتش) را دفع نمی‌کند؛* که آن (آتش) شراره‌هایی همچون قصری (عظیم) می‌افکند؛* چنان‌که گویی (خصوصیات) آن (همچون) شتران زرد است.* در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان! تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات ویژگی‌های آتش دوزخ چنین بیان شده است: الف) دارای سایه‌ای سه‌شاخه است؛ ب) سایه‌ی آتش دوزخ آرام‌بخش و مانع حرارت شعله‌ها نیست؛ ج) از آتش دوزخ شراره‌هایی بیرون می‌جهد که مانند کاخ بزرگ و همانند شتر زرد رنگ است. ۲. این آیات ممکن است سخن خدا باشد که مستقیماً به دوزخیان خطاب می‌کند، یا سخنان فرشتگان عذاب است که در قرآن از آنها نقل شده است؛ ولی در هر صورت این سخنان سرزنش آمیز خود نوعی عذاب روانی برای دوزخیان‌اند. ۳. دوزخیان کسانی هستند که همواره معاد را انکار و تکذیب می‌کردند، ولی در قیامت گرفتار آتش شرربار می‌شوند و هیچ سایه و پناهگاهی نخواهند داشت؛ وای برحال این تکذیب گران! ۴. در این آیات دو ویژگی برای سایه‌ی آتش دوزخ بیان شده است: الف) آن سایه سه شاخه دارد؛ یعنی دود غلیظی است که از بالای سر و راست و چپ دوزخیان را احاطه می‌کند. آری؛ همان طور که آنان اساس سه گانه‌ی دین، یعنی توحید، نبوت و معاد را انکار

می‌کردند، در آخرت گرفتار سایه‌ی عذاب‌آور سه‌شاخه می‌شوند. ب) آن سایه هم‌چون سایه‌های دنیوی نیست که آرام‌بخش باشد و جلوی حرارت خورشید را بگیرد، بلکه سایه‌ای است سوزان و خفقان‌آور که حرارت شعله‌های آتش دوزخ را دفع نمی‌کند. «۱» ۵. در این آیات جرقه‌های آتش دوزخ به کاخ‌های بزرگ و شتران زرد رنگ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۷ تشبیه شده‌اند. تشبیه جرقه‌های آتش به کاخ‌ها از آن جهت جالب است که همین کاخ‌های ستمگران در دنیا منشأ شعله‌های آتش دوزخ خواهند شد. و تشبیه جرقه‌ها به شتران زرد از آن جهت است که شراره‌های آتش زرد رنگ‌اند و به سرعت پراکنده می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شراره‌های آتش دوزخ بزرگ و هولناک‌اند (پس مراقب اعمال خویش باشید). ۲. منکران معاد گرفتار چیزی می‌شوند که همواره آن را دروغ می‌انگاشتند. ۳. رستاخیز روز سختی برای مخالفان دین است. *** قرآن کریم در آیات سی و پنجم تا چهلم سوره‌ی مرسلات به ویژگی‌های رستاخیز مثل ممنوعیت سخن گفتن و بی‌چارگی افراد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۵- ۴۰. هذَا يَوْمُ لَا يَنطِقُونَ* وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ* وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ* هذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ* فَإِن كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ* وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ این روزی است که سخن نمی‌گویند،* و به آنان رخصت (عذرخواهی) داده نمی‌شود و عذرخواهی نمی‌کنند.* در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان!* (گفته می‌شود:) این روز جدایی است که شما و پیشینیان را جمع‌آوری کردیم؛* و اگر برای شما نیرنگی است پس [به من نیرنگ زنید.* در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به چند نام و ویژگی رستاخیز اشاره شده است: الف) روزی است که تکذیب‌گران، حقّ سخن گفتن و عذرخواهی ندارند؛ ب) روز جدایی‌هاست؛ ج) در قیامت همه‌ی انسان‌های نخستین و نسل‌های بعدی جمع می‌شوند؛ تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۸ د) روز بی‌چارگی است که هیچ نقشه و حیله‌ای کارساز نیست. ۲. در این آیات بیان شده که تکذیب‌گران در رستاخیز سخن نمی‌گویند، در حالی که در برخی دیگر از آیات قرآن سخنان دوزخیان و کافران را حکایت کرده است. این به خاطر آن است که در رستاخیز ایستگاه‌ها و مواقف متعددی وجود دارد که در برخی از آن ایستگاه‌ها به افراد اجازه‌ی سخن گفتن داده می‌شود و در برخی اجازه داده نمی‌شود. آری؛ کسانی که در دنیا سخن‌پراکنی می‌کردند و به پیامبران تهمت می‌زدند و معاد را ریشخند می‌کردند، در رستاخیز اجازه‌ی سخن گفتن نمی‌یابند. ۳. به تکذیب‌گران در رستاخیز اجازه‌ی عذرخواهی داده نمی‌شود. روشن است که اگر آنان عذر موجهی داشتند، خدا براساس عدل خود اجازه‌ی سخن گفتن و دفاع به آنان می‌داد، ولی این افراد عذر موجهی ندارند تا مطرح کنند؛ «۱» از این رو به آنان اجازه‌ی سخن گفتن داده نمی‌شود و همین مطلب نوعی عذاب و شکنجه برای مجرمان است. ۴. در این آیات از یک طرف بیان شده که رستاخیز روز جدایی‌هاست و از طرف دیگر بیان شده که همه‌ی مردم در رستاخیز جمع می‌شوند؛ پس رستاخیز روز وصل و جمع است؛ این دو چگونه با هم سازگاراست؟ رستاخیز در یک مقطع، روزِ اجتماع همه‌ی مردم و همه‌ی نسل‌هاست که در دادگاه بزرگ الهی جمع می‌شوند تا به حساب آنان رسیدگی شود. ولی در مقطع دوم، روز جدایی است؛ چون حق از باطل و کافر از مؤمن و بهشتیان از دوزخیان جدا می‌شوند و هرکدام به راه خویش می‌روند. «۲» ۵. «کَیْد» به معنای چاره‌جویی است؛ که گاهی نیکو و گاهی نکوهیده تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۳۹۹ است؛ یعنی کافران تکذیب‌گر در رستاخیز هیچ چاره‌ای ندارند؛ چون در قیامت اسباب و وسایل قطع می‌شود و کسی نمی‌تواند با پرداخت تاوان یا رشوه از حساب و کیفر الهی بگریزد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز عذرخواهی و سخن‌پراکنی و چاره‌جویی و حیله‌بازی نیست. ۲. رستاخیز روز گرد آمدن همه‌ی مردم است. ۳. رستاخیز روز جدایی‌هاست (پس هر کس باید به فکر اعمال خویش باشد). ۴. (منکران معاد) تا هنگامی که اجازه‌ی سخن گفتن دارند و فرصت چاره جویی هست، فکری بکنند، وگرنه وای برحال آنان در رستاخیز. *** قرآن کریم درآیات چهل و یکم تا چهل و چهارم سوره‌ی مرسلات به فرجام نیکوی پارسایان نیکوکار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۱- ۴۴. إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ* وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ* كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئاً بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ* إِنَّا كَذلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ در حقیقت، خودنگه‌داران در سایه‌های (درختان بهشتی) و چشمه‌ساران‌اند،* و میوه‌هایی از

آنچه میل دارند.* بخورید و بیاشامید؛ گوارا! به خاطر آنچه انجام می‌دادید.* در واقع، ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه و مقابله است؛ یعنی سرنوشت دو گروه مخالف را در برابر هم‌دیگر به تصویر می‌کشد تا مردم بتوانند راه خود را آگاهانه انتخاب کنند؛ در آیات پیشین سرنوشت عذاب‌آلود کافران تکذیب‌گر، و در این آیات سرنوشت بهشتی مؤمنان پارسا بیان شده است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۰ ۲. در این آیات بر سه صفت «تقوا، نیکوکاری و عمل مستمر» تأکید شده است. این تأکید برای آن است که پارسایی، نیکی و عمل صالح مستمر از عوامل ورود به بهشت است. مؤمنی که از گناه و شرک می‌پرهیزد و عمل صالح انجام می‌دهد و به دیگران نیکی می‌نماید، بهشتی خواهد شد. ۳. در این آیات از میان نعمت‌های بهشتی به چند نعمت اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) سایه‌های آرام بخش بهشت؛ ب) چشمه‌ساران دل‌نواز بهشت؛ ج) میوه‌هایی از هر نوع که دوست دارید؛ د) تشویق بهشتیان به خوردن و نوشیدن گوارا. البته روشن است که الفاظ محدود انسان‌ها نمی‌تواند حقایق بهشت را آن گونه که هست بیان کند و فقط تصویری مبهم از آنها بیان می‌کند. ۴. «هَنیئاً» به چیزی گفته می‌شود که ناراحتی به دنبال ندارد و به آب و غذای بهشتی نیز از آن جهت هنیئاً گفته می‌شود که بر خلاف برخی از غذاهای دنیوی، آثار سوئی برای بدن ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید از نعمت‌های بهشتی بهره‌مند شوید، پارسا، اهل عمل و نیکوکار باشید. ۲. بهشت را به بها می‌دهند، نه به بهانه. ۳. قانون الهی آن است که هیچ نیکوکاری را بدون پاداش نمی‌گذارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۱ قرآن کریم درآیات چهل و پنجم تا پنجاهم سوره‌ی مرسلات با اشاره به بی‌نمازی و فرصت اندک مجرمان تکذیب‌گر به آنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۵-۵۰. وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ* کُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِیلًا إِنَّکُم مُجْرِمُونَ* وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ* وَإِذَا قِیلَ لَهُمُ ارْکَعُوا لَا یَرْکَعُونَ* وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ* فَبِأَیِّ حَدِیثٍ بَعْدَهُ یُؤْمِنُونَ در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان!* (و به مجرمان گفته می‌شود:) بخورید و اندکی بهره‌مند شوید، که شما خلافکارید.* در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان!* و هنگامی که به آنان گفته شود رکوع کنید، رکوع نمی‌کنند.* در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان!* پس بعد از آن (قرآن) به کدام سخن ایمان می‌آورند؟! شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به قبیله‌ی ثقیف گفت: نماز بخوانید! ولی آنان گفتند: ما هرگز در برابر کسی خم نمی‌شویم و این برای ما عیب است و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دینی که رکوع و سجود در آن نباشد، خیری در آن نیست و آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمده است. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از مدت اندکی که خلافکاران بهره‌مند می‌شوند، همان عمر کوتاه آنان در دنیاست که مقدار کمی از نعمت‌های الهی را مصرف می‌کنند، سپس از دنیا می‌روند و گرفتار عذاب جاودان می‌شوند. «۲» ۲. خلافکاری و تکذیب‌گری و ترک نماز از عوامل عذاب افراد است. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۲ ۳. کافران تکذیب‌گر و خلافکار حاضر نبودند در برابر خدا رکوع کنند؛ چون متکبر بودند و نمی‌خواستند در برابر خدا تسلیم شوند و حقوق پیامبر صلی الله علیه و آله و مردم را به رسمیت بشناسند و همین غرور و تکبر، یکی از عوامل کفر و ظلم و سرکشی آنان بود. ۴. این آیات کافران را سرزنش می‌کنند که اگر شما به قرآن ایمان نمی‌آورید، بعد از آن می‌خواهید به چه کتابی ایمان بیاورید، در حالی که قرآن معجزه است و دلایل صدق و حقانیت آن آشکار شده است و هیچ کتاب دیگری مانند آن نیست، اگر شما همین طور لجاجت کنید، در برابر هیچ منطقی تسلیم نخواهید شد. بَعدِ قرآن پس ز گفتار و کلام بگروند ایشان به گفتار کدام (مجد) ۵. در این سوره ده بار جمله‌ی «وای برتکذیب کنندگان» تکرار شده است. این تکرارها یا برای تأکید بر مطالب این سوره است یا آن که هر مورد از آن اشاره به نکته‌ی جدیدی است؛ یعنی به تکذیب مطالب آیات قبل از آن اشاره دارد؛ بنابراین تکرای در کار نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خلافکاری و تکذیب کردن (معاد) و بی‌نمازی از عوامل عذاب است. ۲. خلافکاران فرصت اندکی دارند (و به زودی گرفتار عذاب الهی می‌شوند، پس هرچه زودتر بیدار شوند و بازگردند). ۳. اگر کسی به قرآن ایمان نیاورد، زیر بار هیچ منطقی نخواهد رفت. ۴. یکی از نشانه‌های معادناباوری، ترک نماز است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۳

منابع

منابع «کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبهٔ العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبهٔالدین شهرستانی، مطبعهٔ الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیهٔ، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۴ ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفهٔ حجج اللّه علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافهٔ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسهٔ التمهید، قم، الطبعهٔ الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسهٔ الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب اللّه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر والمفسّرون، دکتر محمد حسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۵ و موسسه الامیان بیروت، بی‌تا. ۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبهٔ النینوی الحدیثهٔ، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد اللّه مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۳۷. الـدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الـدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السـیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالهٔ الذهبیهٔ (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بـدر الدین محمد بن عبداللّه، دار المعرفهٔ، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصـحیفهٔ السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصـراط المسـتقیم الی سـتحقی التقـدیم، علی بن یونس نباطی بیاضـی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشـرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضـوء و اللون فی القرآن الکریم، نـذیر حمـدان، دمشق- بیروت، دار ابن کـثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنهٔ و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقهٔ الاسلام کلینی، محمـد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفـاری، دارالکتب الاسـلامیهٔ، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبداللّه، دارالکتب الاسلامیهٔ، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیـاء الـتراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریـب القرآن، ابوالقـاسم حسـین بن محمـد راغب اصـفهانی، تهران، المکتبهٔ الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شـحاته، ترجمه سـید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشـر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسـطی، مطبعهٔ الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحارالانوار الجامعـهٔ لدرر اخبار الائمهٔ الاطهار علیهم السـلام، علامه مجلسـی، تفسـیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۶ (مجلسـی دوم) محمد باقر، مؤسـسهٔ الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الـدرجات الکبری فی فضائل آل محمـد صـلی الله علیه و آله، صـفار، محمـد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیهٔ اللّه مرعشـی نجفی، چـاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکـای، موریس، ترجمه مهنـدس ذبیـح اللّه دبیر، مقـایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشـر فرهنـگ اسـلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشـتمل بر آداب الصلوهٔ، امـام خمینی، سـید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشـی در تاریـخ قرآن کریم، دکتر سـید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشـر فرهنگ اسـلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرهٔ فی فضائل العترهٔ الطاهرهٔ، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسـیله، روح اللّه موسوی خمینی قـدس سـره، قم، موسـسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صـلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شـعبه، مؤسـسه نشـر اسـلامی وابسـته به جامعه مدرسـین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسـیر آسان (منتخب از تفاسـیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسـیر اثنی عشـری، حسـین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشـارات میثـاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسـیر احسن الحدیث، سـید علی اکبر قرشـی، تهران، واحد تحقیقات اسـلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسـیر اطیب البیان فی تفسـیر القرآن، سـید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشـارات اسـلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسـیر البرهـان فی تفسـیر القرآن، سـید هـاشم حسـینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیـان فی تفسیر القرآن، ابـو جعفر محمـد بن الحسن علی الطوسـی (م تفسیر قرآن مهر جلـد بیست و یکم، ص: ۴۰۷ ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسـیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعـارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسـیر الجواهر الثمین فی تفسـیر الکتاب المبین، سـید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبـهٔ الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسـیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسـیر الحبری، ابو عبداللّه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسهٔ آل البیت علیهم

السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنهٔ، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللّٰه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعهٔ و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیهٔاللّٰه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۸ ۸۴. تفسیر بیان السعادهٔ فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللّٰه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجهٔ التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجهٔ بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح اللّٰه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۰۹ ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می‌باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته

است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفة، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبداللّه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبة الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۱۰ ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللّه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللّه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرةالمعارف اسلامیة، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف (مجموعة ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبة الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمة علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللّه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۱۱ ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبة الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسة علوم القرآن، دمشق، الطبعة السابعة، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی

فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح اللَّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسهٔ توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللَّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ للطباعهٔ و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیرهٔ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبهٔ العربیهٔ، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبهٔ اللَّه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللَّه قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابوعبداللَّه محمدبن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۱۲ الثراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمهٔ للطباعهٔ والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدهٔ الداعی، ابن فهد حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبهٔ الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیهٔ اللَّه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبداللَّه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۱۳ ۱۶۹. کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبهٔ بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایهٔ الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن

مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت:، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیهٔ اللّه علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. تفسیر قرآن مهر جلد بیست و یکم، ص: ۴۱۴ ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیهٔ اللّه حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجرهٔ، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری

شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه

می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹